

۱۳۸/۶/۱



سلسله جلسات

مسجد و اداره جامعه



عنوان جلسه ششم:

مفاهیم پایه مسجد

(بخش سوم)

محورهای جلسه:

۱. روایات سیاقی فهم حدود کبیر صلات کدامند؟
۲. دلیل اهمیت روایات ساختاری شارع چیست؟
۳. تبویب مختار مدرسه هدایت مبتنی بر چه اصولی است؟

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

خرداد ۱۴۰۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش رو ویرایش اول صد و سی هشتمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده ی گفت و گوی حجة الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در ششمین جلسه دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه" با موضوع "مفاهیم پایه مسجد" (بخش سوم) می باشد. این سخنرانی در جمع برخی از فضلاء حوزه علمیه قم در بنیاد هدایت و در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۲ برگزار شده است.

مفاهیم پایه مسجد

مقدمه

دوازده مفهوم پایه صلاة، نتیجه جمع دلالتی دو دسته از روایات

- دسته اول: هفت مفهوم از باب فرض
- دسته دوم: پنج مفهوم از باب سنت

روایات ساختاری مربوط به فرائض خمسسه: سیاق فهم حدود کبیر صلاة

مثال: روایت جناب ابن قولویه از سعد ابن عبدالله از حضرت آقا امیرالمؤمنین علیه السلام بحارالانوار ج ۶۵ ص ۳۸۷

نماز، روزه، حج، زکات و ولایت: مهم ترین فرائض الهی در اسلام

ثمره توجه به روایات ساختاری: منظم شدن ذهن مخاطب و فهم دقیق وزن و جایگاه هر مسئله در منظومه معارف اسلامی

جایگاه ولایت نسبت به دیگر ارکان چهارگانه

مفتاح و کلید تحقق آنهائست المحاسن ج ۱ ص ۲۸۶ / الکافی ج ۲ ص ۱۸

حافظ و نگهدارنده آنهائست بحارالانوار ج ۶۵ ص ۳۸۷

حفظ کننده از بدعت و تحریف

اهمیت روایات ساختاری شارع به دلیل اهمیت منطق تبویب

دو اشکال مهم بعضی کتابهای فقهی مانند شرایع الاسلام و جواهر الکلام: ۱. عدم توجه به روایات ساختاری و ارائه خطی مباحث از طهارت تا دیات ۲. سختی یادگیری مباحث خطی تفصیلی

تبویب صحیح کتب فقهی پنج باب دارد که از صلاة شروع و به ولایت ختم می شود

نمونه های تبویب جدید

تبویب مباحث حدود، دیات، تعزیرات و امور حسبیه ذیل باب ولایت

تبویب مباحث طهارت، غسل، وقت و قبله ذیل باب صلاة

ثمره: منظم شدن ذهن مخاطب نسبت به شریعت

نتیجه عدم توجه به این امر: گزاره های شریعت در ذهن مخاطبان یک مسجد

تبویب مختار مدرسه هدایت بر اساس قواعد اصولی فقه البیان

ارائه یک فهرست قوی حجیت یافته: اولین گام تبویب صحیح

دلیل اهمیت ارائه مباحث بر اساس تبویب های حجیت یافته: متوقف بودن اثبات جامعیت دین بر آن

یکی از مهم ترین تفاوت های فقه نظام با فقه جواهری: اصل اول در فقه نظام ارائه فهرست عرضی مباحث و وزن دهی به آنهاست

ارائه سه نوع تبویب مباحث در مدرسه فقهی هدایت

۱. تبویب بر اساس آیه ۴۱ سوره حج

ویژه کسانی که مدل حکمرانی اهل بیت علیهم را کامل پذیرفته اند و آماده شنیدن و فهم آن هستند

۲. تبویب به محوریت پرسش های مطرح در جامعه

مثال: نقشه رونمایی شده در سال ۱۳۸۹ به عنوان اولین نقشه راه الگوی پیشرفت

۳. تبویب به محوریت اولویتهای ظرفیتی جامعه

مثال: بسته اولویت های تمدنی دوازده گانه

حرف اصلی نظریه امنیتی سلم: امنیت مبتنی بر خودکنترلی به جای امنیت مبتنی بر مانیتورینگ

طهارت: اولین حد از کبار حدود صلاة بر اساس روایات سنن حنیفیه

پنج نوع طهارت در سر شامل: کوتاه کردن سیبیل، کوتاه کردن موی سر، بلند گذاشتن ریش، استنشاق و مضمضه

پنج نوع طهارت در دیگر اعضای بدن: ناخن گرفتن، زدودن موهای زیر بغل، ختنه کردن، غسل جنابت و طهارت گرفتن با آب

قابلیت نظام مقایسه میان فواید حد طهارت با مهم ترین مسائل کلان حکومتی

مثال: فواید سیاسی تبلیغاتی، سلامت و پیشگیری از بیماری، کاهش هزینه های خانوار، کارکردهای نفی سیبیلی و امنیتی، فواید مربوط به عرصه اسباب باطنی و علوم غریبه ای

ریشه دوگانه باطل علم و دین: آموزش و پرورش و دانشگاهی که تصریح به علم بودن انحصاری تجربه می کند

دوگانه رسوخ یافته علم و دین در نتیجه عدم درایه در آیات و روایات بویژه عدم نظام مقایسه

راه حل مواجهه معرفتی با انحصارگرایی یوزنیویستی: تمرکز بر مجموعه روایات «جوامع الکلام»

تمرکز بر تجربه بر اساس «اشراف» یا تجربه بر اساس «نگاه های بخشی غیر جامع» به عنوان نقطه نقل مواجهه

چند بررسی از دستگاه کارشناسی یوزنیویستی: چرا عمل به عبارات یوزنیویستی موجب «تخریب طبیعت» ایجاد چالش برای «سلامت انسان» و «اعتلال شدید در روابط انسانی» می شود؟

تلاش برای نشر علوم جامع جایگزین به جای تمرکز بر نقد علوم یوزنیویستی به عنوان بهترین راه حل مشکلات

۱. مقدمه ۱۲
۲. روایات ساختاری مربوط به فرائض خمس به عنوان سیاق حدود کبیر صلات ۱۵
- ۲/۱ . نماز، زکات، روزه، حج و ولایت: مهم ترین فرائض اسلام ۱۵
- ۲/۲ . ولایت: عامل حفظ و اجرایی شدن فرائض اربعه در مقابل خطراتی مانند بدعت و تحریف ۱۵
- ۲/۲/۱ . اهمیت روایات ساختاری: نظم دادن به ذهن مخاطب و مشخص کردن وزن و جایگاه هر مسئله در اسلام ۱۵
- ۲/۳ . اهمیت منطق تبویب مباحث به عنوان دلیل اصلی توجه به روایات ساختاری ۲۱
- ۲/۴ . اشکال مهم فهرست کتاب شرایع الاسلام: عدم توجه به روایات ساختاری و ارائه فهرست خطی از مباحث ۲۳
- ۲/۴/۱ . تبویب صحیح کتب فقهی به محوریت پنج باب اصلی است که از صلاه شروع و به ولایت ختم می شود ۲۳
- ۲/۵ . دو کار بیانی مهم ائمه جمعه و جماعات ۲۶
- ۲/۵/۱ . سختی یادگیری مباحث خطی تفصیلی: اشکال دیگر وارد بر تبویب کتاب شرایع الاسلام ۲۷
- ۲/۵/۲ . تبویب مختار مدرسه هدایت بر اساس قواعد اصولی فقه البیان ۲۹
- ۲/۵/۳ . چگونگی وزن دهی و تبویب بیش از چهارصد هزار روایت و چند هزار آیه قرآن ۳۱
- ۲/۶ . پراکندگی و بی ارتباطی گزاره های شریعت با یکدیگر، در نتیجه عدم توجه به ساختار تبویب های شارع ۳۲
- ۲/۶/۱ . یکی از مهم ترین تفاوت های فقه نظام با فقه جواهری موجود ۳۳
- ۲/۶/۲ . اشکال وارد بر تبویب کتاب کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی ۳۴
- ۲/۷ . صلوات ضراب اصفهانی از امام زمان علیه السلام به عنوان یکی از نصوص غنی برای نظام سازی ۳۷
۳. وجود سه نوع تبویب در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی ۴۰
- ۳/۱ . تبویب بر اساس آیه ۴۱ سوره حج: برای کسانی که حکمرانی اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته اند ۴۰
- ۳/۲ . تبویب سوال محور: برای پاسخگویی به پرسش های کلان مطرح در جامعه ۴۲
- ۳/۳ . تبویب ظرفیت محور: به محوریت اولویت های تمدنی دوازده گانه ۴۳
۴. محوریت روایات "سنن حنیفیه" در شرح مفهوم طهارت به عنوان اولین حد از کبار حدود صلات ۴۹
- ۴/۱ . پنج نوع طهارت در سر و پنج نوع طهارت در دیگر اعضای بدن بر اساس روایات سنن حنیفیه ۵۰
- ۴/۱/۱ . نظام مقایسه میان فواید طهارت های ده گانه با نظام موضوعات حکومت داری مدرن ۵۰
- ۴/۲ . اهمیت درایه در آیات و روایات برای نظام سازی ۵۲
- ۴/۳ . اهمیت آیات و روایات ساختاری به عنوان قالب دهنده و تنظیم کننده سایر مباحث شریعت ۵۶
۵. دوگانه رسوخ یافته علم و دین، نتیجه عدم درایه در آیات و روایات (نظام مقایسه) ۵۹
- ۵/۱ . تمرکز بر مجموعه روایات "جوامع الکلام" برای مواجهه معرفتی با انحصارگرایی پوزیتیویستی ۶۲
- ۵/۲ . پرسش "گزاره های بخشی یا گزاره های جامع"؟ به جای دوگانه باطل علم و دین ۶۳

۶۴ طرح سه پرسش مهم از دستگاه کارشناسی پوزیتیویستی
۶۶ نارسایی و علیل بودن خود معادلات پوزیتیویستی به عنوان ریشه تمامی مشکلات بشر
۶۷ مدیریت داخلی نیازهای کشور بر اساس علوم پوزیتیویستی به جای مدیریت خارجی آن در دوران گذار
۶۸ مدیریت دفاعی کشور به دست متخصصان مهذب داخلی به جای وابستگی به مستشاران خارجی
۷۰ تلاش برای نشر علوم جامع جایگزین به جای تمرکز بر نقد صرف علوم پوزیتیویستی
۷۶ پیوست ها
۷۶ پیوست شماره یک: مسجد
۷۶ بخش اول: آیات
۷۸ بخش دوم: روایات
۸۲ پیوست شماره دو: سنت
۸۴ پیوست شماره سه: حدود در قرآن
۸۷ پیوست شماره چهار: صلوات
۸۷ بخش اول: آیات
۸۹ بخش دوم: روایات
۹۵ پیوست شماره پنج: زکات
۹۵ بخش اول: آیات
۹۷ بخش دوم: روایات
۱۰۱ پیوست شماره شش: حج
۱۰۱ بخش اول: آیات
۱۰۳ بخش دوم: روایات
۱۰۷ پیوست شماره هفت: صوم
۱۰۷ بخش اول: آیات
۱۰۹ بخش دوم: روایات
۱۱۲ پیوست شماره هشت: ولایت
۱۱۲ بخش اول: آیات
۱۱۴ بخش دوم: روایات
۱۳۲ پیوست شماره نه: مرجعیت و جامعیت علمی مطلقه قرآن و روایات
۱۳۲ بخش اول: آیات
۱۳۳ بخش دوم: روایات
۱۳۷ پیوست شماره ده: فقه البیان

- مطلب اول: ۱۳۷.....
- مطلب دوم: ۱۳۸.....
- مطلب سوم: ۱۳۸.....
- مطلب چهارم: ۱۳۹.....
- پیوست شماره یازده: صلوات ضراب اصفهانی ۱۴۱.....
- پیوست شماره دوازده: اولویت های تمدنی دوازده گانه ۱۴۴.....
- مطلب اول: ۱۴۴.....
- مطلب دوم: ۱۴۴.....
- مطلب سوم: ۱۴۵.....
- مطلب چهارم: ۱۴۶.....
- پیوست شماره سیزده: مدرسه هدایت ۱۴۷.....
- مطلب اول: ۱۴۷.....
- مطلب دوم: ۱۴۷.....
- مطلب سوم: ۱۴۸.....
- مطلب چهارم: ۱۵۰.....
- پیوست شماره چهارده: نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری ۱۵۲.....
- مطلب اول: ۱۵۲.....
- مطلب دوم: ۱۵۵.....
- مطلب سوم: ۱۵۶.....
- مطلب چهارم: ۱۵۸.....
- مطلب پنجم: ۱۵۹.....
- مطلب ششم: ۱۶۰.....
- پیوست شماره پانزده: توصیفات شارع از خانه ۱۶۱.....
- پیوست شماره شانزده: امر به معروف و نهی از منکر ۱۶۳.....
- بخش اول: آیات ۱۶۳.....
- بخش دوم: روایات ۱۶۵.....
- پیوست شماره هفده: سنن حنیفیه ۱۶۸.....
- پیوست شماره هجده: تاریخچه سازمان برنامه و بودجه ۱۷۲.....
- پیوست شماره نوزده: سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار در بیانات مقام معظم رهبری ۱۷۵.....
- مطلب اول: ۱۷۵.....

مطلب دوم: ۱۷۵.....

مطلب سوم: ۱۷۶.....

مطلب چهارم: ۱۷۷.....

مطلب پنجم: ۱۷۷.....

بیوست شماره بیست: علوم غریبه ۱۷۹.....

مطلب اول: ۱۷۹.....

مطلب دوم: ۱۸۰.....

سلام عليكم و رحمه الله و بركاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا
فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ وَحَبِيبِ قُلُوبِنَا وَطَبِيبِ نَفُوسِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحِنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ
عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

۱. مقدمه

در جلسه گذشته اندکی به پاسخ سوال دوم این دوره مباحثاتی پرداختیم^۱. عرض کردیم که طبق روایات حدود کبیر صلات^۲، مفاهیم پایه^۳ مسجد هفت مسئله است و با اضافه کردن برخی از روایاتی که سنت‌های

^۱ . ارجاع پرورشی: هفت پرسش دوره مسجد و اداره جامعه:

روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟

مفاهیم پایه مسجد کدامند؟

ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟

ابزارهای امام جماعت برای تحقق مفاهیم پایه کدامند؟

اقدامات کاربردی چهل گانه مسجد چیست؟

نحوه تامین مالی مسجد چگونه است؟

کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد چگونه باید باشد؟

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه اول دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت، قم

برای دریافت متن کامل جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5519>

^۲ . ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ أَبِي عَلِيٍّ السَّلَامُ جَالِساً أَتَاهُ أَخُوهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ يَسْتَأْذِنُ لِعَمْرٍو بْنِ عُبَيْدٍ وَبَشِيرِ الرَّحَالِ وَوَاصِلِ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَجَلَسُوا فَقَالُوا يَا أَبَا جَعْفَرٍ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ فَقَالَ نَعَمْ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ قَالَ فَدَعَا بِالْمَاءِ فَأَتِي بِكُوزٍ فَقَالُوا يَا أَبَا جَعْفَرٍ هَذَا الْكُوزُ مِنْ شَيْءٍ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالُوا مَا حَدُّهُ قَالَ إِذَا شَرِبَهُ الرَّجُلُ تَنَفَّسَ عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ أَنْفَاسٍ كُلَّمَا تَنَفَّسَ حَمِدَ اللَّهَ وَ لَا يُشْرَبُ مِنْ أَذُنِ الْكُوزِ وَ لَا مِنْ كَسْرِهِ إِنْ كَانَ فِيهِ فَإِنَّهُ مَشْرَبُ الشَّيْطَانِ ثُمَّ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانِي مَاءً عَذْبًا فَرَاتًا بِرَحْمَتِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْهُ مَلْحًا أَجَاجًا يَذُوبِي .

از امام باقر علیه السلام: هیچ چیزی نیست مگر اینکه حدی دارد که به آن منتهی می شود.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۵۷۷

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۴۶۸ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۲۵۷

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ حَدٌّ .

از امام صادق علیه السلام: نماز چهار هزار حد دارد.

مصدر: الكافي ج ۳ ص ۲۷۲ / من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۹۵ / تهذيب الأحكام ج ۲ ص ۲۴۲ / الخصال ج ۲ ص ۶۳۸ / عيون الأخبار ج ۱ ص ۲۵۵

دیگر منابع: الوافي ج ۸ ص ۸۲۷ / بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۳۰۳

عَنْ كِتَابِ الْعَلَلِ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِبَارِ حُدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ سَبْعَةُ الْوُضُوءِ وَ الْوَقْتُ وَ الْقِبْلَةُ وَ تَكْبِيرَةُ الْإِفْتِتَاحِ وَ الْكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الدُّعَاءُ .

از امام صادق علیه السلام درباره ی کبار حدود نماز پرسیدم حضرت فرمودند: هفت حد است: وضو وقت قبله تکبیره الافتتاح رکوع سجده و دعا.

مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۱۶۷ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۶۳

^۳ . ارجاع پرورشی: در جلسه گذشته عرض کردیم: اصطلاح مفاهیم پایه یک اصطلاح ترجمه‌ای و فارسی است. معادلش در ادبیات شارح این است که ببینیم حد و حدود صلات چیست؟ حد و حدود مسجد چیست؟ بنابراین با توجه به روایات "لکل شی حد ينتهی الیه"، به این رهنمون می‌شویم که همه چیز مفهوم پایه دارد؛ یعنی همه چیز حد دارد و می‌توانید وقتی در مورد آن صحبت می‌کنید همین پرسش را تکرار کنید. مثلاً درباره ی آب بگویم: مفاهیم پایه آب چیست؟ چون شارع به ما فرموده: لکل شیئی حد ینتهی الیه. وقتی دارید راجع به ساختمان بحث می‌کنید می‌توانید بگویند:

صلات^۵ را بحث می‌کردند، پنج مسئله دیگر هم به آن اضافه کردیم. در واقع این دوازده مسئله‌ای که بحث کردیم، مجموع دلالی^۶ دو دسته از روایات بود که اگر وقت بیشتری داشتیم، می‌توانستیم برای تکمیل بحث برخی از

مفاهیم پایه ساختمان چیست؟ چون لکل شیئی حد ینتهی الیه. ساختمان هم دارای حد است. در بحث‌های نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی در عمده موارد این سوال تکرار می‌شود.

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه پنجم دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه" / قم بنیاد هدایت خرداد ۱۴۰۲

برای دریافت متن کامل این سخنرانی به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/5768>

۴. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۲۹: قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

بگو: پروردگرم به میانه روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده و [امر فرموده]: در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن گونه] متوجه خدا کنید [که از هر چیزی غیر او منقطع شود]، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می‌کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، [پس از مرگ به او] بازمی‌گردید.

برای مطالعه بیشتر درباره "مسجد" به پیوست شماره یک مراجعه فرمایید.

۵. ارجاع پژوهشی: و بِالْإِسْنَادِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِبَارِ حَدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ سَبْعَةٌ الْوُضُوءُ وَ الْوَقْتُ وَ الْقِبْلَةُ وَ تَكْبِيرَةُ الْإِفْتِاحِ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الدُّعَاءُ فَهَذِهِ فُرُوضٌ عَلَى كُلِّ مَخْلُوقٍ وَ فَرَضَ عَلَى الْأَقْوِيَاءِ وَ الْعُلَمَاءِ الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ وَ الْقِرَاءَةَ وَ التَّنْسِيحَ وَ التَّشَهُدَ وَ لَيْسَتْ فَرَضاً فِي نَفْسِهَا وَ لَكِنَّهَا سُنَّةٌ وَ إِقَامَتُهَا فَرَضٌ عَلَى الْعُلَمَاءِ وَ الْأَقْوِيَاءِ وَ وَضِعَ عَنِ النِّسَاءِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ الْبُلْهَ الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ وَ لَا بُدَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ مَا أَحْسَنُوا مِنَ الْقِرَاءَةِ وَ التَّنْسِيحِ وَ الدُّعَاءِ وَ فِي الصَّلَاةِ فَرَضٌ وَ تَطَوُّعٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَمِنْهُ الرُّكُوعُ وَ أَمَّا التَّطَوُّعُ فَمَا زَادَ فِي التَّنْسِيحِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْقُنُوتِ وَاجِبٌ وَ الْإِجْهَازُ بِالْقِرَاءَةِ وَاجِبٌ فِي صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ وَ الْفَجْرِ وَ الْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ مِنْ أَجْلِ الْقُنُوتِ حَتَّى إِذَا قَطَعَ الْإِمَامُ الْقِرَاءَةَ عَلِمَ مَنْ خَلْفَهُ أَنَّهُ قَنَتَ فَيَقْنُتُونَ وَ قَدْ قَالَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةَ أَلْفٍ حَدًّا .

مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۸۴ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۶۳

برای مطالعه بیشتر درباره ی جایگاه "سنت" به پیوست شماره دو مراجعه فرمایید.

۶. ارجاع پرورش: جمع بین دو دلیل به ظاهر متعارض بر اساس قواعد عرفی را جمع عرفی می‌گویند. به جمع عرفی، توفیق دلالی، توفیق عرفی، توفیق عرفی مقبول، جمع دلالی، جمع عرفی عقلایی، جمع عرفی مقبول، جمع عقلایی و جمع مقبول نیز گفته می‌شود. از این عنوان در اصول فقه، بحث تعادل و تراجیح سخن رفته است.

بنابر آنچه معروف میان اصولیان است، در تعارض بین دو دلیل به مقتضای قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» مرجع قواعد جمع عرفی است و در صورت عدم امکان جمع عرفی بین آن دو، به قواعد باب تعارض رجوع می‌گردد. از موارد جمع عرفی تقدیم نص بر ظاهر یا اظهر بر ظاهر است. همچنین تقدیم خاص بر عام و مطلق بر مقید. یا مثلا در جایی که یکی از دو دلیل و یا هر دو دارای قدر متیقن باشد، که در این صورت، هر کدام بر قدر متیقن آن حمل گردیده و از این طریق، تعارض رفع می‌شود. منظور از قدر متیقن، قدر متیقن خارجی است، نه قدر متیقن در مقام تخاطب، مانند آن که دلیلی می‌گوید: «ثمن العذرة سحت» و دلیل دیگر می‌گوید: «لا باس ببيع العذرة». دلیل اول که بر حرمت بیع عذره (کود حیوانی) دلالت دارد، اطلاق داشته و عذره انسانی و غیر انسانی از حیوان حلال گوشت و غیر آن را شامل می‌شود، و دلیل دوم که بر جواز بیع عذره دلالت می‌کند نیز اطلاق دارد. قدر متیقن از دلیل اول، عذره انسان و قدر متیقن از دلیل دوم، عذره حیوانات حلال گوشت است و با حمل هر کدام از آنها بر قدر متیقن، تنافی مدلولی آن دو مرتفع می‌گردد.

روایات دیگر را هم به آن اضافه کنیم. به هر حال مدل مواجهه با بحث، در پنج جلسه گذشته تقریباً متولد شد و معلوم شد که برای پاسخ دادن به سؤال دوم چه مسیری را باید طی کنیم.

المحکم فی اصول الفقه، حکیم، محمد سعید، ج ۶، ص ۷۳ / اصول الفقه، مظفر، محمدرضا، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۷ / فوائد الاصول، نائینی، محمدحسین، ج ۴، ص ۷۲۶-۷۲۸ / خوئی، اجود التقریرات، سید ابوالقاسم، ج ۲، ص ۵۱۲ / بحوث فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۲، ص ۲۴ / دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۲، ص ۵۴۶ / کفایة الاصول، آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ص ۴۴۹

۲. روایات ساختاری مربوط به فرائض خمس به عنوان سیاق حدود کبیر صلات

۲/۱. نماز، زکات، روزه، حج و ولایت: مهم ترین فرائض اسلام

۲/۲. ولایت: عامل حفظ و اجرایی شدن فرائض اربعه در مقابل خطراتی مانند بدعت و تحریف

۲/۲/۱. اهمیت روایات ساختاری: نظم دادن به ذهن مخاطب و مشخص کردن وزن و جایگاه هر مسئله در اسلام

نکته‌ای را این جا متذکر شوم. حضرات اهل بیت علیهم السلام در بعضی از روایات، به صورت اجمالی حدود^۷ دیگر مسائل مرتبط با اسلام را نیز بحث کرده اند، بویژه حدود فرائض خمس را. مثلاً جناب ابن قولویه^۸ روایتی را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که امام علیه السلام، قبل از این که وارد بحث حدود کبیر صلاه شوند، کبار فرائض الهی را مطرح کرده اند. همان روایت «الصلاة و الزکاة و الحج و الصوم و الولاية»^۹ که

۷. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۲۹: تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. اینست حدود احکام الهی پس از آن تجاوز نکنید و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند آنان همان ستمکارانند.

برای مطالعه بیشتر درباره اصطلاح "حدود" در قرآن به پیوست شماره سه مراجعه فرمایید.

۸. ارجاع پرورشی: ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن محمد بن جعفر قمی (د ۳۶۸ یا ۳۶۹ق / ۹۷۹ یا ۹۸۰م)، محدث و فقیه امامی است. وی از برجسته ترین چهره های راویان شیعه در قرن چهارم هجری است. وی یکی از بهترین شاگردان محمد بن یعقوب کلینی و از برجسته ترین مشایخ شیخ مفید به شمار می آید. ابن قولویه از مشایخ بسیاری بهره برده که از آن میان می توان احمد بن ادریس قمی، علی ابن بابویه قمی، ابن ولید قمی، ابن عقیده، محمد بن یعقوب کلینی، ابو عمرو کثی، عبدالعزیز بن یحیی جلودی، ابن همام اسکافی و همچنین پدرش محمد و برادرش علی را نام برد. شخصیت های فراوانی نیز از محضر او بهره برده اند مانند: ۱- شیخ مفید ۲- حسین بن عبید الله غضائری ۳- احمد بن عبدون ۴- تلعبری ۵- ابن عزور ۶- محمد بن سلیم صابونی.

ابن قولویه دارای تالیفاتی در حدیث و فقه بوده که مشهورترین آنها "کامل الزیارات" است و در ۱۳۵۶ق در نجف به کوشش عبدالحسین امینی به چاپ رسیده است. این کتاب که یکی از مهم ترین منابع امامیه در زیارات است، به نوبه خود مورد استفاده شیخ مفید در المزار و دیگران قرار گرفته است.

احمد نجاشی، رجال، ج ۱، ص ۳۰۵، به کوشش محمد جواد نایینی، بیروت، ۱۴۰۸ق / جعفر ابن قولویه، کامل الزیارات، ج ۱، ص ۵۲، به کوشش عبدالحسین امینی، نجف، ۱۳۵۶ق / محمد ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ج ۱، ص ۳۰، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م / محمد مفید، الامالی، ص ۹، به کوشش حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۳ق.

۹. ارجاع پژوهشی: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَآدِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ .

امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکاة و روزه و حج و ولایت. و بجیزی مانند ولایت فریاد زده نشد، مردم آن چهار را گرفتند و - این - یعنی ولایت - را رها کردند.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۱۸

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۸۸ / اثبات الهداة ج ۱ ص ۱۱۶ / وسائل الشیعة ج ۱ ص ۱۳

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا

بعد در شرح ولایت می‌فرماید: «الْوَلَايَةُ الْحَافِظَةُ لِهَذِهِ الْفَرَائِضِ الْأَرْبَعَةِ^(۱)». یعنی حضرت می‌فرمایند: درست است که وقتی ما به صورت نظری وارد بحث می‌شویم، مسئله ولایت را در کنار آن چهار مورد دیگر قرار می

مِفْتَاحُهُنَّ وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ فَقَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ الصَّلَاةُ عُمُودُ دِينِكُمْ قَالَ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِيهَا فِي الْفَضْلِ قَالَ الزَّكَاةُ لِأَنَّهُ قَرَنَهَا بِهَا وَ بَدَأَ بِالصَّلَاةِ قَبْلَهَا وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الزَّكَاةُ تُذْهِبُ الذُّنُوبَ قُلْتُ وَ الَّذِي يَلِيهَا فِي الْفَضْلِ قَالَ الْحَجُّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» ، - وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِحَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِينَ صَلَاةً نَافِلَةً وَ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوَافًا أَحْصَى فِيهِ أَشْبُوعَهُ وَ أَحْسَنَ رُكْعَتَيْهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ قَالَ فِي يَوْمٍ عَرَفَهُ وَ يَوْمَ الْمَزْدَلِفَةِ مَا قَالَ قُلْتُ فَمَاذَا يَتَّبِعُهُ قَالَ الصَّوْمُ قُلْتُ وَ مَا بَالُ الصَّوْمِ صَارَ آخِرَ ذَلِكَ أَجْمَعَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ قَالَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَفْضَلَ الْأَشْيَاءِ مَا إِذَا فَاتَكَ إِذَا فَاتَكَ أَوْ قَصَّرْتَ أَوْ سَافَرْتَ فِيهِ أَذَيْتَ مَكَانَةَ أَيَّامًا غَيْرَهَا وَ جَزَيْتَ ذَلِكَ الدُّنْبَ بِصَدَقَةٍ وَ لَا قَضَاءَ عَلَيْكَ وَ لَيْسَ مِنْ تِلْكَ الْأَرْبَعَةِ شَيْءٌ يُجْزِيكَ مَكَانَةَ غَيْرِهِ قَالَ ثُمَّ قَالَ ذُرْوَةُ الْأُمُرِ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» ، - أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَةً وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلِيَّ اللَّهِ فَيُؤَلِّقْهُ وَ يَكُونَ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ حَقٌّ فِي تَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ ثُمَّ قَالَ أَوْلَيْكَ الْمُحْسِنُ مِنْهُمْ يُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ .

-زراره از امام باقر(علیه السلام) که فرمود: اسلام بر پنج چیز سازمان شده، بر نماز و زکاة و حج و روزه و ولایت. زراره گوید: گفتم: کدام اینها برتر است؟ فرمود: ولایت برتر است، زیرا کلید همه است، و والی، رهبر بدانها است، گفتم: سپس کدامشان برتری دارد؟ فرمود: نماز، به راستی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: نماز عمود دین شما است. گوید: گفتم: سپس کدام در برتری دنبال آن است؟ فرمود: زکاة، زیرا که خدا آن را قرین نماز کرده و پیش از نماز آورده و رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: زکاة، گناهان را می‌برد، گفتم: آنکه در برتری آن است؟ فرمود: حج است، خدای عز و جل فرموده است (سوره آل عمران): «و برای خدا است بر مردم حج خانه کعبه هر که را بر بدن راهی باشد و هر که کفر ورزد پس به راستی که خدا بی‌نیاز است از جهانیان» و رسول خدا(صلی الله علیه و آله) هم فرمود: هر آینه یک حجة مقبوله بهتر است از بیست نماز نافله و هر که بر این خانه کعبه طواف کند و هفت دورش را بشمارد و دو رکعت آن را خوب بخواند، خدایش بیامرزد و در روز عرفه و روز مشعر فرموده است آنچه را فرموده است، گفتم: دنبال آن چیست؟ فرمود: روزه، گفتم: چرا روزه در فضیلت، آخر همه است؟ فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرموده: روزه سپر آتش است. گوید: سپس فرمود: به راستی بهترین چیزها آن است که چون از دست تو رفت توبه و جبران ندارد که بدان باز گردی و خود آن را انجام دهی، به راستی نماز و زکاة و حج و ولایت چون از دست رفتند، چیزی به جای آنها واقع نشود جز ادای خود آنها و چون روزه از تو فوت شد یا در باره آن کوتاهی کردی یا در آن سفر کردی و افطار کردی در جای آن چند روز از غیر ماه رمضان روزه می‌داری و یا به جای روزه، کفاره می‌دهی و قضاء بر تو نیست و از این چهار تا هیچ کدام نیست که به جای آن چیز دیگری جز خود آن پذیرفته شود، سپس فرمود: فراز امر دین و بلند ترین کار آن و کلید آن و در هر چیزی و خشنودی خدای رحمان طاعت امام است، پس از شناختن او، زیرا خدا عز و جل فرماید (سوره نساء): «هر که از رسول اطاعت کند محققاً خدا را اطاعت کرده و هر که پشت دهد ما تو را نسبت به او نگهبان نفرستادیم» اما اگر مردی همه شب عبادت و هر روز روزه دارد و همه مالش را صدقه دهد و همه عمرش حج کند و ولایت ولی خدا را نداند تا پیرو او باشد و همه کارش به راهنمایی او باشد، او را بر خدا عز و جل حق ثوابی نیست و از اهل ایمان نباشد، سپس فرمود: آنان هر کدام خوش کردار باشند، خدا به فضل و رحمتش او را در بهشت در آورد.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۸۶ / الکافی ج ۲ ص ۱۸

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۸۹ / بحار الأنوار ج ۶۵ ص ۳۳۲

۱۰. ارجاع پژوهشی: بَيَانُ أَنْوَاعِ الْقُرْآنِ بِرِوَايَةِ إِبْنِ قُؤْلُوبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حُدُودُ الْفُرُوضِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ هِيَ خَمْسَةٌ مِنْ كِبَارِ الْفَرَائِضِ الصَّلَاةُ وَ الزَّكَاةُ وَ الْحَجُّ وَ الصَّوْمُ وَ الْوَلَايَةُ الْحَافِظَةُ لِهَذِهِ الْفَرَائِضِ الْأَرْبَعَةِ وَ هِيَ فَلِكُلِّ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ وَ جَمِيعِ أُمُورِ الدِّينِ وَ الشَّرَائِعِ فَكَبَارُ حُدُودِ الصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ وَ هِيَ مَعْرِفَةُ الْوَقْتِ وَ مَعْرِفَةُ الْقِبْلَةِ وَ التَّوَجُّهُ إِلَيْهَا وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ لَهَا خَامِسَةٌ لَا تَمُّ الصَّلَاةِ وَ تَثْبُتُ إِلَّا بِهَا وَ هِيَ الْوُضُوءُ عَلَى حُدُودِهِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ وَ بَيَّنَّهَا فِي كِتَابِهِ وَ إِنَّمَا صَارَتْ هَذِهِ كِبَارَ حُدُودِ الصَّلَاةِ لِأَنَّهَا عَوَامٌّ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ مَعْرُوفَةٌ مَشْهُورَةٌ بِكُلِّ لِسَانٍ فِي الشَّرْقِ وَ الْعَرْبِ فَجَمِيعُ النَّاسِ الْعَاقِلِ وَ الْعَالِمِ وَ غَيْرِ الْعَالِمِ يَتَّبِعُونَ عَلَى أَنْ يَتَعَلَّمَ هَذِهِ الْحُدُودَ الْكِبَارَ سَاعَةً تَجِبُ عَلَيْهِ لِأَنَّهَا تَتَعَلَّمُ بِالرُّؤْيِيَّةِ وَ الْإِشَارَةِ مِنْ ضَبْطِ الْوُضُوءِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ لَا عُدْرَ لِأَحَدٍ فِي تَأْخِيرِ تَعْلِيمِ ذَلِكَ وَ سَائِرِ حُدُودِ الصَّلَاةِ وَ مَا فِيهَا مِنَ السُّنَنِ فَلَيْسَ كُلُّ أَحَدٍ يُحْسِنُ وَ يَتَهَيَّأُ لَهُ أَنْ يَتَعَلَّمَ مَا فِيهَا مِنَ السُّنَنِ مِنَ الْفِرَاءَةِ وَ الدَّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ وَ التَّسْهُدِ وَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ فَجَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى هَذِهِ

دهیم؛ ولی این را بدانید که ولایت، آن چهار رکن دیگر را حفظ می‌کند. کانه ذیل این روایت حضرت دارند آرام آرام ذهن ما را وارد بحث اجرای این احکام می‌کنند. در واقع ذیل این عبارتی که محضر شما خواندم «الْوَلَايَةُ

كِبَارُ حُدُودِ الصَّلَاةِ لِعِلْمِهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُؤَدُّوا جَمِيعَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ فِي حَالَةٍ وَجُوبَهَا عَلَيْهِمْ وَجَعَلَهَا فَرِيضَةً وَجَعَلَ سَائِرَ مَا فِيهَا سُنَّةً وَاجِبَةً عَلَى مَنْ أَحْسَنَهَا وَوَسَّعَ لِمَنْ لَمْ يُحْسِنْهَا فِي إِقَامَتِهَا حَتَّى يَتَعَلَّمَهَا لِأَنَّهَا تَصْعُبُ عَلَى الْأَعَاجِمِ خَاصَّةً لِقَلَّةِ ضَبْطِهِمُ الْعَرَبِيَّةَ وَ لِاخْتِلَافِ السُّنَنِ وَ لَا عُدْرَ لَهُمْ فِي تَرْكِ التَّعْلِيمِ وَ مُجَاهَدَتِهِ وَ لَهُمُ الْعُدْرُ فِي إِقَامَتِهَا حَتَّى يَتَعَلَّمُوهُ وَ كِبَارُ حُدُودِ الزَّكَاةِ أَرْبَعَةٌ مَعْرِفَةُ الْقَدْرِ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِ فِيهِ الزَّكَاةُ وَ مَا الَّذِي يَجِبُ الزَّكَاةَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ مَعْرِفَةُ الْوَقْتِ الَّذِي يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ وَ مَعْرِفَةُ الْعَدَدِ وَ الْقِيَمَةِ وَ مَعْرِفَةُ الْمَوْضِعِ الَّذِي تَوْضَعُ فِيهِ فَأَمَّا مَعْرِفَةُ الْعَدَدِ وَ الْقِيَمَةِ فَهُوَ أَنَّهُ يَجِبُ أَنْ يَعْلَمَ الْإِنْسَانُ كَمَ الْأَشْيَاءِ الَّتِي تَجِبُ الزَّكَاةُ عَلَيْهَا مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِيهِ الزَّكَاةُ وَ هُوَ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ وَ الْحِنْطَةُ وَ الشَّعِيرُ وَ التَّمْرُ وَ الزَّيْبُ وَ الْإِبِلُ وَ الْبَقَرُ وَ الْعَنَمُ فَهَذِهِ تِسْعَةُ أَشْيَاءٍ وَ لَيْسَ عَلَيْهِمْ فِيهَا سِوَى ذَلِكَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ زَكَاةً وَ يَجِبُ أَنْ يَعْرِفُوا مِنْ ذَلِكَ مَا يَجِبُ مِنَ الْعَدَدِ وَ قَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ ذَلِكَ وَ وَضَعَ لِمَعْرِفَةِ مَا يَخْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِمَّا فَرَضَ عَلَيْهِمْ أَرْبَعَةَ أَشْيَاءٍ وَ هِيَ الْكَيْلُ وَ الْوَزْنُ وَ الْمَسَاحَةُ وَ الْعَدَدُ فَالْعَدَدُ فِي الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْعَنَمِ وَ الْكَيْلُ فِي الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ الزَّيْبِ وَ التَّمْرِ وَ الْوَزْنُ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَإِذَا عَرَفَ الْإِنْسَانُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ كَانَ مُؤَدِّيًّا لِلزَّكَاةِ عَلَى مَا فَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيْهِ فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ ذَلِكَ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يُؤَدِّيَ هَذِهِ الْفَرَائِضَ ثُمَّ يَخْتَاجُ بَعْدَ ذَلِكَ أَنْ يَعْرِفَ الْمَوْضِعَ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَضَعَ فِيهِ زَكَاتَهُ فَيَضَعُهَا فِيهِ وَ إِلَّا لَمْ يَكُنْ مُؤَدِّيًّا لِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ فَهَذِهِ كِبَارُ حُدُودِ الزَّكَاةِ وَ كِبَارُ حُدُودِ الْحَجِّ أَرْبَعَةٌ فَأَوَّلُ ذَلِكَ الْإِحْرَامُ مِنَ الْوَقْتِ الْمَوْقُوتِ لَا يَتَقَدَّمُ عَلَى ذَلِكَ وَ لَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ إِلَّا لِعِلَّةٍ وَ الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ وَ السَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ الْوُقُوفُ بِالْمَوْقِفَيْنِ عَرَفَةَ وَ الْمَرْدَلَةَ وَ هِيَ الْمَشْعَرُ الْحَرَامُ فَهَذِهِ كِبَارُ حُدُودِ الْحَجِّ وَ عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ يَتَعَلَّمَ مَا يَخْتَاجُ إِلَيْهِ فِي عُمْرَتِهِ وَ حَجِّهِ وَ مَا يَلْزَمُ مِنْ ذَبْحِ وَ حَلْقِ وَ تَقْصِيرِ وَ رَمِي الْجِمَارِ حَتَّى يُؤَدِّيَ ذَلِكَ كَمَا يَجِبُ وَ كَمَا سَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كِبَارُ حُدُودِ الصَّوْمِ أَرْبَعَةٌ وَ هِيَ اجْتِنَابُ الْأَكْلِ وَ الشَّرْبِ وَ النَّكَاحِ وَ الْإِزْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ فَهَذِهِ كِبَارُ حُدُودِ الصَّوْمِ وَ عَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ أَنْ يَجْتَنِبَ الْقِيَمَةَ مُتَعَمِّدًا وَ الْكَذِبَ وَ قَوْلَ الزُّورِ وَ إِشْهَادَ الشَّعْرِ وَ غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا قَدْ نَهَى عَنْهُ وَ جَاءَ بِهِ الْخَبَرُ مِمَّا سَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَمْرٌ بِهِ وَ كِبَارُ حُدُودِ الْوُضُوءِ لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ وَ هِيَ غَسْلُ الْوُجْهِ وَ التَّيْدِينَ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ الْمَسْحُ عَلَى الرَّأْسِ وَ الْمَسْحُ عَلَى الرَّجْلَيْنِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ سَائِرَ ذَلِكَ سُنَّةً وَ كِبَارُ حُدُودِ الْإِيمَانِ الْإِيمَانُ الْمَفْرُوضُ الطَّاعَةَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مَعْصُومٌ مِنَ الْخَطَاةِ وَ الزَّلِيلِ وَ الْعَمْدِ وَ مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا صَغِيرِهَا وَ كَبِيرِهَا لَا يَزِلُّ وَ لَا يَخْطَأُ وَ لَا يَلْهُو بِشَيْءٍ مِنَ الْأُمُورِ الْمُؤَبَّقَةِ لِلدِّينِ وَ لَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمَلَاهِي وَ أَنَّهُ أَعْلَمُ النَّاسِ بِحَالَكَ اللَّهُ وَ حَرَامِهِ وَ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ وَ أَحْكَامِهِ مُسْتَعْنٍ عَنْ جَمِيعِ الْعَالَمِ وَ غَيْرُهُ مُخْتَاجٌ إِلَيْهِ وَ أَنَّهُ أَسْحَى النَّاسِ وَ أَشْجَعُ النَّاسِ وَ الْعَلَمَةُ فِي وَجُوبِ الْعِصْمَةِ أَنَّهُ إِنْ لَمْ يَكُنْ مَعْصُومًا لَمْ يُؤْمِنْ مِنْهُ أَنْ يَدْخُلَ فِي بَعْضِ مَا يَدْخُلُ فِيهِ النَّاسُ مِنْ إِزْتِكَابِ الْمَحَارِمِ بِغَلْبَةِ الشَّهَوَاتِ فَإِذَا دَخَلَ فِي شَيْءٍ مِنَ الذُّنُوبِ إِخْتِاجٌ إِلَى مَنْ يُقِيمُ عَلَيْهِ الْحُدُودَ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ إِمَامًا عَلَى النَّاسِ مُؤَدِّيًّا لَهُمْ مَنْ يَكُونُ يَهْدِيهِ الصِّفَةَ مِنَ إِزْتِكَابِ الذُّنُوبِ وَ الْعِلْمُ فِي أَنْ يَكُونَ أَعْلَمُ النَّاسِ أَنَّهُ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَالِمًا بِجَمِيعِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ فُنُونِ الْعُلُومِ الَّتِي يَخْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهَا فِي أُمُورِ دِينِهِمْ وَ دُنْيَاهُمْ لَمْ يُؤْمِنْ مِنْهُ أَنْ يُقَلَّبَ شَرَائِعَ اللَّهِ وَ أَحْكَامَهُ وَ حُدُودَهُ فَيَقْطَعُ مَنْ لَا يَجِبُ عَلَيْهِ الْقَطْعُ وَ يَثْقُلُ وَ يَضِلُّ السَّارِقُ وَ يَحْدُ وَ يَضْرِبُ الْمَحَارِبَ وَ الْعِلْمُ فِي أَنَّهُ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَشْجَعُ النَّاسِ لِأَنَّهُ فِتْنَةُ الْمُسْلِمِينَ إِلَيْهِ يَرِجِعُونَ فِي الْخُرُوبِ وَ فِيهِمْ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ سَخِيحًا تَأَقَّتْ نَفْسُهُ إِلَى أَمْوَالِهِمْ فَأَخَذَهَا وَ الْعِلْمُ فِي أَنَّهُ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَشْجَعُ النَّاسِ لِأَنَّهُ فِتْنَةُ الْمُسْلِمِينَ إِلَيْهِ يَرِجِعُونَ فِي الْخُرُوبِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ أَشْجَعُهُمْ لَمْ يُؤْمِنْ مِنْهُ أَنْ يَهْرَبَ وَ يَفِرَّ مِنَ الرَّحْفِ وَ يَسْلَمَهُمْ لِلْقَتْلِ وَ الْعَطَبِ فَيَبُوءُ بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ مَنْ يُؤَلِّمُ يَوْمَئِذٍ ذُبْرًا إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يَفِرَّ مِنَ الْحَرْبِ وَ يَبُوءَ بِغَضَبِ مِنَ اللَّهِ وَ جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ لِهَذِهِ الْفَرَائِضِ الْأَرْبَعِ دَلَالَتَيْنِ وَ هُمَا أَكْبَرُ الدَّلَائِلِ فِي السَّمَاءِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ فَدَلَالَةُ الصَّلَاةِ الَّتِي هِيَ أَكْبَرُ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ وَ هِيَ عَمُودُ الدِّينِ وَ هِيَ أَشْرَفُهَا وَ أَجْلَاهَا الشَّمْسُ يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ أَقَمِ الصَّلَاةَ لِلدُّلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنْ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا فَلَا تُعْرَفُ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ إِلَّا بِالشَّمْسِ أَوَّلُهَا الزَّوَالُ عَنْ كَبِدِ السَّمَاءِ وَ هُوَ وَقْتُ الظُّهْرِ ثُمَّ الْعَصْرُ بَعْدَهَا وَ دَلِيلُهَا مَا تَقَدَّمَ مِنَ الزَّوَالِ وَ الْمَغْرِبُ إِذَا سَقَطَ الْفَرْصُ وَ هُوَ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْعِشَاءُ الْآخِرَةُ إِذَا ذَهَبَ الشَّفَقُ وَ هُوَ مِنَ الشَّمْسِ وَ صَلَاةُ الْفَجْرِ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ وَ هُوَ مِنَ الشَّمْسِ وَ جَعَلَ عَزَّ وَ جَلَّ دَلَالَةَ الزَّكَاةِ مُشْتَرِكَةً بَيْنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ فَإِذَا حَالَ الْحَوْلُ وَ جَبَّتِ الزَّكَاةُ وَ جَعَلَ دَلَالَةَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ الْقَمَرَ لَا تُعْرَفُ هَاتَانِ الْفَرِيضَتَانِ إِلَّا بِالْقَمَرِ لِقَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَ الْحَجِّ وَ قَوْلِهِ جَلَّ وَ عَزَّ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُتْرِلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيُصُمْهُ فَفَرَضَ الْحَجَّ وَ الصَّوْمَ لَا يُعْرَفُ إِلَّا بِالشُّهُورِ وَ الشُّهُورُ لَا تُعْرَفُ إِلَّا بِالْقَمَرِ دُونَ الشَّمْسِ.

تَفْسِيرُ النُّعْمَانِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَمَا مَا فَرَضَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ فَدَعَانِمُ الْإِسْلَامَ وَ هِيَ خَمْسٌ دَعَائِمٌ وَ عَلَى هَذِهِ الْفَرَائِضِ الْخَمْسِ بَنِيَ الْإِسْلَامَ فَجَعَلَ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ فَرِيضَةٍ مِنْ هَذِهِ الْفَرَائِضِ أَرْبَعَةَ حُدُودٍ لَا يَسْخَرُ أَحَدًا جَهْلُهَا أَوْ لَهَا الصَّلَاةُ ثُمَّ الزَّكَاةُ ثُمَّ الصِّيَامُ ثُمَّ الْحَجُّ ثُمَّ الْوَلَايَةُ وَ هِيَ خَاتِمَتُهَا وَ الْجَامِعَةُ لِجَمِيعِ الْفَرَائِضِ وَ أَسْتَنْ فَحُدُودُ الصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ مَعْرِفَةُ الْوَقْتِ ثُمَّ ذَكَرَ نَحْوًا مِمَّا مَرَّ بِتَغْيِيرِ مَا إِلَى آخِرِ الْخَبَرِ.

الحافظَةُ لهذه الفرائض الأربعة»، حضرت می فرماید: مشکلاتی بر سر راه تحقق فرائض اربعه وجود دارد که این مشکلات انواع و اقسامی دارند. از جمله اینکه ممکن است فرائض اربعه توسط دیگران مبتلای به بدعت^{۱۱} شده و در نتیجه توصیف ناقص و غلطی از آن ارائه شود. همیشه جریان تحریف اولین جریانی بوده که مقابل

۱۱. ارجاع پژوهشی: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ جَمِيعاً عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ النَّاسَ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ يَتَوَلَّى فِيهَا رِجَالٌ رِجَالاً فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ لَمْ يُخَفْ عَلَى ذِي حِجْبِي وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ لَمْ يَكُنْ اخْتِلَافٌ وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ وَ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيَمْرَجَانِ فَيَجِينَانِ مَعَا فَهُنَالِكَ اسْتَحْوَذَ الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ نَجَا الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى.

امیر المؤمنین علیه السلام برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم همانا آغاز پیدایش آشوبها فرمانبری هوسها و بدعت نهادن احکامی است بر خلاف قرآن که مردمی بدنبال مردمی آن را بدست گیرند، اگر باطل برهنه می‌بود بر خردمندی نهان نمی‌گشت و اگر حق نامیخته مینمود اختلافی پیدا نمیشد ولی مشتی از حق و مشتی از باطل گرفته و آمیخته شود و با هم پیش آیند، اینجاست که شیطان بر دوستان خود چیره شود و آنها که از جانب خدا سبقت نیکی داشتند نجات یابند.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۵۴

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۴۳ / تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۲۶۷ / تفسیر کنز الدقائق ج ۱۳ ص ۱۴۷

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكُلَيْبِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَفْصِ الْمُؤَدَّنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ كَتَبَ بِهَذِهِ الرَّسَالَةِ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ أَمَرَهُمْ بِمَدَارَسَتِهَا وَ النَّظَرَ فِيهَا وَ تَعَاهُدَهَا وَ الْعَمَلَ بِهَا فَكَانُوا يَضَعُونَهَا فِي مَسَاجِدِ بِيُوتِهِمْ فَإِذَا فَرَعُوا مِنَ الصَّلَاةِ نَظَرُوا فِيهَا قَالَ وَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ الْكُوفِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ الصَّخَّافِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَخْلَدٍ السَّرَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ خَرَجَتْ هَذِهِ الرَّسَالَةُ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَصْحَابِهِ: ... فَاتَّبَعُوا أَمْرَ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ قَالَ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْحَافِظُ اللَّهُ لَهُمْ أَمْرُهُمْ عَلَيْكُمْ بِآثَارِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سُنَّتِهِ وَ آثَارِ الْأَيْمَةِ الْهَدَاةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ سُنَّتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ أَخَذَ بِذَلِكَ فَقَدْ اهْتَدَى وَ مَنْ تَرَكَ ذَلِكَ وَ رَغِبَ عَنْهُ ضَلَّ لِأَنَّهُمْ هُمْ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِمْ وَ وَلا يُبْغِضُهُمْ وَ قَدْ قَالَ أَبُو نَاثَانَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْمُدَاوِمَةُ عَلَى الْعَمَلِ فِي إِتِّبَاعِ الْآثَارِ وَ السُّنَنِ وَ إِنْ قَلَّ أَرْضَى لِلَّهِ وَ أَنْفَعُ عِنْدَهُ فِي الْعَاقِبَةِ مِنَ الْإِجْتِهَادِ فِي الْبِدْعِ وَ إِتِّبَاعِ الْأَهْوَاءِ أَلَا إِنَّ إِتِّبَاعَ الْبِدْعِ يَغْيِرُ هُدَى مِنَ اللَّهِ ضَلَالًا وَ كُلَّ ضَلَالَةٍ بِدْعَةٌ وَ كُلُّ بِدْعَةٍ فِي النَّارِ وَ لَنْ يُبَالَ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ وَ الصَّبْرِ وَ الرِّضَا لِأَنَّ الصَّبْرَ وَ الرِّضَا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ.

از اسماعیل بن جابر رسیده است که امام صادق علیه السلام این نامه را به اصحاب خود نوشت و به آنها دستور داد این نامه را به یک دیگر بیاموزند و در آن درنگ کنند و آن را بررسی کرده به کارش بندند، آنها هم هر یک نسخه‌ای از آن را در نماز خانه منزل خویش نهادند و هر گاه نمازشان به پایان می‌رسید در آن می‌نگریستند. اسماعیل بن مخلد سراج گفته است: این نامه از سوی امام صادق علیه السلام به اصحابش فرستاده شد: ... ای گروهی که خداوند نگاهبان امور آنهاست! روی آورید به آثار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و روش آن حضرت و آثار امامان هدایتگر از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از ایشان، چه هر که بدان عمل کند مسلماً هدایت شده، و هر که آن را وانهد و از آن روی برتابد گمراه گردد. زیرا آنها همان کسانی هستند که خداوند فرمان به اطاعت و دوستی آنان داده است. پدر ما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پی‌گیری عمل در پیروی آثار و سنن است و اگر چه اندک باشد نزد او پسندیده‌تر و سودمندتر خواهد بود از سخت کوشی فراوان در بدعت‌گذاری و پیروی از پسند دل. همانا پیروی از هوی و از بدعتها آنها بدون هدایت الهی گمراهی است، و هر گمراهی بدعت است، و هر بدعت در آتش است. و هرگز به چیزی نزد خدا نتوان رسید جز به فرمانبری از او و شکیبایی و خشنودی، که شکیبایی و خشنودی نیز فرمان خدا است.

مصدر: الکافی ج ۸ ص ۲

دیگر منابع: الوافی ج ۲۶ ص ۹۷ / بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۲۱۰ / عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۸۵۶

انبیاء علیهم السلام و دستگاه حق وجود داشته است^{۱۲}. بنابراین در اسلام، مفهومی تحت عنوان «محافظت کننده از حدود» داریم^{۱۳}. ببینید اساساً قبل از این که حضرت وارد بحث تبیین حدود شوند، تأکید می‌کنند که ما برای اجرا و حفاظت از این فرائض نیاز به مقام ولایت داریم. آن وقت ذیل این روایت که ایشان از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است، وارد بحث می‌شوند و حدود هر کدام از فرائض را جداگانه توضیح می‌دهند. در واقع امام علیه السلام ذهنیت منظمی را در ما ایجاد می‌کنند و به بیان حدود صلات^{۱۴}، زکات^{۱۵}،

^{۱۲} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انعام آیه ۱۱۲: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ.

و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم بعضی از آنها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار.

قرآن کریم سوره بقره آیه ۷۵: أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ. آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند.

قرآن کریم سوره مائده آیه ۱۳: فِيمَا نَقُضِيهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده بودند به فراموشی سپردند و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند] پس از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

^{۱۳} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره توبه آیه ۱۱۲: التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

[آن مؤمنان] همان توبه‌کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه‌داران رکوع‌کنندگان سجده‌کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده‌بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده.

^{۱۴} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره عنکبوت آیه ۴۵: اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ.

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید.

برای مطالعه بیشتر درباره ی "صلات" به پیوست شماره چهار مراجعه فرمایید.

^{۱۵} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۷۷: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز برپا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

برای مطالعه بیشتر درباره ی "زکات" به پیوست شماره پنج مراجعه فرمایید.

حج^{۱۶}، صوم^{۱۷} و ولایت^{۱۸} می پردازند. یعنی قبل از تفصیل بحث، یک دور شریعت را به صورت اجمالی توضیح می دهند. پس این یک معادله اصلی برای فهم روایات است. یعنی اگر خواستید ذهنیت شخصی را با علم مطرح در آیات و روایات^{۱۹} آشنا کنید، گام اول این است که فرائض خمسسه را با او تفاهم کنید و در مرحله بعدی، حدود هر کدام از فرائض را. نتیجه اینکه ذهن مخاطب منظم می شود و می داند بر اساس کدام تقسیم بندی با شما ارتباط بگیرد. به صورت طبیعی سایر آیات و روایات هم شرح درختی این حدود می شوند. به عنوان مثال مجموعه ای از آیات و روایات داریم که شرح حدود صلوات است و مورد بحث این دوره کنونی^{۲۰}.

۱۶. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۹۷: فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ.

در آن نشانه هایی روشن است [از جمله] مقام ابراهیم است و هر که در آن درآید در امان است و برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است.

برای مطالعه بیشتر درباره ی "حج" به پیوست شماره شش مراجعه فرمایید.

۱۷. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۸۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که پرهیزگاری کنید.

برای مطالعه بیشتر درباره ی "صوم" به پیوست شماره هفت مراجعه فرمایید.

۱۸. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره مائده آیه ۵۵: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُتَّقُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ. ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

برای مطالعه بیشتر درباره ی "ولایت" به پیوست شماره هشت مراجعه فرمایید.

۱۹. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انعام آیه ۵۹: وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعَلِّمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.

و کلیدهای غیب تنها نزد اوست جز او [کسی] آن را نمی داند و آنچه در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است.

۲۰. ارجاع پژوهشی: رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ مَا إِنْتَلَاهُ اللَّهُ بِهِ فِي نَوْمِهِ مِنْ دَنْحٍ وَلَدِهِ إِسْمَاعِيلَ أَبِي الْعَرَبِ فَأَتَمَّهَا إِبْرَاهِيمُ وَعَزَمَ عَلَيْهَا وَسَلَّمْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا عَزَمَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى تَوَابًا لَهُ لِمَا صَدَقَ وَعَمِلَ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحَنِيفِيَّةَ وَهِيَ الطَّهَارَةُ وَهِيَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ خَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الرَّأْسِ وَخَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الْبَدَنِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ فَأَخَذَ الشَّارِبَ وَإِعْقَاءَ اللَّحْيِ وَطَمُّ الشَّعْرِ وَالسَّوَاكُ وَالْخِلَالُ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْبَدَنِ فَحَلَقُ الشَّعْرِ مِنَ الْبَدَنِ وَالْخِثَانُ وَتَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَالغُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ وَالطُّهُورُ بِالْمَاءِ فَهَذِهِ الْحَنِيفِيَّةُ الطَّاهِرَةُ الَّتِي جَاءَ بِهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ تَنْسَخْ وَلَا تَنْسَخْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُوَ قَوْلُهُ: وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ذَكَرَهُ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ.

همین طور مجموعه دیگری از آیات و روایات که شرح حدود زکات است، یا بخش دیگری که شرح حدود صوم یا حج است.

۲/۳. اهمیت منطق تبویب مباحث به عنوان دلیل اصلی توجه به روایات ساختاری

حال چرا من این توضیح را عرض کردم؟ برای این که پرسش از منطق تبویب^{۳۱} بحث، همیشه یک سؤال مهم بوده است. اساساً وقتی شما بیش از یک گزاره را با مخاطب مکلف^{۳۲} خودتان مطرح می‌کنید، به صورت طبیعی

زمانی که خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را مبتلای به امتحان ذبح فرزندش کردند و ایشان تسلیم امر الهی شدند و عزم این کار را کردند، خداوند متعال در پاسخ این عمل و برای ثواب اینکار، ایشان را امام را قرار دادند و حنیفیت را که همان طهارت (حد اول نماز) است بر ایشان نازل کردند. حنیفیت نیز شامل ده چیز است: پنج نوع طهارت در سر و پنج نوع طهارت در سایر اعضای بدن. اما پنج طهارت در سر: گرفتن سبیل، بلند کردن ریش، کوتاه کردن موی سر، مسواک و خلال است. و پنج مورد طهارت در بدن هم شامل زدودن موهای زائد بدن، ختنه، کوتاه کردن ناخن‌ها، غسل جنابت و طهارت گرفتن با آب است. این ده مورد تا روز قیامت نسخ نخواهند شد.

بحار الأنوار ج ۱۲ ص ۵۶ / تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۱۲۰ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۱۷ / الوافی ج ۶ ص ۵۹۰

۳۱. ارجاع پرورشی: نظریه فقهی تبویب چه می‌گوید؟ / درختواره دانشی مدرسه هدایت شامل چه علومی است؟ یکی از نظریات فقهی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، "نظریه فقهی تبویب" نام دارد. موضوع این نظریه تبیین قواعد تفکیک دانش‌ها و اصول فقهی تبویب دانش است و در زمره علوم مرتبط با "فقه العلم" طبقه بندی می‌شود.

در فصل اول "نظریه فقهی تبویب" به بررسی و نقد تعریف موضوع علم به "کلی جامع" (تئوریزه شده در کفایة الاصول آخوند خراسانی) و نقد اصول ۶ بخشی طبقه بندی علم فرانسویس بیکن و نقد طبقه بندی‌های کتابخانه‌ای دیوئی و کتابخانه کنگره آمریکا؛ پرداخته می‌شود.

در فصل دوم مباحث این نظریه به بررسی پرسش ارتباط علم و هدایت می‌پردازیم. به دلیل افضلیت هدایت انسان و قباح شدید مسئله ضلالت انسان، در گام دوم به بررسی نقش علم در هدایت یا ضلالت انسان و تفاوت‌های علم غلط و علم ناقص می‌پردازیم. (در فقه هدایت نسبت همه امور با هدایت و ضلالت انسان سنجیده می‌شود.)

در فصل سوم این نظریه اصل تمایز علوم بر اساس اصل هدایت انسان به صورت استظهاری مورد بازخوانی و تعمیق واقع می‌شود و ایده جدیدی برای تعریف و بالتبع تمایز علوم تعریف می‌شود.

در فصل چهارم "نظریه فقهی تبویب" به تبیین چگونگی تبویب و طبقه بندی علم (مبتنی بر اصل بنیادین هدایت انسان) می‌پردازیم.

فصل پنجم "نظریه فقهی تبویب" به تبیین "درختواره دانشی مدرسه تمدنی هدایت" (که براساس نظریه فقهی تبویب، تدوین شده است) در سه بخش ۱- معرفی دانش‌های پایه (شامل: الف- جدول روابط انسانی، ب- جدول تسخیر شیء پایه و ج- جدول اسماء الهی) ۲- معرفی علوم کاربردی (شامل: الف: علوم مرتبط با فقه نظام، ب: علوم مرتبط با فقه الخلق و ج- علوم مرتبط با فقه علوم غریبه) و ۳- معرفی علوم استنباطی (الف: قواعد فقهی احراز صدور، ب: قواعد اصولی فقه بیان ج: قواعد فقهی الفاظ) می‌پردازد.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی نظریه فقهی تبویب - عید مبعث ۱۴۴۳ (سه شنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۰) قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3960>

۳۲. ارجاع پرورشی: مکلف، به شخص بالغ و عاقلی گفته می‌شود که مورد خطاب شارع قرار گرفته و احکام شرعی متوجه او می‌گردد؛ به بیان دیگر، مکلف، یعنی شخص بالغ و عاقلی که مورد امر یا نهی شارع مقدس قرار گرفته است.

فرهنگ معارف اسلامی، سجادی، جعفر، ج ۴، ص ۳۵۲ / انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲، ص ۲۲۹ / تحریر الفصول، ذهنی تهرانی، محمدجواد، ج ۴، ص ۶ / شرح رسائل، محمدی، علی، ج ۱، ص ۶ / کفایة الاصول، آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، ص ۲۹۶

این سؤال مطرح می‌شود که ابتدائاً، کدام یک از این دو گزاره باید طرح شود؟ گزاره الف را باید طرح کنیم یا ب؟ وزن کدام یک بیشتر است؟ حتی اگر شما دو گزاره هم داشته باشید باز این سؤالات شکل می‌گیرد. یا مثلاً پرسش سوم: آیا می‌شود گزاره ب را نادیده گرفت و فقط به یکی از این‌ها پرداخت یا باید هر دو مورد نظر و توجه باشند؟ به اصطلاح امروز فقه، آیا یکی مستحب^{۲۳} است یا هر دو واجبند^{۲۴}؟ حال فرض کنید که می‌خواهید ده گزاره را با مخاطبتان مطرح کنید. بدیهی است که این سؤال به صورت خیلی جدی‌تر مطرح شود. می‌خواهم بگویم که حضرت علیه السلام در روایات فرائض خمسسه، تقسیم‌بندی اول شریعت را برای ما تبیین می‌کنند. می‌فرمایند: بدانید که تا روز قیامت یک فرائض خمسسه‌ای داریم که هر چه آیه و روایت برای شما می‌خوانم در شرح همین محورهای پنج‌گانه است.

^{۲۳} . ارجاع پرورشی: مستحب، از اقسام محکوم به است؛ یعنی شارع مقدس مکلف را به انجام عملی تشویق و تحریص می‌کند، بی آن که در آن الزامی وجود داشته باشد؛ به بیان دیگر، مستحب، عملی است که فعل آن پسندیده است و ترکش حرام نیست؛ یعنی انجام دهنده آن سزاوار ستایش می‌باشد، ولی ترک کننده آن مستحق ذم نیست، مانند: نماز و روزه مستحبی.

اصول الاستنباط، حیدری، علی نقی، ص ۸۳ / مبادی فقه و اصول، فیض، علیرضا، ص ۱۱۱.

^{۲۴} . ارجاع پرورشی: وجوب، از اقسام احکام الزامی بوده و عبارت است از حکم تکلیفی شرعی که شارع به طور جزم و الزام، انجام متعلق آن را از مکلف خواسته و راضی به ترک آن نیست، و برای عمل به آن پاداش و برای ترکش کیفر قرار داده است، مانند: وجوب نماز، روزه و ادای امانات.

محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، ص ۴۵ / صدر، محمدباقر، دروس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۶۳ / عاملی جبعی، علی بن احمد، تمهید القواعد، ص ۳۴-۳۵ / سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۲۰۹۹-۲۱۰۰ / فخر رازی، محمد بن عمر، المحصول فی علم اصول الفقه، ج ۱، ص ۹۳ / ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۳۴۰.

۲/۴. اشکال مهم فهرست کتاب شرایع الاسلام: عدم توجه به روایات ساختاری و ارائه فهرست خطی از مباحث

۲/۴/۱. تبویب صحیح کتب فقهی به محوریت پنج باب اصلی است که از صلاح شروع و به ولایت ختم می شود

پس این ساختار اصلی ماست و بر اساس این روایات می شود به فهرست فقهی کتاب شرایع الاسلام^{۲۵} اشکال کرد و پرسید: چرا بحث های فقهی را به صورت خطی از طهارت تا دیات^{۲۶} مطرح کرده است؟ آیا نباید این نوع از آیات و روایات را مورد توجه قرار می داد؟ ان شاء الله وقتی تبویب فقهی جدید را مطرح کردیم از همین روایات استفاده می کنیم. می گوییم فرائض خمسسه باب اول فقه است؛ چرا که خیلی مهم است که در ذهن مخاطب برجسته شود. مثل بحثی که در مورد صلوات داشتیم، در اینجا هم امام علیه السلام می فرمایند: "کبار فرائض" و در واقع ذیل این اصطلاح، به کل فقه وزن دهی می کنند. بنابراین نباید گفت که کتاب های فقهی از طهارت

^{۲۵} ارجاع پرورشی: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام مشهور به شرایع، کتابی در فقه فتوایی نوشته محقق حلی (درگذشت ۶۷۶ق) فقیه برجسته قرن هفتم قمری. این کتاب از زمان تألیف، همواره کانون توجه فقیهان و از متون درسی حوزه های علمیه بوده است و شرح ها و حاشیه های بسیاری بر آن نوشته شده است. ویژگی مهم شرایع را آن دانسته اند که در آن، مسائل فقه در چهارچوبی منطقی و منظم ارائه شده است. در این کتاب، همه احکام شرعی در چهار بخش کلی عبادات، عقود، ایقاعات و احکام بیان شده است. مشهورترین شرح های شرایع عبارت است از: جواهرالکلام، مسالک الأفهام و مدارک الاحکام. محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق) از فقیهان بزرگ شیعه است. او دایی و استاد علامه حلی بود. علامه حلی وی را بزرگ ترین فقیه زمان خود شمرده است. علاوه بر علامه حلی، ابن داوود حلی، فخرالمحققین فرزند علامه حلی و علی بن یوسف حلی برادر علامه حلی از شاگردان بنام او بوده اند. محقق حلی در فقه، اصول فقه و کلام کتاب نوشته است که برخی عبارت اند از: الْمُخْتَصَرُ التَّائِع (در فقه)، الْمُعْتَبَرُ فِي شَرْحِ الْمُخْتَصَرِ (در فقه)، نَهْجُ الْوُصُولِ إِلَى مَعْرِفَةِ عِلْمِ الْأُصُولِ (در اصول فقه) و الْمَسْلُكُ فِي أُصُولِ الدِّينِ (در کلام). به گفته نویسنده کتاب، کتاب را به پیشنهاد یکی از شاگردانش تألیف کرده است که از او خواسته در نوشته ای مختصر، احکام اصلی فقهی را برای او بیان کند. گفته اند پیش از شرایع، کتاب نهاییه نوشته شیخ طوسی به مدت دو قرن، مهم ترین متن درسی فقهی بود؛ اما پس از تألیف شرایع، این کتاب با استقبال فراوان روبه رو شد و به تدریج، جای نهاییه را گرفت. صاحب جواهر در مقدمه کتابش جواهرالکلام که شرح شرایع است، کتاب شرایع را «قرآنی در احکام شرعی» و «فرقانی در علوم فقهی» (فرقان: ابزار تشخیص درست از نادرست) معرفی کرده، جامعیت و دقتش را ستوده و آن را الگویی برای کتاب های بعدی دانسته است. به گفته آقابزرگ تهرانی، شرایع به لحاظ نحوه تنظیم مباحث فقهی، از بهترین متون فقهی است. این کتاب از عصر نویسنده همواره مورد توجه فقیهان شیعه و محور گفت وگوهای علمی و تدریس ها بوده است.

آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۴۷ / امین، اعیان الشیعه، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۹۰؛ ج ۴، ص ۹۱-۹۲ / افندی، ریاض العلماء، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶ / محقق حلی، شرایع الاسلام، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲ / افراخته، «شرایع الاسلام»، ص ۷۳۸ / نجفی، جواهرالکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲

^{۲۶} ارجاع پرورشی: شایع ترین تقسیم بندی مباحث فقه نزد فقه های شیعه دسته بندی محقق حلی در شرایع است که کتاب خود را در چهار بخش تدوین کرده است: عبادات، عقود، ایقاعات و احکام.

شهید اول (متوفی ۷۸۶) در کتاب القواعد والفوائد در توضیح این تقسیم بندی می گوید: هدف حکم شرعی یا آخرت است و یا دنیا، گروه اول عبادات است و گروه دوم نیز اگر به تعبیر لفظی احتیاج داشته باشد به دو گروه تقسیم می شود: عقود (عبارت لفظی از دو نفر) و ایقاعات (عبارت لفظی از یک نفر) و آنچه به تعبیر لفظی احتیاج ندارد در گروه احکام آورده می شود.

گرچه فاضل مقداد (متوفی ۸۲۶) و فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۰) دسته بندی جدیدی را ارائه داده اند، ولی تقسیم بندی محقق حلی همچنان در کتب فقهی شیعه پابرجا مانده و پیروی شده است.

عباس علی عمید زنجانی، فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۴۲۱ ه.ق، ص ۴۳ تا ۴۵ / محمود بن عبدالسلام تربتی شهابی، ادوار فقه (شهابی)، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۲، ص ۱۰ تا ۱۳

شروع می‌شود چرا که طهارت، اولین حد از حدود کبیر صلات است. بنابراین صلاه، اولین بخش کتب فقهی است. کتاب دوم زکات خواهد بود، سوم حج، چهارم صوم و پنجمین بخش کتب فقهی هم ولایت و به عبارتی تبویب بحث‌ها باید اینگونه باشد. آنگاه در تبویب جدید، ابواب حدود، تعزیرات^{۲۷} و امور حسبیه^{۲۸}

^{۲۷}. ارجاع پرورشی: کتاب الحدود و التعزیرات جمع حد و تعزیر، و هما لغة كما في المسالك و غيرها المنع و التأديب، بل فيها «و منه الحد الشرعي، لكونه ذريعة إلى منع الناس عن فعل معصية خشية من وقوعه، و شرعا عقوبة خاصة تتعلق بإيلاام البدن بواسطة تلبس المكلف بمعصية خاصة عين الشارع كميتها في جميع أفراد، و عقوبة أو إهانة لا تقدير لها بأصل الشرع غالبا» و نحوه في التنقيح و الرياض، إلا أنهما لم يذكر فيهما قيد الغلبة في الأخير. و لعله إلى ذلك يرجع قول المصنف كل ما له عقوبة مقدره يسمى حدا، و ما ليس كذلك يسمى تعزيرا. لكن في المسالك في شرحها «تقدير الحد شرعا واقع في جميع أفراد كما أشرنا إليه سابقا، و أما التعزير فالأصل فيه عدم التقدير، و الأغلب من أفراد كذلك.

کتاب حدود و تعزیرات که جمع حد و تعزیر است. این دو کلمه همانطور که در شرح "مسالك الافهام" شهید ثانی و دیگر شروح آمده از لحاظ واژگانی به معنای منع و ادب کردن است. و از لحاظ شرعی به نوعی از مجازات خاص اطلاق می‌شود که متضمن درد بدن است به واسطه اینکه فرد مکلف گناه خاصی را انجام داده است که شارع کمیت و کیفیت آنرا در شرع مشخص کرده است (حدود) و درباره‌ی تعزیر نیز نوعی از مجازات که اندازه دقیقی در شرع ندارد. اما نکته این است که شارحان کتاب شرایع الاسلام درباره‌ی تعزیر نگفته‌اند که غلبه در تعزیرات این است که حد و مرزش در شرع مشخص نیست اما مرحوم شهید ثانی در شرحشان در کتاب مسالك الافهام به این امر توجه داشته‌اند و گفته‌اند که حد شرعی آنست که کیفیتش در شرع مشخص است اما در تعزیر غلبه افرادش این گونه است که کیفیتش در شرع مشخص نیست هرچند افرادی داریم از انواع تعزیرات که مانند حدود در شرع کیفیتش مشخص شده‌ست.

جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام ج ۴۱، ص ۲۵۴

^{۲۸}. ارجاع پرورشی: امور حسبی عبارت است از آنچه که در دو بعد دنیوی و اخروی به مصالح عمومی ارتباط دارد و شارع مقدس، به اهمال آن راضی نیست و برپایی آن را ضروری می‌داند. عنوان یاد شده در کلمات فقها، گاه در مفهوم خاص به کار رفته و از آن، اموری اراده شده که در شریعت متصدی خاص یا عامی برای آن تعیین نشده است مانند سرپرستی افراد صغیر و دیوانه بدون سرپرست، اموال فرد مفقود الاثر، موقوفات بدون متولی، وصایای بدون وصی و صرف خمس. گاه نیز در مفهومی کلی به کار رفته و از آن، همه اموری اراده شده که شارع راضی به اهمال آن نیست و اقامه آن را ضروری می‌بیند؛ چه متصدی با عنوان خاص مانند امام معصوم علیه السلام برای جهاد ابتدایی یا عام مانند فقیه واجد شرایط برای قضاوت، و مکلف آگاه به معروف و منکر برای امر به معروف و نهی از منکر برای آن تعیین شده باشد یا نشده باشد.

عوائد الايام، ص ۵۳۶ / العناوين الفقهية ج ۲، ص ۵۷۱ / التنقيح (الاجتهاد و التقليد)، ص ۴۲۲ / عوائد الايام، ص ۵۳۶ / العناوين الفقهية ج ۲، ص ۵۷۱ / التنقيح (الاجتهاد و التقليد)، ص ۴۲۲ / کتاب البيع (امام خمینی) ج ۲، ص ۴۹۷-۴۹۸

همگی در ذیل باب جدید ولایت طبقه بندی خواهند شد. یا مثلاً طهارت^{۲۹}، غسل^{۳۰}، وقت^{۳۱} و قبله^{۳۲} نیز در باب جدید صلات طبقه بندی می شود. بعضی از ابواب ذیل زکات و بعضی ذیل حج.

پس ببینید این در واقع یک بحث پیشینی نسبت به موضوع نماز شد. بنده دیدم جای این مسئله خالی است و باید مورد دقت و پردازش قرار گیرد به همین جهت آنرا طرح کردم. این را خوب دقت بفرمایید.

^{۲۹} . ارجاع پژوهشی: الطهارة مصدر طهر بضم العين و فتحها، و الاسم الطهر لغة: النظافة و الزاهاة يقال: ثياب طاهرة، أي من القدر و الوسخ، و هو المناسب للاستعارة للذنوب و الحيض و سوء الخلق، و لذا استدل على ذلك بقوله تعالى (وَ يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً/ احزاب ۳۳) (وَ أَرْوِجْ مُطَهَّرَةً/ آل عمران ۱۳) أي من الحيض و سوء الخلق. و لعله ظاهراً من باب استعمال اللفظ في حقيقته و مجازه، أو في القدر المشترك، و هو أولى و (إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَاكَ وَ طَهَّرَكَ/ آل عمران ۳۷) أي نزهك و (أَنَاسٌ يَنْطَهَّرُونَ/ اعراف ۸۰) أي يتنزهون، و في القاموس: ان الطهارة تقيض النجاسة، و عن الطراز: طهر طهراً بالضم و طهارة بالفتح، نظف و تقي من النجس و الدنس. و هما يرجعان الى ما تقدم. و عرفا على ما هو المعروف كما قيل، بل عن آخره عليه أكثر علمائنا اسم للوضوء أو الغسل أو التيمم على وجه له تأثير في استباحة الصلاة.

طهارت مصدر طهر است و به معنای تطافت و زاهت است. مصلاً گفته می شود: پیراهن های پاکیزه یعنی پاکیزه از چرک و کثیفی. همین طور مناسب است برای اینکه استعاره از پاکیزگی از گناهان، حیض و بذخلفی هم باشد. همانطور که در قرآن داریم: و شما را کاملاً پاکیزه گرداند یعنی از حیض و بذخلفی. یا مثلاً این آیه قرآن کریم خطال به حضرت مریم سلام الله علیها: خداوند تو را برگزید و پاکیزه کرد یعنی تو را نریزه کرد. در اصطلاح اکثر علماء ما طهارت اسم است از برای وضو یا غسل یا تیمم به نحوی که فرد بتواند با آن نماز بخواند.

جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام ج ۱ ص ۴

^{۳۰} . ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَارِ السَّابِاطِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «إِذَا اغْتَسَلْتَ مِنَ الْجَنَابَةِ فَقُلْ - اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ تَقَبَّلْ سَعْيِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ وَ إِذَا اغْتَسَلْتَ لِلْجُمُعَةِ فَقُلْ - اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمَحَّقُ بِهَا دِينِي وَ تَبْطُلُ بِهَا عَمَلِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ. هنگامی که می خواهی غسل جنابت انجام دهی بگو: الهی قلب مرا پاکیزه کن و تلاش مرا در راه خودت بپذیر و آنچه را که نزد توست برای من خیر گردان و مرا از توابین و مطهرین قرار بده. هنگام غسل روز جمعه هم بگو: خدایا قلب مرا پاکیزه گردان از هر آفتی که دین مرا نالود کند اعمال مرا نابود کند.

مصدر: تهذیب الأحكام ج ۱ ص ۳۶۷

دیگر منابع: الوافی ج ۶ ص ۵۱۳ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۲۵۴

^{۳۱} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اسراء آیه ۸۷: أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا. نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار و [نیز] نماز صبح را زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است.

^{۳۲} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۵۰: وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَنَّيْ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. و از هر کجا بیرون آمدی [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجدالحرام بگردان و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید تا برای مردم غیر از ستمگرانشان بر شما حجتی نباشد پس از آنان ترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید.

۲/۵. دو کار بیانی مهم ائمه جمعه و جماعات

گاهی به مخاطبمان در مسجد می‌گوییم که حدود کبیر صلات دوازده مورد هستند که هفت مورد از باب فرائض است و پنج مورد از باب سنت^{۳۳}. این لازم است اما در عین حال باید به صورت عرضی هم ذهن مخاطب خودتان را منظم کنید و تنها به ارائه طولی مباحث اکتفاء نکنید. در نتیجه این نوع طرح بحث، ذهن مخاطب شما به سمت جامعیت دین^{۳۴} حرکت می‌کند. بر این اساس امام جمعه و جماعات باید دو کار در مسجد انجام بدهند: اول اینکه روایات کبار فرائض الهی را با مخاطبان خود مطرح کنند. یعنی دائماً در مسجد این معانی

۳۳. ارجاع پژوهشی: وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِبَارِ حُدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ سَبْعَةٌ: الْوُضُوءُ وَالْوَقْتُ وَالْقِبْلَةُ وَ تَكْبِيرَةُ الْإِفْتِتَاحِ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ وَالِدُّعَاءُ فَهَذِهِ فُرُوضٌ عَلَى كُلِّ مَخْلُوقٍ وَ فُرُضٌ عَلَى الْأَقْوِيَاءِ وَالْعُلَمَاءِ الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ وَالْقِرَاءَةُ وَ التَّنْسِيحُ وَ التَّسْبِيحُ وَ لَيْسَتْ فَرَضاً فِي نَفْسِهَا وَ لَكِنَّهَا سُنَّةٌ وَ إِقَامَتُهَا فَرُضٌ عَلَى الْعُلَمَاءِ وَالْأَقْوِيَاءِ وَ وُضِعَ عَنِ النَّسَاءِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ وَ الْبَلْهَ الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ وَ لَا بُدَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَ مَا أَحْسَنُوا مِنَ الْقِرَاءَةِ وَ التَّنْسِيحِ وَ الدُّعَاءِ وَ فِي الصَّلَاةِ فَرُضٌ وَ تَطَوُّعٌ فَأَمَّا الْفَرُضُ فَمِنْهُ الرُّكُوعُ وَ أَمَّا التَّطَوُّعُ فَمَا زَادَ فِي التَّنْسِيحِ وَالْقِرَاءَةِ وَالْفَنُوتِ وَاجِبٌ وَ الْإِجْهَارُ بِالْقِرَاءَةِ وَاجِبٌ فِي صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَالْفَجْرِ وَ الْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ مِنْ أَجْلِ الْفَنُوتِ حَتَّى إِذَا قَطَعَ الْإِمَامُ الْقِرَاءَةَ عَلِمَ مَنْ خَلْفَهُ أَنَّهُ قَنَتَ فَيَقْنُتُونَ وَ قَدْ قَالَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةَ آيَاتٍ حَدَّ .

مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۸۴ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۶۳

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا فَرَضَ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ «الْوَقْتُ وَ الطَّهُّورُ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الْقِبْلَةُ وَ الدُّعَاءُ وَ التَّوَجُّهُ» قُلْتُ فَمَا سِوَى ذَلِكَ فَقَالَ «سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ» .

از امام اقر علیه السلام پرسیدم: واجبات در نماز چیست؟ حضرت فرمودند: وقت، طهور، رکوع، سجود، قبله، دعا و توجه. آنچه که غیر از اینهاست سنت در واجب است.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۷۲ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۱۳۹

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۱ / وسائل الشیعة ج ۴ ص ۱۰۹ / الفصول المهمة ج ۲ ص ۶۷ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۶۰

۳۴. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نحل آیه ۸۹: وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ نُبَشِّرِي لِلْمُسْلِمِينَ .

و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم.

قرآن کریم سوره یوسف آیه ۱۱۱: لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ .

به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.

برای مطالعه بیشتر درباره جامعیت دین به پیوست شماره ۸۰ مراجعه فرمایید.

تکرار شود که کبار فرائض الهی پنج مورد است: الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية^{۳۵}. در همین راستا که موضوعات را طرح و تبیین می کنند باید به عنوان دومین کار، حدود کبیر هر کدام از فرائض خمس را هم شرح دهند. مثلاً در این روایات گفته شده که حدود کبیر صلات چهار مسئله است، همین طور حدود کبیر حج. این روایت را بنده از جناب ابن قولویه نقل کردم چرا که کسی در جلیل القدر و مورد اعتماد بودن ایشان تردید نکرده است. البته روایات دیگری هم در این حوزه داریم که همگی همین معنا را افاده می کنند. در واقع باید این مسئله را به مباحث گذشته اضافه کرد که کار امام جماعت در ابتدا این است که ذهن مخاطب را منظم کند و مرحوم محقق صاحب شرایع از این حیث مورد اشکال است. چرا که ایشان به صورت خطی فرائض را مورد بحث قرار داده اند و گفته اند که مباحث فقهی از طهارت تا دیات است و پنجاه و دو باب. در واقع اشکال کار اینجاست که در فهرست خطی ایشان هیچ گونه وزن دهی به این مباحث وجود ندارد. این اصل عرض بنده است که خواستم مورد دقت و تاکید قرار بگیرد. ما نباید بحث را به گونه ای مطرح کنیم که ذهن مخاطب درباره ی شریعت نامنظم شود.

۲/۵/۱. سختی یادگیری مباحث خطی تفصیلی: اشکال دیگر وارد بر تبویب کتاب شرایع الاسلام

یا مثلاً اشکال دیگر فهرست کتاب صاحب شرایع این است که اساساً مخاطب نمی تواند یک فهرست تفصیلی خطی را حفظ کند. از باب مثال همین الان به طلبه ها که درگیر این مباحثند بگویید: می خواهیم باب شفعه^{۳۶}

^{۳۵} . ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَحْبَبْتَنِي عَنْ الدِّينِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ مَا لَا يَسْعُهُمْ جَهْلُهُ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُمْ غَيْرُهُ مَا هُوَ فَقَالَ أَعِدْ عَلَيَّ فَأَعَادَ عَلَيْهِ فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِتْيَاءُ الزَّكَاةِ وَ«حُجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا» وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ سَكَتَ قَلِيلًا ثُمَّ قَالَ وَالْوَلَايَةُ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ قَالَ هَذَا الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ وَلَا يَسْأَلُ الرَّبُّ الْعِبَادَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ أَلَا زِدْتَنِي عَلَى مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْكَ وَ لَكِنَّ مَنْ زَادَ زَادَهُ اللَّهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَنَّائًا حَسَنَةً جَمِيلَةً يَتَّبِعِي لِلنَّاسِ الْأَخْذُ بِهَا .

از علی بن ابی حمزه گوید: من شنیدم که ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) می پرسید، به او گفت: قربانت، به من خبر ده از دینی که خدا عز و جل به مردم فرض کرده، آنچه که برایشان روا نیست ندانند و جز آن از آنها پذیرفته نیست، آن دین چیست؟ در پاسخ فرمود: دوباره بگو، دوباره برای او گفت. در پاسخ فرمود: شهادت به اینکه جز خدا شایسته پرستشی نیست و محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و بر پا داشتن نماز و پرداخت زکاة و حج خانه کعبه برای هر که تواند بدان راه یابد و روزه ماه رمضان، سپس اندکی خاموش شد و دوباره فرمود: و ولایت، سپس فرمود: این است که خدا به بندها فرض کرده است پروردگار در روز رستاخیز از بندها بازپرسی نکند و بفرماید چرا بر آنچه بر شما فرض کردم نیفزودید، ولی هر که بر آن افزاید، خدا به پاداشش بیفزاید، به راستی رسول خدا روشهای نیکو و زیبا نهاد که شایسته است مردم بدانها عمل کنند.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۲۲

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۹۴ / الوافی ج ۴ ص ۹۴ / بحار الأنوار ج ۶۶ ص ۱۵

^{۳۶} . ارجاع پرورشی: شُفْعَةُ به استحقاق تملک سهم فروخته شده شریک شفعه گفته می شود. چنانچه یکی از دو شریک ملکی، سهم خود را به فردی سوم بفروشد، شریک دیگر حق دارد با شرایطی سهم فروخته شده را به ملک خود درآورد. چنین استحقاقی را «شفعه» گویند. برخی، شفعه را به حق تملک قهری سهم فروخته شده توسط شریک، برای شریک دیگر، تعریف کرده اند. طبق این تعریف، شفعه حق خواهد بود نه استحقاق. به دارنده این حق «شفیع» گویند. شفعه در اموال غیر منقول قسمت پذیر، همچون زمین، خانه، باغ

را بحث کنیم. [خواهید دید که] چیز خاصی از محتوای مربوط به این باب در ذهن ندارند که این مسئله به نوع تبویب مباحث کتاب باز می‌گردد. ملحق به این بحث اگر عنوان کردیم که امام جماعت دویست کارکرد دارد، [بدانیم که] با این نوع بیان کاری کرده ایم که چیزی از این مباحث در ذهن مخاطبمان شکل نگیرد یا به صورت حداقلی مورد توجه واقع شود.

و مزرعه ثابت است. ثبوت آن در اموال منقول، اختلافی است. عدم ثبوت به اکثر فقها، بلکه مشهور و قول به ثبوت به اکثر متقدمان و گروهی از متأخران نسبت داده شده است.

جامع المقاصد ج ۶، ص ۳۴۲ / جواهر الکلام ج ۳۷، ص ۲۳۸ / شرائع الإسلام ج ۴، ص ۷۷۶ / قواعد الأحكام ج ۲، ص ۲۴۲ / جواهر الکلام ج ۳۷، ص ۲۳۸ / وسیلة النجاة، ص ۳۸۲ / منهاج الصالحین (سید محسن حکیم) ج ۲، ص ۹۶

۲/۵/۲. تبویب مختار مدرسه هدایت بر اساس قواعد اصولی فقه البیان

۲/۵/۲/۱: ارئه یک فهرست قوی حجیت یافته به عنوان اولین گام تبویب

موضوع بیان بسیار مهم است برای همین، ما در گفت و گوهای فقهی بحثی را تحت عنوان "فقه البیان"^{۳۷} شروع کرده ایم. به نظر ما با منطق صوری^{۳۸} مطلقاً نمی توان به قواعد تبویب دست پیدا کرد. اول بیان ارائه یک فهرست قوی است که مثلاً در یک مجموعه علمی هزار سال دوام بیاورد. لذا این نوع روایات که درباره

^{۳۷} . ارجاع پرورشی: پرسش های اصلی فقه البیان (فقه البیان به زبان ساده)

قواعد اصولی فقه البیان چهار پرسش اصلی و جواب های مرتبط با آن را در ذهن طلاب و فضلاء تثبیت می کند. آشنایی با این پرسش های مهم، زمینه ساز دستیابی به فقاهتی کاملتر از فقاهت محدود به کشف معذر و منجز خواهد بود. (به فضل الهی)

پرسش اول فقه البیان: ویژگی های بیان شارع کدام است؟ (خلاصه جواب: در مقدمه فقه البیان به وسیله بازخوانی دقیق اصطلاحاتی مانند: علم الکتاب، سنت، حوائج الناس، کتاب المبین، وحی، علم صحیح، ظن، احکام، امثال، خزان العلم، نور، شیء و... ویژگی های بیان شارع را با طلبه تفاهم می نمائیم و تفاوت بیان بهجت آفرین شارع با بیان های عرفی و تخصصی را شرح می دهیم.)

پرسش دوم فقه البیان: نقطه آغازین برای فهم بیان شارع کدام است؟ (خلاصه جواب: نقطه آغاز فهم بیان شارع را توسعه تفکر و تأمل در طلبه می دانیم و در چهار محور ۱- تفصیل، ۲- ساخت، ۳- مدارا و ۴- زیرساخت به توسعه تأمل در بیان شارع کمک می کنیم. شارع با اصطلاح شرح صدر، وضعیت مطلوب تفکر و تفقه را تعیین کرده است و در مقابل با اصطلاح صدر ضعیف و قلوب قاسیه و... وضعیت عدم آمادگی انسان برای دریافت معارف الهی را برای ما توصیف کرده است.)

پرسش سوم فقه البیان: پاسخ های شارع به سؤالات مردم چند بعدی است؟ (خلاصه جواب: شارع حکیم و رحیم به سؤالات مرتبط با حوائج الناس پاسخ های بسیط و تک بعدی نمی دهد. پاسخ های اجمالی و تفصیلی شارع دارای ابعاد مختلفی هستند. اصطلاحاتی مانند: تنزیل، تأویل، ظاهر، باطن، ثبت، جزء، تمام، تقیه و... هر کدام به نوعی بر چند بعدی بودن بیان شارع تأکید دارند. قالب اولیه تجمیع جواب ظاهری شارع را در قاعده اصولی بیان مبتنی بر مکتب شرح داده ایم.)

پرسش چهارم فقه البیان: مراحل تبویب پاسخ های تفصیلی شارع به سؤالات مردم کدام است؟ (خلاصه جواب: شارع محترم حداقل در شش مسیر ۱-مقایسه، ۲- رفق، ۳- منزلت، ۴- انفتاح، ۵- سیاق و ۶- کفایت به تفصیل بیان اجمالی خود می پردازد. تشریح و تفصیل بیان شارع شش مسیر مشخص در فقه البیان دارد و خروجی آن کشف عقلانیت پیشرفته شارع برای طلبه فقیه است! به عبارت دیگر: صور عام عقلانیت در فقه البیان، شش مسیر دارد.)

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین پرسش های اصلی فقه البیان - پنجشنبه ۴ آبان ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5745>

برای مطالعه بیشتر درباره ی "قواعد اصولی فقه البیان" به پیوست شماره ده مراجعه فرمایید.

^{۳۸} . ارجاع پرورشی: وقتی کلمه منطق و علم منطق بدون قید به کار می رود منظور همان منطق ارسطویی است که همان قوانین درست فکر کردن را به ما می آموزد. منطق ارسطویی از دو بخش تشکیل یافته است، بخش اول منطق صوری، در این بخش محتوای فکر مورد نظر نیست، بلکه آنچه مهم است فقط صورت و قالب فکر است. یعنی فقط به ما یاد می دهد که اگر می خواهی نتیجه درستی از یک استدلال بگیری، باید شرایطی که دارد رعایت کنی. بخش دوم منطق قدیم ارسطویی به نام صناعات خمس است که به بررسی مواد قیاس و استدلال پرداخته است. منطق ارسطویی عبارت است از بحث تصورات، تصدیقات و قیاس ها از لحاظ صورت آنها نه از لحاظ ماده و عادات منطق صوری به منطق ارسطو یا منطق قیاسات نیز اطلاق می شود. لازم به ذکر است، از آنجا که این منطق بیشتر به ظاهر و صورت استدلال و شرایط صوری استدلال می پردازد. به منطق صوری نیز معروف است.

حدود بحث کرده است و ما یک مورد را از جناب "ابن قولویه" نقل کردیم، روایات تبویب شارع است. این روایت در واقع یک طرح بحث عرضی دارد که کبار فرائض الهی پنج مسئله است. آنگاه بلافاصله و در همان خط اول می فرماید: *الولاية*، حافظه برای آن چهار حد دیگر. امام علیه السلام اینگونه بحث می کنند. همان اول می فرمایند که اگر می خواهید این حدود اجرایی شوند؛ به مقام ولایت توجه کنید چرا که: *لم يناد بشيء كما نودي بالولاية*، برای اینکه "*الولاية*" حافظ دیگر حدود است^{۳۹}. بنابراین بعد از سقیفه^{۴۰} که مقام حافظ حدود اصلی شریعت دچار چالش شد؛ *صلاة*، *صوم* و *زكاة* هم به صورت تنزل یافته در اذهان متولد شد. اما در صورت بیان شریعت به شیوه امام علیه السلام ذهن ها منظم می شوند. همین الان ما فهمیدیم که کبار فرائض الهی پنج مسئله است. البته شما می توانید بگویید که ما فرائض دیگری هم داریم که در این بحثی نیست ولی موضوع این است که در هر صورت ما باید به معارف و معلوماتی که به مخاطبان می دهیم وزن دهی کنیم. در نتیجه می توانیم هر کدام از مباحث را در جای خود و به صورت منظم مورد بررسی قرار دهیم.

۳۹. ر.ک به پاورقی شماره ده

۴۰. ارجاع پرورشی: سقیفه مکانی به شکل سگو یا سایبان بوده است که طوایف عرب برای مشورت در تصمیمات عمومی، در آن جمع می شدند. سقیفه ای که پس از رحلت پیامبر (ص) برخی از مهاجران و انصار در آن گرد آمدند، متعلق به تیره بنی ساعده از قوم خزرج ساکن در مدینه، که پیش از هجرت پیامبر، جلسات این گروه در آن محل تشکیل می شد. این مکان پس از ورود پیامبر به مدینه، به مدت ده سال (تا زمان رحلت پیامبر)، عملاً کاری خود را از دست داد و در هنگام تجمع مهاجران و انصار برای تعیین جانشین حضرت محمد (ص) دوباره جمع می شد. واقعه سقیفه بنی ساعده واقعه ای پس از رحلت پیامبر (ص) در سال ۱۱ق بود که در آن ابوبکر بن ابی قحافه به عنوان خلیفه مسلمانان انتخاب شد. پس از وفات حضرت محمد (ص)، امام علی (ع) و برخی دیگر از صحابه مشغول تدارک مراسم تدفین وی بودند، در همان زمان عده ای از انصار به رهبری سعد بن عباده بزرگ قبیله خزرج، در سقیفه بنی ساعده جمع شدند تا برای انتخاب رهبر پس از پیامبر (ص) تصمیم بگیرند. به نظر برخی تاریخ نگاران، این اجتماع انصار، فقط برای تعیین حاکمی برای شهر مدینه بوده است؛ اما با ورود برخی از مهاجران به جلسه، مجادلات به سمت تعیین جانشین پیامبر برای رهبری تمام مسلمانان تغییر مسیر داد و در نهایت، با ابوبکر به عنوان خلیفه مسلمانان بیعت شد. بنابر نقل منابع تاریخی، به جز ابوبکر که از طرف مهاجران سخن می گفت، عمر بن خطاب و ابو عبیده جراح نیز در سقیفه حاضر بوده اند.

اهل سنت برای مشروعیت بخشی به حاکمیت و خلافت ابوبکر به اصل اجماع استناد کرده اند. این در حالی است که به نوشته تاریخ نگاران انتخاب ابوبکر مورد پذیرش عمومی نبوده است. پس از این واقعه افرادی مانند حضرت علی (ع)، فاطمه زهرا (س)، فضل و عبدالله پسران عباس عموی پیامبر و نیز برخی اصحاب معروف پیامبر مانند سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن عمرو، زبیر بن عوام و حذیفه بن یمان به برگزاری شورای سقیفه و نتیجه آن اعتراض کردند. شیعیان واقعه سقیفه و نتایج آن را بر خلاف سخنان پیامبر (ص) مبنی بر جانشینی امام علی (ع) به ویژه در غدیر خم، می دانند.

در منابع تاریخی واقعه سقیفه گزارش شده است. همچنین آثاری نیز برای بررسی و تحلیل آن نوشته شده است و نیز مستشرقانی مانند هنری لامنس، کایتانی و ویلفرد مادلونگ در تألیفاتی به نقل و بررسی واقعه سقیفه پرداخته اند. کتاب *The succession to Muhammad* (به فارسی: جانشینی حضرت محمد) اثر مادلونگ و نظریه مثلث قدرت از هنری لامنس از معروف ترین آن ها هستند.

یاقوت حموی، معجم البلدان، دار صادر، ج ۳، ص ۲۲۹-۲۲۸ / رجعی دوانی، تحلیل واقعه سقیفه بنی ساعده با رویکرد به نهج البلاغه، ۱۳۹۳ش، ص ۸۰ / مادلونگ، جانشینی محمد، ۱۳۷۷ش، ص ۴۷ / ابن قتیبه، الإمامة والسیاسة، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲ / ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، دار صادر، ج ۲، ص ۳۲۷ / طبری، تاریخ الأمم والملوک، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۰۶

۲/۵/۳. چگونگی وزن دهی و تبویب بیش از چهارصد هزار روایت و چند هزار آیه قرآن

۲/۵/۳/۱. تبویب پرسش محور و تبویب بر اساس ظرفیت مخاطب: دو نمونه دیگر از تبویبهای حجیت یافته

بینید الان ما حدود چهارصد هزار روایت با تکرار^{۴۱} و چند هزار آیه قرآن داریم. پرسش مهم این است که چگونه می‌خواهیم اینها را با هم جمع کنیم؟ تنها امام است که به همه این مسائل اشراف دارد. نتیجه اینکه جمع باید به وسیله ایشان انجام شود. البته خود امام علیه السلام اجازه بعضی از انواع تبویب را داده اند. مثلاً فرموده اند اگر مخاطب شما پرسشی داشت به آنها پاسخ دهید. یعنی این نوع تبویب‌ها را هم داریم. یا در جمعی قرار می‌گیرید که مخاطبان شما شبیه دارند که در این وضعیت باید شباهت را طبقه بندی و پاسخ دهید. این نوع تبویب هم درست است. اما باید توجه داشت که این نوع طبقه بندی، جای تبویب‌های ساختاری شارع را نمی‌گیرد. ملحق به این مسئله وضعیتی است که تبویب شارع به صورت تفصیلی در ذهنتان است اما مخاطب شما ظرفیت دریافت تمام آن را ندارد. امام جماعت در اینجا تنها به گفتن بعضی از مباحث اکتفاء می‌کند. بنابراین ممکن است که تابع ظرفیت مخاطب، تبویب خاصی به بحثتان بدهید و به طرح مسئله پردازید^{۴۲}.

^{۴۱} . ارجاع پرورش: با توجه به ملاک‌ها و معیارهای متفاوت در سنجش حدیث، گزارش‌های متفاوتی از شمار احادیث شیعه و اهل سنت در اختیار است. برنامه نرم افزاری «جامع الأحادیث»، مجموع احادیث مصادر شیعه را ۴۱۴ هزار و ۹۶۰ حدیث برشمرده که در بردارنده ۱۸۷ هزار و ۷۶۳ روایت غیر تکراری است. شمار روایات مصادر اصلی حدیثی شیعه بدین شرح است: کتاب کافی: ۱۵ هزار و ۴۱۳ حدیث؛ تهذیب الأحکام: ۱۳ هزار و ۹۸۸ حدیث؛ الاستبصار: ۵ هزار و ۵۵۸ حدیث؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ۵ هزار و ۹۲۰ حدیث؛ الوافی (مجموعه کتب اربعه): ۲۵ هزار و ۵۴۷ حدیث؛ وسائل الشیعه (مجموعه روایات فقهی): ۳۵ هزار و ۸۶۸ حدیث؛ بحار الأنوار: ۷۱ هزار و ۶۸۹ حدیث؛ مستدرک الوسائل: ۲۳ هزار و ۱۲۹ حدیث. منبع: پایگاه اطلاع رسانی حدیث شیعه

B2n.ir/q20615

قرآن با ۱۱۴ سوره از روز نخست به همین صورت فعلی، و بدون کم و زیاد، نازل شده و از طریق پیامبر (ص) با نقل صحابه و تابعین به دست ما رسیده است. این عدد متواتر است، و زیاده بر آن فاقد اعتبار و کمتر از آن نیز فاقد دلیل است. از سوی بر طبق روایت کوفتین که از مولی امام علی (ع) روایت شده، قرآن ۶۲۳۶ آیه دارد و اکنون عدد آیات قرآن در مصحف شریف همین رقم است. این شمارش، مبتنی بر آن است که «بسم الله الرحمن الرحیم» در سوره حمد یک آیه محسوب شود و در دیگر سوره‌ها آیه مستقل به حساب نیامده باشد.

الإتقان فی علوم القرآن، سیوطی، جلال الدین، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۱ هـ ق / ۲۰۰۱ م، چاپ دوم، ج ۱، ص ۲۳۵ به بعد؛ روایت کوفتین از ابن ابی لیلی، او از ابوعبدالرحمان سلمی و از امیر مؤمنان (ع) است / الإتقان فی علوم القرآن، همان، ص ۲۳۲ به بعد / برگرفته از کتاب: علوم قرآنی، معرفت، محمد هادی، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم، ۱۳۸۱ هـ ش، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

^{۴۲} . ارجاع پژوهشی: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «يَا بُنَيَّ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. أمير المؤمنين عليه السلام در وصیتش بفرزندش محمد بن حنفیه - رضی الله عنه - فرمود: فرزند عزیزم آنچه را نمیدانی مگوی، بلکه همگی آنچه را که میدانی هم مگوی.

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۶۲۶

دیگر منابع: الوافی ج ۲۶ ص ۲۲۹ / وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۶۸

عَنْ أَبِي الْبَرْقِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ».

ما جمعیت انبیا مأموریم با مردمان در حدّ فهم و عقلشان سخن بگویم.

۲/۶. پراکندگی و بی ارتباطی گزاره های شریعت با یکدیگر، در نتیجه عدم توجه به ساختار تبویب های شارع

می خواهم عرض کنم که اولین کار یک امام جماعت این است که مسئله تبویب و اینکه مخاطب تصور کند که نظام فکری دارد را مورد توجه قرار دهد. وگرنه شریعت به صورت گزاره های پراکنده و بریده از یکدیگر در ذهن مخاطب شکل می گیرد. در واقع بیخشید به خاطر این تشبیه_ ذهن مخاطب مانند یک انبار بزرگ از امکانات و تجهیزات است اما کسی نمی داند در سمت راست این انبار چه تجهیزاتی وجود دارد و در سمت چپ چه امکاناتی؟ در واقع وقتی امکانات و تجهیزات فراوانی دارید باید انبارداری بلد باشید وگرنه دسترسی به هر کدام از کالاها و تجهیزات خیلی دشوار خواهد شد. بنابراین بهترین راه این است که از اول کالاهایتان را طبقه بندی کنید. کالاهای یک امام جماعت، گزاره های مبتنی بر هدایت و تفکرات قویم شارع است^{۴۳}. بنابراین از ابتدا باید هم ذهن خودش منظم باشد هم ذهن مخاطبش را نظم بدهد. این نتیجه بحث است که بنده می خواهم در این بخش عرض کنم: اولین کار ائمه جمعه و جماعات، شرح و توضیح کبار فرائض الهی برای مخاطبان است.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۱۹۵ / تحف العقول ج ۱ ص ۳۷

دیگر منابع: عوالي اللئالی ج ۲ ص ۱۰۳ / بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۰۶ / مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۲۰۸

^{۴۳} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۶۲: أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و اندرزتان می دهم و چیزهایی از خدا می دانم که [شما] نمیدانید.

قرآن کریم سوره احزاب آیه ۳۹: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا. همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند و خدا برای حسابرسی کفایت می کند.

۲/۶/۱. یکی از مهم ترین تفاوت های فقه نظام با فقه جواهری موجود

نگوید ما پنجاه و دو باب فقهی داریم. بخواهید با فهرست صاحب شرایع پیش بروید خیلی مشکلات ایجاد خواهد شد. بگذارید بگویم فهرست کتابهایی مانند شرایع و جواهر الکلام^{۴۴} اصلاً برای نظام سازی^{۴۵} مفید نیست. چون به وسیله فهرست این کتابها نمی توانید ذهن مخاطب و مکلف را تبویب و نظم دهی کنید. این یکی از تفاوت های بارز فقه نظام^{۴۶} با فقه مصطلح جواهری است که ما اصرار فراوانی برای تبویب و نظم

^{۴۴}. ارجاع پرورشی: جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام یکی از مفصل ترین کتاب های فقه استدلالی شیعه نوشته محمدحسن نجفی، از مجتهدان و مراجع تقلید قرن سیزدهم قمری است. آقا بزرگ تهرانی جواهر الکلام را کتابی جامع شمرده که از اول تا انتهای فقه را در بر گرفته است. همچنین آن را کتابی بسیار تحلیلی، استدلالی و دقیق توصیف کرده است. محسن امین در اعیان الشیعه از شیخ انصاری نقل کرده که دو کتاب جواهر و وسائل در کنار برخی نوشته های فقیهان متقدم، برای اجتهاد کافی است. امین جواهر الکلام را همواره تکیه گاه مجتهدان و طلاب حوزه های عملیه دانسته است. مرتضی مطهری جواهر الکلام را دایرة المعارف فقه شیعه نامیده. که اکنون نیز هیچ فقیهی از آن بی نیاز نیست. آیت الله خمینی مرجع تقلید قرن چهاردهم و رهبر جمهوری اسلامی ایران با ابداع اصطلاح فقه جواهری به حوزه های علمیه توصیه می کرد که فقه جواهری را اساس مطالعات فقهی خود قرار دهند و آن را تقویت کنند و تخلف از آن را جایز نمی دانست.

آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۲۷۶؛ امین، اعیان الشیعه، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۱۴۹ / بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث، «جواهر الکلام»، ص ۶۷۲ / مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۹ش، ج ۲۰، ص ۸۶؛ بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث، «جواهر الکلام»، ص ۶۷۲ / خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۸۰

^{۴۵}. ارجاع پرورشی: پایه های اصلی نظام سازی فقهی کدام است؟

تنزل دادن گفتگوهای مرتبط با نظام سازی فقهی به مسائل تربیتی و فقه تربیت، یک اشتباه محسوب می شود. اگرچه منکر تأثیر زیرساختی تربیت بر سایر حوزه ها نمی شویم؛ ولی فراموشی سایر حوزه های نظام سازی به معنای خالی گذاشتن برخی حوزه ها برای جریان توسعه غربی است. حوزه های اصلی نظام سازی را استظهاراً للآیات و الروایات در ۹ حوزه ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه التزکیه، ۴- فقه البیان، ۵- فقه النظم، ۶- فقه المکاسب، ۷- فقه الفرقان، ۸- فقه العبره و ۹- فقه نفی سبیل تبیین نموده ایم. این ابواب فقهی قدرت هدایت اختیار انسان ها و ایجاد یک نظام اجتماعی غیر جبری را دارند.

حجت الاسلام علی کشوری - پنج شنبه ۶ آذر ۱۳۹۹ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیمارسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/2754>

^{۴۶}. ارجاع پرورشی: معنای نظام سازی چیست؟ / نظام سازی چند حوزه دارد؟

بعد از بررسی روایات و آیات به این نتیجه رسیده ایم؛ که نظام سازی به معنای "تنظیم صحیح روابط انسانی" است. مبتنی بر تتبع فقهی؛ تنظیم صحیح روابط انسانی؛ شامل: سیزده بخش ۱- تنظیم رابطه فرد با امام، ۲- تنظیم رابطه فرد با معلم، ۳- تنظیم رابطه فرد با رفیق، ۴- تنظیم رابطه فرد با همسایه، ۵- تنظیم رابطه فرد با خانواده، ۶- تنظیم رابطه فرد با طرف تجارت، ۷- تنظیم رابطه فرد با دشمن (کفر و نفاق)، ۸- تنظیم رابطه فرد با فقیر، ۹- تنظیم رابطه فرد با یتیم، ۱۰- تنظیم رابطه فرد با ابن سبیل، ۱۱- تنظیم رابطه فرد با همسفر، ۱۲- تنظیم رابطه فرد با مهمان و ۱۳- تنظیم رابطه فرد با شریک شغلی است.

معتقدیم تنظیم روابط انسانی در بخش های سیزده گانه فوق الذکر؛ بر اساس اصل مترقی "خود تنظیمی فرد" تحقق می یابد و دعوای فلسفی اصالت با فرد است یا جامعه؟ - به دلیل انتزاعی بودن - مانعی بر سر راه نظام سازی محسوب می شود. بنابر نظریه مختار، جامعه حقیقتی ندارد. همچنین تعریف های فلسفی از اصالت فرد را مبهم و غیر کاربردی می دانیم و مسیر نظام سازی را به محوریت اصطلاح اصطیادی "خود تنظیمی در روابط انسانی" تئوریزه می کنیم. برای اینکه یک فرد به خود تنظیمی در حوزه های سیزده گانه دست یابد؛ نیازمند پردازش زیر ساخت های نه گانه هدایت هستیم.

دادن اذهان داریم [و فقه جواهری کنونی فاقد این امر است]. اهمیت موضوع به این باز می‌گردد که تنها در اینصورت می‌توانید جامعیت دین را شرح و بسط دهید. یا چون طبقه بندی اصلی را دارید، هنگام مواجهه با بعضی از پرسش‌های فرعی، می‌توانید آن سوال را در چهارچوب تبویب اصلی جای گذاری و پاسخ دهید. همین طور می‌شود همه گزاره‌های فرعی شریعت را نیز بحث کرد.

۲/۶/۲. اشکال وارد بر تبویب کتاب کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی

این یکی از مسائل عجیب است که چنین موضوعاتی در ادبیات شارع مطرح شده است اما در ادبیات استنباط و تفقه^{۴۷} ما یا مثلاً در رساله‌های عملیه ما نیامده. الان تبویب رساله‌های ما هم نظام ساز نیست. به این معنی که نمی‌تواند ذهن مخاطب را منظم کند. در واقع اصلی‌ترین اشکالات ما بر مدل استنباط و اجتهاد مصطلح، همین مسائلی است که عرض شد. بر این اساس وقتی مقصد اول کفایه^{۴۸} را می‌خوانید می‌توانید به

حجت الاسلام علی کشوری - مباحث مقدماتی فقه النظم - چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۸ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیمارسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/2248>

^{۴۷} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره توبه آیه ۱۲۲: وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفُرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفْرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.

و مؤمنان را نسزد که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند؛ چرا از هر جمعیتی گروهی [به سوی پیامبر] کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که [از مخالفت با خدا و عذاب او] پرهیزند.

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَفَقَّهُوا فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ أَعْرَابِيٌّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» إِلَى قَوْلِهِ: «يَحْذَرُونَ».

از امام باقر علیه السلام: در دین تفقه کنید که در غیر اینصورت اعرابی و بیابانگرد خواهید بود.

مصدر: تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۱۱۸

دیگر منابع: تفسیر البرهان ج ۲ ص ۸۷۰ / تفسیر نور الثقلین ج ۲ ص ۲۸۴ / تفسیر کنز الدقائق ج ۵ ص ۵۷۵

^{۴۸} . ارجاع پرورشی: کفایه الاصول کتابی است نوشته آخوند خراسانی (درگذشته ۱۳۲۹ق)، حاوی یک دوره اصول فقه، به زبان عربی. آخوند خراسانی از شاگردان ملاحادی سبزواری، شیخ انصاری و میرزای شیرازی و از مراجع تقلید بوده است.

کفایه از زمان تألیف تاکنون، متن درسی در سطح عالی و نیز محور بحث درس‌های خارج اصول فقه حوزه‌های علمیه بوده است. از این رو حدود ۲۰۰ شرح، حاشیه و تعلیقه بر آن نوشته شده است. مطالب کتاب را بسیار دقیق و منظم توصیف کرده‌اند. کاربرد عبارات‌های کوتاه برای بیان مفاهیم را هم از ویژگی‌های ادبی کفایه دانسته‌اند. کفایه الاصول یک دوره کامل از مباحث اصول فقه را در کنار جدیدترین آراء اصولی تا عصر مؤلف و نقد و بررسی آن‌ها را در بر گرفته است. این کتاب از یک مقدمه، هشت مقصد (بخش) و یک خاتمه (بخش پایانی) تشکیل شده است. بخش اول اوامر، بخش دوم نواهی و... است.

باقری بیده‌ندی، «کتابشناسی کتب درسی حوزه (۲) - کفایه الاصول»، ص ۳۸ / آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ۱۴۰۹ق، مقدمه شهرستانی، ص ۲۲ / آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۸۶-۱۸۸ / باقری، «کتابشناسی کتب درسی حوزه (۲) کفایه الاصول»، ش ۳۲، ص ۴۰-۴۷ / عابدی، «حاشیه‌ای دیگر بر کفایه الاصول»، ص ۴۸ / کفایه خراسانی، «بیان و شرحی مختصر از حیات و شخصیت آخوند ملا محمدکاظم خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق)»، ص ۴۰.

آخوند این اشکال را بگیرد که مقصد اول، قاعده ممهده^{۴۹} اول، قواعد مربوط به تبویب است نه فهم صیغه امر و نهی^{۵۰}. مرحوم آخوند صاحب کفایه رحمه الله علیه اولین مقصد کفایه را اوامر و دومین مقصد را بررسی نواهی شارع قرار داده است. انگار ایشان توجه نداشته اند که اولین قاعده ممهده استنباط این است که ما چطور گزاره های شارع را می توانیم کنار هم قرار دهیم^{۵۱}. البته ما هم قبول داریم که صیغه امر و نهی، باید از حیث ادبی، از حیث اصول مرادیه^{۵۲} و... بررسی شود اما می گوئیم پیش از این نوع بررسی ها، باید به این پرسش

^{۴۹} . ارجاع پرورشی: تعریف علم اصول فقه: علم به قواعد و ضوابطی است که آماده شده تا اینکه مجتهد بتواند احکام شرعی را استنباط نماید. کفایة الأصول، الآخوند الشیخ محمد کاظم الخراسانی، ج ۱، ص ۹ / قوانین الأصول، المیرزا ابوالقاسم القمی، ج ۱، ص ۵ / کفایة الأصول، الآخوند الشیخ محمد کاظم الخراسانی، ج ۱، ص ۳۸ / الأصول فی علم الأصول، الشیخ علی الإیروانی، ج ۱، ص ۶ / درر الفوائد، الحائری الیزدی، الشیخ عبد الکریم، ج ۱، ص ۳۲

^{۵۰} . ارجاع پرورشی: صیغه امر، به معنای هیئت امر می باشد، مانند: صیغه افعال و آن چه مانند و شبیه آن است. مراد از صیغه افعال، صیغه فعل های امر است، چه امر غایب و چه امر حاضر، چه معلوم و چه مجهول، چه ثلاثی و چه رباعی، چه مجرد و چه مزید فيه. منظور از ماندهای صیغه افعال، هر صیغه و یا کلمه ای است که دارای معنای طلبی باشد، مانند: جمله های خبری که در مقام انشا به کار می رود، چه جمله خبری اسمی، مثل: «ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا» و چه جمله خبری فعلی، مثل: «کتب علیکم الصیام» و نیز اسم فعل هایی که به معنای فعل امر است، مثل: صه، مه، مهلا و... .

مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۱، ص ۷۱ / آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص ۹۱ / صاحب معالم، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ص ۴۶ / صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، ج ۲، ص ۲۲ / نائینی، محمد حسین، اجود التقریرات، ج ۱، ص ۸۷

^{۵۱} . ارجاع پرورشی: مسئله تبویب در علم اصول هم بسیار مهم است. مثلا چرا اگر کسی بحث اصول می گوید، باید از اصول مرادیه شروع کند؟ چرا باید از قواعد لفظیه شروع کند؟ مگر نمی خواهیم فرآیند اجتهاد را در ذهن طلبه خودمان توزیع کنیم؟ چرا ابتدا از قواعد مرادیه که در واقع مراد الفاظ شارع را برای ما تبیین می کند بحث را شروع کنیم؟ چرا از قواعد دیگری که هندسه بیان شارع را در ذهن ما تثبیت می کند شروع نکنیم؟! وقتی کسی بحث اصولش را از قواعد الفاظ و اصول مرادیه شروع می کند، در واقع ابتدا قواعد فهم الفاظ را به صورت بریده به طلبه منتقل می کند. می گوید بگذارید ابتدا طلبه بفهمد که مثلا ظهور در فور و تراخی صیغه امر چگونه است؟

اما یک نظر دیگری هم در حوزه وجود دارد _ که نظر مختار ما است _ که آیا شارع، قواعدی که هندسه کلی بیان و لسان خودش را مطرح کرده باشد دارد یا خیر؟ اگر دارد چه قواعدی است؟ یعنی به اصطلاح امروزی ها ابتدا درکی ماهواره ای از شریعت را به مخاطب می دهد. بعضی ها خواسته اند ذیل بحث مقاصد الشریعه این کار را انجام دهند که بعدا اشکالات خودم را به این بحث هم مطرح می کنم. به هر حال مقاصد الشریعه با همه اشکالاتی که دارد، در پی این است که یک نگاه کلی به ادبیات شارع را ایجاد کند. اصطلاحا به دنبال این است که مذاق شارع را در ذهن مخاطب تثبیت کند. ممکن است بعضی ها بگویند شروع بحث باید از آنجا باشد و اگر از آنجا بحث را شروع کنیم تفاهم بیشتری صورت می گیرد. پس در تبویب هم اشکال داریم.

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه دوم دوره بحثی "مسجد . اداره جامعه" . قم، بنیاد هدایت / خرداد ۱۴۰۲

برای دریافت متن کامل این جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5650>

^{۵۲} . ارجاع پرورشی: اصول لفظی، قواعدی است که از سوی عقلا به هنگام شک در مراد متکلم، برای تعیین معنای مورد نظر وی به کار گرفته می شود، مانند: اصالت ظهور، اصالت اطلاق، اصالت عموم و اصالت عدم قرینه.

اعلم أن الشك في اللفظ على نحوين: ۱. الشك في وضعه لمعنى من المعاني ۲. الشك في المراد منه بعد فرض العلم بالوضع. والقسم الثاني يشمل: اصالة الحقيقة، اصالة العموم، اصالة الاطلاق، اصالة عدم التقدير واصالة الظهور.

پاسخ دهیم که این اوامر و نواهی چه نسبتی از لحاظ عرضی با هم دارند؟ یا مثلاً درباره ی خود نماز گاهی می گویند بیست امر و نهی وجود دارد. حال باید این اوامر بیست گانه را به صورت خطی به مخاطب بگوئیم یا مانند امام علیه السلام در قالب یک نظم مشخص ارائه دهیم و بگوئیم: از حدود چهارهزار گانه نماز، دوازده مورد حد کبیرند که هفت مورد از باب فرض و پنج مورد از باب سنت است. در بعضی از روایات دیگر آمده است که از باب ادب هم داریم که باب تاسیسات ائمه علیهم السلام است چرا که ایشان هم شارع هستند و تاسیس داشتند. پس ما سه نوع تاسیس داریم: از باب فرض^{۵۳}، سنت و ادب که خود همین باز یک طبقه بندی جدید

بدان که شک در مورد لفظ بر دو نوع است: اول شک در اینکه آیا این لفظ برای این معنا وضع شده است یا خیر؟ دوم اینکه آیا مراد متکلم از استخدام لفظ همان معنا است یا مراد دیگری دارد؟ در اینجا پنج اصل وجود دارد که مراد متکلم را روشن میکند و مشهور به اصول مرادیه هستند. این اصول شامل:

۱. اصاله الحقیقه: هرگاه شک داریم متکلم لفظ را در معنای حقیقی خود به کار برده یا در معنای مجازی؟ اصل این است که مرادش معنای حقیقی بوده.

۲. اصاله العموم: هرگاه متکلم لفظ عامی را به کار می برد و ما شک داریم در اینکه آیا مرادش تمام افراد لفظ عام بوده یا استثناء هم مدنظرش بوده؟ حکم به عموم افراد لفظ می دهیم.

۳. اصاله الاطلاق: هرگاه متکلم لفظی را به کار می برد که حالات و اوصاف خاصی دارد. شک می کنیم که آیا مراد او شامل آن حالات و اوصاف هم میشود یا خیر؟ میگوئیم خیر چرا که مطلق گفته و به شرایط خاصی اشاره نکرده است.

۴. اصاله عدم التقدیر: هنگامی که متکلم حرفی می زند و ما شک می کنیم آیا چیز دیگری هم مدنظرش بوده یا خیر؟ در این جا نیز حکم می کنیم به این که اصالت با عدم در تقدیر بودن چیزی است.

۵. اصالت الظهور: زمانیکه لفظ متکلم ظهور در یک معنا دارد البته نه به شکل نص که هیچ احتمال خلافی با آن نیست بلکه ظاهر در یک معناست. در این صورت نیز می گوئیم اصالت با ظهور در همان معنای ابتدایی است.

نهایتاً مرحوم علامه مظفر معتقد است که بازگشت تمامی این اصول به اصالت ظهور است و ما یک اصل بیشتر نداریم.

اصول الفقه للعلامة المظفر ج ۱ ص ۴۷

^{۵۳} . ارجاع پژوهشی: حَمَادٌ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفَرَضِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ الْوَقْتُ وَالطَّهْوُ وَالْقِبْلَةُ وَالتَّوَجُّهُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ وَالدُّعَاءُ فُلْتُ مَا سِوَى ذَلِكَ قَالَ سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ .

زراره گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد واجبات نماز پرسیدم.

فرمود: وقت، طهارت، قبله، توجّه، رکوع، سجود و دعا (یعنی قنوت). پرسیدم: اعمال دیگر چه؟ فرمود: آن اعمال، مستحباتی هستند که در ضمن واجب آمده‌اند.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۷۲ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۴۱

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۱ / وسائل الشیعة ج ۴ ص ۱۰۹ / الفصول المهمة ج ۲ ص ۶۷ / بحار الأنوار ج ۸ ص ۱۶۰

وَرَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ الطَّهْوِ وَالْوَقْتِ وَالْقِبْلَةِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ» ثُمَّ قَالَ «الْفَرَاءَةُ سُنَّةٌ وَالتَّشَهُدُ سُنَّةٌ وَلَا تَقْفُضُ السُّنَّةُ الْفَرِيضَةَ .

و زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: نماز جز در پنج مورد (چه عمدا چه سهوا اعاده نمیشود: و آن طهور است (یعنی وضو و غسل و تیمم که اگر کسی از یکی از اینها که تکلیفش آنست خالی بود نمازش باطل است و باید اعاده کند). دوّم وقت (که اگر شخص نمازی را پیش از وقت بخواند که هیچ جزء آن داخل وقت نباشد اگر چه سهو باشد آن نماز باطل است و باید اگر در وقت است دوباره بخواند و اگر وقت گذشته است قضای آن را بجا آرد، و اما پس از وقت میتوان گفت اعاده نمی‌خواهد چون نماز بر او واجب بوده و به گمان بقای وقت بجا آورده، و چون در وقت بجا نیآورده و

است که می گوید ما سه نوع تشریح داریم. از این مرحله به بعد می توانیم بی‌ریسیم چرا سه نوع؟ و همین طور پرسش های دیگر که می توان ذیل این طبقه بندی پاسخ داد.

۲/۷. صلوات ضراب اصفهانی از امام زمان علیه السلام به عنوان یکی از نصوص غنی برای نظام سازی

مثلاً یکی از مسائل مهم در این باب، نکته ای است که از حضرت صاحب العصر والزمان در توصیف نبی مکرم اسلام صلوات الله علیهما در صلوات ضراب اصفهانی آمده است. توصیه شده که این صلوات در غروب روز جمعه خوانده شود^{۵۴}. بنده هم توصیه می کنم که از باب نظام سازی حتما در این صلوات تفقه^{۵۵} کنید. حضرت علیه السلام در این صلوات زمینه سازی ذهنی می کنند که مفهوم حکومت اهل بیت^{۵۶} علیهم السلام

قضا کرده پس قضای نماز بر او واجب بوده و آن را در وقت آن بجا آورده است). سوّم قبله (که اگر کسی عمداً به غیر قبله نماز گزارد آن را رو قبله اعاده می کند و اگر سهواً باشد بطوری که رو بمشرق یا بمغرب یا پشت به قبله نماز کرده باشد آن را نیز اعاده می کند در وقت، و خارج از آن بقضا)، چهارم و پنجم: رکوع و دو سجده است (که به ترك هر يك از این دو چه عمداً چه سهواً نماز باطل است) سپس فرمود: قراءت سنّت است و تشهّد نیز سنّت، و سنّت اگر به سهو ترك شود فریضه را باطل نمیسازد.

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۳۹ / الخصال ج ۱ ص ۲۸۴ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۱۵۲

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۴ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۴۷۰ / بحار الأنوار ج ۸۵ ص ۱۳۶ / مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۱۹۶

^{۵۴} . ارجاع پرورش: یکی از اعمالی که مرحوم آیت الله بهجت قدس سره مقید بودند عصرهای جمعه به آن بپردازند، خواندن صلوات ضراب اصفهانی است که از امام عصر علیه السلام روایت شده است. (بهجت الدعاء، ص ۱۷۷؛ همچنین این دعا در ابتدای مفاتیح الجنان صفحه ۱۰۳ در اعمال روز جمعه آمده است).

منبع: پایگاه حفظ و نشر آثار آیه الله بهجت رحمه الله علیه

<https://bahjat.ir/fa/content/10658>

^{۵۵} . ارجاع پژوهشی: عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ فَهُوَ أَعْرَابِيٌّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ».

علی بن ابی حمزه گوید شنیدم که حضرت صادق علیه السلام میفرمود: دین را خوب بفهمید زیرا هر که دین را خوب نفهمد مانند صحراگرد است. خداوند در کتابش میفرماید (سوره ۹) تا در امر دین دانش اندوزند و چون بازگشتند قوم خود را بیم دهند شاید آنها بترسند.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۲۹ / الکافی ج ۱ ص ۳۱

دیگر منابع: منیة المرید ج ۱ ص ۱۱۲ / الوافی ج ۱ ص ۱۲۷ / بحار الأنوار ج ۱ ص ۲۱۵

^{۵۶} . ارجاع پرورش: قرآن کریم سوره حج آیه ۴۱: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

الکاظم (علیه السلام) - عَنْ عِيسَى بْنِ دَاوُدَ عَنِ الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي يَوْمًا فِي الْمَسْجِدِ إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَوَقَفَ أَمَامَهُ وَ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) أَعَيْتَ عَلَيَّ آيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَأَلْتُ عَنْهَا جَابِرُ بْنُ زَيْدٍ فَأَرْسَدَنِي إِلَيْكَ فَقَالَ وَ مَا هِيَ قَالَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ فَقَالَ نَعَمْ فَبِنَا نَزَلَتْ وَ ذَلِكَ أَنْ فَلَانًا وَ فَلَانًا وَ طَائِفَهُ مَعَهُمْ وَ سَمَّاهُمْ اجْتَمَعُوا إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) إِلَى مَنْ يَصِيرُ هَذَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ فَوَلَّى اللَّهُ لِنِصْرَةِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ إِنَّا لَنَخَافُكَ عَلَى أَنْفُسِنَا وَ لَوْ

درک شود. یعنی این صلوات فهم جایگاه اهل بیت علیهم السلام است. در این صلوات مجموعه ای از اوصاف نبی مکرم اسلام آمده است. مثلاً اینکه ایشان بری از عیوب است^{۵۷}. در واقع امام زمان علیه السلام می فرماید:

صَارَ إِلَى غَيْرِهِمْ لَعَلَّ غَيْرَهُمْ أَقْرَبُ وَأَرْحَمُ بِنَا مِنْهُمْ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا أَبْغَضْتُمُوهُمْ لِأَنَّ بَعْضَهُمْ بَعْضِي وَبَعْضِي هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ ثُمَّ نَعَيْتُمْ إِلَيَّ نَفْسِي فَوَاللَّهِ لَئِنْ مَكَّنْتُمْ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ لَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ لَوْ قُتِلَتْهَا وَ لَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ لِمَحَلِّهَا وَ لَيَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَيَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ إِنَّمَا يُرْغَمُ اللَّهُ أَنْوَافَ رِجَالٍ يَبْغِضُونَنِي وَ يَبْغِضُونَ أَهْلَ بَيْتِي وَ دُرَيْبِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ إِلَى قَوْلِهِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ فَلَمْ يَقْبَلِ الْقَوْمُ ذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ إِنْ يُكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ ثَمُودٌ* وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ* وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ.

امام کاظم عیسی بن داود از امام کاظم نقل کرده که حضرت فرمود: «روزی در مسجد نزد پدرم امام صادق بودم که مردی نزد او آمد و در مقابل ایشان ایستاد و عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا آیه ای در قرآن مرا درمانده کرده است، تفسیر آن را از جابرین-یزید پرسیدم، او مرا به محضر شما راهنمایی کرد». پدرم فرمود: «آن آیه کدام است؟» آن مرد گفت: «آیهی الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...». پدرم فرمود: «آری! این آیه درباره ی ما اهل بیت نازل شده- است و جریانش چنین است: فلانی و فلانی و گروهی که با آن دو بودند که پدرم نام آن‌ها را ذکر کرد خدمت پیامبر آمده و پرسیدند: «خلافت بعد از شما به چه کسی خواهد رسید؟ به خدا سوگند! اگر به یکی از خویشاوندان شما برسد ما از خویشان تو بر جان خویش بیمنامیم؛ و اگر به کسی غیر از آن‌ها برسد، چه بسا کسی غیر از آن‌ها نسبت به ما نزدیک تر و مهربان تر باشد!» رسول خدا از شنیدن این سخن بسیار ناراحت شد و فرمود: «به خدا سوگند! اگر به خدا و فرستاده اش ایمان داشتید، هرگز آنان را دشمن نمی پنداشتید؛ زیرا که دشمنی با آن‌ها دشمنی با من و دشمنی با من، کفر و زندقه است. شما [با این سختتان] از مرگم به من خبر دادید! به خدا سوگند! اگر خداوند به آن‌ها در زمین قدرت دهد، نماز را در وقتش به پای خواهند داشت و زکات را در جای خودش به مصرف رسانده و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود؛ خداوند کسانی که با من و اهل بیت دشمنی نمایند را خوار و ذلیل خواهد کرد». در این هنگام خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ با این حال، آن گروه فرمایش پیامبر (را نپذیرفتند؛ خداوند سبحان نیز این آیات را نازل فرمود: وَ إِنْ يُكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ ثَمُودٌ* وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ* وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ.

منبع: تاویل الآیات ج ۱ ص ۳۳۸ / تفسیر البرهان ج ۳ ص ۸۹۲ / بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۶۵

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَازُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ : «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ» وَ هَذِهِ آيَةٌ لِأَنَّ مُحَمَّدَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى آخِرِ آيَةِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابُهُ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَعَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الَّذِينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ أَصْحَابَهُ الْبِدْعَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ الْسَّقَمَةَ الْحَقُّ حَتَّى لَا يَرَى أَثَرَ لِلظُّلْمِ .

از امام باقر علیه السلام: این آیه در مورد آل محمد است و خداوند شرق و غرب عالم را به تملک مهدی و اصحابش در می آورد و دین خود را ظاهر میکند. و خدا به وسیله او و اصحابش بدعتها و اهل باطل و سفهه ی اهل حق را نابود می کند تا اثری از ظلم باقی نماند.

مصدر: تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۷

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۷ / تاویل الآیات الطاهره ج ۱ ص ۳۳۹ / تفسیر البرهان ج ۳ ص ۸۹۳

^{۵۷} . ارجاع پژوهشی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. الْمُتَنَجِّبِ فِي الْمَيْتَاقِ الْمُضْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ.

به نام خدای بخشنده مهربان خدایا درود فرست بر محمد (ص) سید رسولان و خاتم پیغمبران و حجت خدا بر تمام خلق عالم. برگزیده حق در روز عهد الهی اختیار شده حق در سایه عنایت و پاک و پاکیزه از هر نقص و آفت میرا از هر عیب.

مصدر: الغيبة (للطوسی) ج ۱ ص ۲۷۳ / مصباح المتعجد ج ۱ ص ۴۰۶

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۷ / دلایل الإمامة ج ۱ ص ۵۴۵ / المصباح (للكفعمی) ج ۱ ص ۵۴۶ / عوالم العلوم ج ۱۵ ص ۲۹۹ / جمال الأسبوع ج

ص ۴۹۴ / المزار الكبير ج ۱ ص ۶۶۶ / البلد الأمين ج ۱ ص ۷۹

اینکه ما در عصر ظهور^{۵۸} به حکومت ایشان دعوت می کنیم، بدانید که ایشان یک شارع و حاکم بی عیب است. از جمله اوصاف دیگر این است که تفویض دین خدا به رسول الله سلام الله علیه انجام شده است: المفوض إليه دین الله^{۵۹}. یعنی از یک دوره به بعد ایشان شارع شده اند و از یک دوره به بعد هم حضرات ائمه معصومین علیهم السلام. اینکه خداوند متعال تشریح نبی مکرم اسلام و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام را مانند تشریح خودش می داند خیلی مسئله ی مهمی است. در واقع به نوعی دلالت می دهند به این که بین فهم حضرت آقا امیرالمومنین علیه السلام و کتاب خدا برابری وجود دارد. اگر میان فهم پیامبر و امام علیهما السلام با کتاب خدا تفاوت وجود داشت که نباید این تفویض اتفاق می افتاد.

برای مطالعه متن کامل صلوات ضراب اصفهانی به پیوست شماره یازده مراجعه فرمایید.

^{۵۸}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره قصص آیه ۵: وَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم

قرآن کریم سوره صف آیه ۹: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند هر چند مشرکان را ناخوش آید.

^{۵۹}. ارجاع پژوهشی: الْمُؤْمَلِ لِلنَّجَاةِ الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ.

قبله امان خلق برای نجات در عذاب و محل امیدواری برای شفاعت آنکه دین خدا به او تفویض شده است.

مصدر: الغيبة (للطوسی) ج ۱ ص ۲۷۳ / مصباح المتعجد ج ۱ ص ۴۰۶

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۷ / دلائل الإمامة ج ۱ ص ۵۴۵ / المصباح (للكفعمی) ج ۱ ص ۵۴۶ / عوالم العلوم ج ۱۵ ص ۲۹۹ / جمال الأسبوع ج ۱

ص ۴۹۴ / المزار الكبير ج ۱ ص ۶۶۶ / البلد الأمين ج ۱ ص ۷۹

۳. وجود سه نوع تبویب در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی

۳/۱. تبویب بر اساس آیه ۴۱ سوره حج: برای کسانی که حکمرانی اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته اند

ثمره این نوع از بحث این است که می توان موضوعات را در این قالب به جاهای مختلفی هدایت کرد. یعنی مباحث از دل هم زاینده می شود. بر این اساس همیشه گفته ایم که اولین قاعده مهمه اصول فقه، قواعد مربوط به تبویب است. اول باید تبویب را آموخت که در این میان تبویب های ساختاری اصالت دارند. البته دیگر تبویب ها هم حجیت^{۶۰} دارند و قابل استفاده اند. الان حجیت نقشه الگوی پیشرفت اسلامی^{۶۱} به تبویب

۶۰. ارجاع پرورشی: حجیت، به معنای صحت استناد به ادله معتبر شرعی (قطع، اماره و اصل عملی) و درستی عمل بر طبق آنها است. در عرف هر چیزی که قابلیت داشته باشد به وسیله آن بر دیگران احتجاج شود، دارای حجیت است، چه مولا با آن، بر بنده خود احتجاج کند و چه به عکس. لازمه حجیت یک دلیل، منجزیت و معذرت آن است؛ یعنی در جایی که دلیل، به واقع اصابت کند، تکلیف بر مکلف منجز شده و مخالفت با آن، مستوجب عقوبت است؛ اما در جایی که حجیت، به واقع اصابت نکند، تمسک به حجیت برای مکلف، عذر محسوب شده و او را از عقاب می رها کند. انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲، ص ۲۳ / اصطلاحات الاصول، مشکینی، علی، ص ۱۱۴ / الاصول، نائینی، محمد حسین، ج ۱، ص ۲، ص ۶ / اصول الفقه، مظفر، محمد رضا، ج ۲، ص ۱۸ / دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۷۳ / اصطلاحات اصول، ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی ص ۱۷۵

۶۱. ارجاع پرورشی: سه ویژگی نظریات فقهی نقشه الگو

در تدوین نظریات فقهی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی سه ویژگی بسیار مهم را لحاظ کرده ایم: ویژگی اول مسئله حجیت است. حجیت یعنی ظهور گیری از آیات و روایات از سطح تعاریف تا سطح تصویرها و در سطح تصمیمات. (البته لازمه عقلی، عرفی و اجرایی یک ظهور را بعد از فحوص حجیت می دانیم.)

ویژگی دوم نظریات فقهی مقایسه با اسناد بین المللی و نظریات پوزیتیویستی است. در فضای مقایسه - و نه یک طرفه - به طرح ساختار نظریه می پردازیم. محور مقایسه هم معمولاً پاسخ به سوالات قطعی درباره هر موضوع است. به عنوان مثال: بررسی روش های صحیح تصفیه آب؟ یکی از محورهای مقایسه میان الگوی فقهی مدیریت آب و بخش ششم سند ضاله ۲۰۳۰ (آب سالم و بهداشت) محسوب می شود. (شایان ذکر است: سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار منحرف ترین و معیوب ترین سند بین المللی از تاریخ تاسیس سازمان ملل است و فعلاً به عنوان محور مقایسه با نظریات فقهی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی انتخاب شده است)

ویژگی سوم نظریات فقهی نقشه الگو: بر اساس بخش تصمیم هر نظریه می توانیم لایحه ها و طرح ها و قوانین فعلی را ترمیم یا تغییر دهیم. تصمیم های هر نظریه در قالب تصمیم های ارتباطی، تصمیم های مشارکتی و تصمیم های زیرساختی طبقه بندی می شوند!

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین ویژگی های یک نظریه فقهی مطلوب - شنبه ۳ دی ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4935>

سوال محور بر می گردد^{۶۲}. اما وقتی این نقشه را به محوریت آیه ۴۱ سوره حج شرح می دهیم^{۶۳}، در واقع بر اساس ساختار خود امام علیه السلام به بیان آن پرداخته ایم. این تبویب برای مومنینی است که حکمرانی اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته اند و می گویند شما به صورت مستقیم به ما بگویند که شارع نسبت به الگوی حکمرانی چه بحثی را ارائه داده است؟ یعنی وقتی در مخاطب آمادگی وجود دارد، شما می توانید خود ساختار اصلی امام علیه السلام را بحث کنید.

۶۲. ۲۰۰ بسته پرسش جدید برای طرح در دانشگاه های کشور آماده کرده ایم!

شکل ورود ما به عرصه مدیریت تحولات دانشگاهی و علمی در کشور از طرح جدی مجموعه ای از پرسش ها شروع می شود و در گام های بعد نظام اصطلاحات و نظام ارجاعات نظریات فقهی را به دانشمندان و دانشجویان بخش های مختلف، معرفی خواهیم کرد. نقطه آغاز تحول در دانشگاه طرح پرسش های جدید است و این مسئله مفتاح علم آینده و نظام سازی است.

به عنوان مثال در حوزه علوم پایه یکی از پرسش های اصلی ما بررسی ابعاد مختلف "تسخیر شیء پایه" به جای "تصرف عنصر پایه" است. تاکنون از بسیاری اساتید پرسیده ایم؛ چرا نیازهای مختلف بشر را از طریق شناسائی خاصیت های اشیاء بر طرف نمی کنید؟ (تسخیر شیء پایه) در همه حوزه های دانشی الگوی ورود مدرسه فقهی هدایت بر مبنای طرح پرسش های جدید است؟

محتوای دانشی "مدرسه فقهی هدایت" و "شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی" برای مدیریت علمی کشور در مرحله اول شامل ۲۰۰ بسته فقهی است. این سرمایه دانشی در دو بخش ۱- نظریات فقهی نقشه الگو (حدود ۱۰۰ نظریه فقهی) و ۲- تنقیح و باز تعریف موضوعات کارشناسی جدید (حدود ۱۰۰ بحث موضوع شناسی) تبویب می شود.

در بخش نظریات فقهی در قالب نظریاتی مانند: ۱- نظریه مدیریت شهری محله محور، ۲- مقررات فقهی ساختمان، ۳- الگوی ساخت، ۴- الگوی تفصیل، ۵- جعبه فقهی شخصیت، ۶- نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور، ۷- الگوی جدید شناسایی و کشف عدم توازن ها، ۸- بودجه ریزی مبتنی بر سود ارتباطی، ۹- الگوی بازار و تجارت عمومی، ۱۰- الگوی فقهی ارزیابی غذا، ۱۱- تعریف جدید واکسن و... نظام سازی مطلوب فقهی را تبیین کرده ایم.

در بخش تنقیح و باز تعریف موضوعات کارشناسی مدرن بر اساس الگوی موضوع شناسی مدرسه هدایت به روایت جدیدی از موضوعات مدرن دست یافته ایم. در بخش تنقیح و باز تعریف موضوعات جدید کارشناسی به ارائه ۱- روایت جدید از هوش مصنوعی، ۲- روایت جدید از پول و بانک، ۳- روایت جدید از لیزر، ۴- روایت جدید از مفهوم هدایت نقدینگی و پس انداز، ۵- روایت جدید از محصولات تراریخته، ۶- روایت جدید از بورس و بازارهای جدید سرمایه، ۷- روایت جدید از سبیتی سنتر و مگا مال ها، ۸- روایت جدید از واکسن، ۹- روایت جدید از برنامه های توسعه و سازمان برنامه و بودجه، ۱۰- روایت جدید از اسناد بین المللی، ۱۱- روایت جدید از مشاغل برتر مدرنیته و مشاغل استخدامی و... پرداخته ایم و زمینه قضاوت نخبگانی دقیق تری از مدرنیته و توسعه غربی را فراهم ساخته ایم.

با فرض رعایت آئین نامه نشست های تمدن اسلامی در دو قالب برگزاری نشست های تخصصی (حداقل ۴ ساعت) و برگزاری دوره های آموزشی (۱۵ الی ۴۰ ساعت) می توانیم گفتگوهای تمدنی در دانشگاه های کشور را گسترش دهیم. بعون الله تعالی.

حجت الاسلام علی کشوری. سه شنبه ۵ بهمن ۱۴۰۰ - دیدار و گفتگو با جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت - تهران

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3864>

۶۳. ارجاع پرورشی: قرآن کریم سوره حج آیه ۴۱: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز بر پا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

۳/۲. تبویب سوال محور: برای پاسخگویی به پرسش های کلان مطرح در جامعه

حالات دیگر این است که مخاطب پرسش دارد که مثلاً شما چه اشکالی به توسعه^{۶۴} دارید؟ در اینجا باید فهرست اول را، نقد توسعه قرار دهیم. بنابراین زمانی که مباحث الگوی پیشرفت اسلامی را در آینده مطرح کردیم، بدانید که دارای سه نوع تبویب است. تبویب مادر آن به محوریت آیه ۴۱ سوره حج است که مثل چنین جلسه ای ما به محوریت این تبویب وارد بحث شده ایم. یک تبویب سوال محور داریم که مربوط به همان نقشه رونمایی شده در سال ۱۳۸۹ است که پرسشهای عصر حاضر، پرسش های دستگاه های اجرایی، حوزه و دانشگاه را پاسخ داده ایم. مثلاً محور تبویب آن نقشه، پاسخ دادن به سوالات قوه قضائیه است و ما به عنوان تنویریه کننده مباحث الگوی پیشرفت اسلامی نمی توانیم به این پرسشها پاسخ ندهیم. اگر پاسخ تحولات مربوط به قوه قضائیه متوقف خواهد شد^{۶۵}.

^{۶۴}. ارجاع پرورشی:

Economic development, the process whereby simple, low-income national economies are transformed into modern industrial economies. Although the term is sometimes used as a synonym for economic growth, generally it is employed to describe a change in a country's economy involving qualitative as well as quantitative improvements. The theory of economic development—how primitive and poor economies can evolve into sophisticated and relatively prosperous ones—is of critical importance to underdeveloped countries, and it is usually in this context that the issues of economic development are discussed.

توسعه اقتصادی، فرآیندی که طی آن اقتصادهای ملی ساده و کم درآمد به اقتصادهای صنعتی مدرن تبدیل می شوند. اگرچه گاهی اوقات این اصطلاح به عنوان مترادف رشد اقتصادی استفاده می شود، اما عموماً برای توصیف تغییر در اقتصاد یک کشور که شامل بهبودهای کیفی و همچنین کمی است، استفاده می شود. تئوری توسعه اقتصادی - اینکه چگونه اقتصادهای بدوی و فقیر می توانند به اقتصادهای پیچیده و نسبتاً مرفه تبدیل شوند - برای کشورهای توسعه نیافته اهمیت حیاتی دارد و معمولاً در این زمینه است که موضوعات توسعه اقتصادی مورد بحث قرار می گیرد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/money/topic/economic-development>

^{۶۵}. ارجاع پرورشی: سه پرسش درباره قوه قضائیه.

اگر بخواهیم در قوه قضائیه تحول ایجاد بکنیم؛ بازخوانی سه پرسش مفید خواهد بود!

پرسش اول اینکه: آیا میان نظم اجتماعی و گسترش اصطکاک میان مردم و وقوع جرم ارتباطی برقرار است یا خیر؟! اگر قائل به ارتباط میان این دو موضوع هستیم؛ قوه قضائیه می تواند از پایگاه پیش گیری از جرم برنامه هائی را برای تغییر نظم های مؤلّد جرم و اصطکاک پیشنهاد و اجرا کند. در نظریه پیش گیری بنیادین اسلامی از جرم؛ ساختار این برنامه های تصمیم ساز را - به محوریت قوه قضائیه و بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی - ترسیم کرده ایم؛ که یک نمونه آن ضرورت اظهار نظر قوه قضائیه در فرآیند تصویب قوانین در مجلس شورای اسلامی است. بسیاری از قوانین فعلی منشاء پیدایش جرم و اصطکاک اجتماعی می باشند و هزینه آن را قوه محترم قضائیه می پردازد و ...

پرسش دوم آنکه: چه ارتباطی میان شکل مجازات و گسترش عبرت و پیش گیری از جرم وجود دارد؟! آیا هر گونه مجازاتی نتیجه اش گسترش پیشگیری و عبرت است؟! در شرایط فعلی چارچوب های اعمال مجازات و تناسب مجازات با جرم باید بهینه سازی شود.

پرسش سوم درباره شرایط و محتوای آموزشی کادر قوه قضائیه - به ویژه قضات - می باشد. به عنوان مثال آیا استفاده از قاضی مأذون برای شرایط اضطرار است و یا حکمی اولی؟! اگر برای شرایط اضطرار است؛ شاید برای عبور از وضعیت فعلی و آماده کردن شرایط برای قاضی مجتهد پاسخ به دو پرسش اول راهگشا باشد. در بخش آموزش هم، پررنگ تر کردن آموزش های تبیین کننده نسبت میان مجازات و عبرت یک ضرورت است! به

۳/۳. تبویب ظرفیت محور: به محوریت اولویت های تمدنی دوازده گانه

یک تبویب مبتنی بر ظرفیت هم داریم که همان "اولویتهای تمدنی دوازده گانه"^{۶۶} است. گاهی با مردمان و مسئولینی مواجه هستید که اینها اساساً زمان و حوصله لازم را ندارند که بیایند صدها ساعت در مدرسه تمدنی^{۶۷}

نظر ما قاضی باید "فقه العبرة" بخواند و الا اهمیت شرایط اجرای حدود و ملاک تفاوت مجازات های فقه اسلامی و سایر دستگاه های حقوقی را درک نخواهد کرد؛ حتی اگر آن را عملاً اجرا کند.

حجت الاسلام علی کشوری - ۲۸ رمضان المبارک ۱۴۴۰ مصادف با ۱۳ خرداد ۱۳۹۸ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/1538>

^{۶۶} . ارجاع پرورشی: درباره اولویت های تمدنی ۱۲ گانه

اولویت های تمدنی ۱۲ گانه توسط دوازده نظریه فقهی تشریح می شود. به عنوان مثال: نظریه فقهی مدیریت شهری محله محور؛ متکفل تشریح بحث محله محوری است. مقررات فقهی ساختمان، نحوه ساخت دار و توسعه را توزیع می کند، نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری به تبیین چگونگی تحقق پیشگیری از بیماری می پردازد. الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی، اسلوب روایت گذشته را متذکر می شود و...

اولویت های تمدنی ۱۲ گانه علاوه بر ارائه راه حل فقهی برای دوازده دسته از مشکلات مردم، تفسیری روشن از آرمان بهجت آفرین تمدن اسلامی را ارائه کرده است و در فضای مقایسه با آرمانهای ۱۷ گانه سند ضاله توسعه پایدار ۲۰۳۰ چالش کلی گویی و پرداختن انتزاعی به مسئله تمدن سازی را تا حدود بسیاری مرتفع ساخته است.

بسته اولویت های تمدنی ۱۲ گانه، تفصیلی ترین نقشه فقهی برای حل مشکلات کشور در شرایط فعلی محسوب می شود و مطالعه و بررسی آن حدود ۶ ماه فرصت نیاز دارد. بازدید از نمایشگاه تخصصی مرتبط با این بسته فقهی کاربردی در قم، بخشی از فرآیند آشنایی با این نگاه کارشناسی تفصیلی محسوب می شود.

حجت الاسلام علی کشوری - نشست تبیین اولویت های تمدنی چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ - سازمان صدا و سیما - تهران

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5722>

برای مطالعه بیشتر درباره "اولویت های تمدنی دوازده گانه" به پیوست شماره دوازده مراجعه فرمایید.

^{۶۷} . ارجاع پرورشی: تربیت طلبه ذوالفنون هدف اصلی مدرسه هدایت است!

در مدرسه فقهی هدایت به دنبال تربیت طلبه ذوالفنون هستیم؛ زیرا طلبه باید به همه تخصص های مرتبط با سبک زندگی مسلط باشد. به عبارت دیگر: اصلاح سبک زندگی امری تک بعدی نیست و به اصلاح اموری مانند تغذیه، معماری، آموزش، سلامت، سیاست خارجی، تجارت، نظم اجتماعی، عبرت و میراث فرهنگی، تولید خبر و... نیازمند است.

تجربه ۴۵ سال گذشته به همه ما نشان داده است که سبک زندگی مردم ایران از تفویض امور فوق الذکر به بناهای عقلایی و متخصصین پوزیتیویستی ضربه خورده است. چالش های فعلی تربیتی و غیر تربیتی را ناشی از الگوی غلط معماری، استانداردهای غلط غذا (استانداردهای سازمان غذا و دارو)، آموزش های غیر مفید سیستم آموزشی و... می دانیم و نباید اصلاح سبک زندگی را با تکیه محض بر موعظه دنبال نمائیم. (آسیب شناسی حرکت جمهوری اسلامی و آسیب شناسی امضاهای غلط حوزه بر دانش های ناقص پوزیتیویستی)

در مدرسه تمدنی هدایت ۹ دسته تخصص فقهی مرتبط با سبک زندگی (مجموعاً ۴۰۰ نظریه فقهی) را آماده کرده ایم و مشغول انتقال این مفاهیم در قالب راه اندازی چرخه چهار بخشی تحریک فکر به نخبگان و اقویای شیعه هستیم. اصلاح سبک زندگی نیازمند تفقه بیشتر در ۱- امامت، ۲- علم، ۳- تزکیه، ۴- مکاسب، ۵- بیان، ۶- نظم، ۷- فرقان، ۸- عبرت و ۹- نفی سبیل است. (طبقه بندی جدید دانش)

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین هدف مدرسه تمدنی هدایت در روز میلاد حضرت مدینه العلم (روحی فداه) ۱۷ ربیع الاول ۱۴۴۵ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5656>

شما درس بخوانند. شما در اینصورت امهات مباحث خودتان را به آنها ارائه می‌دهید. می‌گویید مهم‌ترین بحث‌های ما تا دو دهه آینده این دوازده مسئله است. بنده فکر می‌کنم اجرای این اولویتهای تمدنی دوازده گانه تا دو دهه آینده طول بکشد؛ برای همین می‌گویم تا دو دهه. مباحثی مانند تحول در الگوی آموزش و پرورش^{۶۸}،

برای مطالعه بیشتر درباره "مدرسه تمدنی هدایت" به پیوست شماره سیزده مراجعه فرمایید.

^{۶۸} . ارجاع پرورشی: برای معرفی بیشتر نظریه فقهی آموزش و پرورش آینده چهار پرسش را بررسی می‌کنیم: (با نقشه محتوایی این نظریه آشنا شوید!)

پرسش اول اینکه: جایگاه نظریه فقهی آموزش و پرورش آینده در نقشه فقهی الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ (معرفی مفهوم نظریات جامع پرسش دوم آنکه: روش استنباط نظریه فقهی آموزش و پرورش چیست؟ (معرفی چهار مسئله درباره قواعد اصولی فقه البیان) پرسش سوم اینکه: ساختار نظریه فقهی آموزش و پرورش آینده چند بخش دارد؟ (معرفی هسته اصلی نظریه + سفرهای فکری نظریه) تذکر: همه نظریات فقهی نقشه الگوی حاوی هسته اصلی بیان شارع درباره آن موضوع به اضافه سفرهای فکری شارع درباره آن موضوع است! پرسش چهارم آنکه: روش اجرای نظریه فقهی آموزش و پرورش آینده چیست؟ (معرفی مزایای چرخه چهار بخشی تحریک فکر در مقایسه با روش سند نویسی برای تحول)

حجت الاسلام علی کشوری - جلسه مقدماتی نظریه فقهی آموزش و پرورش آینده - یک شنبه ۹ بهمن ۱۴۰۱ - مدرسه فیضیه

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5036>

تحول در الگوی سلامت^{۶۹}، تحول در الگوی معماری^{۷۰} و... می پرسند اینها را از کجا آورده اید؟ پاسخ می دهیم که شامه و ذائقه جامعه با این مسائل بیشتر ارتباط می گیرد. به همین دلیل شروع بحث و تبویب مان را با

^{۶۹}. ارجاع پرورشی: نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری چه می گوید؟
برای ارتقای دانش پیشگیری از بیماری در کشور، نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری را بر اساس روش تحقیق فقهی تدوین کرده ایم. در این نظریه تفصیلی حوزه سلامت - که مفاهیم آن با مفاهیم بخش سوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ مقایسه می شود- مسئله پیشگیری در سه بخش تئوریزه شده است:

بخش اول پیشگیری (پیشگیری پایه): منظور از پیشگیری پایه، روش جلوگیری از پیدایش بیماری های مادرزادی و پایه گذاری توان پیشگیری از بیماری در بدن انسان است. این نوع از پیشگیری، از رعایت اصول انعقاد نطفه و مراقبت های ویژه دوران بارداری حاصل می شود. توضیح بیشتر اینکه: در آیات و روایات، ۵ دسته توصیه با موضوع: ۱- انتخاب زمان صحیح برای انعقاد نطفه، ۲- انتخاب مکان مناسب برای انعقاد نطفه، ۳- انتخاب تغذیه طیب قبل از انعقاد نطفه، ۴- پاکسازی حالات روحی نامناسب با انعقاد نطفه و ۵- تقویت حالات روحی خیر، برای جلوگیری از بیماری های مادرزادی و امراض و آسیب های پایه توصیه گردیده است. همچنین در بخش پیشگیری پایه، توصیه های مهمی برای مراقبت های دوران بارداری به تفکیک ماه وجود دارد.

بخش دوم پیشگیری: (پیوست های بهداشتی و سلامت آفرین برای مرحله تولید و ساخت): منظور از پیوست های سلامت آفرین؛ تعریف اصول سلامت آفرین برای همه ابعاد مرتبط با حیات و زندگی انسان در مرحله ساخت و تولید است. برای دستیابی به مسئله مهم پیشگیری از بیماری، باید برای بخش تولید غذا، ساخت ساختمان، ایجاد فضای سبز شهری، مشاغل مختلف و... پیوست های سلامت آفرین قوی تعریف و اجرا کرد.
بخش سوم پیشگیری: (پیشگیری روزانه) منظور از پیشگیری روزانه، تعریف توصیه های مرتبط با مصرف و استفاده در حوزه های مختلف زندگی است. مهمترین توصیه های مرحله مصرف و استفاده، توصیه های پیشگیرانه مرتبط با مصرف غذا، استفاده از لباس، آداب سفر، رعایت اصول مرتبط با روابط انسانی صحیح و... می باشد. در بخش توصیه های مرتبط با مصرف غذا، رعایت سه اصل تجوع، حمیه و انتخاب غذای متناسب با مزاج، مهمترین توصیه ها محسوب می شوند.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در جمع دانشجویان علوم پزشکی ارومیه - سه شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5690>

برای مطالعه بیشتر درباره نظریه "پیشگیری ساختاری از بیماری" به پیوست شماره چهارده مراجعه فرمایید.

^{۷۰}. ارجاع پرورشی: ۴۵ بسته بحثی در مقررات فقهی ساختمان وجود دارد!
مقررات فقهی ساختمان (طبقه بندی در فقه التزکیه)، یکی از نظریات فقهی مطرح در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است. در این بسته فقهی تفصیلی ۴۵ سرفصل بحثی آماده شده است. این سرفصل ها در ۴ بخش زیر طبقه بندی می شود:
بخش اول مباحث: شامل تبیین قواعد اصولی استنباط از آیات و روایات مرتبط با ساختمان و تبیین اصطلاح اعطانی جوامع الکلام؛ به عنوان وصف اصلی کلمات شارع، است. (۲ سرفصل)
بخش دوم: تبیین معایب ده گانه مجتمع های آپارتمانی در سبک زندگی (آپارتمان ۱۰ ضربه مهلک به زندگی افراد وارد می کند!)
بخش سوم: تبیین موضوعات ۹ گانه ساختمان، شامل: ۱- قواعد فقهی جانمایی، ۲- قواعد فقهی حیاط ساختمان، ۳- قواعد فقهی نقشه کشی و طراحی ساختمان، ۴- اصول فنی ساخت بنا، ۵- قواعد فقهی تزئینات و دکوراسیون داخلی، ۶- اصول سه گانه انتخاب و تولید مصالح ساختمانی، ۷- قواعد فقهی کاربری و بهره برداری از ساختمان، ۸- حیوانات خانگی مطلوب و ۹- قواعد فقهی خرید و فروش ساختمان و ساخت خانه برای محرومین، است
بخش چهارم: پاسخ به شبهات ۲۴ گانه مرتبط با ساخت دار و توسعه در قالب محلات، شامل: ۱- شبهه مدیریت، ۲- شبهه زمین، ۳- شبهه هزینه بیشتر و... است.

حجت الاسلام علی کشوری تبیین سرفصل های دانش و مقررات فقهی ساختمان - چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۲ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

ظرفیت مخاطب تنظیم کردیم. البته تقدم و تاخر خود همین بسته اولویتهای تمدنی دوازده گانه با اقشار مختلف متفاوت خواهد بود. مثلاً وقتی با افراد امنیتی جلسه داشته باشیم، باید از مباحث مربوط به نظریه امنیتی سلم^{۷۱} شروع کنیم. حرف ما در این نظریه این است که امنیت مبتنی بر مانیتورینگ جواب نمی دهد و باید به دنبال ایجاد و برقراری امنیت مبتنی بر خود کنترلی باشیم. یعنی به دلیل ظرفیت مخاطب باید از این محور شروع کرد. یا مثلاً اگر مخاطب شما کسانی اند که در زمینه تحول آموزش و پرورش فعالیت می کنند، نمی توانید درباره ی نظریه امنیتی سلم وارد گفت و گو شوید و باید نظریه "آموزش و پرورش آینده" را برایشان شرح دهید. بنابراین درست است که شارع، تبویب مادر دارد اما اجازه تاسیس تبویب های دیگر را هم به ما داده است.

<https://eitaa.com/olgou4/5451>

برای مطالعه بیشتر درباره "خانه" در آیات و روایات به پیوست شماره پانزده مراجعه فرمایید.

۷۱. ارجاع پرورشی: نظریه امنیتی سلم چه می گوید؟ (ویرایش دوم) / امنیت "مردم پایه" را تئوریزه کرده ایم! در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی چند نظریه امنیتی وجود دارد. یکی از آنها (نظریه امنیتی سلم) به بررسی تفصیلی نقش مردم در مسئله امنیت می پردازد. این نظریه فقهی دارای چهار سرفصل اصلی: ۱- مقایسه امنیت سایبری و کنترلی با "امنیت مردم پایه"، ۲- تبیین الگوی فقهی شناسایی و کشف عوامل نامنی، ۳- تبیین الگوی تفاهم با مردم برای مشارکت در تحقق امنیت و ۴- تبیین ساختار اقدامات حاکمیتی برای تحقق "امنیت مردم پایه" است. این نظریه جزئی از گروه نظریات فقه الامام است. (چرا نیازمند نظریه پردازی در حوزه امنیت کشور هستیم؟) در بخش اول این نظریه فقهی به مقایسه "امنیت مردم پایه" با امنیت سایبری و کنترل محور از حیث کارآمدی و کاهش هزینه های امنیتی و پایداری می پردازیم. "امنیت مردم پایه" بخشی از طراحی زندگی در محله و مدیریت شهری محله محور است. (معرفی اصل روابط انسانی صحیح به عنوان مفهوم پایه امنیت)

سرفصل دوم این نظریه ضمن تبیین الگوی شناسایی و کشف عوامل منجر به نامنی به تبیین ارتباط اختلال در روابط انسانی و پیدایش نامنی می پردازد. به عبارت دیگر: نظریه امنیتی سلم برای حوادث امنیتی ۱۳ گروه ریشه اولیه را تصویر می کند و به شکل بسیط و روبنایی مسائل امنیتی را تحلیل نمی کند. در بخش دیگری از مباحث این بخش؛ الگویی جدید برای امنیت فرامرزی بر مبنای تعمیق روابط انسانی پیشنهاد شده است. (ساختار جدید پیشنهادی برای دستگاه های امنیتی)

در سرفصل سوم "چگونگی بسیج مردم" بر علیه متغیرهای نامنی را شرح می دهیم. به حرکت درآوردن مردم بر علیه نامنی نیازمند یک ادبیات معبوث کننده و "ثبت پایه" است و با ادبیات های حقوقی و آمریتی محقق نمی شود. (الگوی تکامل در ادبیات امنیتی کشور چه ویژگی هایی دارد؟) در سرفصل چهارم "نظریه امنیتی سلم" ساختار اقدامات زیرساختی حاکمیتی برای تحقق امنیت را شرح داده ایم. میان نظم کلان یک جامعه (وظیفه حاکمیت) و امنیت نسبتی مساوی برقرار است و در این حوزه به تئوریزه کردن ایده بسیار مرفقی "نظم اختیاری" و تحقق امنیت می اندیشیم! در این بخش ارتباط ۱۵ حوزه زندگی با امنیت مانند ارتباط حوزه غذا و امنیت و ارتباط حوزه ورزش و امنیت و... را تشریح می نماییم. نظریه امنیتی سلم در مقایسه با بخش ۱۷ سند ضاله توسعه پایدار ۲۰۳۰ (بخش همکاری ها در توسعه پایدار) تئوریزه می شود! (امنیت و زیرساخت)

حجت الاسلام علی کشوری- تبیین اجمالی محتوای نظریه امنیتی سلم - یکشنبه ۱ خرداد ۱۴۰۱ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4255>

جمع بندی بحث به این صورت است که ما یک کبار فرائض الهی داریم و خود هر فریضه هم دارای حدود کبیر است. این تمام حرف بنده است. اگر اهل روایت باشیم^{۷۲} می توانیم بسیاری از روایات را ذیل همین دو خطی که عرض کردم منظم و طبقه بندی کنیم. البته همیشه فوت استاد و ریزه کاری ها وجود دارد. حضرت علیه السلام می فرمایند: رب حامل فقهه إلی من هو أفقه منه. فرموده اند که همیشه این فرض را برای خود بگذارید که ولو اینکه شما حامل فقه هم باشید، ممکن است یک آفقهی از شما هم وجود داشته باشد. از آن طرف هم می فرمایند: رب حامل فقهه و هو غیر فقیه^{۷۳}. یعنی ممکن است فردی روایتی در ذهن داشته باشد در صورتی که فقیه نیست. یعنی نمی شود به بهانه اینکه کسی فقیه نیست، حرفهایش را نشنید. یک طلبه، امام جمعه و جماعت باید حرف همه را بشنود. خاطره ای از مرحوم آیه الله بروجردی^{۷۴} نقل می کنند مبنی بر این که ایشان

۷۲. ارجاع پژوهشی: أَبِي رَحْمَهُ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بُرَيْدِ الرَّزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُتَيَّ إِعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَاجَةُ لِلرَّوَايَةِ وَ بِالذَّرَايَاتِ لِلرَّوَايَاتِ تَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ.

برید رزّاز از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: (پدرم) امام باقر علیه السلام بمن چنین فرمودند: فرزندم، حدّ دانش و درک پیروان مکتب علی علیه السلام را از اینکه آنان چه مقدار سخنان معصومین را آموخته و درک نموده اند و به دیگران می آموزند بدست بیاور. زیرا، شناخت آنان از گفتار پیشوایان دین و آگاهی ایشان بوسیله درک فرمایشات معصومین باعث می شود که مؤمن، خود را به بلندترین قله های ایمان برساند.

مصدر: معانی الأخبار ج ۱ ص ۱

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۰۶

۷۳. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ قَالَ: قَالَ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ إِذْ هَبَّ بِنَا إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ فَذَهَبْتُ مَعَهُ إِلَيْهِ فَوَجَدْنَاهُ قَدْ رَكِبَ دَابَّتَهُ فَقَالَ لَهُ سُفْيَانُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ حَدِّثْنَا بِحَدِيثِ خُطْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ قَالَ دَعَيْتَنِي حَتَّى أَذْهَبَ فِي حَاجَتِي فَإِنِّي قَدْ رَكِبْتُ فَإِذَا جِئْتُ حَدِّثْكَ فَقَالَ أَشَأْلُكَ بِقِرَائَتِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَمَّا حَدَّثْتَنِي قَالَ فَتَزَلَّ فَقَالَ لَهُ سُفْيَانُ مَرْ لِي بِدَوَاةٍ وَ قِرْطَاسٍ حَتَّى أُتْبِتَهُ فَدَعَا بِهِ ثُمَّ قَالَ أَكْتُبُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خُطْبَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها وَ بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَبْلُغْها يَا أَيُّهَا النَّاسُ لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدَ الْغَائِبَ قُرْبًا حَامِلِ فِقْهِهِ لَيْسَ بِفَقِيهِهِ وَ رَبِّ حَامِلِ فِقْهِهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ.

یکی از مردان قرشی ساکن مکه گوید: سفیان ثوری گفت: بیا ما را ببر خدمت جعفر بن محمد (علیهما السلام)، گوید: من با او خدمت آن حضرت رفتیم و وقتی رسیدیم که سوار مرکب خود شده بود، سفیان به آن حضرت عرض کرد: یا ابا عبد الله حدیث خطبه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در مسجد خیف برای ما باز گو، فرمود: اکنون بگذار دنبال کار خود بروم چون سوار شدم، و چون برگشتم برای تو باز می گویم، عرض کرد: تو را به قرابت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سوگند که این حدیث را بفرماید برای من، آن حضرت پیاده شد و سفیان عرض کرد: دستور بدهید تا دوات و کاغذ برای من بیاورند و آن را از زبان شما بنویسم، دوات و کاغذ خواست و سپس فرمود: بنویس: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، این خطبه رسول خدا در مسجد خیف، حَرَم باد بنده ای که بشنود گفتار مرا و آن را در دل جای دهد و حفظ کند و به هر کس نشنیده برساند، آیا مردم باید حاضران به غائبان برسانند: زیرا بسا حامل فقهی که خود فقیه نباشد و بسا رساننده فقهی که به داناتر از خود رساند.

مصدر: تفسیر القمی ج ۲ ص ۴۴۶ / الکافی ج ۱ ص ۴۰۳

دیگر منابع: الوافی ج ۲ ص ۹۹ / بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۶۹ / عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۱۰۸۸

۷۴. ارجاع پرورشی: سید حسین طباطبائی بروجردی (۱۲۹۲ق-۱۳۸۰ق / ۱۲۵۴ش-۱۳۴۰ش) از مراجع تقلید شیعه که هفده سال زعیم حوزه علمیه قم و پانزده سال مرجع عام شیعیان جهان بود. آیت الله بروجردی از شاگردان آخوند خراسانی بود که بعد از بازگشت از نجف در بروجرد ساکن

فتوایی در باب کشاورزی یا دیگر حوزه‌ها داشتند. می‌گویند کشاورزی نزد ایشان آمد و پرسید که آیا نظر شما در فلان مسئله این گونه است؟ ایشان گفتند بله. این کشاورز شروع کردند به قسم خوردن که والله بالله تالله این نظر شما نادرست است. مرحوم آیه الله بروجردی بعدها نقل کرده اند که این کشاورز آنقدر محکم با من صحبت کردند که من در فتوایم شک کردم. با اینکه طرف یک کشاورز ساده بوده است اما ایشان می‌گویند: دوباره به ادله^{۷۵} رجوع کردم و دیدم اتفاقاً نظر این کشاورز درست بوده و فتوایم را تغییر دادم. در واقع مرحوم آیه الله بروجردی به این روایات عمل کرده بودند که: رب حامل فقه وهو غیر فقیه. نمی‌گویند شما درس نخوانده اید سکوت کنید خیر، بگذارید مخاطب حرفش را بزند. از آن طرف هم ممکن است حتی شما فقیه باشید ولی می‌فرماید: رب حامل فقه الی من هو أفقه منه. همیشه باید باب این را باز بگذارید که ممکن یک افقه هم باشد. این دو روایت خیلی در ذهن گشایش ایجاد می‌کند که آدم نه با پایین دست و نه بالا دست خودش دگم نباشد. باید در تمام سطوح معرفت گفت و گو جریان داشته باشد.

شد. چند سال پس از درگذشت عبدالکریم حائری یزدی به دعوت مراجع ثلاث (حجت، خوانساری، صدر) به قم آمد و ریاست حوزه علمیه قم را بر عهده گرفت. پس از درگذشت سید ابوالحسن اصفهانی، بروجردی مهم‌ترین مرجع شیعیان بود و در دهه ۱۳۳۰ ش مرجع عام شیعیان محسوب می‌شد. در دوران آیت الله بروجردی حوزه علمیه قم گسترش و تعداد طلاب افزایش زیادی یافت. با حمایت‌های ایشان آثار حدیثی و فقهی متعددی احیاء و منتشر شد. مجموعه بزرگ جامع احادیث الشیعه تحت نظر او تدوین شد. بروجردی به تقریب مذاهب اسلامی اهمیت می‌داد و در این راستا نماینده‌ای برای عضویت در دارالتقریب به مصر فرستاد. فتوای معروف محمود شلتوت برای به رسمیت شناخته شدن فقه شیعه نزد اهل سنت نتیجه فعالیت‌های آیت الله بروجردی بود. اعزام مبلغ به مناطق مختلف ایران و خارج کشور، ایجاد مراکز بزرگ علمی و مذهبی، ساخت مساجد و مدارس در ایران و کشورهای مختلف، درخواست برای گنجاندن درس تعلیمات دینی در دوره ابتدایی مدارس ایران و... از مهم‌ترین اقدامات او است.

دوانی، علی، زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی، ج ۱، ص ۸۲، تهران ۱۳۷۱ ش / علوی، محمدحسین، خاطرات زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۲۱ / ستادی، رضا، آثار و تألیفات آیت الله بروجردی، ج ۱، ص ۲۸۹-۳۰۳، حوزه، سال ۸، ش ۱-۲ (فروردین - تیر ۱۳۷۰).

^{۷۵} . ارجاع پرورشی: ادله، جمع دلیل و در لغت به معنای مرشد و راهنما است. در اصطلاح اصولی‌ها، دلیل به چیزی گفته می‌شود که قابلیت استنباط حکم شرعی از آن وجود دارد؛ به بیان دیگر، وسیله‌ای است که مجتهد را - وجدانا" یا تعبدا" - به حکم واقعی می‌رساند.

البته این تعریف شامل ادله قطعی و ظنی معتبر (امارات) می‌گردد، اما اصول عملی را در بر نمی‌گیرد، زیرا این اصول به منظور تعیین وظیفه عملی مکلف در حالت شک به کار می‌رود. برخی از اصولی‌ها حکم شرعی را اعم از حکم واقعی و ظاهری معنا کرده‌اند.

صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، ج ۱، ص ۲۱ / نائینی، محمدحسین، اجود التقریرات، ج ۱، ص ۳ / بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، الفوائد الحائریة، ص ۴۹

۴. محوریت روایات "سنن حنیفیه" در شرح مفهوم طهارت به عنوان اولین حد از کبار حدود صلوات

پس طبق این روایات به بحث مان نظم دادیم. ما به عنوان امام جمعه و جماعات وقتی وارد بحث با مردم می شویم، اولین چیزی که می گوئیم این است که کبار فرائض الهی پنج مسئله است و باید نکته مهم امام علیه السلام را هم دائما تکرار کنیم. همان موضوعی که سکولارها^{۷۶} نمی خواهند دیده شود یعنی "ولایت" که مهم ترین فرائض است چرا که حافظ همه آنهاست. اگر ولایت نباشد صومی نیست، زکاتی نیست حجبی نیست و... این می شود ارتباط عرضی در طبقه بندی شرایع، و در هر کدام از اینها هم کلمه حدود اصل است: کبار حدود صلوات، کبار حدود صوم و... یعنی فضای بحث باید به این شکل منظم شود. در خود حدود صلوات هم، حد کبار طهارت است. یعنی ولایت از صلوات شروع می کند: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ^{۷۷}. همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند^{۷۸} و فرجام همه کارها از آن خداست. عرض کردیم اولین حد کبیر صلوات هم طهارت است.

^{۷۶}. ارجاع پژوهشی:

Secularism, any movement in society directed away from otherworldliness to life on earth.

In the Middle Ages in Europe there was a strong tendency for religious persons to despise human affairs and to meditate on God and the afterlife. As a reaction to this medieval tendency, secularism, at the time of the Renaissance, exhibited itself in the development of humanism, when people began to show more interest in human cultural achievements and the possibilities of their fulfillment in this world. The movement toward secularism has been in progress during the entire course of modern history and has often been viewed as being anti-Christian and antireligious.

سکولاریسم، هر جنبشی در جامعه که از دنیای ماورایی به سوی زندگی روی زمین هدایت شود. در قرون وسطی در اروپا گرایش شدید افراد مذهبی به تحقیر امور انسانی و تعمق در مورد خدا و آخرت وجود داشت. در واکنش به این گرایش قرون وسطایی، سکولاریسم، در زمان رنسانس، خود را در توسعه اومانیسم نشان داد، زمانی که مردم علاقه بیشتری به دستاوردهای فرهنگی بشری و امکان تحقق آنها در این جهان نشان دادند. جنبش به سوی سکولاریسم در تمام طول تاریخ مدرن در حال پیشرفت بوده است و اغلب به عنوان ضد مسیحی و ضد دین تلقی شده است.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/topic/secularism>

^{۷۷}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره حج آیه ۴۱

^{۷۸}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۱۰: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند.

برای مطالعه بیشتر درباره "امر به معروف و نهی از منکر" به پیوست شماره شانزده مراجعه فرمایید.

۴/۱. پنج نوع طهارت در سر و پنج نوع طهارت در دیگر اعضای بدن بر اساس روایات سنن حنیفیه

۴/۱/۱. نظام مقایسه میان فواید طهارت های ده گانه با نظام موضوعات حکومت داری مدرن

خود طهارت هم به شرحی که در جلسات گذشته عرض کردیم شامل ده جزء است. بر اساس روایات سنن حنیفیه^{۷۹} ده نوع طهارت داشتیم که پنج نوع آن در سر و مابقی در بدن است. این ده نوع طهارت - بنابر شرحی که در جلسات گذشته دادیم - اولاً خاصیت سیاسی دارد. گفتیم که "زی و تجمل" ابتدائاً کارکرد سیاسی تبلیغاتی برای شارع دارد. دومین خاصیت، پیشگیری از بیماری بود که موجب تامین سلامت جامعه می شود. کاهش هزینه های خانوار سومین فایده این طهارتها بود. در واقع ردیف هزینه کرد های سازمان معیوب و بی سواد برنامه بودجه^{۸۰} را سبک می کند. کارکردهای نفی سبیلی^{۸۱} و امنیتی، چهارمین فایده مترتب بر این طهارتها بود. فواید مرتبط با مباحث علوم غریبه هم پنجمین اثر است. اینها را در جلسه گذشته مورد بررسی

۷۹. ارجاع پژوهشی: رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ مَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِهِ فِي نَوْمِهِ مِنْ ذَنْبٍ وَكَدِهِ إِسْمَاعِيلَ أَبِي الْعَرَبِ فَأَتَمَّهَا إِبْرَاهِيمُ وَعَزَمَ عَلَيْهَا وَسَلَّمْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا عَزَمَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى تَوَاباً لَهُ لِمَا صَدَّقَ وَعَمِلَ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحَنِيفِيَّةَ وَهِيَ الطَّهَارَةُ وَهِيَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ حَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الرَّأْسِ وَحَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الْبَدَنِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ فَأَخَذَ الشَّارِبَ وَإِعْقَاءَ اللَّحْيِ وَطُمَّ الشَّعْرَ وَالسَّوَاكَ وَالْخِلَالَ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْبَدَنِ فَحَلَقَ الشَّعْرَ مِنَ الْبَدَنِ وَالْخِتَانَ وَتَقْلِيمَ الْأَظْفَارِ وَالْغُسْلَ مِنَ الْجَنَابَةِ وَالطُّهُورَ بِالْمَاءِ فَهَذِهِ الْحَنِيفِيَّةُ الظَّاهِرَةُ الَّتِي جَاءَ بِهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ تَنْسَخْ وَلَا تُنْسَخْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُوَ قَوْلُهُ: وَاتَّبَعَ مَلَأَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ذَكَرَهُ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ.

الوافي ج ۶ ص ۵۹۰ / وسائل الشيعة ج ۲ ص ۱۱۷ / تفسير نور الثقلين ج ۱ ص ۱۲۰ / بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۸۰

برای مطالعه بیشتر درباره ی "سنن حنیفیه" به پیوست شماره هفده مراجعه فرمایید.

۸۰. ارجاع پردازشی: شورایی اداری در یکصد و هفتاد و ششمین جلسه مورخ ۲ / ۵ / ۱۳۹۵ با توجه به اختیارات اصل ۱۲۶ قانون اساسی، به منظور سازماندهی و انسجام بخشی به مأموریتها و وظایف مربوط به حوزه های امور اداری و استخدامی و برنامه و بودجه تصویب نمود: وظایف رییس جمهور در امور برنامه و بودجه، در قالب سازمان برنامه و بودجه کشور توسط «معاون رییس جمهور و رییس سازمان برنامه و بودجه کشور» اداره گردد. بر همین اساس، سازمان برنامه و بودجه کشور تشکیل شد و هم اکنون ریاست سازمان برعهده دکتر داود منظور است. این سازمان مستقیماً زیر نظر ریاست جمهور انجام وظیفه می کند.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی سازمان برنامه و بودجه

<https://www.mporg.ir/about>

برای مطالعه بیشتر درباره تاریخچه سازمان برنامه و بودجه به پیوست شماره هجده مراجعه فرمایید.

۸۱. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نساء آیه ۱۴۱: الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعَكُمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.

همانان که مترصد شمایند پس اگر از جانب خدا به شما فتحی برسد می گویند مگر ما با شما نبودیم و اگر برای کافران نصیبی باشد می گویند مگر ما بر شما تسلط نداشتیم و شما را از [ورود در جمع] مؤمنان باز نمی داشتیم پس خداوند روز قیامت میان شما داوری می کند و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

قرار دادیم^{۸۲} ولی حتماً فواید دیگری هم برای سنن حنیفیه و این طهارت‌های ده گانه متصور است. نکته مهم این است که هم بحث سیاسی تبلیغاتی، هم مباحث پیشگیری از بیماری، فواید مربوط به معیشت خانواده، نفی سبیل و امنیت و نهایتاً آثار علوم غریبه ای سنن حنیفیه، تماماً موضوعات حکومتداری است. اساساً حکومتها برای ایجاد و برقراری همین موارد می آیند. می بینید که حکومتها وزارت بهداشت دارند، وزارت دفاع دارند، وزارت کشور و اقتصاد دارند. در واقع حکومتها هم تلاش می کنند که ذیل وزارت خانه ها به همین مسائل پردازند. در حالی که آیین یکتاپرستی یا سنن حنیفیه، ذیل این ده نوع طهارت اینها را به نسبت تامین می کند. بنابراین واضح و اثبات شد که آثار طهارت های ده گانه ای که در سنن حنیفیه بحث شده است، برابر است با نظام موضوعات اداره جامعه و نظام مسائلی که یک حکمران به آنها مبتلاست. در واقع تبیین شد که چرا "الَّذِينَ إِذْ أَقَامُوا الصَّلَاةَ" معلوم شد که حضرت ولی عصر سلام الله علیه که تشریف بیاورند، چرا به سبک سازمان ملل، سند بیست سی^{۸۳} و دولتهای مدرن، وزارتخانه راه اندازی

^{۸۲} . ارجاع پرورشی: برای مطالعه این مباحث به متن کامل جلسه پنجم دوره "مسجد و اداره جامعه" به نشانی زیرمراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5768>

^{۸۳} . ارجاع پرورشی:

فکر کنیم چرا این قدر طواغیت عالم و فراعنه‌ی عالم به فکرند و اصرار دارند که در آموزش و پرورش کشورها نفوذ پیدا کنند؛ روی این یک قدری باید تأمل کرد. [این نفوذ] گاهی اوقات با سر و صدا مثل سند ۲۰۳۰ است که سر و صدایش دنیا را گرفت که برای همه هم هست. این به معنای نفوذ فرهنگ و سبک زندگی غربی و اهداف غربی در همه‌ی کشورهای دنیا است. چرا؟ به چه دلیل؟ چرا باید یک کشوری مثل کشور ما با این فرهنگ ریشه‌دار و عمیق و فرهنگ الهی و ایمانی، فرهنگ برجسته‌ی درخشان ایرانی تحت تأثیر تعلیمات کسانی که تمدنشان و فرهنگشان یک چیز جدید و مادی و غلط و شکست خورده است [قرار بگیرد؟] امروز فلسفه‌ی اجتماعی غرب در خود غرب شکست خورده است؛ خب ببینید چه خبر است! آن روز من راجع به آمریکا گفتم. در آمریکا از هالیوود تا پنتاگون -یعنی فاصله‌ی هالیوود و پنتاگون را در نظر بگیرید- همه جا فساد هست؛ هم آنجا، هم آنجا، هم بین اینها. چرا بایستی فرهنگ یک کشوری مثل کشور اسلامی ایران و یا کشورهای اسلامی و شاید بعضی کشورهای دیگر در دنیا تحت تأثیر یک سندی قرار بگیرد که آدمهای این تمدنها، این کشورها، جوامع فاسد و غلط آن را تنظیم کرده‌اند؟ بنابراین به این توجه داشته باشید که نفوذ آنها و اصرارشان بر نفوذ به خاطر تأثیر آموزش و پرورش است؛ به خاطر این است که اینها کارهایی را که به وسیله‌ی نظامی به آسانی نمیتوانند انجام بدهند، به این وسیله میتوانند انجام بدهند؛ یک جایی و در یک مواردی با یک وسیله‌ی عمومی مثل همین سند ۲۰۳۰؛ که متأسفانه در کشور ما هم به آن توجه شد، الان هم شنیده‌ام گوشه کنار بعضی از اجزای این سند همین طور به وسیله‌ی بعضی آدمهای ناباب یا غافل دارد اجرا میشود و دنبال میشود -و این را خواهش میکنم آقای وزیر به طور جد دنبال کنند- چه مثل نفوذ در آموزش و پرورش بعضی از کشورهای منطقه که ما خبر داریم بی سر و صدا و بدون هیاهو دارند کتابهای درسی را، وضع معلمین را، آموزشها را [تغییر میدهند]، افرادی را جدا میکنند از بین مجموعه و میبرند در کشورهای خودشان یک چند صباح تربیت میکنند برمیگردانند. در آموزش و پرورش میخواهند نفوذ پیدا کنند. این به نظر من خیلی مهم است. لازم است که یک حساسیتی در زمینه‌ی نفوذ دشمن همه پیدا کنند، همه [حساسیت] داشته باشند و مراقب باشند. او اصرار دارد به نفوذ؛ شما باید بدانید او چرا اصرار دارد. او با این نفوذ میخواهد مقاصد خودش را، اهداف پلید خودش را عملیاتی کند و آدمهایی درست کند که مثل او فکر کنند؛ بنابراین فرض کنید او که میخواهد یک کشوری را غارت کند، وقتی در داخل کشور کسانی بودند که با این غارت موافق بودند، با او هم فکر بودند، این غارت براحتی و آسانی انجام میگردد. و به هر حال بایستی به این معنا توجه کرد.

بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش. ۱۳۹۹/۶/۱۱

B2n.ir/u23798

نمی‌کنند و جامعه را با حدود کبیر صلات اداره می‌کنند. ایشان رأس حدود کبیر صلات که طهارت باشد را احیاء می‌کنند.

۴/۲. اهمیت درایه در آیات و روایات برای نظام سازی

مهم است که انسان اهل درایه^{۸۴} در روایات باشد و گرنه می‌شود همه این روایات را خواند و بدون دقت در آن گذشت^{۸۵}. کما اینکه سالها کتاب طهارت خواندیم و در همین دانشگاه تهران، الگوی توسعه غربی تدریس

برای مطالعه بیشتر درباره سند بیست سی توسعه پایدار در بیانات مقام معظم رهبری به پیوست شماره نوزده مراجعه فرمایید.

^{۸۴}. ارجاع پژوهشی: أَبِي رَجْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بُرَيْدِ الرَّزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنِي إِعْرَفَ مَنَازِلَ الشَّيْخَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلرَّوَايَةِ وَبِالدَّرَايَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابٍ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا. برید رزّاز از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: (پدرم) امام باقر علیه السلام بمن چنین فرمودند: فرزندم، حدّ دانش و درک پیروان مکتب علی علیه السلام را از اینکه آنان چه مقدار سخنان معصومین را آموخته و درک نموده‌اند و به دیگران می‌آموزند بدست بیآور. زیرا، شناخت آنان از گفتار پیشوایان دین و آگاهی ایشان بوسیله درک فرمایشات معصومین باعث می‌شود که مؤمن، خود را به بلندترین قله‌های ایمان برساند، من کتابی از حضرت علی علیه السلام مطالعه می‌کردم که این عبارت را در آن مشاهده نمودم: معیار ارزش و مقام هر کس، اندازه آگاهی و شناخت وی می‌باشد، زیرا خداوند تبارک و تعالی هنگام سنجش اعمال انسان، به اندازه خردی که در دنیا به او داده است کردارش را حساب می‌کشد.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۵۰ / معانی الأخبار ج ۱ ص ۱ / الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری) ج ۱ ص ۳
دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۱ ص ۱۰۶ / مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۸۴ / الوافی ج ۱ ص ۲۲۵ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۲۷ ص ۱۳۷

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكُرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ وَلَا يَكُونُ التَّرْجُلُ مِنْكُمْ فَفِيهَا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا وَ إِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفَ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرُجُ.

ابراهیم کرخی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: یک حدیث را اگر کاملاً فهمیده باشی، ارزشمندتر از هزار روایت است که (طوطی وار) آن را برای دیگران نقل کنی، و نیز هیچ یک از شما در قوانین و احکام دین عالم نخواهند بود مگر آنکه مفهومهای گوناگون از سخن ما را دریافته باشد. یقیناً هر جمله‌ای از گفتار ما به هفتاد گونه تعبیر می‌گردد که راه خروج از هر یک از آنها برای ما باز است.

مصدر: معانی الأخبار ج ۱ ص ۲
دیگر منابع: نوادر الأخبار ج ۱ ص ۵۰ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۱۸۴ / السرائر ج ۳ ص ۶۴۰

^{۸۵}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره یوسف آیه ۱۰۵: وَكَأَيُّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ. و [برای هدایت مردم] در آسمان‌ها و زمین چه بسیار نشانه‌هاست که [در غفلت و بی‌خبری] بر آنها می‌گذرند در حالی که از آنها روی می‌گردانند.

قرآن کریم سوره فرقان آیه ۷۳: وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا. و آنان که وقتی به آیات پروردگارشان پندشان دهند، در برابر آن با حالت کوری و کوری نمی‌افتند، [بلکه با گوش شنوا و چشم بصیرت به آن دل می‌دهند].

و ترویج می‌شد. چه بسا ما اخباری^{۸۶} ها در آنجا روایات باب طهارت را هم خوانده ایم اما فهرست ما، نظام مقایسه^{۸۷} با فهرست آنها ایجاد نکرده است. چه بسا ما اخباری ها روایات باب طهارت را هم جمع کرده باشیم اما فهرست ما به فهرست نادرست آنها تنه زده است چرا؟ چون فهرست خودمان را مورد دقت و درایه قرار نداده ایم. از خدای متعال بخواهیم که هیچ وقت اخباری نشویم و تنها در اینصورت است که بلافاصله می‌توانیم ذهنیت مخاطب خودمان را هماهنگ و جهت دهی کنیم. این خلاصه بحث بود که بنده خواستم دوباره مرور

^{۸۶}. ارجاع پرورشی: اخباریان گروهی از فقیهان امامی که اخبار و احادیث امامان شیعه را تنها منبع فقه و تنها مبنای استنباط احکام شرعی می‌دانند. این گروه که از قرن ۱۱ قمری به بعد ظهور کردند، به کارگیری روش‌های اجتهادی و دانش اصول فقه را روا نمی‌شمارند. در مقابل آنان، فقیهان اصولی، روش‌های اجتهادی و اصول فقه را در استنباط احکام فقهی لازم می‌دانند.

تقابل میان اخباریان و اصولیان امامی، پیش از قرن یازدهم قمری نیز به صورت غیررسمی و نه چندان آشکار وجود داشت؛ اما در این قرن تقابل شدت گرفت و دو اصطلاح اخباری و اصولی رواج یافت و این دو گروه به صورت آشکار و رسمی در مقابل یکدیگر برخاستند.

محمد امین استرآبادی، عبدالله بن صالح سماهیجی و میرزا محمد اخباری، از اخباریون تدررو و شیخ یوسف بحرانی، سید نعمت‌الله جزایری، ملا محسن فیض کاشانی، محمد تقی مجلسی، محمد طاهر قمی و شیخ حر عاملی از میانه‌روان این مسلک‌اند. در مقابل اینان اصولیانی چون وحید بهبهانی، شیخ انصاری و شیخ جعفر کاشف الغطا قرار می‌گیرند.

اختلافات عمده اخباریان و اصولیان در مسائلی چون حرمت و جواز اجتهاد، انحصار ادله به کتاب و سنت، منع از تحصیل ظن، شیوه تقسیم‌بندی احادیث، جواز تقلید از غیر معصوم، اخذ به ظواهر کتاب، حسن و قبح عقلی، اجرای اصالة البرائة در برخی موارد، حرمت کاربرد برخی از انواع قیاس، صحیح دانستن تمامی احادیث کتب اربعه و ... است.

صدر، دروس في علم الأصول، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۴-۵۵ / مدرسی طباطبایی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ۱۳۷۸ش، ص ۳۴ / سید مرتضی، «رساله فی الرد علی اصحاب العدد»، ۱۴۰۵ق، ص ۱۸ / قیصری، اخباریان، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷ش، ج ۷، ص ۱۶۲ / استرآبادی، الفوائد المدنیة، ص ۲؛ نیز خوانساری، روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۲۰

^{۸۷}. ارجاع پرورشی: تفاوت‌های فقه معذر و منجز و فقه نظام! و بیان مبتنی بر نظام مقایسه

گفتگوهای مرتبط با فقه نظام و الگوی دینی اداره جامعه در حوزه علمیه و در میان نخبگان دانشگاهی و اجرایی روز به روز گسترش بیشتری می‌یابد و بالتبع پرسش‌های مرتبط با این حوزه، هر روز عمیق‌تر و بیشتر می‌شود. یکی از پرسش‌های مهم این حوزه تبیین تفاوت‌ها در استنباط محدود به کشف معذر و منجز و استنباط نظام ساز است.

قواعد اصولی فقه‌البیان، متکفل تبیین قواعد استنباط فقه نظام است و تبیین این قواعد اصولی -ضمن تبیین تفاوت‌های میان این دو مکتب فقه‌البیان- سطح تفقه را از سطح "کشف معذر و منجز" به سطح فقه نظام ارتقاء می‌دهد. یکی از تفاوت‌های فقه‌البیان محدود به کشف معذر و منجز و فقه‌البیان نظام ساز، مسئله مهم نظام مقایسه است. فقه نظام به بدعت‌ها و غی‌های مقابل یک حکم شرعی توجه دارد و چگونگی مقابله با آن را به شکل متصل یا منفصل از وحی استنطاق می‌کند؛ ولی در کلمات فقهای کاشف معذر و منجز، این نوع از بحث‌ها به نحو حداقلی وجود دارد.

به عنوان مثال در کلمات بسیاری از فقهاء، احکام مرتبط با انفاق‌های واجب و مستحب و حرام به صورت تفصیلی بحث شده است ولی احکام مرتبط با انفاق با ایده هائی معیوبی مانند تعریف کینزی پس انداز (Savings) و مفهوم هدایت نقدینگی در اقتصاد کلان -که در نقطه مقابل انفاق عمل می‌کنند- مقایسه نمی‌شود. عدم مقایسه یک حکم شرعی با یک قانون عرفی و سکولار در برخی موارد زمینه اجرای حکم شرعی برای مردم را ممتنع می‌کند و در خوشبینانه‌ترین وضعیت "بیان حکم بدون توجه به اصل مقایسه" به مهار بدعت و قانون مبتنی بر آن کمک نمی‌کند. به عنوان مثال دیگر وقتی درباره عمومی شدن تجارت و ابزارهای آن مانند بازارهای موقت -که ایده اصلی فقه برای محرومیت زدایی و توسعه عدالت است- صحبت می‌کنیم؛ ضرورت دارد آن را با بدعت فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره ای و سیتی سنترها مقایسه کنیم.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین قواعد اصولی فقه‌البیان - چهارشنبه ۲۹ دی ۱۴۰۰ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ای‌تا

<https://eitaa.com/olgou4/3866>

شود. اولین تکلیف امام مسجد محله^{۸۸}، امام جمعه یک شهر، امام مسجد سوق و ائمه مساجد اربعه^{۸۹} این است که ذهن مکلف را یک تبویب جدید بدهند، منظم کنند و فهرستی در اختیار او قرار بدهند که تا آخر

^{۸۸}. ارجاع پرورشی: تبیین ساختار خدمات محله ای

اگر در حال برنامه ریزی برای خانواده خود یا محله خود یا شهر خود هستید؛ باید توجه کنید که سبد خدمات به خانواده را ناقص و بخشی تعریف نکنید. دغدغه اول نظریه مدیریت شهری محله محور، تعریف سبد خدمات نسبتاً جامع برای خانواده های ساکن در یک محله است! (نوشهرگرایی سبد خدمات شهری را ناقص تعریف می کند.)

از علم خطا ناپذیر وحی ۹ گروه خدمت محله ای شامل ۱- خدمات حوزه پاکسازی و تزکیه (۶ خدمت)، ۲- خدمات حوزه مدیریت و امامت (۵ خدمت)، ۳- خدمات حوزه علم و آموزش (۳ خدمت)، ۴- خدمات حوزه مکاسب و تجارت (۴ خدمت)، ۵- خدمات حوزه عبرت و میراث فرهنگی (۴ خدمت)، ۶- خدمات حوزه نفی سبیل و پدافند غیر عامل (۳ خدمت)، ۷- خدمات حوزه نظم و سنت های شهری (۴ خدمت)، ۸- خدمات حوزه فرقان و ارزیابی (۲ خدمت) و ۹- خدمات حوزه بیان و تبلیغات شهری (۲ خدمت) را برای دستیابی به تنظیم روابط انسانی استنباط کرده ایم. (بخش اول خدمات محله محور ۳۳ خدمت و مجموعاً بخش تصمیم نظریه مدیریت شهری محله محور شامل ۱۰۰ خدمت است.) برای ارایه هر خدمت یک نقشه عملیاتی و برنامه زمان بندی تدوین می شود. (دفترچه تصمیم)

حجت الاسلام علی کشوری - نشست تخصصی تبیین ساختار خدمات محله ای - پنجشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۱ - اردوگاه ولایت قم
منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامبران ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5028>

^{۸۹}. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ أَلْفُ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةٌ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقَبِيلَةِ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ السُّوقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَحَدَّةٌ صَلَاةً وَاحِدَةً».

از امیر المؤمنین علی علیه السلام منقولست که فرمود: یک نماز در بیت المقدس برابرست با هزار نماز و یک نماز در مسجد اعظم (مسجد جامع شهر) برابرست با صد نماز، و یک نماز در مسجد قبيله (که امروز باید مسجد محله را بجای آن دانست) برابرست با بیست و پنج نماز، و یک نماز در مسجد بازار برابرست با دوازده نماز، و نمازی که شخص در خانه خود میخواند تنها ارزش یک نماز را دارد.

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۳۳ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۳۰ / تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۲۵۳

دیگر منابع: روضة الواعظین ج ۲ ص ۳۳۸ / جامع الأخبار ج ۱ ص ۷۰ / الوافی ج ۷ ص ۵۱۳ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۲۸۹ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۱۵

مقصود از مساجد اربعه چهار مسجد است که در چهار شهر برتر اسلام واقع شده اند: مسجد الحرام، مسجد النبی سلام الله علیه، مسجد کوفه و مسجد الاقصی.

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَرْبَعَةَ اخْتَارَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ جِبْرَائِيلَ وَ ميكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ مَلَكَ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اخْتَارَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَرْبَعَةَ لِلْسَّيْفِ إِبْرَاهِيمَ وَ دَاوُدَ وَ مُوسَى وَ أَنَا وَ اخْتَارَ مِنَ الْبُيُوتَاتِ أَرْبَعَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ إِصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةَ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ النَّبِينَ وَ الرَّسُولِينَ وَ طُورَ سَيْنِينَ وَ هَذَا الْبَلَدَ الْأَمِينَ مَكَّةَ وَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا مَرْيَمَ وَ آسِيَةَ وَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ وَ اخْتَارَ مِنَ الْحَجِّ أَرْبَعَةَ النَّجَّ وَ الْعَجَّ وَ الْأَحْرَامَ وَ الطَّوَافَ فَأَمَّا النَّجَّ فَالنَّحْرُ وَ الْعَجَّ صَحْبُ النَّاسِ بِالتَّلْبِيَةِ وَ اخْتَارَ مِنَ الْأَشْهُرِ أَرْبَعَةَ رَجَبَ [رَجَبًا] وَ شَوَالَ [شَوَالًا] وَ ذُو الْقَعْدَةِ [ذَا الْقَعْدَةِ] وَ ذُو الْحِجَّةِ [ذَا الْحِجَّةِ] وَ اخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ أَرْبَعَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ يَوْمَ النَّحْرِ.

-موسی بن بکر از امام کاظم (علیه السلام) نقل می کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند از هر چیز چهار تا را برگزید: از فرشتگان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ را، و از پیامبران چهار تا را که شمشیر داشتند برگزید: ابراهیم و داود و موسی و من، از خانواده ها چهار خانواده را برگزید و فرمود: «خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید» و از شهرها چهار شهر را برگزید و فرمود: «سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر امن» انجیر مدینه و زیتون بیت المقدس و طور سینین کوفه و بلد الامین مکه است، و از زن ها چهار

سازمان ملل آینده دنیا مسجد کوفه است^{۹۲}. به هر حال در جایی که اختیارات داریم تکلیف همین مسئله است که عنوان شد.

۴/۳. اهمیت آیات و روایات ساختاری به عنوان قالب دهنده و تنظیم کننده سایر مباحث شریعت

در صدر روایتی که از جناب ابن قولویه نقل کردم می فرماید: فرائض کبیر الهی پنج مورد است و در همان روایت هم حدود کبیر هر کدام را توضیح می دهد. ما این نوع روایات را روایات ساختاری می نامیم. ویژگی این روایات این است که دیگر روایات را می توانید در خانه و قالب این روایات طبقه بندی کنید^{۹۳}. این اصل بحث

۹۲. ارجاع پژوهشی: وَ رُوِيَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ أَنَّهُ قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ ذَاتَ يَوْمٍ حَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ إِذْ قَالَ «يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ لَقَدْ حَبَأَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَا لَمْ يَحِبُّ بِهِ أَحَدًا مِنْ فَضْلِ مُصَلَّاتِكُمْ بَيْتِ آدَمَ وَبَيْتِ نُوحَ وَبَيْتِ إِدْرِيسَ وَ مُصَلَّى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ وَ مُصَلَّى أَخِي الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُصَلَّى وَ إِنَّ مَسْجِدَكُمْ هَذَا لِأَحَدِ الْأَرْبَعَةِ الْمَسَاجِدِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَهْلِهَا وَ كَأَنِّي بِهِ قَدْ أَنَبِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي تَوْتِينَ أُبَيْضِينَ يَتَسَبَّهُ بِالْمُحْرَمِ وَ يَشْفَعُ لِأَهْلِهِ وَ لِمَنْ يُصَلِّي فِيهِ فَلَا تُرَدُّ شَفَاعَتُهُ وَ لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يُنْصَبَ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ فِيهِ وَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَلَّى الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي وَ مُصَلَّى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهِ أَوْ حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهِ فَلَا تَهْجُرُوهُ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالصَّلَاةِ فِيهِ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِ مِنَ الْبَرَكَاتِ لَأَتَوْهُ مِنْ أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَ لَوْ حَبِوْا عَلَى النَّالِجِ» .

از اصبع بن نباته روایت شده که گفت: روزی از روزها که ما در مسجد کوفه گرد امیر المؤمنین صلوات الله علیه جمع شده بودیم آن حضرت فرمود: ای مردم کوفه همانا خداوند عز و جل شما را عطائی فرموده که آن را به هیچ کس دیگر محبت و ارزائی نفرموده است. از نظر فضیلت جایگاه نمازتان مسجد کوفه که خانه حضرت آدم و خانه حضرت نوح و خانه حضرت ادریس و نمازگاه حضرت ابراهیم خلیل و نمازگاه برادر حضرت خضر علیهم السلام و نمازگاه خود من است و همانا این مسجد شما یکی از چهار مسجدی است که خداوند عز و جل آن را برای اهل اینجا برگزیده است، و گوی هم اکنون آن را مینگرم که در روز قیامت با دو جامه سفید شبیه به شخص محرم آن را آورده اند که برای اهل خود و برای کسی که در آنجا نماز گزارده است شفاعت میکند و شفاعتش مورد قبول قرار گرفته و رد نخواهد شد و روزها و شبها نمیگذرد تا آنکه حجر الأسود را در آنجا نصب کنند، و البته زمانی چنین خواهد شد که اینجا نمازگاه مهدی از فرزندان من گردد و محل نماز هر مؤمنی باشد و هیچ مؤمنی بر روی زمین نباشد مگر آنکه (متوجه) اینجا باشد یا دلش مشتاق اینجا باشد، پس این مسجد را ترك نکنید و آن را غریب نگذارید و با نماز خواندن در اینجا به خداوند عز و جل تقرب جوئید و روی به خداوند آورده و از او حاجات خود را طلب کنید که برآورده شود، اگر مردم میدانستند چه برکتی در این مسجد است هر آینه از گوشه و کنار عالم روی بدان می آوردند اگر چه خود را بسینه بر روی برف بکشاند.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۳۱ / الأملی (للصدوق) ج ۱ ص ۲۲۷

دیگر منابع: الوافی ج ۱۴ ص ۱۴۴۷ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۲۵۷ / اثبات الهداة ج ۵ ص ۶۵

۹۳. ارجاع پژوهشی: یک نمونه دیگر از روایات ساختاری:

بِإِسْنَادِ الْأَوَّلِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْإِيمَانَ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ فَالْصَّبْرُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الشُّؤْمِ وَ الْإِسْقَاقِ وَ الْزُّهْدِ وَ التَّرَقُّبِ فَمَنْ إِشْتَأَى إِلَى الْجَنَّةِ سَلَ إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ وَ مَنْ رَاقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ وَ الْيَقِينُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ تَبَيَّرَةِ الْفِطْنَةِ وَ تَأَوَّلَ الْحِكْمَةَ وَ مَعْرِفَةَ الْعِبْرَةِ وَ سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ فَمَنْ أَبْصَرَ الْفِطْنَةَ عَرَفَ الْحِكْمَةَ وَ مَنْ تَأَوَّلَ الْحِكْمَةَ عَرَفَ الْعِبْرَةَ وَ مَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ عَرَفَ السُّنَّةَ وَ مَنْ عَرَفَ السُّنَّةَ فَكَانَتْ مَعَ الْأَوَّلِينَ وَ اهْتَدَى إِلَى الَّتِي «هِيَ أَقْوَمُ» وَ نَظَرَ إِلَى مَنْ نَجَا بِمَا نَجَا وَ مَنْ هَلَكَ بِمَا هَلَكَ وَ إِنَّمَا أَهْلَكَ اللَّهُ مِنْ أَهْلِكَ بِمَعْصِيَتِهِ وَ أَنْجَى مَنْ أَنْجَى بِطَاعَتِهِ وَ الْعَدْلُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ غَامِضِ الْفَهْمِ وَ عَمْرِ الْعِلْمِ وَ زَهْرَةِ الْحُكْمِ وَ رَوْضَةِ الْجَلْمِ فَمَنْ فَهَمَ فَسَّرَ جَمِيعَ الْعِلْمِ وَ مَنْ عَلِمَ عَرَفَ سَرَائِعَ الْحُكْمِ وَ مَنْ حَلَمَ لَمْ يُفْرِطْ فِي أَمْرِهِ وَ عَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيدًا وَ الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الصَّدْقِ فِي الْمَوَاطِنِ وَ شَتَّانِ الْفَاسِقِينَ فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْمُتَافِقِ وَ آمِنَ كَيْدَهُ وَ مَنْ صَدَّقَ فِي الْمَوَاطِنِ قَضَى الَّذِي عَلَيْهِ وَ مَنْ شَتَّى الْفَاسِقِينَ غَضِبَ لِلَّهِ وَ مَنْ غَضِبَ لِلَّهِ غَضِبَ اللَّهُ لَهُ فَذَلِكَ الْإِيمَانُ وَ دَعَائِمُهُ وَ شُعْبَتُهُ .

است و به نظر بسیار مهم است. حال اگر بتوانیم در آینده یک بحث اصولی هم داشته باشیم که "ماهو التبویب؟" می‌توانیم اولاً کارکردهای تبویب را تشریح کنیم که ذوقی و استحسانی^{۹۴} بحث نشود و در مرحله هم نهایی هم یک تبویب فقهی جدید را مطرح کنیم. از این جهت که یکی از اشکالات فقه جواهری همین تبویب خطی فرائض و اوامر و نواهی است. در صورتی که در روایات وزن دهی به هر مسئله وجود دارد و تبویب باید به محوریت همین احکام خمس اتفاق بیفتد. حال از باب یک تمرین فقهی می‌توان پنجاه و دو باب از طهارت تا دیات را در این تقسیم بندی پنج گانه قرار داد. آنوقت پرسش های جدیدی هم متولد می‌شود که تاکنون مورد بررسی و دقت فقها نبوده است. مثلاً بحثهای مربوط به بخش معاملات فقه^{۹۵} را در کدام یک از فرائض کبیر می‌توان طبقه بندی کرد؟

امام باقر علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام را از ایمان سؤال کردند، فرمود: خدای عز و جل ایمان را بر چهار پایه قرار داده است: ۱- صبر، ۲- یقین، ۳- عدالت، ۴- جهاد. و صبر چهار شعبه دارد: اشتیاق و ترس و زهد و مراقبت (انتظار) پس هر که اشتیاق بهشت داشته باشد، هوس رانیها را کنار گذارد، و هر که از دوزخ بیم دارد، از چیزهای حرام رو گرداند، و هر که در دنیا زهد ورزد (و بی‌رغبت شود)، مصیبتها بر او آسان شود، و هر که منتظر مرگ باشد با انجام دادن نیکیها شتاب کند. و یقین چهار شعبه دارد: ۱- زیرکی و روشی بینی، ۲- رسیدن بحقایق، ۳- عبرت‌شناسی ۴- روش پیشینیان، پس هر که روشن بین شود حقیقت‌شناس گردد و هر که بحقایق رسد عبرت‌شناس شود و هر که عبرت‌شناس باشد، سنت و روش را بفهمد و هر که سنت را شناسد مثل اینست که با پیشینیان بوده و بطریقه‌ای که درست‌تر است هدایت شود و نگاه کند هر که نجات یافته بچه وسیله نجات یافته و هر که هلاک شده برای چه هلاک شده، و همانا خدا هر که اهلاک نمود تنها بسبب نافرمانیش هلاک نموده و هر که را نجات بخشیده بسبب اطاعتش بوده. و عدالت چهار شعبه دارد: ۱- فهمیدن امر مشکل [دقت در فهمیدن] ۲- رسیدن بحقیقت دانش ۳- روشنی حکم (داوری)، ۴ - خرمی شکیبائی، پس هر که بفهمد همه دانش را تفسیر کند، و هر که بداند آنگاههای داوری را بشناسد و هر که بردباری ورزد، در کارش زیاد روی نکند و میان مردم ستوده زندگی نماید و جهاد چهار شعبه دارد: ۱- امر بمعروف ۲- نهی از منکر ۳- راستگویی در هر حال ۴- دشمنی با بدکاران. پس هر که امر بمعروف کند، مؤمن را یاری کرده و پشتش را محکم نموده، و هر که نهی از منکر کند، بینی منافق را بخاک مالیده و از نیرنگش ایمن گشته و هر که همه جا راستگوید، وظیفه‌ای که بر او بوده انجام داده و هر که با بدکاران دشمنی کند برای خدا خشم نموده و هر که برای خدا خشم نماید، خدا هم بخاطر او خشم نماید، اینست ایمان و پایه‌ها و شعبه‌هایش.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۵۰ / الخصال ج ۱ ص ۲۳۱ / نهج البلاغه ج ۱ ص ۴۷۳

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۱۴۰ / بحار الأنوار ج ۶۵ ص ۳۵۰ / روضة الواعظین ج ۱ ص ۴۳

^{۹۴} . ارجاع پرورشی: استحسان به معنای خارج شدن از مدلول دلیل کلی به واسطه وجود مصالح موردی و جزئی است. در نقد حجیت استحسان گفته‌اند: چنان که در بحث عقل اثبات شده است عقل مستقلاً نمی‌تواند دسترسی به ملاکات احکام پیدا کند و اگر جز این بود نیازی به ارسال رسل نبود و هر عاقلی می‌توانست به احکام الهی معرفت پیدا کند و به این ترتیب هر مجتهدی نوعی پیامبر محسوب می‌شد. امامیه، استحسان را همانند قیاس مردود می‌دانند. میرزای قمی به چهار دلیل استحسان را باطل می‌داند: فقدان دلیل، عدم افاده ظن به حکم شرعی، اجماع امامیه بر بطلان آن و روایاتی که دلیل بر بطلان استحسان دارند.

ولایی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۵۶ / قمی، قوانین الاصول، ج ۲، ص ۹۲ / غزالی، المستصفی من علم الاصول، ج ۲، ص ۲۳۹

^{۹۵} . ارجاع پرورشی: «معاملات» عبارت از احکام شرعی متعلق به امور دنیاست به اعتبار بقای شخص؛ مانند بیع، رهن، اجاره، نکاح و جز آن‌ها... و بالجمله آنچه مقصود اهم از آن دنیا باشد، معامله است. در میان معاملات، اولین و مهم‌ترین قرارداد متداول در روابط اقتصادی، بیع (خرید و فروش) است که نقش بسیار مهمی در روابط اجتماعی دارد. مسأله خرید و فروش همچون سایر فعالیت‌ها باید در محدوده مقررات اسلام باشد. از

این رو، یادگیری احکام خرید و فروش، برای داد و ستد نیاز است. امام خمینی (ره) می‌فرماید: بر هر کس که خودش به تجارت و سایر انواع کسب اشتغال دارد، واجب است احکام و مسائل مربوط به آن را یاد بگیرد، تا صحیح آن را از فاسدش بشناسد و از ربا سالم بماند، و مقدار لازم آن است که حکم تجارت و معامله‌ای را که انجام می‌دهد، در همان موقع انجام دادن - هر چند از روی تقلید - بداند.

فرهنگ معارف اسلامی، سید جعفر سجادی، ج ۴، ص ۲۶۶ / مستدرک الوسائل (آل‌البيت)، ج ۱۳، ص ۲۴۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۳ / تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۵۰۰

۵. دوگانه رسوخ یافته علم و دین، نتیجه عدم درایه در آیات و روایات (نظام مقایسه)

تقسیم بندی اصلی ذهن افرادی که در این چهل و چند سال بعد از انقلاب در آموزش و پرورش تربیت می کنیم، بر مبنای دوگانه علم و دین است. البته اگر دقیق نشوند و فکر نکنند، اما آنهایی که اهل مطالعه و تفکر هستند می بینند که تعارض هایی در این میان وجود دارد. زمانی مرحوم استاد ما نقل می کردند که ما با یک پزشک به حج رفته بودیم. این پزشک به ما می گفت: گزاره های ذهن من دو بخشی است: مسائل علمی و موضوعات خرافی. جالب اینجاست که در خود ایام حج و در آن سرزمین این را می گفته است. چرا؟ چون نمی تواند تصور کند که گزاره های دینی هم گزاره های علمی است. ریشه این نگاه به دانشگاهی بر می گردد که تصریح می کند فقط پوزیتیویسم^{۹۶} علم است. البته دیدگاه های پوزیتیویستی را که تا لاکاتوش^{۹۷} و کوهن^{۹۸} و دیگران شرح

^{۹۶}. ارجاع پرورشی:

positivism, in Western philosophy, generally, any system that confines itself to the data of experience and excludes a priori or metaphysical speculations. More narrowly, the term designates the thought of the French philosopher Auguste Comte.

As a philosophical ideology and movement, positivism first assumed its distinctive features in the work of Comte, who also named and systematized the science of sociology. It then developed through several stages known by various names, such as empiriocriticism, logical positivism, and logical empiricism, finally merging, in the mid-20th century, into the already existing tradition known as analytic philosophy.

پوزیتیویسم، در فلسفه غرب، به طور کلی، هر نظامی است که خود را به داده های تجربه محدود می کند و گمانه زنی های پیشینی یا متافیزیکی را حذف می کند. به طور دقیق تر، این اصطلاح به اندیشه فیلسوف فرانسوی آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷) اشاره می کند. پوزیتیویسم به عنوان یک ایدئولوژی و جنبش فلسفی، ابتدا ویژگی های متمایز خود را در آثار کنت، که علم جامعه شناسی را نیز نام گذاری و نظام مند کرد، به خود گرفت. سپس طی مراحل مختلفی که با نام های مختلف شناخته می شوند، مانند تجربه گرایی، پوزیتیویسم منطقی، و تجربه گرایی منطقی توسعه یافت و سرانجام در اواسط قرن بیستم در سنت موجود به نام فلسفه تحلیلی ادغام شد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/topic/positivism>

^{۹۷}. ارجاع پرورشی: ایمره لاکاتوش (به مجاری: Imre Lakatos) از فیلسوفان ریاضیات و علم بود.

در ۹ نوامبر ۱۹۲۲ (میلادی) در خانواده ای یهودی زاده شد. وی در ۲ فوریه ۱۹۷۴ درگذشت.

لاکاتوش به برنامه پژوهشی معتقد بود و بر خلاف نظریه کارل پوپر گزاره های علمی، انتزاعی و خارج از زمان و مکان نیستند بلکه هر کدام از آنها در درون یک برنامه پژوهشی قرار دارند.

در واقع لاکاتوش با مطرح کردن متدولوژی برنامه های تحقیق علمی (Methodology of Scientific Research programs) ادعا می کند که واحد دستاورد علمی عبارت از یک فرضیه جدا و یگانه نیست، بلکه در واقع یک برنامه تحقیق است که این واحد را تشکیل می دهد، علم عبارت از آزمایش و خطای ساده و یک سری حدس ها و ابطالها نیست به عقیده وی تئوری جاذبه نیوتون، تئوری نسبیت اینشتاین، مکانیک کوانتومی، مارکسیسم و فرویدیسم، همگی برنامه های تحقیق هستند.

لاکاتوش به رفو کردن فرضیاتی معتقد بود که برنامه های تحقیق علمی در برداشتنند. وی از این فرضیات بعنوان کمربند محافظ (Protective belt) در برابر مفروضات بنیادین نام می برد.

B2n.ir/k07769

^{۹۸}. ارجاع پرورشی:

داده اند، به نظرم پوزیتیویسم تغییری نکرده است. چون زمانی با یکی از اساتید بحث می کردیم و ایشان می گفتند که مدلهای فلسفه علم^{۹۹} خیلی تفاوت کرده و دیدگاه های جدیدی آمده است. بنده هم عرض کردم در

Thomas S. Kuhn, (born July 18, 1922, Cincinnati, Ohio, U.S.—died June 17, 1996, Cambridge, Mass.), American historian of science noted for *The Structure of Scientific Revolutions* (1962), one of the most influential works of history and philosophy written in the 20th century.

Kuhn earned bachelor's (1943) and master's (1946) degrees in physics at Harvard University but obtained his Ph.D. (1949) there in the history of science. He taught the history or philosophy of science at Harvard (1951–56), the University of California at Berkeley (1956–64), Princeton University (1964–79), and the Massachusetts Institute of Technology (1979–91).

In his first book, *The Copernican Revolution* (1957), Kuhn studied the development of the heliocentric theory of the solar system during the Renaissance. In his landmark second book, *The Structure of Scientific Revolutions*, he argued that scientific research and thought are defined by “paradigms,” or conceptual world-views, that consist of formal theories, classic experiments, and trusted methods. Scientists typically accept a prevailing paradigm and try to extend its scope by refining theories, explaining puzzling data, and establishing more precise measures of standards and phenomena. Eventually, however, their efforts may generate insoluble theoretical problems or experimental anomalies that expose a paradigm's inadequacies or contradict it altogether. This accumulation of difficulties triggers a crisis that can only be resolved by an intellectual revolution that replaces an old paradigm with a new one. The overthrow of Ptolemaic cosmology by Copernican heliocentrism, and the displacement of Newtonian mechanics by quantum physics and general relativity, are both examples of major paradigm shifts.

توماس اس. کوهن (متولد ۱۸ ژوئیه ۱۹۲۲، سینسیناتی، اوهایو، ایالات متحده - درگذشته ۱۷ ژوئن ۱۹۹۶، کمبریج، ماساچوست)، مورخ علم آمریکایی که کتاب ساختار انقلاب های علمی او (۱۹۶۲)، یکی از تأثیرگذارترین آثار تاریخ و فلسفه نوشته شده در قرن بیستم. شناخته شد. کوهن مدرک لیسانس (۱۹۴۳) و فوق لیسانس (۱۹۴۶) را در رشته فیزیک در دانشگاه هاروارد گرفت. او تاریخ و فلسفه علم را در هاروارد (۱۹۵۱-۱۹۵۶)، دانشگاه کالیفرنیا در برکلی (۱۹۵۶-۱۹۶۴)، دانشگاه پرینستون (۱۹۶۴-۱۹۷۹)، و موسسه فناوری ماساچوست (۱۹۷۹-۱۹۹۱) تدریس کرد.

کوهن در اولین کتاب خود به نام انقلاب کوپرنیک (۱۹۵۷) به بررسی توسعه نظریه خورشید مرکزی منظومه شمسی در دوران رنسانس پرداخت. او در دومین کتاب مهم خود، ساختار انقلاب های علمی، استدلال کرد که پژوهش و اندیشه علمی با «پارادایم ها» یا جهان بینی های مفهومی که شامل نظریه های رسمی، آزمایش های کلاسیک و روش های مورد اعتماد است، تعریف می شوند. دانشمندان معمولاً یک پارادایم غالب را می پذیرند و سعی می کنند دامنه آن را با پالایش نظریه ها، توضیح داده های گیج کننده و ایجاد معیارهای دقیق تر از استانداردها و پدیده ها گسترش دهند. با این حال، در نهایت، تلاش های آن ها ممکن است مشکلات تئوریک حل ناپذیر یا ناهنجاری های تجربی ایجاد کند که نارسایی های یک پارادایم را آشکار می کند یا به کلی با آن در تضاد است. این انباشت دشواری ها بحرانی را آغاز می کند که تنها با یک انقلاب فکری قابل حل است که یک الگوی قدیمی را با یک الگوی جدید جایگزین می کند. سرنگونی کیهان شناسی بطلمیوسی توسط هلیومرکزی کوپرنیکی، و جابجایی مکانیک نیوتنی توسط فیزیک کوانتومی و نسبیت عام، هر دو نمونه هایی از تغییرات پارادایم اصلی هستند.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/biography/Thomas-S-Kuhn>

^{۹۹} . ارجاع پرورشی: فلسفه علم در ایران رشته تقریباً نوپایی است. این رشته نزدیک به دو دهه پیش تاسیس شد و در حال حاضر دوره های کارشناسی ارشد و دکتری آن در کشور برگزار می شود. مهم ترین عرصه های پژوهشی فلسفه علم شامل محورهای زیر می شود: فلسفه علم عام: مباحث معرفت شناسی و هستی شناسی علم، روش شناسی علم، تاریخ فلسفه علم، مکاتب فلسفه علم، علم و جامعه، نسبت تاریخ و فلسفه علم / فلسفه علوم: فلسفه فیزیک، فلسفه ریاضی و منطقی، فلسفه شیمی، فلسفه زیست شناسی، فلسفه پزشکی / مطالعات جامعه شناسی، روانشناختی و انسان شناختی علم / فلسفه علم قاره ای / فلسفه تکنولوژی / فلسفه علوم انسانی و اجتماعی

اصالت دادن به تجربه که اختلافی ندارند. حتی کوهن که می گویند "پارادایم"^{۱۰۰} را اصل می داند، مبتلای به همین موضوع اصالت تجربه^{۱۰۱} است. بنابراین به نظر من پوزیتیویسم به معنایی که عرض کردم کماکان باقی است. بله وقتی به ابطال گرایی^{۱۰۲} رسیده اند تفاوت هایی با مباحث اولیه شان دارند اما اصل موضع تغییری

منبع: پایگاه اطلاع رسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

<https://philosophy.ihcs.ac.ir>

^{۱۰۰} . ارجاع پرورشی: الگوواره یا اندیشگان (به انگلیسی: Paradigm) سرمشق و الگویی مسلط و چهارچوبی فکری و فرهنگی است که مجموعه‌ای از الگوها و نظریه‌ها را برای یک گروه یا یک جامعه شکل داده‌اند. هر گروه یا جامعه‌ای «واقعیات» پیرامون خود را در چارچوب الگوواره‌ای که به آن عادت کرده است تحلیل و توصیف می‌کند. به عبارت دیگر، پارادایم، نوعی چارچوب مرجع و رویه‌ها و فنون و روش‌ها و سبک‌هایی برای علم‌ورزی یک جامعه‌ی علمی به دست می‌دهد. البته در یک زمان، لزوماً یک پارادایم نیست بلکه معمولاً ما با انواع پارادایم‌ها و یا ترکیبی از این سپهرهای معرفتی مواجهیم.

پارادایم از جدیدترین مفاهیمی است که وارد حوزه فلسفه علم جامعه‌شناسی شده است. الگوواره‌هایی که از زمان‌های قدیم موجود بوده‌اند از طریق آموزش محیط به افراد، برای فرد به صورت چارچوب‌هایی «بدیهی» در می‌آیند. در واقع پارادایم «... الگوی داوری شایع و موجه و مورد مراجعه برای رد یا قبول افکار هستند و شامل الگوهای منطقی، منطقی-احساسی و فقط احساسی، الگوهای فکری فردی، گروهی و عمومی می‌شوند. شرط لازم و کافی برای تشکیل یک پارادایم، این است که یک الگوی داوری، مقبول و مورد مراجعه باشد. به عبارت دیگر، هر آنچه رفتار پارادایمی داشته باشد، پارادایم است. رفتار پارادایمی عبارت است از: در چمبره (میان) گرفتن داوری‌های ادراکی، توسط یک الگو برای یک مدت طولانی. پس هر آنچه بتواند مجموعه‌ای از داوری‌های ادراکی یک فرد یا جامعه را در چمبره (آغوش) خود بگیرد و مدت‌ها پایدار بماند، پارادایم است. پارادایم‌های غیر ارتکازی، متکی به رفتار ادراکی و علمی فرد و جامعه هستند: این که ایشان چیزی را پارادایم قرار دهند یا نه. الگوواره از واژه الگو و پسوند اسم‌ساز واره ساخته شده است. واژه اندیشگان نیز از پسوند گان به معنی مجموعه تشکیل شده و در کل به معنی مجموعه‌ای از اندیشه‌ها می‌باشد.

لغت‌نامه مریام وبستر این واژه را چنین تعریف می‌کند: چارچوبی فلسفی و نظری از رشته یا مکتبی علمی همراه با نظریه‌ها، قوانین، کلیات و تجربیات به دست آمده که قاعده‌مند شده‌اند. به طور کلی، چارچوبی نظری و فلسفی از هر نوع. این مفهوم با نام فیلسوف و مورخ علم، توماس کوهن، مقارن است که نخستین بار در کتاب مشهورش، ساختار انقلاب‌های علمی (The structure of scientific Revolutions)، از آن استفاده کرده است. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر «نظریه‌ی برپایه ص ۲۶/ تامس کوهن: ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه احمد آرام. ص ۱۸۰

^{۱۰۱} . ارجاع پرورشی: دو مکتب مهم در مورد اصالت تجربه وجود دارد که عبارتند از: آمپریسم به معنای اصالت تجربه و حس است، که می‌گوید هیچ شناخت بشری وجود ندارد که پایه‌های حسی و تجربی نداشته باشد. نوع افراطی این مکتب فکری بر آن است که تنها منبع شناختی بشر که قابل اعتماد است، داده‌های حسی و تجربی اوست و داده‌های عقلی و شهودی فاقد اعتبار می‌باشند. پیداست که این نگرش نمی‌تواند شناخت‌های بشری را بر پایه‌ای محکم استوار کند.

پوزیتیویسم، اصالت تحصیل، تحصیل گرایی یا اثبات گرایی، به رغم داشتن ریشه‌های کهن شهرت خود را با نام پوزیتیویسم منطقی به دست آورده است و با همین نام دوره‌ای کوتاه از اندیشه فلسفی در مغرب زمین را به خود اختصاص داده است. اما این دیدگاه نقطه اتکاء خود را بر ادراک حسی قرار داده است، که بی‌اعتبارترین و سست‌ترین ادراکات در شناخت است و بیشتر از هر شناخت دیگری در معرض خطا و اشتباه قرار دارد و این مسئله را تجربه هر کسی به خوبی اثبات می‌کند.

برهیه، امیل، تاریخ فلسفه قرون وسطی و دوره تجدد، ترجمه و تلخیص یحیی مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷، ص ۲۸۲-۲۸۴ / مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۱ / ژیلسون، اتین، نقد تفکر فلسفی غرب، ترجمه احمد احمدی، تهران، حکمت، ۱۳۷۳، ص ۷۴-۷۵ / تاریخ فلسفه غرب، (درس‌های استاد مصطفی ملکیان)، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۲۲

^{۱۰۲} . ارجاع پرورشی:

نکرده است. با این توضیحات، گزاره های وحیانی چه جایگاهی در ذهن دانش آموزانی پیدا خواهد کرد که دائماً در مورد اصالت انحصاری تجربه^{۱۰۳} می شنوند؟ در این فضا است که تعارض معرفتی ایجاد می شود.

۵/۱. تمرکز بر مجموعه روایات "جوامع الکلام" برای مواجهه معرفتی با انحصار گرایی پوزیتیویستی

پوزیتیویسم یعنی انحصار دلالت در تجربه، حال آنکه منشا تمام گزاره های شریعت وحی است. ما در این مواجهه معرفتی از روایات "جوامع الکلام"^{۱۰۴} برای شکستن پوزیتیویسم استفاده می کنیم. مشهور است که

Criterion of falsifiability, in the philosophy of science, a standard of evaluation of putatively scientific theories, according to which a theory is genuinely scientific only if it is possible in principle to establish that it is false. The British philosopher Sir Karl Popper (1902–94) proposed the criterion as a foundational method of the empirical sciences. He held that genuinely scientific theories are never finally confirmed, because disconfirming observations (observations that are inconsistent with the empirical predictions of the theory) are always possible no matter how many confirming observations have been made. Scientific theories are instead incrementally corroborated through the absence of disconfirming evidence in a number of well-designed experiments. According to Popper, some disciplines that have claimed scientific validity—e.g., astrology, metaphysics, Marxism, and psychoanalysis—are not empirical sciences, because their subject matter cannot be falsified in this manner.

معیار ابطال پذیری در فلسفه علم: معیاری برای ارزیابی نظریه های علمی فرضی است که بر اساس آن یک نظریه تنها در صورتی واقعاً علمی است که اصولاً امکان اثبات نادرست بودن آن وجود داشته باشد. فیلسوف بریتانیایی سر کارل پوپر (۱۹۰۲-۱۹۹۴) این معیار را به عنوان یک روش بنیادی علوم تجربی مطرح کرد. او معتقد بود که نظریه های علمی اصیل هرگز در نهایت تایید نمی شوند. در عوض، تئوری های علمی به دلیل فقدان شواهد نادرست در تعدادی از آزمایش های به خوبی طراحی شده، به طور فزاینده ای تایید می شوند. به گفته پوپر، برخی از رشته هایی که ادعای اعتبار علمی کرده اند - مانند طالع بینی، متافیزیک، مارکسیسم و روانکاوی - علوم تجربی نیستند، زیرا موضوع آنها را نمی توان به این شکل جعل کرد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/topic/criterion-of-falsifiability>

۱۰۳. ارجاع پرورشی:

Empiricism, in philosophy, the view that all concepts originate in experience, that all concepts are about or applicable to things that can be experienced, or that all rationally acceptable beliefs or propositions are justifiable or knowable only through experience.

تجربه گرایی در فلسفه: همه مفاهیم از تجربه سرچشمه می گیرند یا همه مفاهیم در مورد چیزهایی هستند که می توان آنها را تجربه کرد. یا اینکه همه باورها یا گزاره های قابل قبول عقلانی فقط از طریق تجربه قابل توجیه یا شناخت هستند.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/topic/empiricism>

۱۰۴. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجَعْفِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعْطَيْتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلِي جَعَلْتُ لِي الْأَرْضَ مَسْجِدًا وَطَهُورًا وَأَجَلَ لِي الْمَغْنَمُ وَنُصْرَتُ بِالرُّعْبِ وَأَعْطَيْتُ جَوَامِعَ الْكَلَامِ وَأَعْطَيْتُ الشَّفَاعَةَ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از جانب حق پنج چیز به من داده شده است که پیش از من به کسی داده نشده است، زمین برای من مسجد پاکیزه شده است و غنیمت بر من روا شده و به وسیله رعب یاری شده اند و نیز کلمات جامع به من ارزانی شده است و همچنین شفاعت.

پیامبر سلام الله علیه در مکه و مدینه دائما بر این امر تاکید داشتند و می فرمودند: من آدمی نیستم که بخشی حرف بزنم و هر آنچه که می گویم جامع است. نمونه اش همین آثار حد طهارت که مورد بررسی این دوره بحثی است. دیدیم که آثار آخرتی دارد، فواید دنیایی مانند پیشگیری از بیماری، آثار معیشتی و... هم دارد. ایشان دائما تاکید داشتند که دیگران بخشی حرف می زنند. اگر پیشنهادی می دهند راه حلی ارائه می دهند فقط یک مسئله را حل می کند اما به من پیامبر جوامع الکلام داده شده است. همین کلمات برای هر نیازی در هر دوره ای از حیات انسان ها پاسخگو و کافی است. طهارت همیشه موضوع اصلی است، چه زمان حضرت ابراهیم علیه السلام باشد، چه زمان نبی مکرم اسلام سلام الله علیه و چه زمان امام خمینی ره. بله ممکن است شبهات جدیدی مطرح بشود اما نباید موضوع کار خود را فراموش کنیم. ما به عنوان امام جماعت، ابتدا باید طهارت را عملیاتی و اجرا کنیم. اینها مسائل بسیار مهمی است و اگر به آنها نپردازیم گرفتار چالش های فراوانی خواهیم شد. الان هم چون ما این مباحث را با توجه به وصف جامعیت بررسی و تبیین نمی کنیم، گزاره شایع افکار عمومی این است که اینها حرف های هزار و چهارصد سال پیش است. واقعا طهارت و پاکسازی در آن زمان موضوعیت داشته است اما الان مهم نیست؟ ریشه این حرفها طلبه ای است که به مخاطبان و نمازگزاران بدون رعایت مقدمات لازم می گوید: می خواهم درباره طهارت با شما صحبت کنم و در نتیجه فهم لازم حاصل نمی شود. اعتراض هم بکنید خواهد گفت من روایت می خوانم. بله شما روایت می خوانید اما سخن در این است که روایت را باید در جای خودش بنشانید. مثل این است که یک معمار بدون ساختن پی برای ساختمان، مشغول ترکیب آجر و سیمان و... شود. می گوئیم بله شما هم مشغول بنایی هستید اما چون برای این ساختمان پی نساختمید به زودی تخریب خواهد شد. در فقه و روش بیان احکام نیز همین مباحث جاری است و باید این موضوعات به درستی در اذهان تثبیت شود.

۵/۲ پرسش "گزاره های بخشی یا گزاره های جامع"؟ به جای دوگانه باطل علم و دین

بنابراین الان مردم تصور می کنند که یک علم داریم و یک دین و ما باید این ساختار را به هم بزنیم. به نظر ما، موضوع از علم و دین شروع نمی شود بلکه پرسش اصلی این است: گزاره بخشی یا جامع؟ روز گذشته که بعضی از اساتید دانشگاه در رشته های فیزیک، روانشناسی و... اینجا بودند، بنده با توجه به همین روایات

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۴۰ / الخصال ج ۱ ص ۲۹۲ / الأملی (للمصدق) ج ۱ ص ۲۱۶

دیگر منابع: الوافی ج ۶ ص ۵۷۳ / وسائل الشیعة ج ۳ ص ۳۵۰ / بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۵۵ / مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۵۲۹

"جوامع الکلام" سه پرسش برایشان طرح کردم. البته چون داشتیم به کاخ فرعون می رفتیم با قول "لین" و نرم پرسیدیم^{۱۰۵}.

۵/۲/۱. طرح سه پرسش مهم از دستگاه کارشناسی پوزیتیویستی

عرض کردم شما الحمدلله مشغول بحث هستید و دیگران را از گزاره های علمی خودتان بهره مند می کنید اما بنده سه پرسش از محضرتان دارم. اولاً چرا در اثر معادلات علمی شما محیط زیست تخریب می شود^{۱۰۶}؟ ثانیاً چرا در اثر اجرای معادلات علمی شما سلامت انسان از بین می رود؟^{۱۰۷} سوم اینکه چرا در دنیایی که شما

^{۱۰۵}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره طه آیات ۴۲ تا ۴۴: اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخْوَاكَ بِآيَاتِي وَلَا تَتَّبِعَا فِي ذِكْرِي أَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى.

تو و برادرت معجزه های مرا [برای مردم] بپسند و در یادکردن من سستی مکنید. به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد.

^{۱۰۶}. ارجاع پردازشی: ما تزال مستويات التلوث المرتفعة تدق ناقوس الخطر في الكثير من أرجاء العالم لاسيما إقليم شرق المتوسط. وتوضح آخر البيانات الصادرة عن منظمة الصحة العالمية أن ۹ من أصل ۱۰ أشخاص يستنشقون هواءً يعج بالملوئيات. كما تكشف أحدث التقديرات عن ارتفاع مخيف في عدد الوفيات بفعل كل من التلوث المحيط (الخارجي) والمنزلي (الداخلي) بلغت ۷ ملايين نسمة سنوياً. ويتجاوز عدد لا بأس به من المدن الضخمة المعدلات الاسترشادية لجودة الهواء التي وضعتها منظمة الصحة العالمية بما يفوق خمسة أضعافها وهو الأمر الذي يشكل خطراً كبيراً على صحة الناس..

طبق آمار منتشره سازمان بهداشت جهانی از هر ده نفر نه نفر هوای ناسالم تنفس می کنند. تعداد کشته های سالیانه آلودگی هوا به هفت میلیون میرسد.

منبع: بخش عربی پایگاه اطلاع رسانی سازمان بهداشت جهانی

B2n.ir/w51666

^{۱۰۷}. ارجاع پرورشی: درباره روش تحقیق جدید در حوزه دانش

روش تحقیق پوزیتیویستی در حوزه دانش حداقل به سه اشکال اساسی مبتلا است و به دلیل ضعف هایش در این سه حوزه نیازمند یک روش تحقیق جدید در حوزه دانش هستیم. به عبارت بهتر برای تهیه یک گزارش علمی اگر فعالیت علمی را از طراحی یک فرضیه حدس محور آغاز نماییم؛ مقاله علمی ما به اشکالات زیر مبتلا می شود:

اشکال اول: گزارش علمی ناشی از روش تحقیق پوزیتیویستی، همه تغییرات مؤثر بر یک شیء یا پدیده را احصاء نمی کند و به این دلیل، گزارشی ناقص محسوب می گردد. به عنوان مثال: نقش اوصاف چهارگانه سردی، گرمی، تری و خشکی در فرآیند جذب و دفع دارو در مقالات حوزه فارماکولوژی فاقد گزارش دقیق است و به این دلیل معمولاً اختلال در جذب و دفع دواء رخ می دهد.

اشکال دوم: گزارش های علمی ناشی از روش تحقیق پوزیتیویستی، همه آثار یک شیء و پدیده اجتماعی را توصیف نمی کنند و به این دلیل معمولاً مجموعه ای از آثار ناشناخته و ناخواسته برای اختراعات و ابداعات بشر متصور است. به عنوان مثال: عوارض ناخواسته دارویی (ADR) و آسیب دیدگی های پیش بینی نشده؛ ناشی از مصرف داروهای شیمیایی پرونده ای بزرگ و بی علاج در پزشکی پوزیتیویستی محسوب می شود!

اشکال سوم: گزارش های علمی ناشی از روش تحقیق پوزیتیویستی، درباره منشاء و فلسفه پیدایش اشیاء به ناقص گویی عادت کرده است و در این حوزه هم متهم به وصف علم قلیل است. به عبارت بهتر: تقریباً در هیچ گزارش علمی درباره فلسفه و منشاء پیدایش یک پدیده اجتماعی یا فلسفه و منشاء پیدایش یک شیء گزارش دقیقی وجود ندارد و ما اصلاً نمی دانیم که مثلاً یک کوه برای چه امری خلق شده است و یا پیامبران الهی برای چه امری آمده اند و... به دلیل استفاده از روش تحقیق پوزیتیویستی در همه حوزه ها توصیف های ناقص و بسیار متناقض وجود دارد!

برای رفع اشکالات سه گانه فوق در حوزه دانش، در مرحله اول پیشنهاد استفاده از روش تحقیق مبتنی بر اشراف را به پژوهشکده ها و دانشگاه های کشور داده ایم و در حال برنامه ریزی برای آموزش این نوع از روش تحقیق به اساتید محترم دانشگاه و دانشجویان کشور در حوزه های مختلف هستیم. روش تحقیق مبتنی بر اشراف بعد از مرحله تقییح سوال پژوهش -مبتنی بر قواعد بیان مبتنی بر تأمل - ۹ مرحله فعالیت علمی برای نگارش یک مقاله علمی را تصویر نموده است.

معلمش هستید، قتل به معنای حذف انسان‌ها بالاترین عدد و آمار را دارد بویژه در کشورهای توسعه یافته^{۱۰۸}؟ فقط حدود صد میلیون نفر در جنگ جهانی^{۱۰۹} کشته شدند. آیا این ارتباطی با معادلاتی که شما تدریس می کنید ندارد؟^{۱۱۰}

شایان ذکر است که: گسترش استفاده از روش تحقیق مبتنی بر اشراف، زمینه ساز کشف و بهره برداری از مفاهیم جدید برای حل نیازهای بشر است. (ان شاء الله تعالی)

حجت‌الاسلام علی کشوری - بررسی مسئله روش تحقیق در دانشگاه - شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پيامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou/5709>

^{۱۰۸}. ارجاع پرورشی: وین/نیویورک، ۸ ژوئیه ۲۰۱۹ (سرویس اطلاع-رسانی سازمان ملل متحد) - بر اساس مطالعه جهانی دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد ۲۰۱۹ پیرامون قتل عمد که امروز توسط این دفتر منتشر شد، در سال ۲۰۱۷، در سر تا سر جهان تعداد ۴۶۴۰۰۰ نفر به قتل رسیدند. این رقم به میزان قابل توجهی بیشتر از تعداد ۸۹۰۰۰ نفری است که در درگیری‌های مسلحانه جان خود را از دست داده اند.

طبق گفته آقای یوری فدوتوف، مدیر اجرایی دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد: "مطالعه جهانی پیرامون قتل عمد بر موضوع کشتارهایی که با محور جنسیت اتفاق می افتند، خشونت‌های مرگبار گروه‌های تبهکار و سایر چالش‌ها می پردازد، تا بتوان از اقدامات پیشگیرانه در این زمینه و انجام مداخلات لازم برای کاهش میزان ارتکاب به جرم قتل عمد حمایت کرد. این گزارش به نمونه های مهمی از مداخلات جامعه-مدار مؤثر اشاره می کند که به ارتقای مناطق تحت تأثیر خشونت، گروه های تبهکار و جرم سازمان یافته کمک می کنند.

این تحقیق نشان می دهد که تعداد کل افرادی که از مرگ و میر ناشی از خشونت به دلیل قتل عمد آسیب دیده اند، در بیست و پنج سال گذشته افزایش یافته است و از ۳۹۵۵۴۲ در سال ۱۹۹۲ به ۴۶۴۰۰۰ در سال ۲۰۱۷ رسیده است. با این وجود، از آن جایی که سرعت رشد جمعیت جهان از تعداد قربانیان گزارش شده قتل عمد بیشتر بوده است، خطر مرگ و میر به سبب قتل عمد به طور پیوسته کاهش یافته است. میزان جهانی قتل عمد، که بر اساس قربانیان قتل عمد در میان ۱۰۰۰۰۰ نفر محاسبه شده است، از ۷/۲ در سال ۱۹۹۲ به ۶/۱ در سال ۲۰۱۷ کاهش یافته است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد

B2n.ir/r74852

^{۱۰۹}. ارجاع پرورشی:

World War II, conflict that involved virtually every part of the world during the years 1939–45. The principal belligerents were the Axis powers—Germany, Italy, and Japan—and the Allies—France, Great Britain, the United States, the Soviet Union, and, to a lesser extent, China. The war was in many respects a continuation, after an uneasy 20-year hiatus, of the disputes left unsettled by World War I. The 40,000,000–50,000,000 deaths incurred in World War II make it the bloodiest conflict, as well as the largest war, in history.

جنگ دوم جهانی، درگیری که تقریباً تمام نقاط جهان را در طول سال های ۱۹۳۹-۱۹۴۵ درگیر کرد. متخاصم اصلی، قدرت های محور - آلمان، ایتالیا و ژاپن - و متفقین - فرانسه، بریتانیای کبیر، ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی و تا حدی چین بودند. این جنگ از بسیاری جهات، پس از یک وقفه ناآرام ۲۰ ساله، ادامه مناقشاتی بود که پس از جنگ جهانی اول به پایان نرسیدند. ۴۰,۰۰۰,۰۰۰ تا ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ مرگ و میر در جنگ جهانی دوم، آن را به خونین ترین درگیری و همچنین بزرگترین جنگ تاریخ تبدیل کرده است.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/event/World-War-II>

^{۱۱۰}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره مانده آیه ۳۲: مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ.

به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، [قصاص] یا بدون آنکه فسادی در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان ها را زنده داشته است. و یقیناً پیامبران دلایل روشنی برای بنی اسرائیل آوردند، سپس بسیاری از آنان بعد از آن در روی زمین به [تجاوز از حدود حق و فساد و] زیاده روی برخاستند.

۵.۲/۲. نارسایی و علیل بودن خود معادلات پوزیتیویستی به عنوان ریشه تمامی مشکلات بشر

آیا می‌توانید بگویید تخریب محیط زیست^{۱۱۱} فقط به مسائل اخلاقی بشر باز می‌گردد؟^{۱۱۲} واضح است که خود علم ریشه همه این مسائل است. به قول آن شاعر: مرگ ناگهانی صد هزار زندگی با سقوط علم از آسمان^{۱۱۳}. این چالش مهمی است و تا آینده جمهوری اسلامی هم باقی خواهد ماند. خود علوم پوزیتیویستی تعارض دارد یا ریشه مشکلات به مباحث اخلاقی انسانی باز می‌گردد؟ فقها در پاسخ به این پرسش دو دسته شده‌اند. عده ای می‌گویند ما اگر مباحث اخلاقی را برجسته و تقویت کنیم، ضعف مباحث علمی پوشانده خواهد شد^{۱۱۴}. اما وقتی گزاره های جامع شارع را مورد دقت قرار می‌دهید مشخص می‌شود

^{۱۱۱} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره روم آیه ۴۱: ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است تا [خدا کیفر] برخی از آنچه را انجام داده‌اند به آنان بچشانند، باشد که [از گناه و طغیان] برگردند.

قرآن کریم سوره بقره آیه ۶۴: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. بی‌تردید در آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریاها [با جابجا کردن مسافر و کالا] به سود مردم روانند و بارانی که خدا از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی اش زنده ساخته و در آن از هر نوع جنبنده ای پراکنده کرده و گرداندن بادهای ابر مسخر میان آسمان و زمین، نشانه‌هایی است [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای گروهی که می‌اندیشند.

^{۱۱۲} . ارجاع پرورشی: جهان در آستانه از دست دادن حدود یک میلیون نوع از گونه‌های زنده جانوری است. به گزارش خبرگزاری الجزیره به نقل از هیئت پژوهشی بین‌المللی متشکل از ۱۵۰ پژوهشگر از پنجاه کشور جهان: در دهه‌های آینده از حدود هشت میلیون نوع موجود زنده حدود یک میلیون نوع منقرض خواهند شد. اضافه بر این در حال حاضر سه چهارم مساحت کره زمین و چهل درصد از آب اقیانوس‌ها و دریاها گرفتار آلودگی شده است. همه اینها به سبب فعالیت‌های نادرست انسان است که فشار زیادی را به طبیعت وارد می‌کند.

منبع: خبرگزاری الجزیره

<https://www.aljazeera.net/science/2019/4/28>

^{۱۱۳} . اشاره به آهنگ "مرگ بر آمریکا" با صدای حامد زمانی و شعر محمدمهدی سیار

^{۱۱۴} . ارجاع پرورشی: به نقل از حوزه، آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی در دیدار با دست‌اندرکاران تولیدات رسانه‌ای گفت: ما در دنیای زندگی می‌کنیم که شرایط آن با دنیای گذشته متفاوت شده است، سابقاً بیشتر برنامه‌های امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغات دینی، مواظط و نصایح اخلاقی تنها منحصر به مساجد، حسینیه‌ها و منابر بود، اما در دنیای امروز راه‌های زیادی برای ابلاغ ایده‌ها وجود دارد.

وی با بیان اینکه خطابه‌ها و منابر همچنان باید محفوظ باشند افزود: اگر بخواهیم تنها به خطبه‌های در مسجد و حسینیه قناعت کنیم، عقب می‌مانیم؛ باید ببینیم دنیا از چه وسائل استفاده می‌کند ما هم در کنار حفظ حدود الهی از آن وسائل برای نشر معارف دینی استفاده کنیم. این مرجع تقلید با انتقاد از برخی افراد کج‌فهم در استفاده از تکنولوژی روز گفت: البته برخی افراد خشک مقدس و تندرو به این گونه کارها اشکال می‌کنند، باید آن‌ها را تحمل کرد و جاهایی که باعث حساسیت آن‌ها می‌شود را مراقب بود؛ نمی‌شود به خاطر آن‌ها از برنامه‌های مفید دست کشید، بلکه باید قویتر انجام داد. معظم له در پایان ضمن توصیه‌ای اخلاقی گفت: در گذشته ما هیچ راهی برای تبلیغ اسلام جز منابر و مجلات نداشتیم، اما امروزه از انواع وسائل می‌شود استفاده کرد بنابراین باید همراه با زمان پیش رفت البته باید مراقبت کرد از خطوط قرمز شریعت عبور نشود.

که خود گزاره های علمی پوزیتیویستی_ منشا مشکلات ثلاثه مذکور است. مثلاً وقتی شوینده ها و شامپوها بیماری پوستی اگرما^{۱۱۵} ایجاد می کنند، این چه ربطی به اخلاق دارد؟ خود معادله معیوب است. اگر آدم مهذب از شامپو استفاده کند دچار بیماری پوستی نمی شود؟ نباید انسان ضعف معادلات را نادیده بگیرد.

۵/۳. مدیریت داخلی نیازهای کشور بر اساس علوم پوزیتیویستی به جای مدیریت خارجی آن در دوران گذار
 بحثی که در اینجا مطرح می شود این است: از طرفی معادلات تجربه محور را معیوب می دانیم و از دیگر سوی هنوز نتوانسته ایم دستگاه کارشناسی مبتنی بر وحی را در جامعه تبدیل به معروف و جریان غالب کنیم. حال آیا مدیریت تحقیقات معادلات پوزیتیویستی را به دشمن واگذار کنیم یا یک مدیریت داخلی برایش داشته باشیم؟ ظاهراً معقول این است که معادلات معیوب پوزیتیویستی را در دوران گذار_ البته بنده این اصطلاح گذار را خیلی علیه السلام نمی دانم و این اصطلاح مربوط به دستگاه دانشی ما نمی شود_ با مدیریت داخلی به نیازهای خودمان تخصیص بزنیم. هرچند می دانیم آن نیاز به شکل دیگری، از راه بهتری و بدون تالی فاسد هم قابل تامین است. اما چون که تاکنون نتوانسته ایم برای رفع آن نیازها، دانشمندانی مبتنی بر معادلات جدید تربیت کنیم [فعلاً همین کار را ادامه می دهیم]. این اصل بحث است^{۱۱۶} و بنده می خواهم یک مثال کاملاً علمی در این خصوص بزنم.

منبع: خبرگزاری مشرق به نقل از حوزه نیوز

B2n.ir/e70117

^{۱۱۵} . ارجاع پرورشی: اِگَرِما (به انگلیسی: Eczema) همچنین پوست‌آماس یا درماتیت (به انگلیسی: Dermatitis)، به التهاب یا التهاب پوست گفته می‌شود که می‌تواند منجر به خارش، قرمزی، تورم، پوسته‌ریزی و دیگر نشانه‌ها شود.

یکی از انواع شایع اگرما، درماتیت تماسی تحریکی (Irritant contact dermatitis): تماس مکرر با آب، مواد شوینده، حلال‌ها و مواد شیمیایی، و هر گونه اصطکاک پوست می‌تواند موجب این گونه درماتیت شود. در این عارضه پوست قرمز شده و خارش‌دار است. درماتیت تماسی تحریکی شایع‌ترین نوع درماتیت است و حدود ۸۰ درصد درماتیت‌ها را شامل می‌شود. این نوع درماتیت از تماس مکرر پوست با موادی مثل صابون، لوازم آرایشی یا دئودورانت‌ها ایجاد می‌شود. تماس با این مواد باعث ایجاد قرمزی، خشکی و خارش در پوست می‌شود که معمولاً کف دست‌ها هستند که پس از استفاده باعث ایجاد درماتیت تماسی تحریکی می‌شوند، چون این مواد چربی و موانع محافظت‌کننده را از سطح پوست حذف می‌کنند. علائم آن بیشتر شامل قرمزی، خارش، پوسته‌پوسته شدن، تورم، تاول، خشکی، فلسی شدن، ضخیم شدن و احساس شدن در نقطه تماس می‌شود. در موارد شدیدتر، تاول‌های شدید و زخم‌های باز ایجاد می‌شود. بیشتر افرادی که با آب در تماسند، مانند آرایشگرها و تولیدکنندگان مواد غذایی، بیشتر به این نوع درماتیت مبتلا می‌شوند. برای درمان سعی در پوشیدن لباس‌های نخی شود و از تماس پوست با محرک‌ها خودداری شود. محرک‌هایی مانند بنزین، مواد شوینده، لوسیون‌های بدن.

امسون، رابرت (۱۳۷۸). درمان طبیعی. ترجمه دکتر محمدحسین راشد محصل، مریم عرفانیان حسینی. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. ص. ۲۶۴/ بیماری‌های شایع پوست (آکنه - اگرما - پسوریازیس) به زبان ساده؛ دکتر احمد محمودآبادی، انتشارات کردگاری

^{۱۱۶} . ارجاع پرورشی: چرا نقشه جامع علمی کشور از ایده اقتدار علمی تبعیت نمی کند!؟

قبلاً گفته ایم: که برای مدیریت علمی کشور سه ایده محوری ۱- استقلال علمی، ۲- اقتدار علمی و ۳- انحلال علمی متصور است.

۵/۳/۱. مدیریت دفاعی کشور به دست متخصصان مذهب داخلی به جای وابستگی به مستشاران خارجی

ما الان مدیریت تحقیقات موشکی را به عهده گرفته ایم و موشک هایپرسونیک فتاح^{۱۱۷} را ساخته ایم. چون مدیریت این پروژه ها به دست یک جریان مذهب^{۱۱۸} است، آنها اصرار دارند که این موشک ها نقطه زن باشند

در ایده استقلال علمی، نیازهای کشور با همت یک مدیریت جهادی داخلی بر اساس معادلات علمی موجود (معادلات پوزیتویستی) حل و فصل می شود و کشور از وابستگی و تله تحریم ها به صورت نسبی نجات پیدا می کند. در صورت تحقق کامل این ایده، مدیریت علمی کشور در اختیار دلسوزان وطنی است؛ ولی تصویر سازی از آینده بر اساس معادلات معیوب پوزیتویستی صورت می پذیرد (مانند تصویرسازی وزارت کشاورزی از مفهوم امنیت غذایی بر اساس مدیریت چرخه محصولات کشاورزی و باغی از مزرعه تا سفره و تعریف غذا بر اساس مفهوم بسیار معیوب ملکول های زیستی!).

در ایده انحلال علمی (که معمولاً توسط دولت های اصلاح طلب پی گیری می شود) از استعداد های ایرانی برای حل و فصل پروژه های جهانی (بخوانید: نیازهای علمی کمپانی های بزرگ دنیا) استفاده می شود و البته نام آن همکاری های علمی بین المللی گذاشته می شود. در صورت تحقق این ایده، هم مدیریت علم و هم معادلات علم به طرف غربی تفویض می شود. (مثل فعالیت برخی از نخبگان ایرانی برای حل مسائل در ناسا) در ایده اقتدار علمی، تعریف جدیدی از علم مبنای تصویر سازی از آینده و حل مسائل کشور قرار می گیرد و آینده ایران بر اساس "علم مبتنی بر اشراف" تعریف می شود. به عنوان مثال تعریف خانه، تعریف شهر، تعریف سلامت و تعریف آموزش را می توانیم به معادلات و حیاتی تفویض کنیم و علاوه بر اصل مدیریت جهادی به اصل جامعیت اسلام در عمل هم پایبند باشیم! ایده اقتدار علمی در صورت تحقق، علاوه بر پایبندی کامل به علم دینی، پرسش های پایه خود در نظام سازی را مبنای گفتگو با جریان استقلال علمی قرار می دهد و مدیریت پرونده های علمی کشور در دوران گذار را با یک پیوست تقویت کننده روابط انسانی قوی همراه می کند.

اساس ایده اقتدار علمی، راه اندازی یک طبقه بندی جدید از علم و نجات نخبگان و مسئولین کشور از بن بست و طلسم یکسان انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی است. به عبارت دیگر: طبقه بندی بیکی از علم، مهمترین ابزار تصرف مدرنیته در مواجهه با جمهوری مبارک اسلامی ایران است و نباید نقشه جامع علمی کشور درباره این طبقه بندی معیوب و پر از چالش مسکوت بماند!

حجت الاسلام علی کشوری. آسیب شناسی نقشه جامع علمی کشور - بامداد چهارشنبه ۴ آبان ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پيامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4732>

^{۱۱۷}. ارجاع پردازشی: به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، موشک هایپرسونیک «فتاح» جدیدترین دستاورد راهبردی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صبح امروز (۱۶ خرداد) با حضور آیت الله سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهور، سردار سرلشکر حسین سلامی فرمانده کل سپاه و سردار سرتیپ امیرعلی حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه در ستاد این نیرو رونمایی شد. موشک هایپرسونیک فتاح هزار و ۴۰۰ کیلومتر برد دارد و قادر است از تمامی سامانه های سپر موشکی عبور کند و این سامانه ها را منهدم کند. این نوع موشک جزو جدیدترین تسلیحات و تجهیزات هستند که امروزه توسط کشورهای همچون آمریکا، روسیه و چین تولید و به کار گرفته می شوند. این موشک از دقت اصابت فزاینده، سرعت بسیار بالا، قابلیت مانورپذیری فوق العاده و همچنین از توان پنهان کاری و عبور از سامانه های راداری برخوردار است. این موشک با قابلیت های تاکتیکی، به دلیل برخورداری از پیشران سوخت جامد نازل متحرک مرحله دوم، قابلیت دستیابی به سرعت های بسیار بالا و همچنین انجام مانورهای مختلف در داخل و خارج از جو زمین به منظور غلبه بر انواع سامانه های دفاع هوایی دشمن را دارد. برد موشک فتاح ۱۴۰۰ کیلومتر و سرعت آن پیش از اصابت به هدف ۱۳ تا ۱۵ ماخ است.

منبع: خبرگزاری فارس

B2n.ir/e45335

^{۱۱۸}. ارجاع پرورشی:
انا لله و انا الیه راجعون

تا کشتار حداکثری اتفاق نیفتد. از آن سوی موشک اسکندر^{۱۱۹} و دیگر موشک‌هایی است که در دست دشمن است و به ما حمله می‌کنند. حال در دوران گذار بر روی موشک فتاح سرمایه‌گذاری می‌کنیم تا بتوانیم جلوی حمله موشک‌های دشمن را بگیریم. اما بنده زمانی که به ستاد کل نیروهای مسلح رفته بودم، به یکی از فرماندهان آنجا عرض کردم که ما حاضریم با جدول اوفاق جلوی شلیک موشک اسکندر دشمن را بگیریم. یعنی حتی در همین جا هم راه حل جایگزین وجود دارد. در واقع موشک جواب موشک که تئوری کنونی

حادثه‌ی خونین در یکی از مراکز پشتیبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به شهادت جمعی از عناصر ممتاز آن سازمان و در پیشاپیش آنان سردار عالی‌قدر، دانشمند برجسته و پارسای بی‌ادعا، سردار حسن مقدم انجامید، واقعیتی تلخ و اندوهبار بود. آن جان‌برکفان نستوه با سینه‌ی گشاده و عزم راسخ همواره به پیشباز خطر شتافته و در دوران دفاع مقدس و پس از آن، هرگز احساس خستگی به خود راه ندادند. شهادت، بی‌شک برترین آرزوی آنان بود. لیکن فقدان مردان بزرگ در هر کشور و جامعه‌ی برای آن مردم و آن کشور خسارت و تأسف بار است. ما همه در غم این عزیزان با خانواده‌های گرامی آنان شریک و همدردیم. خدا را شکر که محصول تلاشهای آنان هم‌اکنون در اختیار مردان جهاد است و تربیت شدگان آن مجموعه، از کفایت لازم برای ادامه‌ی آن خط نورانی برخوردارند. عزیزان من؛ امیدوار به تفضل بی‌انقطاع حضرت حق، و با استمداد از ارواح شهیدانتان، تلاش و همت را دو چندان کنید تا همه بیش از پیش بدانند که شهادت برای ما توفیق الهی و مایه‌ی برکت و عروج برتر است. تسلیت صمیمانه‌ی خود را به بازماندگان و دوستان و همکاران این شهدا تقدیم میدارم.

پیام تسلیت مقام معظم رهبری در پی شهادت شهید طهرانی مقدم و همکاران ایشان در واحد خودکفایی سپاه / ۲۵ آبان ۱۳۰۹

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=17965>

^{۱۱۹} . ارجاع پرورشی: ۷۲۰۵۹ اسکندر (به روسی: «Искандер»)، آوانگاری: سامانه نام‌گذاری در ناتو SS-26 Stone) یک سیستم موشکی بالستیک برد کوتاه متحرک است که توسط فدراسیون روسیه تولید و مستقر شده است. "اسکندر" خانواده‌ای از سامانه‌های موشکی عملیاتی-تاکتیکی روسی است، که شامل موشک‌های "اسکندر"، "اسکندر-ام"، "اسکندر-کی" و "اسکندر-ئی" می‌باشد. این موشک توسط شرکت تحقیقاتی و تولیدی "دفتر طراحی مهندسی مکانیک (KBM)" روسیه در شهر کولومنا واقع در منطقه مسکو توسعه داده شده است. اسکندر دارای چندین کلاهک متعارف مختلف است، از جمله کلاهک مهمات خوشه‌ای، کلاهک انفجاری هوا-سوخت با انفجار تقویت شده، کلاهک منفجره گلوله افشان (fragmentation warhead)، یک کلاهک نفوذ کننده به زمین برای سنگر شکنی و یک دستگاه پالس الکترومغناطیسی برای مأموریت‌های ضد رادار. این موشک همچنین می‌تواند کلاهک‌های هسته‌ای را حمل کند. در سپتامبر ۲۰۱۷، والرئ ام. کشین طراح عمومی شرکت KBM گفت که حداقل هفت نوع موشک (و "شاید بیشتر") برای اسکندر وجود دارد، از جمله یک موشک کروزر. بر اساس تحلیل گران غربی، موشک اسکندر، در کنار سامانه‌های پدافند هوایی مانند اس-۴۰۰ و سامانه‌های ضدکشتی ساحلی کلاس-باستیون، نقشی اساسی در مفهوم نیروهای مسلح روسیه بازی می‌کند، که از آن با عنوان «منطقه بدون دسترسی» یا «Anti-Access/Area Denial» یاد می‌شود. ماهیت این مفهوم این است که نیروهای ناتو نمی‌توانند بدون خطر آسیب غیرقابل قبول در محدوده سیستم‌های «منطقه بدون دسترسی» باقی بمانند یا حرکت کنند.

بر اساس گزارش نشنال اینترست، اسکندر خطرناک‌ترین سلاح نیروهای مسلح روسیه است، زیرا دارای مانع بسیار کم برای استفاده غیرهسته‌ای است و برد بلند موشک‌ها و توانایی آنها برای غلبه بر پدافند موشکی می‌تواند در صورت حمله اسکندر به فرودگاه‌ها، مراکز لجستیکی و سایر تأسیسات مشابه، منجر به وارد کردن خسارات زیادی به آنها شود.

1. Farley R. (2014-07-06). "Five Russian Weapons of War NATO Should Fear. — Russia's armed forces are no pushover. "The National Interest. Archived from the original on 2016-11-12. Retrieved 2016-11-05.
2. Military Balance Blog "iiss.org. Archived from the original on 2016-10-22. Retrieved 2016-10-10. {{cite web}}: Unknown parameter `|deadlink=` ignored (`|url-status=` suggested) (help)

جمهوری اسلامی است، به این دلیل است که ما نمی‌توانیم جواب موشک‌های دشمن را از طریق راه‌های دیگر بدهیم. چرا که دانش مربوط به آن عرصه گسترش نیافته است. اما به مجرد اینکه یک ظرفیت علمی ایجاد شود، می‌توانیم با بعضی از اسرار علم اعداد^{۱۲۰} جلوی موشک‌پرانی آنها را هم بگیریم. پس ان شاء الله در آینده جمهوری اسلامی با هماهنگی مقام ولایت فقیه دو نوع رزمایش برگزار می‌کنیم. یکی رزمایش‌های مربوط به تئوری موشک‌جواب موشک که البته برای امنیت لازم است و باید این کار انجام بگیرد و [دیگری رزمایش مبتنی بر علم اعداد و جدول اوفاق]. عرض بنده این است که با راه‌های ساده‌تری هم می‌توان این مسئله را مدیریت کرد.

۵/۴. تلاش برای نشر علوم جامع جایگزین به جای تمرکز بر نقد صرف علوم پوزیتیویستی

بنده مفتخرم که نظریات پوزیتیویستی را در هیچ حوزه‌ای قبول ندارم و با صدای بلند و بدون تقیه در همه جا بحث می‌کنم و می‌گویم: ما هیچ معادله پوزیتیویستی را در هیچ حوزه‌ای قبول نداریم^{۱۲۱}. نه در حوزه

^{۱۲۰} . ارجاع پرورشی: طرح تمدنی مدرسه هدایت چه می‌گوید؟

از نظر مدرسه فقهی هدایت، تمدن ضاله و معیوب مدرنیته، چهار انحراف بزرگ را بر زندگی بشر تحمیل کرده است و بالتبع برای ساخت تمدن اسلامی مواجهه روشمند با این چهار انحراف یک ضرورت است...

انحراف سوم تمدن مدرنیته، ارائه یک تصویر مبهم و همراه با انکار از اسباب باطنی عالم است. انسانهای مدرن گزارشی دقیق از اسباب باطنی عالم در اختیار ندارند و بالتبع از این اسباب موثر در زندگی خود استفاده نمی‌کنند. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله اسباب باطنی عالم، فقه علوم غریبه در محورهای مانند: ۱- معرفی جن و اقسام آن و تبیین مناسک مرتبط با عدم اختلاط در زندگی انسان و جن، ۲- معرفی ملائکه و مدبرات اربعه و تبیین چگونگی تاثیرگذاری ملائکه بر زندگی انسان، ۳- تبیین چگونگی ارتباط با عالم اموات و ارواح بر اساس بازخوانی عمیق مفهوم زیارت، ۴- تبیین اجمالی مفهوم تنزل امر در آسمانهای هفت گانه و تبیین اتفاقات امری در هر آسمان، ۵- تبیین مفهوم حجاب و سراق، ۶- تبیین مکانیزم مدیریت بت‌خانه‌ها در اقوام اولین (بررسی تجربه‌های اقوام اولین در ارتباط میان انسان و جن)، ۷- بررسی تأثیرات آسمانی رفیع بر زمین (بررسی تاثیر کواکب، نجوم، مصاییح و قمر و شمس بر زندگی)، ۸- معرفی اجمالی علمی مانند علم اعداد و جداول اوفاق، علم حروف و اسماء، علم جعفر و... تبیین شده است.)

حجت الاسلام علی کشوری - گفتگو با برخی از نخبگان کرج - چهارشنبه - پنجم محرم الحرام ۱۴۴۴ (۱۲ مرداد ۱۴۰۱) - کرج

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در بیمارستان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4515>

برای مطالعه بیشتر درباره‌ی علوم غریبه به پیوست شماره بیست مراجعه فرمایید.

^{۱۲۱} . ارجاع پرورشی: چگونه به تالی فاسد‌های ناشی از تصرفات مدرن خاتمه دهیم؟ / مطالعه وحدت ترکیبی اشیاء راه حل پیشنهادی فقه است!

مطالعات بشر برای شناسایی اجزاء درونی اشیاء، اگرچه گسترده است؛ ولی منجر به اشراف بر اجزاء درونی اشیاء نشده و بالتبع تصرفاتی هم که بر مبنای این شناخت ناقص انجام شده است؛ همواره دارای تالی فاسد بوده است.

تالی فاسد‌های محیط زیستی، تالی فاسدهای اخلاقی و تالی فاسدهای حوزه سلامت؛ نتیجه شناخت ناقص بشر از درون اشیاء می‌باشد. این شناخت ناقص محصول جدول تناوبی عناصر، شیمی فضائی، فیزیک ذرات بنیادین، بیوتکنولوژی و... ده‌ها رشته مطالعاتی پوزیتیویستی دیگر است.

سلامت نه در حوزه مسائل علوم پایه نه اختر فیزیک و... . اما معنای این دیدگاه این نیست که چون ما قبول نداریم پس مدیریت دانشی دستگاه های کشور را به دانشگاه های آمریکا واگذار کنیم. مثلا الان چگونه می خواهید امنیت کشور را تامین کنید؟ در سایر حوزه ها هم همین طور است. لذا به جای حمله به وضعیت کنونی، تمام تلاش خود را در نشر علوم جایگزین قرار دهید که به میزان نشر آن دانش جدید، خود مردم، نخبگان و مدیران به این نتیجه می رسند که همین نیازها را می توان با یک مجموعه دانش های دیگری هم تامین کرد. بفضله تبارک و تعالی.

جمع بندی بحث این شد که نقشه ساختار دوم بحث _ مفاهیم پایه مسجد_ را الی یوم القیامه به صورت اجمالی توضیح دادیم. اگر کسی پرسید که مفاهیم پایه الگوی حکمرانی اسلامی یا الگوی اداره جامعه بر اساس اسلام چیست؟ عرض می کنیم فرائض کبیر پنج گانه الهی است که خود این فرائض هم دارای حدود کبیر و اجزای درونی اصلی هستند. ما نیز در جلسات گذشته فقط حدود کبیر صلات را توضیح دادیم.

ان شاء الله اگر جلسات دیگری برگزار شد می توانیم به جز حد طهارت که آثار بهداشتی، معیشتی، امنیتی و... مترتب بر آن را توضیح دادیم، می توانیم وارد شرح حد وقت از حدود کبیر صلات بشویم. آنجا هم مانند طهارت روایات را می خوانیم و معلوم خواهد شد که "وقت" هم یک مفهوم سیاسی امنیتی اجتماعی و... است و درکمان از زمان به عنوان بعد چهارم که انیشتین^{۱۳۲} گفته است ارتقاء پیدا می کند. به عبارتی از معانی زمان مبتنی بر

برای حل بحران تصرفات ناقص و همراه با تالی فاسد بشر؛ پیشنهاد داده ایم که مطالعات بشر بر روی خاصیت های "وحدت ترکیبی اشیاء" تمرکز یابد. اشیاء با همه اجزاء درونی خود؛ دارای یک یا چند خاصیت نهائی هستند؛ که اگر به درستی شناسائی شوند؛ افق جدیدی برای تصرفات آینده بشر در عالم تصویر می شود.

استفاده از خاصیت های نهائی یک شیء (حیث سببیت یک شیء) به تسخیر صحیح "ما فی السموات و ما فی الارض" ختم می شود و مسئله لا ینحل تالی فاسد های ثلاث تصرفات مدرنیته را حل می کند.

ویرایش اول جدول فقهی تسخیر؛ به شرح خاصیت های نهائی "وحدت ترکیبی اشیاء" عالم در ۱۳ گروه می پردازد و قدرت رقابت عینی با جدول تناوبی عناصر و بیوتکنولوژی در ارائه خدمت به تصرفات بشر را دارد.

به فضل الهی در ۱۳ گروه، حیث سببیت کوه، معدن، چشمه ها، دریاها، ماهی ها، انعام، حیوانات موضوع عبرت، حشرات، درختان، گیاهان، سبزیجات، میوه ها و اعضای بدن را بر اساس قواعد اصولی فقه البیان تشریح خواهیم نمود.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین محتوای جدول تسخیر - بامداد چهارشنبه ۵ آذر ۱۳۹۹ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/2751>

^{۱۳۲} . ارجاع پرورشی:

Albert Einstein, (born March 14, 1879, Ulm, Württemberg, Germany—died April 18, 1955, Princeton, New Jersey, U.S.), German-born physicist who developed the special and general theories of relativity

and won the Nobel Prize for Physics in 1921 for his explanation of the photoelectric effect. Einstein is generally considered the most influential physicist of the 20th century.

آلبرت اینشتین، (زاده ۱۴ مارس ۱۸۷۹، اولم، وورتمبرگ، آلمان - درگذشته ۱۸ آوریل ۱۹۵۵، پریستون، نیوجرسی، ایالات متحده)، فیزیکدان آلمانی الاصل که نظریه‌های نسبیت خاص و عام را توسعه داد و در سال ۱۹۲۱ برای توضیح او در مورد اثر فوتوالکتریک برنده جایزه نوبل فیزیک شد. اینشتین را عموماً تأثیرگذارترین فیزیکدان قرن بیستم می‌دانند.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/biography/Albert-Einstein>

اصالت وجود و ماهیت^{۱۲۳} عبور و به درک دیگری از زمان می‌رسیم. در واقع بنابر آنچه که در نظریه تنزیل^{۱۲۴} گفته ایم، وقت، مربوط به وقت تنزیل^{۱۲۵} است. مثلاً اینکه می‌گوییم من در پنج وقت نماز می‌خوانم یعنی تنزیل در پنج وقت است. ان شاء الله در صورت وجود وقت توضیح خواهیم داد. والحمد لله رب العالمین.

^{۱۲۳}. ارجاع پرورشی: اصالت وجود، نظریه‌ای در فلسفه اسلامی است که در چند قرن اخیر مطرح و برجسته شده است در مقابل اصالت ماهیت. قائلین به اصالت وجود، خارجیت و عینیت اشیاء را ناشی از وجود آنها می‌دانند و ماهیت را امری اعتباری می‌دانند. در مقابل، قائلین به اصالت ماهیت، امور مذکور را ناشی از ماهیت آنها می‌دانند. برخی از پژوهشگران نزاع مذکور را ناشی از خلط بین هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دانسته‌اند. مسئله اصالت وجود و ماهیت، سابقه تاریخی زیادی ندارد؛ این مسئله در جهان اسلام ابتکار شده است. فارابی و بوعلی و خواجه نصیر الدین طوسی و حتی شیخ اشراق بحثی به عنوان اصالت ماهیت و اصالت وجود طرح نکرده‌اند. این بحث در زمان میرداماد (اوایل قرن یازدهم هجری) وارد فلسفه شد.

میرداماد قائل به اصالت ماهیت بود، اما ملاصدرا، شاگرد وی، اصالت وجود را به اثبات رساند و از آن تاریخ همه فیلسوفان قابل توجه، اصالت وجودی بوده‌اند.

در اشیاء دو معنا قابل تمیز است: یکی چیستی آنها و دیگری هستی آنها. بسیاری چیزها هستی روشنی دارند، یعنی می‌دانیم هستند، ولی نمی‌دانیم که چیستند. مثلاً می‌دانیم که حیات هست، برق هست، اما نمی‌دانیم حیات چیست، برق چیست. در مقابل، بسیاری چیزها را می‌دانیم که چیستند، مثلاً تعریف روشنی از «دایره» داریم، اما نمی‌دانیم در طبیعت عینی دایره واقعی وجود دارد یا نه.

دو معنای مذکور، یعنی دوگانگی ماهیت (چیستی) و وجود (هستی)، صرفاً ذهنی است؛ یعنی در ظرف خارج، هر چیزی دو چیز نیست. لذا، یکی از این دو، عینی و اصیل است و دیگری اعتباری و غیر اصیل. محل نزاع و اختلاف اینجاست: گروهی وجود را اصیل می‌دانند و گروهی ماهیت را. اصلاتی که در بحث وجود و ماهیت مقصود است، به معنای عینیت و خارجیت است در مقابل اعتباریت که به معنای عدم عینیت و خارجیت و محصول ذهن بودن است.

هر یک از وجود و ماهیت که اعتباری دانسته شود، بدین معناست که به هیچ وجه جنبه عینی ندارد، نه به عنوان اصل و اساس بودن و نه به عنوان فرع و نتیجه بودن.

مسئله اصالت وجود را از مبنایی‌ترین مسائل فلسفی بلکه مبنایی‌ترین مساله در فلسفه اسلامی دانسته‌اند زیرا که بسیاری از مسائل مهم فلسفی نظیر «علیت و تبیین دقیق آن»، «ارتباط ممکنات با واجب تعالی» و «حرکت جوهری» بر مساله اصالت وجود مبتنی است. پذیرش اصالت وجود یا اصالت ماهیت، تاثیر بسزایی در موضع‌گیری ما نسبت به این مسائل دارد. مثلاً، طرفداران اصالت وجود، ارتباط ممکنات با واجب تعالی را وجودی توضیح می‌دهند اما طرفداران اصالت ماهیت، آن را ماهوی توضیح می‌دهند.

مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۱۶۰ / مطهری، مجموعه آثار، ج ۶، ص ۴۹۶ / نویان، جستارهایی در فلسفه اسلامی، ۱۳۹۵ ش، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۶ / مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۳۵۷ / احمدی، بن‌لایه‌های شناخت، ص ۱۹۶ / فیاضی، تعلیقه بر نه‌ایة الحکمة، ج ۱، صص ۴۳-۴۴

^{۱۲۴}. ارجاع پرورشی: فهرست مباحث الگوی فقهی مطالعات نجومی و کیهان‌شناسی

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی دیگر از نظریات فقهی مطرح در مباحث فقه الخلق، "الگوی فقهی مطالعات نجومی و کیهان‌شناسی" است. پرسش‌های اصلی این نظریه در قالب ۸ پرسش بنیادین طبقه بندی شده است.

پرسش اول: تبیین روش تحقیق و مطالعه در مباحث مرتبط با نجوم و مسئله آسمان است. روش تحقیق ما در مطالعه آسمان استفاده از "روش تحقیق مبتنی بر اشراف" است و از تکیه به گزاره‌های حدسی و پوزیتیویستی - به دلیل عدم حجیت ظن و حدس - پرهیز می‌کنیم. (وَ مَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ - ۳۶ از یونس) در استنباط "الگوی فقهی مطالعات نجومی" از دو قاعده "بیان مبتنی بر مکث" و "بیان مبتنی بر سیاق" بیش از بقیه اصول استفاده کرده ایم. (بیان مبتنی بر مکث اجزای درونی یک شیء را تشریح می‌کند و بیان مبتنی بر سیاق مفاهیم مرتبط با شیء خصوصاً مفاهیم پیشینی و سیاقی یک شیء را تبیین می‌کند.)

پرسش دوم: تبیین مفهوم سیاقی حاکم بر علم نجوم است. مفهوم سیاقی حاکم بر علم نجوم، مفهوم تنزیل است. طبق تبیین قرآن و روایات همه امور و همه اشیاء از یک منبع آسمانی نازل می‌شوند. (رجوع شود به آیات ۴ از سوره قدر، ۲۱ و ۲۲ از حجر، ۳۹ از فصلت، ۵۷ از حدید، توبه ۲۶ و ...)

پرسش سوم: شرح مسیر تنزیل اشیاء و امور مرتبط با اشیاء از مقام عندنا (جایی در آسمان) تا تحت الثری. شرح تفصیلی مراحل تنزیل بر اساس مسیر آسمان های هفت گانه و تبیین مسافت های هر مرحله تا زمین ارائه می گردد. آسمانهای هفت گانه همان مسیر اصلی تنزیل است. (فَقَضَاهُنَّ سَمِيعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ - فصلت ۴)

پرسش چهارم: شرح زمان های مرتبط با تنزیل اشیاء + شرح مفهوم زمان های سعد و زمان های نحس (فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ - ۴۱ فصلت) + شرح دوره زمانی تنزیل و شرح مفهوم دقیق راجعون (وَالِيهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ - هود ۱۲۳)

پرسش پنجم: تبیین کارگزاران و مدیران تنزیل (مسئله تنزیل امر در اختیار الله است و امام و ملائکه در راستای نقشه خداوند تنزیل را مدیریت می کنند. (إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ - آل عمران ۱۵۴ و سوره قدر) + تبیین مفهوم تکاملی نفی شرک

پرسش ششم: شرح مناسک اسمی، استغفاری و دعایی مؤثر بر قدر و اندازه تنزیل (چگونه اختیار با تقدیر جمع دلالتی می شود؟) + شرح وضعیت تنزیل در دوره ظهور، شرح وضعیت تنزیل در بهشت و...

پرسش هفتم: معرفی شمس، قمر و نجوم به عنوان ابزار های تشخیص اوقات تنزیل + تبیین مفهوم بروج (وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ - بروج ۱) و فلک (كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ - انبیاء ۲۱)

پرسش هشتم (پرسش بسیار مهم و بخش تصمیم این نظریه): تبیین زمان تنزیل ۱۰ شیء برتر مرتبط با زندگی (زمان تنزیل فرزند، زمان تنزیل رزق، زمان تنزیل بلاء، زمان تنزیل خواب و آرامش، زمان تنزیل باران، زمان تنزیل علم، زمان تنزیل برائت از نار، زمان تنزیل زیبایی و نورانیت، زمان تنزیل سعادت (رفع شقاوت) و زمان تنزیل تقدیر)

در گذشته درباره نظریه فقهی کرسی مباحثی را مطرح کرده ایم؛ این نظریه به دو پرسش، شامل: ۱- خداوند چند مکان خلق کرده و ویژگی های مهم هر مکان چیست؟ و ۲- انسانها در چه مکانی زندگی می کنند؟ پاسخ می دهد.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین سرفصل های الگوی فقهی مطالعات نجومی و کیهان شناسی - چهارشنبه ۲۱ رمضان المبارک ۱۴۴۴ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5150>

^{۱۲۵} . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره حجر آیه ۲۱: وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ. و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه ای معین فرو نمی فرستیم.

پیوست ها

پیوست شماره یک: مسجد

بخش اول: آیات

۱. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. سوره اعراف آیه ۳۱

۲. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید. سوره اعراف آیه ۲۹

۳. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست. سوره اسراء آیه ۱

۴. لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.

هرگز در آن جا مایست چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد. سوره توبه آیه ۱۰۸

۵. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِقُنَّ إِنَّ آرْدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ.

و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلا با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم و [لی] خدا گواهی می دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند. سوره توبه آیه ۱۰۷

۶. وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوَكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.

و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرك] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است. سوره بقره آیه ۱۹۱

۷. وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

و از هر کجا بیرون آمدی [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجدالحرام بگردان و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید تا برای مردم غیر از ستمگانشان بر شما حجتی نباشد پس از آنان نترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید. سوره بقره آیه ۱۵۰

۸. وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا.

و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع میکردند پس [عده ای] گفتند بر روی آنها ساختمانی بنا کنید پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند حتما بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد. سوره کهف آیه ۲۱

۹. أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. سوره توبه آیه ۱۹

۱۰. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

از تو در باره ماهی که کارزار در آن حرام است می پرسند بگو کارزار در آن گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و باز داشتن از مسجدالحرام [=حج] و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا [گناهی] بزرگتر و فتنه [=شرك] از کشتار بزرگتر است و آنان پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می شود و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. سوره بقره آیه ۲۱۷

بخش دوم: روایات

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ نُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا نُضِيءُ النَّجُومَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةً الزَّائِرِ أَلَا بَشِّرِ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

عبد الله بن جعفر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند متعال به بندگان خود فرموده است که: مساجد، خانه‌های من در روی زمین هستند، که در نظر اهل آسمان می‌درخشند بسان درخشش ستارگان برای ساکنان زمین، خوشا به حال آن بنده من که مساجد(خانه‌های من) خانه‌های او باشند، خوشا بر آن بنده‌ای که در خانه خود وضو بسازد و مرا در خانه خود(مسجد) زیارت کند که گرامی داشتن میهمان بر صاحب خانه لازم و واجب است؛ به آنان که در تاریکی شب به طرف خانه‌های من(مساجد) قدم بر می‌دانند بشارت باد که در روز قیامت با نوری درخشان در صف محشر حضور خواهند یافت.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۴۷ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۸

دیگر منابع: عوالي اللئالی ج ۱ ص ۳۵۱ / وسائل الشیعة ج ۱ ص ۳۸۱ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۱۴

۲. وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ وَ حَرَزَ مِنَ الشَّيْطَانِ .

مساجد مجالس پیامبران اند و حفاظت گاه از شیطان

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۶۳

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُهُ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَةً مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا فَأَدَّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَالتَّوَافَلَ وَاقْضَ فِيهَا مَا فَاتَكَ.

راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من نماز خواندن در مساجد آنان (اهل سنت) را دوست ندارم.

فرمود: چنین مباش؛ زیرا هیچ مسجدی نیست مگر آن که بر قبر پیامبر، یا وصی پیامبری ساخته شده است که او در آنجا شهید شده و از خون او بر آن بقعه پاشیده شده است. خداوند دوست دارد که در آنجا یاد شود، پس نمازهای فریضه و نافله خود را در آنجا به جای آور و آنچه از تو قضا شده در آنجا بخوان.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۳۷۰ / تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۸

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۲۵ / الفصول المهمه ج ۲ ص ۸۲ / بحار الانوار ج ۱۴ ص ۶۶۳

۴. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جَاءَ أَعْرَابِيٌّ مِنْ بَنِي عَامِرٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ شَرِّ بَقَاعِ الْأَرْضِ وَخَيْرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «شَرُّ بَقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَاقُ وَ هِيَ مَيْدَانُ إِبْلِيسَ يَغْدُو بِرَأْيَتِهِ وَيَضَعُ كُرْسِيَّهٖ وَ يَبْنُتُ ذُرِّيَّتَهُ فَبَيْنَ مُطَفِّفٍ فِي قَفِيْزٍ أَوْ طَائِشٍ فِي مِيزَانٍ أَوْ سَارِقٍ فِي دَزَعٍ أَوْ كَاذِبٍ فِي سِلْعَةٍ فَيَقُولُ عَلَيْكُمْ بِرَجُلٍ مَاتَ أَبُوهُ وَ أَبُوكُمْ حَيٌّ فَلَا يَزَالُ مَعَ ذَلِكَ أَوَّلَ دَاخِلٍ وَ آخِرَ خَارِجٍ» ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَ خَيْرُ الْبَقَاعِ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْلَهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا».

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: مردی بیابان نشین از بنی عامر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از آن حضرت پرسید: بدترین مکانهای زمین کجاست و بهترین جایهای آن کجا؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مکانهای زمین محل های خرید و فروش اجناس و آمتعه است، و آنجا میدان مسابقه ابلیس است؛ هر بامداد با پرچم خویش حرکت کرده تخت فرمانروائی خود را در سوق استوار می کند و ذراری خویش را به هر سو گسیل می دارد و آنان از این چند قسم خارج نیستند، یا مأمور کاستن پیمان هستند، یا مأمور کم فروشی در میزان و سنجش، یا دزدی در ذرع پارچه و دروغزنی در وصف کالا و متاع و غیره و فرزندانش را سفارش می کند و می گوید: بر شما باد به آنکه پدرش مرده و شما پدرتان زنده است (یعنی بنی آدم که پدرشان مرده و شما که پدرتان من هستم و اکنون زنده ام) پس او را بفریبید. و هر روزه همین کار اوست، اولین کسی که وارد بازار می شود و آخرین کسی است که از بازار خارج می گردد، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و بهترین مکانهای زمین مساجد است، و محبوبترین مردم نزد خداوند عزیز آن کس است که زودتر از همه داخل می شود و از همه دیرتر بیرون می رود. شرح: «سوق و بازار هر کجا که محل خرید و فروش است می باشد»

و اختصاص به بازار معروف نزد ما ندارد و همه مغازه‌داران بازاری هستند و همه کسبه خیابانها جزء اهل سوق محسوبند.

مصدر: من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۹۹ / معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۶۸

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۹۳ / بحار الانوار ج ۱۰ ص ۹۷

۵. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ غُوفِي أَهْلَ الْمَسَاجِدِ.

زمانی که بلاها و مصیبتها نازل می شوند اهالی مساجد در امانند.

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۶ / الاشعيات ج ۱ ص ۳۹

۶. أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَشْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَائِنِينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَمَسَاجِدِي الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لِأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي.

پدرم رحمة الله عليه، از عبد الله بن جعفر، از هارون بن مسلم، از سعده بن صدقه، از حضرت جعفر بن محمد عليه السلام، حضرت فرمود: پدرم عليه السلام فرمود: امیر المؤمنین عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند جل جلاله هنگامی که ببیند اهل قریه‌ای در معاصی اسراف و زیاده روی می کنند و حال آنکه در بین ایشان سه نفر از اهل ایمان می باشند آنان را خوانده و می فرماید: ای اهل عصیان اگر میان شما مؤمنینی که مشتاق جلال من هستند و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد نموده و در سحرها از خوف من استغفار و طلب آمرزش می کنند نبودند عذابم را بر شما فرو می فرستادم و باکی هم نداشتم.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۲۴۶ / الامالی للصدوق ج ۱ ص ۱۹۶

دیگر منابع: روضه الواعظین ج ۲ ص ۲۹۲ / وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۹۲ / بحار الانوار ج ۷۰ ص ۳۸۱

۷. أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ ، عَنْ شَرِيفِ

بْنِ سَابِقٍ ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : أَوَّلُ عُنْوَانِ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ بَعْدَ مَوْتِهِ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ، إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ، وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ، وَأَوَّلُ نُحْفَةِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ وَلِمَنْ تَبَعَ جَنَازَتَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ ، لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدَهَا، وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبَهَا. يَا فَضْلُ ، إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقَلِّ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ ، وَإِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيُصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَإِمَّا أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). قَالَ: ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمًا بَعْدَ فَايِدَةِ الْإِسْلَامِ مِثْلَ أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ ، لَا تَزْهَدُوا فِي فُقَرَاءِ شِيعَتِنَا ، فَإِنَّ الْفَقِيرَ مِنْهُمْ لَيَسْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي مِثْلِ رِبِيعَةَ وَ مَضْرَ . ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ ، إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيَجِيزُ اللَّهُ أَمَانَهُ. ثُمَّ قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ (تَعَالَى) يَقُولُ فِي أَعْدَائِكُمْ إِذَا رَأَوْا شَفَاعَةَ الرَّجُلِ مِنْكُمْ لِيُصَدِّقَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» .

فضل بن عبد الملك می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: ابتدای عنوان نامه اعمال انسان مؤمن پس از مرگش سخنانی است که مردم درباره او می گویند، اگر نیکی ذکر شود پس [سرنوشت او] به نیکی است و اگر بدی ذکر شود پس [سرنوشت او] به بدی است. نخستین هدیه انسان مؤمن این است که خود و هر آن کس که جنازه اش را تشییع می کنند آمرزیده شوند. سپس فرمود: ای فضل! از هر قبیله ای جز پیشتانان آن و از هر خانواده ای جز انسان های نجیب به مسجد نمی آیند. ای فضل، به مسجدروندگان با کمتر از سه خصوصیت از مسجد باز نمی گردند؛ یا به دعایی که با آن خدا را می خوانند و خدا به خاطر آن ایشان را در بهشت داخل می سازد و یا دعایی که با آن خدا را می خوانند تا خدا به وسیله آن آفات دنیا را از ایشان دور نماید و یا برادری که در راه [رضایت و قرب] خداوند از او بهره می برند؛ سپس فرمود: انسان مسلمان پس از بهره اسلام از هیچ چیز، چون برادری که در راه خدا از او بهره می برد استفاده نکرده است. سپس فرمود: ای فضل! شیعیان فقیر ما را کوچک شمارید. همانا شیعیان فقیر ما در روز قیامت در همچون ربیعه و مضر شفاعت می کنند.

سپس فرمود: ای فضل! همانا مؤمن به این نام نامیده شد چون خدا را امان خود قرار می دهد و خداوند امان او را می پذیرد؛ سپس فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند بلندمرتبه درباره دشمنان شما هنگامی که شفاعت یکی از شما برای دوستش را در روز قیامت می بینند، می گوید: «پس برای ما شفاعت کننده و دوستی نزدیک وجود ندارد.» [شعراء: آیه ۱۰۰-۱۰۱]

مصدر: الامالی للطوسی ج ۱ ص ۶۶

دیگر منابع: بشارة المصطفی (ص) ج ۱ ص ۷۲ / تفسیر البرهان ج ۴ ص ۱۷۸ / بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۹

پیوست شماره دو: سنت

۱. أَخْبَرَنَا ابْنُ مَخْلَدٍ ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عُمَرَ ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ سَهْلٍ الْوَشَائِي ، قَالَ: أَخْبَرَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيَّةَ ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ ، عَنْ الْحَسَنِ ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : عَمَلٌ قَلِيلٌ فِي سُنَّةٍ خَيْرٌ مِنْ عَمَلٍ كَثِيرٍ فِي بَدْعَةٍ.

امام حسن علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: عمل اندک براساس سنت بهتر از عمل بسیار از روی بدعت است.

مصدر: الأمالي (للطوسي) ج ۱ ص ۳۸۵ / الأمالي (للطوسي) ج ۱ ص ۵۲۲

دیگر منابع: إرشاد القلوب ج ۱ ص ۱۶۵ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۶۱

۲. أَنَّهُ قَالَ: لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ، وَلَا نِيَّةَ إِلَّا بِعَمَلٍ، وَلَا عَمَلَ وَلَا نِيَّةَ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ.

از نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه: هیچ عملی نیست الا با نیت و هیچ نیتی هم جز با عمل نیست. و هیچ نیتی و عملی پذیرفته نیست الا به اینکه بر اساس سنت باشد

مصدر: تقریب المعارف ج ۱ ص ۳۴۷ / تهذیب الأحكام ج ۴ ص ۱۸۶

دیگر منابع: عوالي اللئالی ج ۲ ص ۱۹۱ / الوافی ج ۱ ص ۲۹۹ / وسائل الشیعة ج ۱۰ ص ۱۳ / بحار الأنوار ج ۱ ص ۲۰۷

۳. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ رَفَعَهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ السُّنَّةِ وَالدُّعَاةِ وَعَنِ الْجَمَاعَةِ وَعَنِ الْفِرْقَةِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ السُّنَّةُ مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالدُّعَاةُ مَا أُحْدِثَ مِنْ بَعْدِهِ وَالْجَمَاعَةُ أَهْلُ الْحَقِّ وَإِنْ كَانُوا قَلِيلًا وَالْفِرْقَةُ أَهْلُ الْبَاطِلِ وَإِنْ كَانُوا كَثِيرًا .

اصم بن حمید مرفوعاً روایت کرده که: شخصی خدمت امیر المؤمنین علیه السلام رسید و عرض کرد معنی این کلمات چیست: سنت، بدعت، جماعت، و فرقه؟ امیر المؤمنین فرمود: «سنت» راه و روشی است که پیامبر صلی الله علیه و اله مقرر فرموده، و «بدعت» روشی است که بعد از آن حضرت پیدا شده، و «جماعت» آنانند که به حق معتقدند، اگر چه اندک باشند، و «فرقه» پیروان باطلند اگر چه بسیار باشند.

مصدر: معانی الأخبار ج ۱ ص ۱۵۴

دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۱۵۱ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۶۶

۴. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّازَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَقَالَ حَلَالٌ مُحَمَّمٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامٌ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ وَقَالَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً.

زرارة گوید از امام صادق (علیه السلام) راجع بحلال و حرام پرسیدم فرمود: حلال محمد همیشه تا روز قیامت حلالست و حرامش همیشه تا روز قیامت حرام، غیر حکم او حکمی نیست و جز او پیغمبری نیاید و علی (علیه السلام) فرمود هیچ کس بدعتی ننهاد جز آنکه بسبب آن سنتی را ترک کرد.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۵۸

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۶۰

۵. حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: السُّنَّةُ سُنَّتَانِ سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ الْأَخْذُ بِهَا هُدًى وَتَرْكُهَا ضَلَالَةٌ وَ سُنَّةٌ فِي غَيْرِ فَرِيضَةٍ الْأَخْذُ بِهَا فَضِيلَةٌ وَ تَرْكُهَا غَيْرُ حَاطِيَّةٍ.

حضرت آقا امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: سنت دوتاست، سنت در واجب که پیروی آن هدایت و ترک آن گمراهی است و سنت در غیر واجب که پیروی آن فضیلت و ترک آن گناهی ندارد.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۲۴ / الکافی ج ۱ ص ۷۱ / الخصال ج ۱ ص ۴۸ / تحف العقول ج ۱ ص ۵۷

دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۱۵۲ / الوافی ج ۱ ص ۳۰۱ / بحار الأنوار ج ۲ ص ۲۶۴

پیوست شماره سه: حدود در قرآن

۱. سوره بقره آیه ۲۲۹: الطَّلَاقِ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

طلاق [رجعی] دو بار است پس از آن یا [باید زن را] بخوبی نگاه داشتن یا بشایستگی آزاد کردن و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده اید چیزی بازستانید مگر آنکه [طرفین] در به پا داشتن حدود خدا بیمناک باشند پس اگر بیم دارید که آن دو حدود خدا را برپای نمی دارند در آنچه که [زن برای آزاد کردن خود] فدیة دهد گناهی بر ایشان نیست اینست حدود احکام الهی پس از آن تجاوز مکنید و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند آنان همان ستمکارانند.

۲. سوره بقره آیه ۲۳۰: فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَكَحَّحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.

و اگر [شوهر برای بار سوم] او را طلاق گفت پس از آن دیگر [آن زن] برای او حلال نیست تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند [و با او همخوابگی نماید] پس اگر [شوهر دوم] وی را طلاق گفت اگر آن دو [همسر سابق] پندارند که حدود خدا را برپا می دارند گناهی بر آن دو نیست که به یکدیگر بازگردند و اینها حدود احکام الهی است که آن را برای قومی که می دانند بیان می کند.

۳. سوره طلاق آیه ۱: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا.

ای پیامبر چون زنان را طلاق گوئید در [زمان بندی] عده آنان طلاقشان گوئید و حساب آن عده را نگه دارید و از خدا پروردگارتان بترسید آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند این است احکام الهی و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد قطعاً به خودش ستم کرده است نمی دانی شاید خدا پس از این پیشامدی پدید آورد.

۴. سوره بقره آیه ۱۸۷: أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ.

در شبهای روزه همخوابگی با زنان با شما حلال گردیده است آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید خدا می دانست که شما با خودتان ناراستی میکردید پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت پس اکنون [در شبهای ماه رمضان می توانید] با آنان همخوابگی کنید و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید و در حالی که در مساجد معتکف هستید [با زنان] درنیامیزید این است حدود احکام الهی پس [زنهار به قصد گناه] بدان نزدیک نشوید این گونه خداوند آیات خود را برای مردم بیان می کند باشد که پروا پیشه کنند.

۵. سوره توبه آیه ۹۷: الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

بادیه نشینان عرب در کفر و نفاق [از دیگران] سخت تر و به اینکه حدود آنچه را که خدا بر فرستاده اش نازل کرده ندانند سزاوارترند و خدا دانای حکیم است.

۶. سوره مجادله آیه ۴: فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتْتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

و آن کس که [بر آزادکردن بنده] دسترسی ندارد باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند باید شصت بینوا را خوراک بدهد این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید و این است حدود خدا و کافران را عذابی پردرد خواهد بود.

۷. سوره نساء آیات ۱۲ و ۱۳: وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوَصَّوْنَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ

أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ يُوصَى بِهَا
أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ. تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

و نیمی از میراث همسرانتان از آن شما [شوهران] است اگر آنان فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشند
یک چهارم ماترک آنان از آن شماست [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده اند یا دینی [که باید
استثنا شود] و یک چهارم از میراث شما برای آنان است اگر شما فرزندی نداشته باشید و اگر فرزندی داشته باشید
یک هشتم برای میراث شما از ایشان خواهد بود [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده اید یا دینی
[که باید استثنا شود] و اگر مرد یا زنی که از او ارث می برند کلاله [=بی فرزند و بی پدر و مادر] باشد و برای او
برادر یا خواهری باشد پس برای هر یک از آن دو یک ششم [ماترک] است و اگر آنان بیش از این باشند در یک سوم
[ماترک] مشارکت دارند [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده یا دینی که [باید استثنا شود به شرط
آنکه از این طریق] زبانی [به ورثه] نرساند این است سفارش خدا و خداست که دانای بردبار است. این احکام
حدود الهی است و هر کس از خدا و پیامبر او اطاعت کند وی را به باغهایی درآورد که از زیر [درختان] آن
نهرها روان است در آن جاودانه اند و این همان کامیابی بزرگ است.

۸. سوره توبه آیه ۱۱۲: التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

[آن مؤمنان] همان توبه کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه داران رکوع کنندگان سجده کنندگان وادارندگان به
کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده.

پیوست شماره چهار: صلات

بخش اول: آیات

۱. فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا.

و چون نماز را به جای آوردید خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلوآرمیده یاد کنید پس چون آسوده خاطر شدید نماز را [به طور کامل] به پا دارید زیرا نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است. سوره نساء آیه ۱۰۳

۲. اِنَّ مَا اَوْحِيَ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَاَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ اَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ.

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنید. سوره عنکبوت آیه ۴۵

۳. اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَاَتَوْا الزّٰكٰةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ.

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. سوره بقره آیه ۲۷۷

۴. لَيْسَ الْبِرُّ اَنْ تُولُوْا وُجُوْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتٰبِ وَالرَّبِّيْنَ وَاَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَاَبْنَ السَّبِيْلِ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِي الرِّقَابِ وَاَقَامَ الصَّلَاةَ وَاَتَى الزّٰكٰةَ وَالْمُوفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عٰهَدُوْا وَالصّٰبِرِيْنَ فِي الْبَاسِ وَالصّٰرِّءِ وَحِيْنَ الْبَاسِ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ.

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد

و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند. سوره بقره آیه ۱۷۷

۵. وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ.

و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ درمی زنند و نماز برپا داشته اند [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد. سوره اعراف آیه ۱۷۰

۶. إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا.

منافقان با خدا نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند. سوره نساء آیه ۱۴۲

۷. وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ.

و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید. سوره بقره آیه ۸۳

۸. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. سوره توبه آیه ۷۱

۹. الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. سوره حج آیه ۴۱

۱۰. رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ.

مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی دارد و از روزی که دلها و دیده ها در آن زیرورو می شود می هراسند. سوره نور آیه ۳۷

بخش دوم: روایات

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَرْدَاسٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّمَا أَفْضَلِ الْعِبَادَةِ فِي السَّرِّ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الْمُسْتَتِرُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَوْ الْعِبَادَةُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَ دَوْلَتِهِ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الظَّاهِرِ فَقَالَ يَا عَمَّارُ الصَّدَقَةُ فِي السَّرِّ وَ اللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَ كَذَلِكَ وَ اللَّهُ عِبَادَتُكُمْ فِي السَّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَتِرُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ تَخَوُّفُكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ حَالِ الْهُدْنَةِ أَفْضَلُ مِمَّنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذِكْرُهُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ إِمَامِ الْحَقِّ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مِثْلَ الْعِبَادَةِ وَ الْأَمْنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ الْيَوْمَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فِي جَمَاعَةٍ مُسْتَتِرٍ بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَفْتِهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً فَرِيضَةً وَ حُدَّهُ مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَفْتِهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا لَهُ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً وَ حُدَانِيَةً وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً نَافِلَةً لَوْفَتْهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ نَوَافِلَ وَ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِهَا عَشْرِينَ حَسَنَةً وَ يُضَاعَفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَسَنَاتِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ وَ دَانَ بِالتَّقِيَّةِ عَلَى دِينِهِ وَ إِمَامِهِ وَ نَفْسِهِ وَ أَمْسَكَ مِنْ لِسَانِهِ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَرِيمٌ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ وَ اللَّهُ رَغْبَتِي فِي الْعَمَلِ وَ حَشْتَنِي عَلَيْهِ وَ لَكِنْ أَحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ صَرْنَا نَحْنُ الْيَوْمَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ مِنْكُمْ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ نَحْنُ عَلَى دِينٍ وَاحِدٍ فَقَالَ إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِلَى الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَ فِئَةٍ وَ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ سِرًّا مِنْ عَدُوِّكُمْ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَتِرِ مُطِيعِينَ لَهُ صَابِرِينَ مَعَهُ مُنْتَظِرِينَ لِذَوْلَةِ الْحَقِّ حَافِظِينَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُؤَلُوكِ الظَّلْمَةِ تَنْتَظِرُونَ إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ وَ حُقُوقِكُمْ فِي أَيِّدِي الظَّلْمَةِ قَدْ

مَنْعُوكُمْ ذَلِكَ وَ اضْطُرُّوكُمْ إِلَى حَزْثِ الدُّنْيَا وَ طَلَبِ الْمَعَاشِ مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَ عِبَادَتِكُمْ وَ طَاعَةِ إِمَامِكُمْ وَ الْخَوْفِ مَعَ عَدُوِّكُمْ فَبِذَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ الْأَعْمَالَ فَهَيِّنَا لَكُمْ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا تَرَى إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ وَ يَظْهَرُ الْحَقُّ وَ نَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَ طَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ الْعَدْلِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحَقُّ وَ الْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَ يَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَرْضِهِ وَ تَقَامَ حُدُودُهُ فِي حَلْقِهِ وَ يَرِدَ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيَظْهَرُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ أَمَا وَ اللَّهُ يَا عَمَّاؤُ لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ كَثِيرٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ فَأَبْشُرُوا .

-عمار ساباطی گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: کدام بهتر است، عبادت پنهانی با امام بر حق از شماها در دولت باطل یا عبادت عیانی در ظهور حق و دولت حق با امام آشکارا از شماها؟ در جواب فرمود: ای عمار! صدقهٔ نهانی به خدا بهتر است از صدقهٔ عیانی و همچنین -به خدا- عبادت نهانی شما با امام در پردهٔ خودتان در حال دولت باطل و ترس شما از دشمن خود در زمان تسلط باطل و در حال هدنه بهتر است از کسی که خدا عز و جل را در ظهور حق با امام حق آشکار و در دولت حق عبادت می‌کند، عبادت با ترس در دولت باطل مانند عبادت در حال آسایش و در دولت حق نیست. بدانید هر کدام شماها امروز یک نماز جماعت بخواند در پنهانی از دشمن خود و آن نماز در وقت باشد و کامل ادا شود خدا ثواب پنجاه نماز واجب که به جماعت خوانده شود برای او بنویسد و هر کدام شماها یک نماز واجب را پنهان از دشمن خود بخواند و آن را کامل ادا کند، خدا ثواب بیست و پنج نماز واجب که به فردای خوانده شود برایش بنویسد و هر کدام از شماها نماز نافله‌ای را در وقتش بخواند و کامل ادا کند خدا ثواب ده نماز نافله را به او عطا کند و هر کدام از شماها حسنه‌ای انجام دهد خدا عز و جل به او ثواب بیست حسنه بدهد و خدا باز هم دو چندان کند حسنات مؤمن از شماها را وقتی کارهای خود را خوب بکند و طبق تقیه و حفظ دینش و امامش و خودش انجام دهد و زبانش را نگهدارد بلکه به اضعاف مضاعف اجر دهد، به راستی خدای عز و جل کریم است. گفتم: قربانت به خدا مرا به عمل تشویق کردی و بر آنواداشتی ولی دوست دارم که بدانم چطور ما امروز کردارمان بهتر است از کردار اصحاب و یاران امام ظاهر و آشکارا از شما در زمان دولت حق با این که ما یک مذهب و یک دین داریم؟ فرمود: برای این که شما بدانها پیشی گرفتید در دخول به دین خدا عز و جل و به ادای نماز و روزه و حج و نسبت به هر کار خوبی و هر فهم مسأله‌ای و به عبادت خدا عز و جل در پنهانی از دشمن خود با امام مستتر، در حالی که مطیع او هستید و با او شکیبائی کنید و در انتظار دولت حق به سر برید و در حالی که بترسید بر امام خود و بر خویشتان از ملوک ستم کار، شما به چشم خود نگاه کنید که حق امام شما و حق خود شما در دست ستمکاران است، آنها جلو شما را گرفته‌اند و دارائی شما را برده‌اند و شما را ناچار کرده‌اند به کشت و کار و تلاش برای گذران و خرج دنیا و طلب معاش زندگی و صبر بر دین داری خودتان و عبادت مخصوص به خودتان و اطاعت از امام خودتان با بیم از دشمن برای این

است که خدا عز و جل اعمال شما را چندین برابر کند، گوارا باد بر شما. من گفتم: قربانت چه می‌فرمائید که ما از یاران امام قائم (علیه السلام) باشیم و دولت حق به رهبری او ظاهر شود، با این که امروزه در سرپرستی امامت شما هستیم و در اطاعت شما، و اعمال ما از یاران دولت حق و عدالت برتر است. فرمود: سبحان الله شما دوست ندارید که خدا تبارک و تعالی حق و عدل را در همه بلاد ظاهر کند و کلمه همه مردم را یکی کند و دل‌های مختلفه را با هم در آمیزد و مهربان سازد و مردم خدا عز و جل را نافرمانی نکنند در زمین او و حدود و مقرراتش بر همه خلقتش مجری شود و خدا حق را به اهلش برگرداند و آشکار شود تا آن که هیچ حقی از ترس خلقی زیر پرده نهان نماند، به خدا ای عمار هیچ کس از شما شیعه در این وضع حاضر که شما در آن به سر می‌برید نمیرد جز آن که نزد خدا برتر است از بسیاری شهیدان جبهه بدر و اُحد، مزده باد شما را.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۳۳۳ / کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۶۴۵

دیگر منابع: الوافی ج ۲ ص ۴۳۸ / وسائل الشیعه ج ۱ ص ۷۷ / بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۷

۲. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: لَا تَتَهَاوُنُ بِصَلَاتِكَ فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَيْسَ مِنِّي مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا لَا يَرُدُّ عَلَيَّ الْخَوْضَ لَا وَ اللَّهِ .

زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

نماز خود را سبک‌شمار، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و اله به هنگام وفات خویش فرمود: هر کس نماز خود را سبک‌شمارد، از من نیست و هر کس نوشابه مست‌کننده‌ای بنوشد، از من نیست و در کنار حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد. هرگز! به خدا سوگند!

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۶۹

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۴ ص ۲۳ / الوافی ج ۷ ص ۵۰

۳. وَ عَنْهُ ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ صَدَقَةَ ، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا ، وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ، وَ آتَوْا الزَّكَاةَ ، وَ قَرَأُوا الصِّفِّ ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا أُبْتُلُوا بِالسِّنِينَ وَ الْجَدْبِ . وَ قَالَ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نَمَسُّ عَلَى أَحْفَانِنَا .

۶. الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَصَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ بَيْضَاءُ مُشْرِقَةٌ تَقُولُ حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ وَإِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بَغِيرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ ضَيَعْتَنِي ضَيَعَكَ اللَّهُ».

شنیدم ابو جعفر باقر (ع) می گفت: حسابرسی اعمال بندگان، از نماز آنان شروع می شود. اگر نماز کسی پذیرفته باشد، سایر اعمال او پذیرفته خواهد بود. اگر نماز کسی در اول وقت شرعی به درگاه خدا بالا برود، درخشان و تابان به سوی صاحبش بازمی گردد و می گوید: حقوق مرا نگهدار شدی خدایت نگهدار باد. و اگر نماز کسی در خارج از وقت شرعی به درگاه خدا بالا برود و از حدود و مقررات آن عاری باشد، سیاه و تاریک به سوی صاحبش بازمی گردد و می گوید: حقوق مرا پامال کردی، خدایت پامال کناد.

مصدر: اصول سته عشر ج ۱ ص ۲ / الکافی ج ۳ ص ۲۶۸ / تهذیب الاحکام ج ۲ ص ۲۳۹ / من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۰۸

دیگر منابع: عوالی الثالی ج ۱ ص ۳۱۸ / الوافی ج ۷ ص ۲۹ / وسائل الشیعه ج ۴ ص ۳۴ / بحار الانوار ج ۷۹ ص ۲۳۶

۷. وَ رَوَى أَصْحَابُنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعْتَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفُحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ فَبَقْدَرٍ مَا مَنَعْتَهُ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ.

کسی که دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه؟ باید ببیند آیا نمازش او را از زشتی ها و ناپاکی ها دور کرده است یا خیر؟ به همان اندازه که دور کرده، قبول شده است.

منبع: تفسیر البرهان ج ۴ ص ۳۲۲ / بحار الانوار ج ۱۶ ص ۲۰۴ / تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۱۶۲

۸. حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَلِيٍّ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ خَارِجِ الْأَصَمِّ الْبُسْتِيُّ بِهَا فِي مَسْجِدِ طَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْجُنَيْدِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ عَمْرُو بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ زَاهِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَرِيْزٌ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ عَطِيَّةِ الْعُوفِيِّ عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ يَقُولُ: مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ وَ صَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسِ نِيَامًا.

ابو الحسن محمد بن عمرو بن علی بصری می گوید: ابو احمد محمد بن ابراهیم بن خارج اصم، از ابو الحسن محمد بن عبد الله بن جنید، از ابو بکر عمرو بن سعید، از علی بن زاهر، از حریز، از اعمش، از عطیه عوفی، از جابر

بن عبد الله انصاری، وی می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: خداوند متعال جناب ابراهیم علیه السلام را خلیل خود نکرد مگر به خاطر اطعام نمودنش و نیز به واسطه نماز شب خواندنش در هنگامی که مردم خواب بودند.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۳۵

دیگر منابع: تفسیر الصافی ج ۱ ص ۵۰۵ / وسائل الشیعة ج ۸ ص ۱۵۶ / تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۷۸ / بحار الأنوار ج ۱۲ ص ۴

پیوست شماره پنج: زکات

بخش اول: آیات

۱. وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّا لِيَرْبُوَ فِي اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللّٰهِ فَلَوْلِيَّكُمْ هُمْ الْمُضْعِفُونَ.

و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد نزد خدا فزونی نمی گیرد و [لی] آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید پس آنان همان فزونی یافتگاند [و مضاعف می شود]. سوره روم آیه ۳۹

۲. اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ.

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. سوره بقره آیه ۲۷۷

۳. لَيْسَ الْبِرُّ اَنْ تُوَلُّوا وُجُوْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتٰبِ وَالنَّبِيِّنَ وَآتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَاَبْنَ السَّبِيْلِ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِي الرِّقَابِ وَاَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عٰهَدُوْا وَالصّٰبِرِيْنَ فِي الْبٰسِءِ وَالصَّرٰءِ وَحِيْنَ الْبٰسِ اَوْلِيَّكُمْ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَاَوْلِيَّكُمْ هُمْ الْمُتَّقُوْنَ.

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند. سوره بقره آیه ۱۷۷

۴. لَكِنَّ الرَّاْسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا.

لیکن راسخان آنان در دانش و مؤمنان به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند و خوشا بر نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز بازپسین که به زودی به آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد. سوره نساء آیه ۱۶۲

۵. وَاَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالِ عَدَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ.

و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز] زیرا که ما به سوی تو بازگشته ایم فرمود عذاب خود را به هر کس بخواهم می رسانم و رحمت همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند مقرر می دارم. سوره اعراف آیه ۱۵۶

۶. وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَيْبِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.

و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید او مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یآوری. سوره حج آیه ۷۸

۷. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. سوره توبه آیه ۷۱

۸. الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. سوره حج آیه ۴۱

۹. وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ.

در حقیقت خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم و خدا فرمود من با شما هستم اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید قطعاً گناهاتان را از شما می زدایم و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می آورم پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد در حقیقت از راه راست گمراه شده است. سوره مائده آیه ۱۲

۱۰. وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا.

و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. سوره مریم آیه ۳۱

بخش دوم: روایات

۱. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ.

امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج اصل بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۸۶ / من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۷۴ / الكافي ج ۴ ص ۶۲ / تفسير العياشي ج ۱ ص ۱۹۱

دیگر منابع: الوافی ج ۲۶ ص ۱۸۶ / وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۳۹۵

۲. وَ بِإِسْنَادِهِ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: لَا تَتْرُكُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا يَخُلُ مِنْكُمْ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّكُمْ إِنْ تَرَكْتُمُوهُ لَمْ تُتَطَّرُوا، وَإِنَّ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أَنَاهُ أَنْ يُعْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ، وَ أُوصِيكُمْ بِالصَّلَاةِ وَ حِفْظِهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَ هِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ، وَ بِالزَّكَاةِ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يَقُولُ: الزَّكَاةُ فَنَطْرَةُ الْإِسْلَامِ فَمَنْ أَدَاهَا جَارَ الْفَنَطْرَةَ وَ مَنْ مَنَعَهَا احْتَبَسَ دُونَهَا، وَ هِيَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ عَلَيْكُمْ بِصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ حَصِينَةٌ مِنَ النَّارِ، وَ فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَشْرَكُوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ، وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَجُلَانِ إِمَامٌ هُدَى أَوْ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهِدَاةٍ، وَ ذُرِّيَّةُ نَبِيِّكُمْ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) لَا يَظْلَمُونَ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ. وَ أُوصِيكُمْ بِأَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ، لَا تَسُبُّوهُمْ، وَ هُمُ الَّذِينَ لَمْ يُحَدِّثُوا بَعْدَهُ حَدَثًا، وَ لَمْ يَأْتُوا مُحَدِّثًا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أَوْصَى بِهِمْ، وَ أُوصِيكُمْ بِبَنَسَائِكُمْ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، وَ لَا يَأْخُذَنَّكُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، يَكْفِيكُمْ اللَّهُ مَنْ أَرَادَكُمْ وَ بَعَى عَلَيْكُمْ، وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ)، وَ لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُولِي اللَّهُ أُمُورَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ، وَ عَلَيْكُمْ بِالتَّوَاضُعِ وَ التَّبَادُلِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّقَاطُعِ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّفَرُّقِ، وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ، وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

با همان سند راوی گفته که از علی علیه السلام شنیدم فرمودند: حج خانه پروردگارتان را ترك نکنید که تا وقتی زنده هستید از شما تهی نباشد؛ زیرا اگر حج را ترك کنید نباید امیدوار باشید. و همانا کمترین چیزی که به حج گزار می رسد آمرزش گناهیانی است که او مرتکب شده است. و شما را به نماز و مراقبت از آن سفارش می کنم که آن بهترین عمل و ستون دینتان است. و به زکات سفارش می کنم که از رسول خدا شنیدم: زکات، پیل اسلام است. هرکس زکات بدهد از پیل گذشته و هرکس زکات ندهد از آن باز مانده است و زکات خشم پروردگار را فرو می نشاند. و بر شما باد روزه ماه رمضان که روزه ماه رمضان سپری نفوذناپذیر در برابر آتش دوزخ است. و بر شما باد به نیازمندان از مسلمانان آنان را در زندگی تان شریک کنید. و شما را به جهاد در راه خدا با اموالتان و جان هاتان سفارش می کنم؛ زیرا دو کس در راه خدا جهاد می کنند: پیشوایی هدایتگر یا فرمانبر او که از هدایتش پیروی می کند. و بر شما باد به فرزندان پیامبرتان که در برابر دیدگانتان ستم نکنند درحالی که می توانید از آنان دفاع کنید. و شما را به اصحاب پیامبرتان سفارش می کنم. آنان را دشنام نگوئید آنان کسانی هستند که پس از پیامبر بدعتی پدید نیاوردند از بدعتی پیروی نکردند؛ زیرا رسول خدا درباره ایشان سفارش فرموده اند. و شما را به زنان و کنیزانتان سفارش می کنم. در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری شما را نریاید

که خداوند در برابر کسی که آهنگ شما کرده و بر شما ستم روا داشته، برایتان کافی است. «و با مردم سخن نیک بگوئید.» [بقره: ۸۳] چنان که خداوند به شما فرمان داده است. و امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید

که خداوند بدانتان را بر کارهاتان می‌گمارد و هرگاه دعا کنید برایتان به اجابت نمی‌رسد. و بر شما باد فروتنی و بخشندگی در میان خودتان. و از پیوند گسستن و ناسازگاری و پراکندگی بپرهیزید. «بر نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری کنید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید. و از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند سخت کیفر است.» [مائده: آیه ۲]

مصدر: الامالی للطوسی ج ۱ ص ۵۲۲

دیگر منابع: شهاب الأخبار ج ۱ ص ۸۷ / بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۳ / مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۲۴

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ الْعَرَزَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: أَتَأْفِيهِ الْإِسْلَامَ ثَلَاثَةَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْوَلَايَةَ لَا تَصِحُّ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ إِلَّا بِصَاحِبَتَيْهَا .

امام صادق علیه السلام فرمود: پایه‌های اجاق اسلام سه چیز است: نماز و زکاة و ولایت، هیچ يك از آنها جز به‌همراه دو تای دیگر درست نباشد (پیداست که نماز و زکاة بدون ولایت مقبول نباشد).

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۱۸

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۹۷ / وسائل الشیعه ج ۱ ص ۱۶ / بحار الانوار ج ۶۵ ص ۳۳۰

۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ السَّيَّارِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الدَّلْهَاتِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةٍ مَفْرُوعٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكَّ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَ الدِّينِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَ أَمَرَ بِالتَّقَاءِ اللَّهِ وَ صَلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ .

حارث بن دلهاث از پدرش از امام رضا علیه السلام نقل نموده است که حضرت فرمودند: خداوند به سه چیز دستور داده است که همراه با سه چیز دیگرند، به نماز و زکات امر فرمود، که هر کس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش قبول نخواهد شد، و به سپاسگزاری از خویش و والدین امر فرموده که هر کس از پدر و مادرش تشکر و سپاسگزاری نکند خداوند را شکر نکرده است و امر به تقوی و صلۀ رحم نموده است و هر کس صلۀ رحم نکند در واقع تقوی نداشته است.

مصدر: الخصال ج ۱ ص ۱۵۶ / عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۵۸

دیگر منابع: کشف الغمة ج ۲ ص ۲۹۳ / وسائل الشیعة ج ۹ ص ۲۵ / بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۶۸

۵. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ وَفِيهَا تَهْلِكُ عَامَّتُهُمْ.

رفاعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

خداوند بر این امت فریضه ای را سخت تر از زکات واجب نکرده است، و به خاطر همین حکم عموم آن ها هلاک خواهند شد.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۴۹۷ / دعائم الإسلام ج ۱ ص ۲۴۷

دیگر منابع: الوافی ج ۱۰ ص ۳۳ / وسائل الشیعة ج ۹ ص ۲۸ / بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۲

پیوست شماره شش: حج

بخش اول: آیات

۱. جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

خدا، [زیارت] کعبه، آن خانه با حرمت، و ماه های حرام، و قربانی های بی نشان، و قربانی های نشان دار را وسیله قوام و برپایی [زندگی، معیشت و سامان دنیا و آخرت] مردم قرار داد. این [شرایع و احکام] برای آن است که بدانید: یقیناً خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند؛ و قطعاً خدا به همه چیز داناست.
سوره مائده آیه ۹۷

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

ای اهل ایمان! در حالی که در احرام [حج یا عمره] هستید، شکار را نکشید. و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، کفاره ای همانند آن از جنس چهارپایان [اهلی] بر عهده اوست؛ که [همانند بودن آن را] دو عادل از خودتان گواهی دهند، و به عنوان قربانی به [حریم] کعبه رسد، یا به کفاره [آن شکار کشته شده معادل قیمت قربانی] به مستمندان طعام دهد، یا برابر تعداد مستمندی که طعام می دهد روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خدا از [گناه] کشتن شکارهایی که پیش از این حکم انجام گرفته، درگذشت. و هر که [پس از کفاره دادن] به شکار کردن بازگردد، خدا از او انتقام می گیرد؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. سوره مائده آیه ۹۵

۳. إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

بی تردید صفا و مروه از نشانه های خداست؛ پس کسی که حج خانه کعبه کند، یا عمره انجام دهد، بر او گناهی نیست که بر آن دو طواف کند. و کسی که [به خواست خودش افزون بر واجبات] کار نیکی [چون طواف و سعی مستحب] انجام دهد، بدون تردید خدا [در برابر عمل او] پاداش دهنده و [به کار و حال او] داناست. سوره بقره

۴. فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

در آن نشانه‌هایی روشن [از ربوبیت، لطف، رحمت خدا و از جمله] مقام ابراهیم است؛ و هر که وارد آن شود در امان است؛ و خدا را حقی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه یابند، و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند، به خود زیان زده]؛ زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است. سوره آل عمران آیه ۹۷

۵. وَأَتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

حج و عمره را برای خدا به پایان برید، و اگر [به علتی] از انجام آن ممنوع شدید، آنچه را از قربانی برای شما میسر است [قربانی کنید و از احرام در آید]؛ و سر خود را نترشید تا قربانی به محلش برسد؛ و از شما اگر کسی بیمار بود یا در سرش ناراحتی و آسیب داشت [و ناچار بود سر بترشد، جایز است سر بترشد و] کفاره ای چون روزه، یا صدقه یا قربانی بر عهده اوست. و هنگامی که [از علل ممنوعیت] در امان بودید، پس هر که با پایان بردن عمره تمتع به سوی حج تمتع رود، آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]. و کسی که قربانی نیابد، سه روز روزه، در همان سفر حج و هفت روز روزه، هنگامی که بازگشتید بر عهده اوست؛ این ده روز کامل است [و قابل کم و زیاد شدن نیست]. این وظیفه کسی است که [خود و] خانواده اش ساکن و مقیم [منطقه] مسجد الحرام نباشد. و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا سخت کیفر است. سوره بقره آیه ۱۹۶

بخش دوم: روایات

۱. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَبَةَ، عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ، قَالَ: وَ بِالْإِسْنَادِ الْأَوَّلِ عَنْ زُرْعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَيُّ الْأَعْمَالِ هُوَ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ، وَلَا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَالصَّلَاةَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الزَّكَاةَ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الصَّوْمَ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الْحَجَّ، وَ فَاتِحَةُ ذَلِكَ كُلِّهِ مَعْرِفَتُنَا، وَ خَاتِمَتُهُ مَعْرِفَتُنَا، وَ لَا شَيْءٌ بَعْدَ ذَلِكَ كَبِيرٌ إِلَّا خَوَانٌ وَ الْمَوَاسَاةُ يَبْدُلُ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهَمِ، فَإِنَّهُمَا حَجْرَانِ مَمْسُوحَانِ، بِهِمَا امْتَحَنَ اللَّهُ خَلْقَهُ بَعْدَ الَّذِي عَدَدْتُ لَكَ، وَ مَا رَأَيْتُ شَيْئاً أَسْرَعَ غِنًى وَ لَا أَنْفَى لِلْفَقْرِ مِنْ إِدْمَانِ حِجِّ هَذَا الْبَيْتِ، وَ صَلَاةٍ فَرِيضَةً تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حِجَّةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ، وَ الْحِجَّةُ عِنْدَهُ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَباً، لَا بَلَّ خَيْرٌ مِنْ مِلءٍ الدُّنْيَا ذَهَباً وَ فِضَّةً تُنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ)، وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا لِقَضَاءِ حَاجَةِ إِمْرِي مُسْلِمٍ وَ تَتَفَيْسُ كُرْبَتِي، أَفْضَلُ مِنْ حِجَّةٍ وَ طَوَافٍ وَ حِجَّةٍ وَ طَوَافٍ - حَتَّى عَقَدَ عَشْرًا - ثُمَّ خَلَا يَدَهُ، وَ قَالَ: اتَّقُوا اللَّهَ، وَ لَا تَمَلُّوا مِنَ الْخَيْرِ، وَ لَا تَكْسَلُوا، فَإِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) وَ رَسُولَهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) لَعْنَتَانِ عَنْكُمْ وَ عَنْ أَعْمَالِكُمْ، وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ)، وَ إِنَّمَا أَرَادَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) بِطُفْهِ سَبَباً يُدْخِلُكُمْ بِهِ الْجَنَّةَ .

زرعه گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پس از شناخت، بهترین کردار چیست؟ فرمود: پس از شناخت چیزی برابر این نماز نیست، پس از شناخت و نماز چیزی معادل زکات نیست و پس از اینها چیزی همطراز روزه نیست و پس از آن چیزی برابر با حج نیست و آغاز همه اینها شناخت ما و فرجامشان شناخت ماست. و پس از اینها چیزی همانند نیکی و احسان به برادران [دینی] با بخشش دینار و درهم نیست. زیرا درهم و دینار دو سنگ مسخ شده‌ای [از طلا به شکل سکه دینار و از نقره به شکل سکه درهم] هستند که خداوند پس از آنچه که برایت شمردم، آفریدگانش را با این دو آزمود، و چیزی را زود بی‌نیازکننده‌تر و فقرزداينده‌تر از شيفتگی به حج خانه خدا نیاقتم و يك نماز واجب در پیشگاه خداوند با هزار حج و هزار عمره فرمانبری شده و پذیرفته شده، برابری می‌کند و يك حج کردن در درگاه او از خانه‌ای پر از طلا بهتر است، نه بلکه به پری دنیا از طلا و نقره که در راه خداوند (گرامی و بزرگ) بخشش کنی، نیکوتر است. به آن کسی که محمد را به شایستگی به عنوان مژده‌آور و بیم‌دهنده برانگیخت، سوگند که برآوردن نیاز مرد مسلمان و زدودن اندوه او بهتر است از يك حج و طواف و يك حج و طواف - تا به ده رساند - آنگاه شمارش را رها کرد و فرمود: از خدا پروا کنید، و از نیکی خسته نشوید و سستی نوزید، زیرا خداوند و فرستاده‌اش از شما و کارهایتان بی‌نیازند ولی شما به خداوند (عزت‌مند و شکوهمند) نیازمندید و همانا خداوند (گرامی و بزرگ) به مهربانی خود بهانه‌ای خواست تا به واسطه آن شما را وارد بهشت نماید.

دیگر منابع: إرشاد القلوب ج ۱ ص ۱۴۵ / بحار الأنوار ج ۶۶ ص ۴۰۵

۲. وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ مَاتَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ ذَاهِبًا أَوْ جَائِيًا أَمِنَ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» .

ابو عبد الله صادق (ع) گفت: هرکس در نیمه راه حج

بمیرد: چه در حال رفتن و یا در حال بازگشتن باشد از هراس روز قیامت در امان می ماند.

مصدر: الکافی ج ۴ ص ۲۶۳ / من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۲۹ / تهذیب الأحکام ج ۵ ص ۲۳

دیگر منابع: الوافی ج ۱۲ ص ۲۳۶ / وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۱۰۰ / بحار الأنوار ج ۷ ص ۳۰۲

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ بِمَعْرِفَةٍ فَعَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَ حُرْمَتِنَا مِثْلَ الَّذِي عَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَ حُرْمَتِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ كَفَاهَهُ هَمَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

علی بن عبد العزیز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که با معرفت به کعبه بنگرد و آن گاه حق ما و حرمت ما را برابر با حق کعبه و حرمت آن بشناسد، خداوند گناهان او را می آمرزد و مهمات دنیا و جهان آخرت او را کفایت می فرماید.

مصدر: الکافی ج ۴ ص ۲۴۱ / من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۰۴

دیگر منابع: الوافی ج ۱۲ ص ۳۹ / وسائل الشیعة ج ۱۳ ص ۲۶۳

۴. أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّؤْلُؤِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ .

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: تا آن گاه که کعبه پایرجاست، دین پایرجاست.

مصدر: الکافی ج ۴ ص ۲۷۱ / من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۴۳ / علل الشرایع ج ۲ ص ۳۹۶

دیگر منابع: الوافی ج ۱۲ ص ۴۰ / وسائل الشیعة ج ۱۱ ص ۲۱ / بحار الأنوار ج ۹۶ ص ۵۷

۵. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «يَزْعُمُ ابْنُ أَبِي حَمْرَةَ أَنَّ جَعْفَرَ زَعَمَ أَنَّ أَبِي الْقَائِمُ وَمَا عَلِمُ جَعْفَرٌ بِمَا يَحْدُثُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، فَوَ اللَّهُ لَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحْكِي عَنْ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ بَرٍّ وَلَا فَاجِرٍ يَفُفُّ بِجِبَالِ عَرَفَاتٍ فَيَدْعُو اللَّهَ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ، أَمَا الْبُرِّ فَيَفِي حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَمَا الْفَاجِرُ فَيَفِي أَمْرِ الدُّنْيَا.

هیچ نیکوکار و بدکاری در کوههای عرفات دعا نمی کند مگر اینکه خدا دعایش را می پذیرد. دعای نیکوکاران را در حوائج دنیا و آخرت و دعای بدکاران را در کار دنیا می پذیرد.

مصدر: قرب الاسناد ج ۱ ص ۳۷۴

دیگر منابع: مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۲۶ / بحار الأنوار ج ۹۶ ص ۲۵۱

۶. وَ عَنْ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَعْظَمُ أَهْلِ عَرَفَاتٍ جُزْأً مِنْ أَنْصَرَفَ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ.

پیامبر اکرم -صلى الله عليه وآله- فرمود: گناه کسی از همه بزرگتر است که از عرفات برگردد و خیال کند آمرزیده نخواهد شد.

مصدر: دعائم الإسلام ج ۱ ص ۳۲۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۹۶ ص ۲۴۸ / مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۲۹

۷. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ جَمِيعاً عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ خَالِدِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ سَدِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ دَاخِلٌ وَ أَنَا خَارِجٌ وَ أَخَذَ بِيَدِي ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْبَيْتَ فَقَالَ يَا سَدِيرُ إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُوا فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّبِعُونَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى.

سدیر گوید: زمانی که امام باقر علیه السلام وارد مسجد الحرام میشد و من خارج میشدم، دست مرا گرفت و رو بکعبه ایستاد و فرمود: ای سدیر! همانا مردم مأمور شدند که نزد این سنگها (کعبه) آیند و گرد آن طواف کنند. سپس نزد ما آیند و ولایت خود را نسبت بما اعلام دارند، و همینست گفته خدا «همانا من آمرزنده ام آنکه را ایمان آورد و کار شایسته کند و سپس رهبری شود.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۳۹۲

دیگر منابع: الوافی ج ۲ ص ۱۱۶ / تفسیر البرهان ج ۳ ص ۷۶۹ / بحار الأنوار ج ۴۷ ص ۳۶۴

۸. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ سِجَادَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا وَلِيْمَةَ إِلَّا فِي خَمْسٍ فِي عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِدَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رِكَازٍ فَأَمَّا الْعُرْسُ فَالتَّرْوِيجُ وَالْخُرْسُ النَّفَاسُ بِالْوَلَدِ وَالْعِدَارُ الْخِتَانُ وَالْوِكَارُ الَّذِي يَشْتَرِي الدَّارَ وَالرِّكَازُ الرَّجُلُ يَقْدَمُ مِنْ مَكَّةَ .

موسی بن بکر گوید: امام کاظم علیه السلام روایت نمود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهمانی دادن، فقط در پنج مورد شایسته است: در جشن عروسی، و در شادی تولد نوزاد، و در ختنه سوران، و در خرید منزل، و در بازگشت از سفر حج.

مصدر: معانی الأخبار ج ۱ ص ۲۷۲ / الخصال ج ۱ ص ۳۱۳ / من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۴۰۲

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲۰ ص ۹۵ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۵۷

پیوست شماره هفت: صوم

بخش اول: آیات

۱. سوره بقره آیه ۱۹۶: وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكِ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. و برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید و اگر [به علت موانعی] بازداشته شدید آنچه از قربانی میسر است [قربانی کنید] و تا قربانی به قربانگاه نرسیده سر خود را متراشید و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد [و ناچار شود در احرام سر بترشد] به کفاره [آن باید] روزه ای بدارد یا صدقه ای دهد یا قربانی بکند و چون ایمنی یافتید پس هر کس از [اعمال] عمره به حج پرداخت [باید] آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند] و آن کس که [قربانی] نیافت [باید] در هنگام حج سه روز روزه [بدارد] و چون برگشتید هفت [روز دیگر روزه بدارید] این ده [روز] تمام است این [حج تمتع] برای کسی است که اهل مسجد الحرام [=مکه] نباشد و از خدا بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است.

۲. سوره بقره آیه ۱۸۷: أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ.

در شبهای روزه همخوابگی با زنانان بر شما حلال گردیده است آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید خدا می دانست که شما با خودتان ناراستی میکردید پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت پس اکنون [در شبهای ماه رمضان می توانید] با آنان همخوابگی کنید و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید و در حالی که در مساجد معتکف هستید [با زنان] درنمایید این است حدود احکام الهی پس [زنهار به قصد گناه] بدان نزدیک نشوید این گونه خداوند آیات خود را برای مردم بیان می کند باشد که پروا پیشه کنند.

۳. سوره مائده آیه ۹۵: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بِالِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ.

ای کسانی که ایمان آورده اید در حالی که محرمید شکار را مکشید و هر کس از شما عمداً آن را بکشد باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفارہ ای بدهد که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند و به صورت قربانی به کعبه برسد یا به کفارہ [آن] مستمندان را خوراک بدهد یا معادلش روزه بگیرد تا سزای زشتکاری خود را بچشد خداوند از آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است و [لی] هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می گیرد و خداوند توانا و صاحب انتقام است.

۴. سوره نساء آیه ۹۲: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَفْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامًا شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.

و هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را جز به اشتباه بکشد و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده او خوبها پرداخت کند مگر اینکه آنان گذشت کنند و اگر [مقتول] از گروهی است که دشمنان شمایند و [خود] وی مؤمن است [قاتل] باید بنده مؤمنی را آزاد کند [و پرداخت خوبها لازم نیست] و اگر [مقتول] از گروهی است که میان شما و میان آنان پیمانی است باید به خانواده وی خوبها پرداخت نماید و بنده مؤمنی را آزاد کند و هر کس [بنده] نیافت باید دو ماه پیاپی به عنوان توبه ای از جانب خدا روزه بدارد و خدا همواره دانای سنجیده کار است.

۵. سوره مائده آیه ۸۹: لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَوْ هَلِيكُمُ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

خدا شما را به سوگندهای بیهوده تان مؤاخذه نمی کند ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می خورید [و می شکنید] شما را مؤاخذه می کند و کفارہ اش خوراک دادن به ده بینواست از غذاهای متوسطی که به کسان خود می خورانید یا پوشانیدن آنان یا آزاد کردن بنده ای و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد [باید] سه روز روزه بدارد این است کفارہ سوگندهای شما وقتی که سوگند خوردید و سوگندهای خود را پاس دارید این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند باشد که سپاسگزاری کنید.

۶. سوره مجادله آیه ۴: فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتِمَّاسًا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَأِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

و آن کس که [بر آزاد کردن بنده] دسترسی ندارد باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند باید شصت بینوا را خوراک بدهد این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید و این است حدود خدا و کافران را عذابی پردرد خواهد بود.

۷. سوره بقره آیه ۱۸۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.

ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که پرهیزگاری کنید.

بخش دوم: روایات

۱. صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْأَثَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْبُطْنِ عَنِ الطَّعَامِ .

روزه گرفتن دل از اندیشه کردن در گناهان، از روزه گرفتن شکم از غذا برتر است.

غرر الحکم ج ۱ ص ۴۲۲

۲. عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّائِمِ الصَّامِتِ .

فرمود آنکه بخورد و شکر کند برتر است از روزه دار خموش.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۴۳۵ / تحف العقول ج ۱ ص ۴۸

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۲۵۲ / بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۱۵۲ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۷۵

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الصَّائِمِ يَكْتَحِلُ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ لَيْسَ بِطَعَامٍ وَلَا شَرَابٍ .

محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام درباره روزه داری که بر خود سرمه می کشد فرمود: ایرادی ندارد، چراکه سرمه خوردنی و آشامیدنی نیست.

مصدر: الکافی ج ۴ ص ۱۱۱ / تهذیب الأحکام ج ۴ ص ۲۵۸ / الإستبصار ج ۲ ص ۸۹

دیگر منابع: الوافی ج ۱۱ ص ۱۸۹ / وسائل الشیعة ج ۱۰ ص ۷۴

۴. وَ عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَوْمِ تَأْسُوعَاءَ وَ عَاشُورَاءَ مِنْ شَهْرِ الْمُحَرَّمِ فَقَالَ تَأْسُوعَاءُ يَوْمٌ حُوصِرَ فِيهِ الْحُسَيْنُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَصْحَابُهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ بِكَرْبَلَاءَ وَ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ خَيْلُ أَهْلِ الشَّامِ وَ أَنَاخُوا عَلَيْهِ وَ فَرِحَ
 ابْنُ مَرْجَانَةَ وَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ بِتَوَافُرِ الْخَيْلِ وَ كَثْرَتِهَا وَ اسْتَضَعَفُوا فِيهِ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ
 أَصْحَابَهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ أَيَقْنُوا أَنْ لَا يَأْتِي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاصِرٌ وَ لَا يُمِدُّهُ أَهْلُ الْعِرَاقِ بِأَبِي
 الْمُسْتَضَعَفِ الْغَرِيبِ ثُمَّ قَالَ وَ أَمَّا يَوْمٌ عَاشُورَاءَ فَيَوْمٌ أَصِيبَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَرِيحاً بَيْنَ
 أَصْحَابِهِ وَ أَصْحَابِهِ صَرَغِي حَوْلَهُ عَرَاءَةً أَ فَصَوْمٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ كَلًّا وَ رَبُّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ مَا هُوَ يَوْمٌ
 صَوْمٌ وَ مَا هُوَ إِلَّا يَوْمٌ حُزْنٍ وَ مُصِيبَةٍ دَخَلَتْ عَلَى أَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَوْمٌ
 فَرِحَ وَ سُرُورٍ لِابْنِ مَرْجَانَةَ وَ آلِ زِيَادٍ وَ أَهْلِ الشَّامِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ بَكَتْ
 عَلَيْهِ جَمِيعُ بَقَاعِ الْأَرْضِ خَلَا بُقْعَةَ الشَّامِ فَمَنْ صَامَهُ أَوْ تَبَرَكَ بِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَ آلِ زِيَادٍ مَمْسُوحِ الْقَلْبِ
 مَسْخُوطِ عَلَيْهِ وَ مَنْ إِدْخَرَ إِلَى مَنْزِلِهِ ذَخِيرَةً أَغْقَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى نِفَاقاً فِي قَلْبِهِ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ وَ انْتَرَعَ الْبَرَكَةَ
 عَنْهُ وَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ وُلْدِهِ وَ شَارَكَهُ الشَّيْطَانُ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ .

عبد الملك گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد روزه تاسوعا و عاشورا ماه محرم پرسیدم.

فرمود: تاسوعا روزی است که امام حسین علیه السلام و یارانش - رضی الله عنهم - در کربلا محاصره شدند و آن روز لشکریان شام گرد هم آمدند و عرصه را به آن حضرت سخت گرفتند. ابن مرجانه و عمر بن سعد به انبوه لشکر خود خوشحال شدند. در آن روز امام حسین علیه السلام و یارانش - رضی الله عنهم - را ناتوان نمودند و یقین کردند که هیچ یار و یاورى بر امام علیه السلام نخواهد آمد و مردم عراق آن بزرگوار را یاری نخواهند کرد، پدرم فدای آن ناتوان غریب!

سپس فرمود: روز عاشورا، روزی است که امام حسین علیه السلام کشته شد و در میان یاران خود بر زمین افتاد و یاران حضرتش پیرامون او با تنهای برهنه بر زمین افتاده بودند. آیا می توان در چنین روزی روزه گرفت؟

هرگز، به پروردگار بیت الحرام سوگند! عاشورا، روز روزه نیست. آن روز، روز اندوه و مصیبت آسمانیان، زمینیان و همه مؤمنان است و روز خوشحالی و سرور ابن مرجانه و آل زیاد و شامیان است که خداوند بر آنها و فرزندان آنها خشم خواهد نمود. آن روزی است که همه سرزمین ها - جز سرزمین شام - گریه کردند.

از این رو، کسی که آن روز را مبارك شمارد، خداوند با آل زیاد با قلب مسخ شده و غضب شده محشور خواهد کرد و کسی که در آن روز توشه ای به خانواده اش ذخیره نماید خداوند تا روز ملاقات خود، قلب او را به نفاق مبتلا خواهد ساخت و برکت را از او و خانواده و فرزندانش برخواهد داشت و شیطان را در همه آنها شريك خواهد ساخت.

مصدر: الکافی ج ۴ ص ۱۴۷

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۴۵ ص ۹۵ / عوالم العلوم ج ۱۷ ص ۳۲۴

۵. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ الدَّهْرِ فَكَرِهَهُ وَ قَالَ لَا بَأْسَ أَنْ يَصُومَ يَوْمًا وَيُفْطِرَ يَوْمًا .

سماعه گوید: از امام علیه السلام در مورد روزه دهر پرسیدم.

حضرتش آن را ناپسند دانست و فرمود: اشکالی ندارد که انسان يك روز را روزه بدارد و روز دیگر افطار نماید.

مصدر: الكافي ج ۴ ص ۹۶

دیگر منابع: الوافي ج ۱۱ ص ۶۹ / وسائل الشيعة ج ۱۰ ص ۵۲۶

پیوست شماره هشت: ولایت

بخش اول: آیات

۱. سوره مائده آیه ۵۵: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.**

ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

۲. سوره احزاب آیه ۶: **التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا.**

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است و همسرانش مادران ایشانند و خویشاوندان [طبق] کتاب خدا بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند [و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدمند] مگر آنکه بخواهید به دوستان [مؤمن] خود [وصیت یا] احسانی کنید و این در کتاب [خدا] نگاشته شده است.

۳. سوره نساء آیه ۸۹: **وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا.**

همان گونه که خودشان کافر شده اند آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید تا با هم برابر باشید پس زنهار از میان ایشان برای خود دوستانی اختیار نکنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند پس اگر روی برتافتند هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان و از ایشان یار و یابری برای خود مگیرید.

۴. سوره نساء آیه ۱۴۴: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتْرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا.**

ای کسانی که ایمان آورده اید به جای مؤمنان کافران را به دوستی خود مگیرید آیا می خواهید علیه خود حجتی روشن برای خدا قرار دهید.

۵. سوره مائده آیه ۵۷: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُورًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.**

ای کسانی که ایمان آورده اید کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته اند [چه] از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [چه از] کافران دوستان [خود] مگیرید و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید.

۶. سوره ممتحنه آیه ۱: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ.

ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برمگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید و حال آنکه قطعا به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکه] بیرون می کنند که [چرا] به خدا پروردگارتان ایمان آورده اید اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده اید [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید داناترم و هر کس از شما چنین کند قطعا از راه درست منحرف گردیده است.

۷. سوره مائده آیه ۵۱: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد از آنان خواهد بود آری خدا گروه ستمگران را راه نمی نماید.

۸. سوره توبه آیه ۲۳ و ۲۴: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ.

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند [آنان را] به دوستی مگیرید و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمکارانند. بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده اید و تجارتی که از کسادش بیمناکید و سراهایی را که خوش می دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست داشتنی تر است پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی کند.

۹. سوره بقره آیه ۲۵۷: اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده اند آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می برد و [لی] کسانی که کفر ورزیده اند سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند که آنان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می برند آنان اهل آتشند که خود در آن جاودانند.

۱۰. سوره رعد آیه ۱۶: قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ.

بگو پروردگار آسمانها و زمین کیست بگو خدا بگو پس آیا جز او سرپرستانی گرفته اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند بگو آیا نابینا و بینا یکسانند یا تاریکیها و روشنایی برابرند یا برای خدا شریکانی پنداشته اند که مانند آفرینش او آفریده اند و در نتیجه [این دو] آفرینش بر آنان مشتبّه شده است بگو خدا آفریننده هر چیزی است و اوست یگانه قهار.

بخش دوم: روایات

۱. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ ابْنِ بِنِ عُثْمَانَ عَنِ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ .

امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکاة و روزه و حج و ولایت. و بچیزی مانند ولایت فریاد زده نشد، مردم آن چهار را گرفتند و - این - یعنی ولایت - را رها کردند.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۱۸

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۸۸ / اثبات الهداة ج ۱ ص ۱۱۶

۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ قَالَ: قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا الْعِلَّةُ فِي التَّكْبِيرَةِ عَلَى الْمَيِّتِ خَمْسٌ تَكْبِيرَاتٍ قُلْتُ رَوُّوا أَنَّهَا قَدْ أُسْتُتِقَتْ مِنْ خَمْسِ صَلَوَاتٍ فَقَالَ هَذَا ظَاهِرُ الْحَدِيثِ فَأَمَّا بَاطِنُهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ عَلَى الْعِبَادِ خَمْسَ فَرَائِضَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ

الْوَلَايَةَ فَجَعَلَ لِلْمَيِّتِ مِنْ كُلِّ فَرِيضَةٍ تَكْبِيرَةً وَاحِدَةً فَمَنْ قَبَلَ الْوَلَايَةَ كَبَّرَ خَمْسًا وَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْوَلَايَةَ كَبَّرَ أَرْبَعًا فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ تُكَبَّرُونَ خَمْسًا وَ مَنْ خَالَفَكُمْ يُكَبَّرُ أَرْبَعًا .

محمد بن الحسن رحمه الله عليه، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن عیسی، از کسی که ذکرش نموده، راوی می گوید: حضرت رضا علیه السلام فرمودند: علت این که بر میت پنج تکبیر می گویند چیست؟ عرض کردم: روایت می کنند که این پنج تکبیر از پنج نماز یومیه گرفته شده است. حضرت فرمودند: این ظاهر حدیث است، اما باطنش آن است که خداوند عز و جل پنج فریضه بر بندگان واجب نموده: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت، پس از هر فریضه ای برای میت یک تکبیر قرار داده است و کسی که ولایت را پذیرفته پنج تکبیر گفته و آن کس که ولایت را نپذیرفته چهار تکبیر می گوید و به خاطر همین است که شما بر اموات خود پنج تکبیر گفته و مخالفین شما چهار تکبیر بر امواتشان می گویند.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۳۰۴

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۷۸ ص ۳۴۴

۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقُنْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُبَارَكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : الْإِسْلَامُ عُرْيَانٌ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْوَفَاءُ وَ مَرْوَتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الْوَرَعُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اسلام عریان است و جامه آن حیاست و آراستگی آن وفاست و مروت آن کار نیک است و ستون آن پاکدامنی است. برای هر چیزی پایه ای است و پایه اسلام همانا دوست داشتن خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۸۶ / الکافی ج ۲ ص ۴۶ / الأمالی (للصدوق) ج ۱ ص ۲۶۸

دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۸۷ / الوافی ج ۴ ص ۱۴۲ / وسائل الشیعة ج ۱۵ ص ۱۸۴

۴. و باسناده: قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : حُبُّنَا إِيْمَانٌ ، وَ بَغْضُنَا نِفَاقٌ .

نبی مکرم اسلام سلام الله علیه فرمودند: دوست داشتن ما ایمان است و دشمنی با ما نشانه نفاق

بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۳۱۸ / عوالم العلوم ج ۱۵ ص ۱۶۷

۵. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مَا يَنْتَقِرُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَفْضَلُ مَا يَنْتَقِرُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ طَاعَةٌ

اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ وَ حُبُّ اللَّهِ وَ حُبُّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَوْلِي الْأَمْرِ وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ حُبُّنَا إِيْمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ .

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۱۵۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۲۷ ص ۹۱

۶. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَادَوَيْهِ الْمُؤَدَّبُ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: حَضَرَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ بِمَرْوَ وَ قَدْ اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسِهِ جَمَاعَةٌ مِنْ عُلَمَاءِ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ خُرَاسَانَ فَقَالَ الْمَأْمُونُ أَخْبِرُونِي عَنْ مَعْنَى هَذِهِ الْآيَةِ ثُمَّ أَوْرَثَنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ إِصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَقَالَتِ الْعُلَمَاءُ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ الْأُمَّةَ كُلَّهَا فَقَالَ الْمَأْمُونُ مَا تَقُولُ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا أَقُولُ كَمَا قَالُوا وَ لَكِنِّي أَقُولُ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ الْعِتْرَةَ الطَّاهِرَةَ فَقَالَ الْمَأْمُونُ وَ كَيْفَ عَنِ الْعِتْرَةِ مِنْ دُونِ الْأُمَّةِ فَقَالَ لَهُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ لَوْ أَرَادَ الْأُمَّةَ لَكَانَتْ أَجْمَعُهَا فِي الْجَنَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِي اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ثُمَّ جَمَعَهُمْ كُلَّهُمْ فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ الْآيَةَ فَصَارَتِ الْوِرَاثَةُ لِلْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ لَا لِغَيْرِهِمْ فَقَالَ الْمَأْمُونُ مِنَ الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ فَقَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ اتَّقِلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَ فِيهِمَا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ قَالَتِ الْعُلَمَاءُ أَخْبِرْنَا يَا أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الْعِتْرَةِ أَمْ هُمُ الْآهْلِ أَمْ غَيْرِ الْآهْلِ فَقَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمُ الْآهْلُ فَقَالَتِ الْعُلَمَاءُ فَهَذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُؤْتِرُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ قَالَ أُمَّتِي آلِي وَ هُوَ لِأَنَّ أَصْحَابَهُ يَقُولُونَ بِالْخَبَرِ الْمُسْتَفَاضِ الَّذِي لَا يُمَكِّنُ دَفْعَهُ أَلِ مُحَمَّدٍ أُمَّتُهُ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْبِرُونِي فَهَلْ تَحْرُمُ الصَّدَقَةُ عَلَى الْآهْلِ فَقَالُوا نَعَمْ قَالَ فَتَحْرُمُ عَلَى الْأُمَّةِ قَالُوا لَا قَالَ هَذَا فَرُقٌ بَيْنَ الْآهْلِ وَ الْأُمَّةِ وَ يَحْكُمُ أَيْنَ يُذْهِبُ بِكُمْ أَضْرَبْتُمْ عَنِ الذِّكْرِ صَفْحاً أَمْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ وَقَعَتِ الْوِرَاثَةُ وَ الطَّهَارَةُ عَلَى الْمُصْطَفَيْنِ الْمُهْتَدِينَ دُونَ سَائِرِهِمْ قَالُوا وَ مِنْ أَيْنَ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَالَ مِنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحاً وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ فَصَارَتِ وَرَاثَةُ النُّبُوَّةِ وَ الْكِتَابِ لِلْمُهْتَدِينَ دُونَ الْفَاسِقِينَ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ نُوحاً حِينَ سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَعَدَهُ أَنْ يُنْجِيَهُ وَ أَهْلَهُ فَقَالَ

رَبُّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا نُوحٌ ... إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ ضَالِحٍ فَلَا تَسْئَلُنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطِكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ فَقَالَ الْمَأْمُونُ هَلْ فَضَّلَ اللَّهُ الْعِتْرَةَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَانَ فَضَلَ الْعِتْرَةَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ وَ أَيْنَ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ثُمَّ رَدَّ الْمُخَاطَبَةَ فِي أَثَرِ هَذِهِ إِلَى سَائِرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ يَعْنِي الَّذِي فَرَضَهُمُ بِالْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ وَ حَسَدُوا عَلَيْهِمَا فَقَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا يَعْنِي الطَّاعَةَ لِلْمُصْطَفَيْنِ الطَّاهِرِينَ فَالْمُلْكُ هَاهُنَا هُوَ الطَّاعَةُ لَهُمْ فَقَالَتِ الْعُلَمَاءُ فَأَخْبَرْنَا هَلْ فَسَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْإِصْطِفَاءَ فِي الْكِتَابِ فَقَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَّرَ الْإِصْطِفَاءَ فِي الطَّاهِرِ سِوَى الْبَاطِنِ فِي إِثْنَيْ عَشَرَ مَوْطِنًا وَ مَوْضِعًا فَأَوَّلُ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ رَهْطَكَ الْمُخْلِصِينَ هَكَذَا فِي قِرَاءَةِ أَبِي بِنِ كَعْبٍ وَ هِيَ ثَابِتَةٌ فِي مُصْحَفِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَ هَذِهِ مَنْزِلَةٌ رَفِيعَةٌ وَ فَضْلٌ عَظِيمٌ وَ شَرَفٌ عَالٍ حِينَ عَنِى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ الْآلِ فَذَكَرَهُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَهَذِهِ وَاحِدَةٌ وَ الْآيَةُ الثَّانِيَةُ فِي الْإِصْطِفَاءِ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا وَ هَذَا الْفَضْلُ الَّذِي لَا يَجْهَلُهُ أَحَدٌ إِلَّا مُعَانِدٌ ضَالٌّ لِأَنَّهُ فَضْلٌ بَعْدَ طَهَارَةٍ تَنْتَظِرُ فَهَذِهِ الثَّانِيَةُ وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ فَحِينَ مَيَّرَ اللَّهُ الطَّاهِرِينَ مِنْ خَلْقِهِ فَأَمَرَ نَبِيَّهُ بِالْمَبَاهِلَةِ بِهِمْ فِي آيَةِ الْإِنْتِهَالِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ يَا مُحَمَّدُ فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهَلْ فَنجعل لعنت الله على الكاذبين فبرز النبي صلى الله عليه وآله وآله علياً وآله الحسن والحسين وفاطمة صلوات الله عليهم وقرن أنفسهم بنفسه فهل تذكرون ما معنى قوله و أنفسنا و أنفسكم قالت العلماء عنى به نفسه فقال أبو الحسن عليه السلام لقد غلظتم إنما عنى بها علي بن أبي طالب عليه السلام و مما يدل على ذلك قول النبي صلى الله عليه وآله وآله حين قال لئن تهينن بنو وليعة أو لأبعثن إليهم رجلاً كنفسى يعنى علي بن أبي طالب عليه السلام و عنى بالأبناء الحسن و الحسين عليهما السلام و عنى بالنساء فاطمة عليها السلام فهذه خصوصية لا يتقدمهم فيها أحد و فضل لا يلحقهم فيه بشر و شرف لا يسبقهم إليه خلق إذ جعل نفس علي عليه السلام كنفسه فهذه الثالثة و أما الرابعة فأخراجه صلى الله عليه وآله وآله الناس من مسجده ما خلا العترة

حَتَّى تَكَلَّمَ النَّاسُ فِي ذَلِكَ وَ تَكَلَّمَ الْعَبَّاسُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَرَكْتَ عَلِيًّا وَ أَخْرَجْتَنَا فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا أَنَا تَرَكْتُهُ وَ أَخْرَجْتُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ تَرَكَهُ وَ أَخْرَجَكُمْ
وَ فِي هَذَا تَبَيَّنَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ
مُوسَى قَالَتِ الْعُلَمَاءُ وَ أَيْنَ هَذَا مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ أَوْجِدُكُمْ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا وَ أَفْرُؤُهُ
عَلَيْكُمْ قَالُوا هَاتِ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَ أَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا الْقَوْمِ كَمَا
بِمِصْرَ بِيوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبَلَهُ فَبِي هَذِهِ الْآيَةِ مَنْزِلَةُ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَ فِيهَا أَيْضًا مَنْزِلَةُ
عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَعَ هَذَا دَلِيلٌ وَاضِحٌ فِي قَوْلِ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حِينَ قَالَ أَلَا إِنَّ هَذَا الْمَسْجِدَ لَا يَجِلُّ لِجَنْبِ إِلَّا لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آلِهِ قَالَتِ الْعُلَمَاءُ يَا أَبَا الْحَسَنِ هَذَا الشَّرْحُ وَ هَذَا الْبَيَانُ لَا يُوْجَدُ إِلَّا عِنْدَكُمْ
مَعَاشِرَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ وَ مَنْ يُنْكِرْ لَنَا ذَلِكَ وَ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ
أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا فَفِيمَا أَوْضَحْنَا وَ شَرَحْنَا مِنْ
الْفَضْلِ وَ الشَّرْفِ وَ التَّقْدِيمَةِ وَ الإِضْطِفَاءِ وَ الطَّهَارَةِ مَا لَا يُنْكِرُهُ إِلَّا مُعَانِدُو اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ فَهَذِهِ الرَّابِعَةُ وَ الْآيَةُ الْخَامِسَةُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ
خُصُوصِيَّةً خَصَّهُمُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ بِهَا وَ إِضْطَفَاهُمْ عَلَى الْأُمَّةِ فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ أَدْعُوا إِلَيَّ فَاطِمَةَ فَدَعَيْتَ لَهُ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ قَالَتْ لَبَّيْكَ
يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ هَذِهِ فَدُكِّ مِمَّا هِيَ لَمْ يُوجِفْ عَلَيْهِ بِالْخَيْلِ وَ لَا رِكَابٍ وَ هِيَ لِي خَاصَّةٌ
دُونَ الْمُسْلِمِينَ وَ قَدْ جَعَلْتَهَا لَكَ لِمَا أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ فَخُذِيهَا لَكَ وَ لَوْلَاكَ فَهَذِهِ الْخَامِسَةُ
وَ الْآيَةُ السَّادِسَةُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ هَذِهِ
خُصُوصِيَّةٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ خُصُوصِيَّةٌ لِلْأَهْلِ دُونَ غَيْرِهِمْ وَ ذَلِكَ
أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَكَى فِي ذِكْرِ نُوحٍ فِي كِتَابِهِ يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَآ إِنِ اجْرِي إِلَّا عَلَى
اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ لَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ وَ حَكَى عَزَّ وَ
جَلَّ عَنْ هُودٍ أَنَّهُ قَالَ يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنِ اجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ
وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ لِنَبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قُلْ يَا مُحَمَّدُ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ لَمْ يَفْرِضِ اللَّهُ تَعَالَى مَوَدَّتَهُمْ إِلَّا وَ قَدْ عَلِمَ أَنَّهُمْ لَا يَزِيدُونَ عَنِ الدِّينِ
أَبَدًا وَ لَا يَزِجُّونَ إِلَى ضَلَالٍ أَبَدًا وَ أُخْرَى أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ وَ إِذَا لِلرَّجُلِ فَيَكُونُ بَعْضُ أَهْلِ بَيْتِهِ
عَدُوًّا لَهُ فَلَا يَسْلَمُ لَهُ قَلْبُ الرَّجُلِ فَاحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ شَيْءٌ فَفَرَضَ عَلَيْهِمُ اللَّهُ مَوَدَّةَ ذَوِي الْقُرْبَى فَمَنْ أَحَذَ بِهَا وَ
أَحَبَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِهِ لَمْ يَسْتَطِعْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَ آلِهِ أَنْ يُبْغِضَهُ وَ مَنْ تَرَكَهَا وَ لَمْ يَأْخُذْ بِهَا وَ أَبْغَضَ أَهْلَ بَيْتِهِ فَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَ آلِهِ أَنْ يُبَغِّضَهُ لِأَنَّهُ قَدْ تَرَكَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَيُّ فَضِيلَةٍ وَ أَيُّ شَرَفٍ يَتَقَدَّمُ هَذَا أَوْ يُدَانِيهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذِهِ الْآيَةَ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي أَصْحَابِهِ فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ فَرَضَ لِي عَلَيْكُمْ فَرَضًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُؤَدُّوهُ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فِضَّةٍ وَ لَا ذَهَبٍ وَ لَا مَأْكُولٍ وَ لَا مَشْرُوبٍ فَقَالُوا هَاتِ إِذَا فَتَلَّا عَلَيْهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ فَقَالُوا أَمَا هَذِهِ فَنَعَمْ فَمَا وَفَىٰ بِهَا أَكْثَرُهُمْ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيًّا إِلَّا أَوْحَىٰ إِلَيْهِ أَنْ لَا يَسْأَلَ قَوْمَهُ أَجْرًا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُؤَفِّقُهُ أَجْرَ الْأَنْبِيَاءِ وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ طَاعَتَهُ وَ مَوَدَّةَ قَرَابَتِهِ عَلَى أُمَّتِهِ وَ أَمْرَهُ أَنْ يَجْعَلَ أَجْرَهُ فِيهِمْ لِيُؤَدُّوهُ فِي قَرَابَتِهِ بِمَعْرِفَةِ فَضْلِهِمُ الَّذِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ فِي الْمَوَدَّةِ إِنَّمَا تَكُونُ عَلَى قَدْرِ مَعْرِفَةِ الْفَضْلِ فَلَمَّا أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَىٰ ذَلِكَ ثَقُلَ ذَلِكَ لِثِقَلِ وَجُوبِ الطَّاعَةِ فَتَمَسَّكَ بِهَا قَوْمٌ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ عَلَى الْوَفَاءِ وَ عَانَدَ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَ التَّفَاقِ وَ الْأَحْدُوا فِي ذَلِكَ فَصَرَفُوهُ عَنْ حُدِّهِ الَّذِي حَدَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالُوا الْقَرَابَةُ هُمْ الْعَرَبُ كُلُّهَا وَ أَهْلُ دَعْوَتِهِ فَعَلَىٰ أَيِّ الْحَالَتَيْنِ كَانَ فَقَدْ عَلِمْنَا أَنَّ الْمَوَدَّةَ هِيَ لِلْقَرَابَةِ فَأَقْرَبُهُمْ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَوْلَاهُمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ كُلَّمَا قَرَبَتْ الْقَرَابَةُ كَانَتْ الْمَوَدَّةُ عَلَى قَدْرِهَا وَ مَا أَنْصَفُوا نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي حَيْطَتِهِ وَ رَأْفَتِهِ وَ مَا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَى أُمَّتِهِ مِمَّا تَعَجَّرُ الْأَلْسُنُ عَنْ وَصْفِ الشُّكْرِ عَلَيْهِ أَنْ لَا يُؤَدُّوهُ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ يَجْعَلُوهُمْ فِيهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْعَيْنِ مِنَ الرَّأْسِ حِفْظًا لِرَسُولِ اللَّهِ فِيهِمْ وَ حُبًّا لَهُمْ فَكَيْفَ وَ الْقُرْآنُ يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدْعُو إِلَيْهِ وَ الْأَخْبَارُ ثَابِتَةٌ بِأَنْتَهُمْ أَهْلُ الْمَوَدَّةِ وَ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ تَعَالَىٰ مَوَدَّتَهُمْ وَ وَعَدَ الْجَزَاءَ عَلَيْهَا فَمَا وَفَىٰ أَحَدٌ بِهَا فَهَذِهِ الْمَوَدَّةُ لَا يَأْتِي بِهَا أَحَدٌ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا إِلَّا اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي هَذِهِ الْآيَةِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ مُفَسَّرًا وَ مُبَيَّنًّا ثُمَّ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اجْتَمَعَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالُوا إِنَّ لَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَثْوًى فِي نَفَقَتِكَ وَ فِي مَنْ يَأْتِيكَ مِنَ الْوُفُودِ وَ هَذِهِ أَمْوَالُنَا مَعَ دِمَائِنَا فَاحْكُمْ فِيهَا بَارًا مَاجُورًا أَعْطِ مَا شِئْتَ وَ أَمْسِكْ مَا شِئْتَ مِنْ غَيْرِ حَرَجٍ قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ الرُّوحَ الْأَمِينَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ يَعْنِي أَنْ تَوَدُّوا قَرَابَتِي مِنْ بَعْدِي فَخَرَجُوا فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ مَا حَمَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَى تَرْكِ مَا عَرَضْنَا عَلَيْهِ إِلَّا لِيُحْتَنَّا عَلَى قَرَابَتِهِ مِنْ بَعْدِ إِنْ هُوَ إِلَّا شَيْءٌ افْتَرَاهُ فِي مَجْلِسِهِ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِهِمْ عَظِيمًا

فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الْآيَةَ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ فَبَعَثَ عَلَيْهِمُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ هَلْ مِنْ حَدِيثٍ فَقَالُوا إِي وَآلِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ قَالَ بَعْضُنَا كَلَاماً غَلِيظاً كَرِهْنَاهُ فَتَلَا عَلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْآيَةَ فَبَكَوْا وَاشْتَدَّ بَكَاءُهُمْ فَأَنْزَلَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ فَهَذِهِ السَّادِسَةُ وَآمَّا الْآيَةُ السَّابِعَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا التَّسْلِيمَ عَلَيْكَ فَكَيْفَ الصَّلَاةَ عَلَيْكَ فَقَالَ تَقُولُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَهَلْ بَيْنَكُمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ فِي هَذَا خِلَافٌ فَقَالُوا لَا فَقَالَ الْمَأْمُونُ هَذَا مِمَّا لَا خِلَافَ فِيهِ أَضْلاً وَ عَلَيْهِ إِجْمَاعُ الْأُمَّةِ فَهَلْ عِنْدَكَ فِي الْآلِ شَيْءٌ أَوْضَحُ مِنْ هَذَا فِي الْقُرْآنِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ نَعَمْ أَخْبَرُونِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَسُّ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَمَنْ عَنَى بِقَوْلِهِ يَسُّ قَالَتِ الْعُلَمَاءُ يَسُّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَشْكُ فِيهِ أَحَدٌ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْطَى مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِكَ فَضْلاً لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ وَضَفِيهِ إِلَّا مَنْ عَقَلَهُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ وَ قَالَ سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ قَالَ سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ وَ لَمْ يَقُلْ سَلَامٌ عَلَى آلِ نُوْحٍ وَ لَمْ يَقُلْ سَلَامٌ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ لَا قَالَ سَلَامٌ عَلَى آلِ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسُّ يَعْنِي آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ الْمَأْمُونُ لَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ فِي مَعْدِنِ الثُّبُوتِ شَرَحَ هَذَا وَ بَيَّانَهُ فَهَذِهِ السَّابِعَةُ وَ آمَّا الثَّامِنَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى فَقَرْنَ سَهْمَ ذِي الْقُرْبَى بِسَهْمِهِ وَ بِسَهْمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهَذَا فَضْلٌ أَيْضاً بَيْنَ الْآلِ وَ الْأُمَّةِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَهُمْ فِي حَيِّزٍ وَ جَعَلَ النَّاسَ فِي حَيِّزٍ دُونَ ذَلِكَ وَ رَضِيَ لَهُمْ مَا رَضِيَ لِنَفْسِهِ وَ اصْطَفَاهُمْ فِيهِ فَبَدَأَ بِنَفْسِهِ ثُمَّ تَتَى بِرَسُولِهِ ثُمَّ بِذِي الْقُرْبَى فِي كُلِّ مَا كَانَ مِنَ الْفِيءِ وَ الْعَنِيمَةِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا رَضِيَهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَفْسِهِ فَرَضِيَ لَهُمْ فَقَالَ وَ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَ إِعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى فَهَذَا تَأْكِيدٌ مُؤَكَّدٌ وَ أَثَرٌ قَائِمٌ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كِتَابِ اللَّهِ النَّاطِقِ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ وَ آمَّا قَوْلُهُ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ فَإِنَّ الْيَتِيمَ إِذَا انْقَطَعَ يَتُّهُ حَرَجٌ مِنَ الْغَنَائِمِ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيهَا نَصِيبٌ وَ كَذَلِكَ الْمَسْكِينُ إِذَا انْقَطَعَتْ مَسْكِنَتُهُ لَمْ يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنَ الْمَغْنَمِ وَ لَا يَحِلُّ لَهُ أَحَدُهُ وَ سَهْمُ ذِي الْقُرْبَى قَائِمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِيهِمْ لِلْغَنِيِّ وَ الْفَقِيرِ مِنْهُمْ لِأَنَّهُ لَا

أَحَدَ أَعْنَى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَجَعَلَ لِنَفْسِهِ مِنْهَا سَهْمًا وَ لِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَهْمًا فَمَا رَضِيَهُ لِنَفْسِهِ وَ لِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَضِيَهُ لَهُمْ وَ كَذَلِكَ الْفِيءُ مَا رَضِيَهُ مِنْهُ لِنَفْسِهِ وَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَضِيَهُ لِذِي الْقُرْبَى كَمَا أَجْرَاهُمْ فِي الْغَنِيمَةِ فَبَدَأَ بِنَفْسِهِ جَلَّ جَلَالُهُ ثُمَّ بِرَسُولِهِ ثُمَّ بِهِمْ وَ قَرَنَ سَهْمَهُمْ بِسَهْمِ اللَّهِ وَ سَهْمِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كَذَلِكَ فِي الطَّاعَةِ قَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَبَدَأَ بِنَفْسِهِ ثُمَّ بِرَسُولِهِ ثُمَّ بِأَهْلِ بَيْتِهِ كَذَلِكَ آيَةُ الْوَلَايَةِ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ فَجَعَلَ طَاعَتَهُمْ مَعَ طَاعَةِ الرَّسُولِ مَقْرُونَةً بِطَاعَتِهِ كَذَلِكَ وَ لَا يَتَّهِمُهُمْ مَعَ وَلَايَةِ الرَّسُولِ مَقْرُونَةً بِطَاعَتِهِ كَمَا جَعَلَ سَهْمَهُمْ مَعَ سَهْمِ الرَّسُولِ مَقْرُونًا بِسَهْمِهِ فِي الْغَنِيمَةِ وَ الْفِيءِ فَتَبَارَكَ اللَّهُ وَ تَعَالَى مَا أَعْظَمَ نِعْمَتَهُ عَلَى أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ فَلَمَّا جَاءَتْ قِصَّةُ الصَّدَقَةِ نَزَّ نَفْسَهُ وَ رَسُولَهُ وَ نَزَّ أَهْلَ بَيْتِهِ فَقَالَ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ فَهَلْ تَجِدُ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَنَّهُ سَمِيَ لِنَفْسِهِ أَوْ لِرَسُولِهِ أَوْ لِذِي الْقُرْبَى لِأَنَّهُ لَمَّا نَزَّ نَفْسَهُ عَنِ الصَّدَقَةِ وَ نَزَّ رَسُولَهُ وَ نَزَّ أَهْلَ بَيْتِهِ لَا بَلْ حَرَّمَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّ الصَّدَقَةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آلِهِ وَ هِيَ أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ لَا يَجُلُّ لَهُمْ لِأَنَّهُمْ طَهَّرُوا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ وَسَخٍ فَلَمَّا طَهَّرَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِضْطَفَاهُمْ رَضِيَ لَهُمْ مَا رَضِيَ لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا كَرِهَ لِنَفْسِهِ عَزَّ وَجَلَّ فَهَذِهِ الثَّامِنَةُ وَ أَمَّا التَّاسِعَةُ فَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ فَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ فَاسْأَلُونَا إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ فَقَالَتِ الْعُلَمَاءُ إِنَّمَا عَنَى اللَّهُ بِذَلِكَ الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ هَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ إِذَا يَدْعُونَا إِلَى دِينِهِمْ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ أَفْضَلُ مِنْ دِينِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ الْمَأْمُونُ فَهَلْ عِنْدَكَ فِي ذَلِكَ شَرْحٌ بِخِلَافِ مَا قَالُوهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ نَعَمْ الذِّكْرُ رَسُولُ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَهْلُهُ وَ ذَلِكَ بَيِّنٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَيْثُ يَقُولُ فِي سُورَةِ الطَّلَاقِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ فَالذِّكْرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ نَحْنُ أَهْلُهُ فَهَذِهِ التَّاسِعَةُ وَ أَمَّا الْعَاشِرَةُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي آيَةِ التَّحْرِيمِ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ الْآيَةُ فَأَخْبِرُونِي هَلْ تَصْلُحُ ابْنَتِي وَ ابْنَةُ ابْنِي وَ مَا تَتَّسَلُ مِنْ صُلْبِي لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا لَوْ كَانَ حَيًّا قَالُوا لَا قَالَ فَأَخْبِرُونِي هَلْ كَانَتْ ابْنَةُ أَحَدِكُمْ تَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا لَوْ كَانَ حَيًّا قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَفِي هَذَا بَيِّنٌ لِأَنِّي أَنَا مِنْ آلِهِ وَ لَسْتُمْ مِنْ آلِهِ وَ لَوْ كُنْتُمْ مِنْ آلِهِ لَحَرَّمَ عَلَيْهِ بَنَاتِكُمْ كَمَا حَرَّمَ عَلَيْهِ بَنَاتِي لِأَنِّي مِنْ آلِهِ وَ أَنْتُمْ مِنْ أُمَّتِهِ فَهَذَا فَرَقٌ بَيْنَ الْآلِ وَ الْأُمَّةِ لِأَنَّ الْآلَ مِنْهُ وَ الْأُمَّةُ إِذَا لَمْ تَكُنْ مِنَ الْآلِ فَلَيْسَتْ

مِنْهُ فَهَذِهِ الْعَاشِرَةُ وَ أَمَّا الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي سُورَةِ الْمُؤْمِنِينَ حِكَايَةً عَنْ قَوْلِ رَجُلٍ مُؤْمِنٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ وَ قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَ قَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ إِلَى تَمَامِ آيَةِ فَكَانَ ابْنُ خَالِ فِرْعَوْنَ فَنَسَبَهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِنَسَبِهِ وَ لَمْ يُضِفْهُ إِلَيْهِ بِدِينِهِ وَ كَذَلِكَ خُصِّصْنَا نَحْنُ إِذْ كُنَّا مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِوِلَادَتِنَا مِنْهُ وَ عَمَمَنَا النَّاسُ بِالَّذِينَ فَهَذَا فَرَقٌ بَيْنَ الْآلِ وَ الْأُمَّةِ فَهَذِهِ الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ وَ أَمَّا الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ فَقَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا فَخُصِّصْنَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهَذِهِ الْخُصُوصِيَّةِ إِذْ أَمَرْنَا مَعَ الْأُمَّةِ بِإِقَامَةِ الصَّلَاةِ ثُمَّ خُصِّصْنَا مِنْ دُونِ الْأُمَّةِ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَجِيءُ إِلَى بَابِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَعْدَ نُزُولِ هَذِهِ آيَةِ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَ حُضُورِ كُلِّ صَلَاةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ يَقُولُ الصَّلَاةَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَ مَا أَكْرَمَ اللَّهُ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيِّ الْأَنْبِيَاءِ بِمِثْلِ هَذِهِ الْكِرَامَةِ الَّتِي أَكْرَمَنَا بِهَا وَ خُصِّصْنَا مِنْ دُونِ جَمِيعِ أَهْلِ بَيْتِهِمْ فَقَالَ الْمَأْمُونُ وَ الْعُلَمَاءُ جَزَاكُمُ اللَّهُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ خَيْرًا فَمَا نَجِدُ الشَّرْحَ وَ الْبَيَانَ فِيهَا إِشْتَبَهَ عَلَيْنَا إِلَّا عِنْدَكُمْ .

ریان بن صلت گوید: حضرت رضا علیه السلام به مجلس مأمون در مرو حاضر شد. در آن مجلس عده‌ای از علمای عراق و خراسان حضور داشتند، مأمون گفت: معنی این آیه را برایم بگوئید: « ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا » (سپس کتاب را به عنوان ارث به کسانی از بندگانمان که آنان را برگزیده بودیم دادیم - فاطر: ۳۲) علماء گفتند: مراد خداوند تمامی امت است، مأمون گفت: یا ابا الحسن نظر شما چیست؟ حضرت فرمود: با آنان هم عقیده نیستیم، بلکه به نظر من: مراد خداوند عترت طاهره پیامبر بوده است، مأمون سؤال کرد: چطور نظر خداوند فقط عترت بوده، نه امت؟ حضرت فرمودند: زیرا اگر مراد تمام امت باشد، همگی آنان باید اهل بهشت باشند، زیرا خداوند می‌فرماید: « فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ » (بعضی از آنان به خود ستم می‌کنند و بعضی میانه‌رو هستند، و بعضی دیگر به اذن خدا در خیرات پیش قدمند و از دیگران سبقت می‌گیرند، این است فضل بزرگ - فاطر: ۳۲) سپس همه را اهل بهشت قرار داده و فرموده: « جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ » (الآیه) (بهشتهای دائمی که به آن وارد میشوند و دست بندهای طلا به آنان می‌دهند الخ - فاطر: ۳۳) پس وراثت مختص عترت طاهره است نه دیگران، مأمون گفت: عترت طاهره چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: همان کسانی که خداوند آنان را در کتابش این گونه وصف نموده: « إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا » (خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کرده، شما را پاک و مطهر نماید - احزاب: ۳۳) و آنان همان کسانی هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله در باره‌شان فرموده: « إِنِّي مَخْلَفٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابِ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي الْآلِ وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا، أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ ».

(من دو چیز گرانها را که کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم را در میان شما باقی می‌گذارم. آن دو از یک دیگر جدا نخواهند شد تا در حوض بر من وارد شوند، ببینید بعد من در مورد آن دو چه می‌کنید؟ ای مردم به آنان چیزی نیاموزید زیرا آنان از شما دانشمندترند). علما گفتند: ای ابا الحسن آیا عترت همان آل است، یا شامل افراد دیگری می‌گردد؟ حضرت فرمودند: آنان همان آل هستند، علما گفتند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند: اَمَّتْ مِنْ آلٍ مِنْ هَسْتَنْدِ، و این حدیث را صحابه به سند مستفیض (یعنی روایتی که از طرق مختلف نقل شده) و غیر قابل انکاری نقل کرده‌اند که: آل محمد صلی الله علیه و آله اَمَّتْ اویند. حضرت فرمودند: بگوئید بینم آیا صدقه (زکات واجب) بر آل حرام است؟ گفتند: بله، حضرت فرمودند: آیا صدقه بر اَمَّتْ حرام است؟ گفتند: خیر، حضرت فرمودند: این فرق بین آل و اَمَّتْ است، آخر شما را کجا می‌برند؟ آیا از قرآن روی گردان شده‌اید؟ یا از حدّ تجاوز نموده‌اید؟ آیا نمی‌دانید که مسأله وراثت و طهارت در مورد برگزیدگان هدایت یافته است نه دیگران؟! گفتند: از کجا این مطلب را می‌فرمائید یا ابا الحسن؟ فرمود: از این آیه: « وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ » (نوح و ابراهیم را فرستادیم و در نسل آن دو نبوت و کتاب را قرار دادیم، بعضی از آنان هدایت یافته‌اند و بیشترشان فاسقند - حدید: ۲۶) در نتیجه وراثت پیامبری و کتاب، مختص به هدایت یافتگان است نه فاسقین، آیا نمی‌دانید وقتی نوح از پروردگارش درخواست کرد و گفت: « رَبِّ إِنَّ إِيْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ » (خدایا پسر من جزء خانواده من است و وعده تو نیز حق است و تو بهترین حاکم‌هائی - هود: ۴۵) و این بدین جهت بود که خداوند عزّ و جلّ به او وعده داده بود که او و خانواده‌اش را نجات دهد، و خداوند در جواب فرمود: « قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْظَمُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ » (ای نوح! او از خانواده تو نیست، زیرا کار او کاری است ناشایست، پس چیزی را که نمی‌دانی از من درخواست نکن، تو را نصیحت می‌کنم که از جمله نادانان نباشی - هود: ۴۶). مأمون پرسید: آیا خداوند عترت را بر سایر مردم برتری داده است؟ حضرت فرمودند: خداوند عزّ و جلّ فضل عترت را بر سایر مردم در کتابش شرح داده است، مأمون گفت: در کجای قرآن است؟ حضرت فرمودند: در این آیه: « إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » (خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید، آنان نسلی هستند که از یک دیگر می‌باشند، و خداوند شنوا و داناست - آل عمران: ۳۴، ۳۳) و در جای دیگر می‌فرماید: « أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا » (آیا مردم به خاطر فضیلتی که خداوند به آنان داده است، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان پادشاهی بزرگ عطا نمودیم - نساء: ۵۴) سپس بعد از این آیه خطاب را به سایر مؤمنین متوجه نموده می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ » (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر اطاعت نمایید - نساء: ۵۹) یعنی همان کسانی که آنان را با کتاب و حکمت قرین کرده و بخاطر آن دو، مورد حسادت واقع شده‌اند، پس منظور از آیه شریفه « أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ

«الخ» اطاعت از برگزیدگان و پاکان است، و پادشاهی در این آیه، همانا اطاعت از ایشان است. علماء گفتند: بفرمایید آیا خداوند برگزیدن را در کتاب خویش تفسیر نموده است؟ حضرت فرمودند: برگزیدن را در ظاهر قرآن در دوازده موضع تفسیر فرموده است، و این غیر از مواردی است که در باطن و تأویل قرآن آمده است. مورد اول آیه شریفه: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» [و رهطک المخلصین] (فامیل نزدیک خود) و خویشان مخلص خود را انداز کن - شعراء: ۲۱۶) این آیه در قراءت ابی بن کعب به این گونه بوده است (یعنی با اضافه «و رهطک المخلصین») و نیز در مصحف عبد الله بن مسعود نیز موجود بوده است، و این مقامی است رفیع و فضلی است عظیم و شرافتی است بلند مرتبه، آنگاه که خداوند عز و جل با این کلام آل را مورد نظر قرار داد و برای رسول خدا ذکر فرمود: این اول آیه دوم در معنی برگزیدن: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» - (الآیه) (خداوند می خواهد رجز و پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک و مطهر نماید - احزاب: ۳۳) و این فضلی است که هیچ کس از آن بی اطلاع نیست و آن را انکار نمی کند مگر معاند گمراه، زیرا فضلی بالاتر از طهارت متصور نیست. این دوم آیه سوم: وقتی خداوند پاکان خلق خود را جدا نمود، و در آیه مباهله پیامبرش را امر فرمود که به همراه آنان اقدام به مباهله کند و فرمود: ای محمد! «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهُلْ فَتَجْعَلْ لِعَنْتِ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (بعد از اینکه در باب عیسی علیه السلام [حق را دانستی، هر که در این مورد با تو به بحث برخاست، به او بگو: بیائید پسران خودمان و پسران خودتان، و زنان خودمان و زنان خودتان و نیز خودمان و خودتان را فراخوانیم سپس دست به دعا برداریم و نفرین خدا را برای دروغگویان طلب کنیم - آل عمران: ۶۱)، بعد از این دستور الهی، حضرت رسول صلی الله علیه و آله، علی، حسن، حسین و فاطمه - صلوات الله علیهم - را بیرون آورده، آنها را با خود همراه ساخت، آیا می دانید معنای این عبارت چیست: «خودمان و خودتان»؟ علماء گفتند: حضرت رسول خودش را در نظر داشته است. حضرت رضا علیه السلام فرمودند: اشتباه می کنید، منظور آن جناب، علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است و دلیل بر این مطلب جمله ای است از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «این بنو ولیعه دست از این کارها بر می دارند یا مردی همانند خودم را به سوی آنان روان می کنم»، که منظور آن جناب، علی بن ابی طالب بوده است، و مراد از «ابناء» در آیه، حسن و حسین علیهما السلام است و مراد از «نساء» فاطمه علیها السلام. این، ویژگی و خصوصیتی است که هیچ کس در آن بر ایشان مقدم نیست و فضیلتی است که هیچ بشری در آن فضیلت به آنان نمی رسد، و شرفی است که احدی از مردم در آن شرف از آنان نمی تواند سبقت گیرد، زیرا نفس علی علیه السلام را همانند نفس خود قرار داده است، این سوم. و اما آیه چهارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه مردم بجز عترت خود را از مسجد خارج نمود، بگونه ای که مردم و حتی عباس عموی پیامبر در این موضوع زبان به اعتراض گشوده گفتند: علی را باقی گذارده، ما را خارج کردی! حضرت فرمودند: من نیستم که او را باقی گذارده و شما را خارج کرده ام، بلکه خداوند عز و جل چنین کرده است. مترجم گوید: در آغاز، مسجد النبوی به گونه ای ساخته شده بود که خانه های بعضی از اصحاب آن را احاطه کرده و هر یک از آنان، از خانه خود،

دری به مسجد باز کرده بودند، و چه بسا به حالت جنابت و برای غسل از منزل خارج شده و وارد مسجد النبّی می شدند و از آن عبور کرده، بیرون می رفتند، و از آنجا که در مسجد النبّی، شخص جنب، حتی عبوری هم نمی تواند گذر کند، لذا حضرت رسول صلی الله علیه و آله دستور فرمود تا همه، در خانه های خود را که به مسجد باز می شد بستند و از این حکم، علی علیه السلام را استثناء فرمود، و منظور از خارج کردن همه، همین بستن در خانه ها است که در تاریخ از آن به «سَدِّ ابواب» تعبیر شده است. و نکته قابل ذکر دیگر اینکه: عبّاس عموی پیامبر در قضیه «سَدِّ ابواب» هنوز ایمان نیاورده و در مکه زندگی میکرد، لذا باید گفت: لفظ عبّاس در این حدیث یا غیر از عموی پیامبر است و یا تصحیف شده و در اصل به جای «عبّاس» «بعض» و یا چیزی شبیه به آن بوده است. (پایان کلام مترجم) (ادامه ترجمه) و این مطلب، این فرمایش پیغمبر صلی الله علیه و آله را که به علی علیه السلام فرمود: «ای علی نسبت تو به من مانند نسبت هارون به موسی است» روشن می کند، علماء گفتند: این موضوع در کجای قرآن است؟ حضرت فرمودند: در این باره برایتان از قرآن شاهد می آورم و بر شما می خوانم، گفتند: بیاور، گفتند خدا فرماید: «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوِّءْ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ يَبُوتًا وَ اجْعَلُوا يَبُوتَكُمْ قِبْلَةً» (و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود در مصر، خانه هایی برگزینید و خانه های خود را قبله قرار دهید - یونس: ۸۷) در این آیه، نسبت هارون به موسی و نیز نسبت علی علیه السلام به رسول الله صلی الله علیه و آله مشخص شده است، و اضافه بر این، در این فرمایش حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود: «این مسجد برای هیچ جنبی جز محمد و آل او حلال نیست» دلیلی روشن و آشکار است. علماء گفتند: یا ابا الحسن! این شرح و بیان در جایی دیگر غیر از شما اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله، یافت نمی شود. حضرت فرمودند: کیست که این موقعیت ما را انکار کند؟! حال آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: «من شهر علم هستم و علی در آن شهر و هر کس بخواهد وارد شهر شود باید از درب آن وارد گردد» و در آنچه شرح و توضیح دادیم، نمونه هایی از فضل، شرف، برتری، برگزیدن الهی و طهارت و پاکیزگی هست که کسی جز افراد معاند آن را انکار نمی کنند، و خدا را بر این منزلت سپاس می گویم. این چهارم. آیه پنجم: آیه شریفه: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (حق خویشاوند را بده - اسراء: ۲۶) این آیه دلالت دارد بر خصوصیتی که خداوند عزیز جبار آنان را به آن اختصاص داده و بر سایر امت برگزیده است، آنگاه که این آیه نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه را نزد من فراخوانید، فاطمه را فرا خواندند، حضرت فرمود: ای فاطمه! حضرت فاطمه عرض کرد: بله یا رسول الله! حضرت فرمود: این فدک از جمله غنائمی است که بدون جنگ بدست آمده است و لذا (طبق حکم خدا) مال من است و سایرین در آن سهمی ندارند، و حال که خداوند مرا امر فرمود، آن را به تو بخشیدم، آن را بگیر، مال تو و فرزندان تو است. و این هم پنجم. آیه ششم: آیه شریفه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (بگو به خاطر رسالت اجری از شما نمی خواهم مگر دوستی خویشاوندان - شوری: ۲۰) این خصوصیتی است خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا روز قیامت و نیز خصوصیتی است خاص آل پیامبر و نه دیگران زیرا خداوند متعال در قرآن، از نوح علیه السلام نقل فرموده که: «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِي

إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (ای مردم به خاطر این رسالت و پیامبری مالی از شما نمی‌خواهم، اجر من با خداست و من مؤمنین را از خود طرد نمی‌کنم، آنها پروردگار خود را ملاقات خواهند کرد و در نظر من شما مردمی هستی نابخرد-هود: ۲۹) و خداوند از هود نیز نقل نموده است که او چنین گفت: « يَا قَوْمِ لَأَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بگو به خاطر رسالت اجر من از شما نمی‌خواهم اجر من با کسی است که مرا آفریده، آیا فکر نمی‌کنید؟-هود: ۵۱) ولی خداوند به پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بگو: « لَأَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (برای پیامبری خود از شما اجر من نمی‌خواهم جز دوستی خویشاوندان-شوری: ۲۳) و خداوند مودت آنان را واجب نفرمود مگر به این خاطر که دانست آنان هیچ‌گاه از دین برنمیگردند و به سوی گمراهی نخواهند رفت. نکته دیگر اینکه چه بسا انسان شخصی را دوست بدارد ولی بعضی از خانواده‌اش دشمن او باشد، و لذا قلب انسان تماماً نمی‌تواند او را خالصانه دوست بدارد، و خداوند دوست دارد در دل رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنین چیزی نباشد، لذا دوستی خویشان و نزدیکان رسول الله را بر آنان واجب کرده است و هر کس که به این دستور عمل کند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت را دوست بدارد، رسول خدا نمی‌تواند از او بدش بیاید، و هر کس این دستور را ترك کند و به آن عمل ننماید و اهل بیت را دوست نداشته باشد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله واجب است که او را دوست نداشته باشد، زیرا چنین شخصی یکی از واجبات الهی را ترك کرده است، حال چه فضل و شرفی بر این فضیلت تقدّم دارد یا با آن برابری می‌کند؟ خداوند آیه « قُلْ لَأَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» را نازل فرمود و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در بین اصحاب خود برخاست و حمد و ثنای الهی گفته، فرمود: ای مردم! خداوند برای من چیزی را بر شما واجب کرده است، آیا آن را انجام می‌دهید؟ کسی جوابش نداد، حضرت فرمود: ای مردم! (آن) طلا و نقره و خوردنی و نوشیدنی نیست، گفتند: خوب، حالا بگو آن چیست؟ حضرت هم آیه را بر ایشان تلاوت فرمود، آنان گفتند: این مطلب را می‌پذیریم، ولی بیشترشان به وعده خود عمل نکردند. و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود جز آنکه به او وحی کرد که از مردم اجر و مزد طلب نکند، زیرا خداوند پاداش انبیاء را تمام و کمال خواهد داد، و اما محمد صلی الله علیه و آله اطاعتش و دوستی خویشاوندان نزدیکش را بر امت واجب فرموده است، و به او دستور داده که اجر و مزد خود را، در حق خاندانش قرار دهد تا مردم آن اجر را به خاندان پیامبر اداء نمایند، و این کار فقط با شناخت فضل آنان که خداوند برای ایشان مقرر و واجب گردانده، امکان دارد، زیرا مودت و دوستی باندازه شناخت و معرفت فضائل است. و آنگاه که خداوند این محبت را واجب فرمود، از آنجا که وجوب اطاعت سنگین است، این امر نیز بر مردم سنگین آمد، و بعضی از مردم که خداوند پیمان وفاداری از آنان گرفته بود در عهد خود پایدار ماندند و اهل نفاق و دوری از حق به عناد و لجبازی پرداختند و در این مورد کافر گشتند، و آن را از حدّ و حدودی که خداوند معین فرموده بود، کنار زده و گفتند: منظور از خویشان تمام عربها و اهل دعوت حضرت هستند، ولی در هر حال، آنچه مسلم است این است که دوستی در باره خویشان واجب است، پس هر چه نزدیکی

و قرابت بیشتر باشد، اولویت بیشتری برای دوستی وجود دارد، و هر چه نسبت اشخاص به پیامبر نزدیکتر باشد، دوستی، بهمان مقدار بیشتر است، ولی با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد علاقه و مهربانی اش نسبت به خاندانش و منتهی که خداوند بر امتش نهاده که زبان از شکر آن عاجز است، به انصاف رفتار نکردند و آن را در حق فرزندان و خاندان پیامبر انجام ندادند، و موقعیت آنان را در بین خود همانند چشم در سر ندانستند، که این کار در واقع رعایت حال رسول الله صلی الله علیه و آله و نشانه محبت به او بود، چگونه؟! و حال آنکه قرآن در این باره سخن می گوید و به آن دعوت می نماید و اخبار و روایات در باره اینکه آنان اهل مودت می باشند و همان کسانی هستند که خداوند مودت آنان را واجب فرموده، و در آن مورد وعده پاداش داده است، مسلم و قطعی است، ولی کسی به وعده ای که در این مورد داده عمل نکرد، کسی این مودت را با حال اخلاص و ایمان ارائه نمی کند مگر اینکه مستوجب بهشت خواهد بود، زیرا خداوند در این آیه چنین می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» یعنی خویشانم را بعد از من دوست داشته باشید، همه خارج شدند و منافقان گفتند: پیشنهاد ما را به آن خاطر رد کرد که ما را برعایت حال خویشانم بعد از خود ترغیب نماید، این چیزی است که [محمد] در آن مجلس به دروغ و افتراء بیان داشت، و این سخن بزرگی بود که آنان بر زبان جاری کردند، سپس خداوند این آیه را نازل فرمود: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (آیا میگویند ساخته محمد است، بگو اگر من، آن سخن را به دروغ و افتراء بیان کرده باشم، ضررش متوجه خود من است و شما نمی توانید در مقابل خداوند مرا حفظ کنید، او به آنچه در باره آن بیحث و سخن می پردازید آگاه تر است، بین من و شما همان بس که خدا شاهد باشد، و او آمرزنده و مهربان است - احقاف: ۸) مترجم گوید: «این آیه از سوره احقاف بوده و يك مطلب کلی میباشد و سیاق آیات قبل و بعد آن نیز در خطاب با مشرکین و منکرین نبوت حضرت است و کلاً در شهر مکه روی سخن با مشرکین بوده است نه منافقین و آیه شریفه سوره شوری مدنی است (به تفسیر مجمع البیان ذیل سوره شوری مراجعه شود) لذا نسبت دادن این نحوه استدلال به حضرت رضا - علیه السلام - صحیح نیست، البته میتوان چنین احتمال داد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از سخن منافقین آیه سوره احقاف را تلاوت فرمودند، نه اینکه این آیه در آن زمان نازل شده است، و راوی، از این نکته غفلت نموده است». باری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آنان را احضار نموده، فرمود: آیا اتفاقی افتاده است؟ گفتند: بله یا رسول الله! عده ای از ما سخن ناشایستی گفته اند که ما نیز خوشمان نیامد، در این موقع حضرت، آیه را بر آنان تلاوت فرمود، آنان سخت بگریه افتادند خداوند این آیه را نازل فرمود: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ» (اوست که از بندگانش توبه می پذیرد و از بدی ها گذشت می کند و آنچه را انجام می دهید، می داند - شوری: ۲۵) این ششم. و اما آیه هفتم: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (خداوند و ملائکه اش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی

که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستاده، سلام کنید- احزاب: ۵۶) مردم گفتند: یا رسول الله! نحوه سلام کردن بر شما را می‌دانیم، ولی نحوه درود فرستادن بر شما را بفرمایید چگونه است؟ فرمود: این چنین می‌گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ وَ عَلَيَّ آلِ اِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستاده‌ای، تو ستوده و بزرگ هستی) حال آیا در این مورد سخنی دارید؟ همه گفتند: نه. مأمون گفت: این مطلب از جمله مطالبی است که اختلافی در آن نیست و همه امت بر آن اتفاق دارند. ولی آیا آیه واضحتی از قرآن در مورد آل بیاد دارید؟ حضرت فرمودند: بله، «یس* وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ* إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ* عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (یس، قسم به قرآن حکیم تو از پیامبران هستی و در راه مستقیم قرار داری- یس: ۱ الی ۴) بگوئید بینم منظور از یس چیست؟ علماء گفتند: یس، محمد صلی الله علیه و آله است، کسی در این باره شك ندارد. حضرت فرمودند: خداوند عزّ و جلّ به محمد و آل محمد فضلی عنایت فرموده است که هیچ کس بکنه وصف آن نمیرسد مگر کسی که خوب در آن بیندیشد، زیرا خداوند عزّ و جلّ بر هیچ کس جز بر انبیاء خدا علیهم السّلام سلام نفرستاده است. خداوند میفرماید: «سَلَامٌ عَلَي نُوْحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ» (سلام و درود بر نوح باد در بین مردم- صافات: ۷۹) و نیز فرموده است: «سَلَامٌ عَلَي اِبْرَاهِيْمَ» (سلام و درود بر ابراهیم- صافات: ۱۰۹) و نیز می‌فرماید: «سَلَامٌ عَلَي مُوسَى وَ هَارُونَ» (سلام و درود بر موسی و هارون- صافات: ۱۲۰) ولی نفرموده است: سلام بر آل نوح و نه، سلام بر آل ابراهیم و نه سلام بر آل موسی و هارون، ولی فرموده است: «سَلَامٌ عَلَي آلِ يَاسِيْنَ» (سلام بر آل یاسین- صافات: ۱۳۰) یعنی آل محمد علیهم السّلام. در این موقع مأمون گفت: دانستم که شرح و بیان این نکته نیز نزد معدن نبوت (اهل بیت) است. این هفتمی. مترجم گوید: «این کلمه یعنی «آل یاسین» در تمامی قرآنها (مصحف) به این شکل نوشته شده است: «آل یاسین»، و لذا در نحوه تلفظ آن بین قراء اختلاف است. نافع مدنی و ابن عامر شامی که هر دو از قراء سبعة میباشند، و نیز یعقوب بصری که از قراء عشرة است این کلمه را به صورت «آل یاسین»، و بقیه قراء (عاصم کوفی، حمزه کوفی، کسائی کوفی، ابو عمرو بصری، ابن کثیر مکی، ابو جعفر مدنی، و خلف کوفی) به صورت «إل یاسین» خوانده‌اند پس بنا بر این در توجیه قراءت «إل یاسین» سه وجه قابل طرح است: الف- الیاسین جمع الیاس است و مراد او و امتش می‌باشد. ب- مراد الیاسیین است، یعنی در اصل این کلمه با یاء نسبت است که حذف شده است مثل کلماتی مانند: أعجمین و اشعرین. ج- الیاس و الیاسین دو لهجه و دو طرز تلفظ برای يك کلمه‌اند، مثل جبریل و جبرئیل، میکال و میکائیل. و ایضا در توجیه قراءت «آل یاسین» گفته‌اند: چون «آل» از «یاسین» جدا نوشته شده است پس ناچار باید دو کلمه باشند. (ملخصاً از مجمع البیان ذیل همین آیه) به نظر می‌رسد تفسیر «آل یاسین» به «آل یس» یعنی «آل محمد»- صلی الله علیه و آله- اگر نسبتش به امام- علیه السّلام- قابل خدشه نباشد، می‌باید از قبیل تأویل و بطن باشد و إلاً از نظر تنزیل و ظاهر آیه شریفه این تفسیر بعید به نظر می‌رسد زیرا: اگر دلیل صحت «آل یاسین» رسم المصحف آن باشد پس باید بگوئیم: «یاسین» در این آیه، غیر از «یس» در سوره مبارکه «یس» است، زیرا رسم الخط آن دو با هم متفاوت

است. ثانياً: آیات قبل و بعد در باره حضرت ایاس - علی نبینا و آله و علیه السّلام - است. همان طور که آیات قبل در باره نوح و ابراهیم و موسی و هارون بوده است و خداوند در آخر هر قسمت بر آن انبیاء - علیهم السّلام - درود فرستاده است، در این قسمت نیز نظم آیات حکم می‌کند که سلام بر ایاس باشد نه دیگری، خصوصاً که در آیه قبل از این آیه می‌فرماید «و تَرَکْنَا عَلَیْهِ فِی الْآخِرِیْنَ» و مراد از ضمیر «ه» در «علیه» بلا شک حضرت ایاس است. کما اینکه در مورد حضرت نوح و موسی و هارون - علیهم السّلام - عین همین تعبیر بکار رفته است. در هر حال به نظر می‌رسد که قراءت ارجح، قراءت عاصم، حمزه، کسائی و دیگر کسانی است که با آنان در این قراءت مشترکند. و بهترین توجیه آن، توجیه بند «ج» است، و اما قراءت «آل یاسین» هر چند جایز است چون ائمه علیهم السّلام جواز قراءت به قراءات مختلف را امضا فرموده‌اند ولی ظاهر آن مخالف ظاهر آیات است. و اگر نسبت آن به امام علیه السّلام صحیح باشد ما نفیاً و اثباتاً در آن تکلم نکرده و علم آن را به امام علیه السّلام موکول می‌دانیم (پایان کلام مترجم). (ادامه ترجمه) و اما هشتم آیه شریفه: «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبَىٰ» (بدانید هر منفعتی بدست آورید یک پنجم آن متعلق است به خدا و رسول و خویشاوندان - انفال: ۶۱) و با این بیان سهم خویشاوندان (حضرت رسول) را به سهم خود و به سهم رسول الله - صلی الله علیه و آله - قرین ساخته است، و همچنین است مسکین، هر گاه فقر و فاقه اش منتفی گردد بهره‌ای از غنیمت نخواهد داشت و برای او حلال نیست که از آن چیزی برگردد. ولی سهم «ذی القربی» تا قیامت برپا بوده، در حق آنان جاری است، چه غنی باشند چه فقیر، زیرا هیچ کس از خدا و رسولش صلی الله علیه و آله غنی‌تر نیست و با این حال سهمی از غنیمت برای خود و رسولش صلی الله علیه و آله در نظر گرفته است. پس آنچه برای خود و رسولش صلی الله علیه و آله پسندیده، برای ایشان نیز پسندیده است. و همچنین است «فیء» (غنیمتهایی که بدون خونریزی و جنگ بدست آمده) هر آنچه از آن را برای خود و پیامبرش صلی الله علیه و آله پسندیده، برای «ذی القربی» نیز پسندیده است، کما اینکه در غنیمت برای آنان سهم قرار داده است و از خود آغاز کرده و بعد رسولش را ذکر نموده و سپس آنان را و سهم آنان را به سهم خدا و سهم رسولش صلی الله علیه و آله قرین کرده است. و همچنین است در اطاعت، خداوند می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و نیز پیامبر و اولی الامر (یعنی کسانی که کارها بدست آنان است) اطاعت کنید - نساء: ۵۹) (یعنی ائمه اهل البیت علیهم السّلام) خداوند در این آیه نیز از خود آغاز کرده، سپس رسول و آنگاه اهل بیت او را ذکر نموده است، و همچنین است آیه ولایت: «إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِیْنَ آمَنُوا الَّذِیْنَ یُتَّقُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ زَاكُونَ» (ولی و سرپرست شما، فقط این اشخاص هستند: خدا، پیامبرش و آن مؤمنینی که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند - مائده: ۵۵) پس اطاعت آنان و اطاعت رسول اکرم را همراه و قرین اطاعت خود گرداند، همچنین ولایت آنان را همراه ولایت حضرت رسول و قرین اطاعت (ولایت) خود نموده است، کما اینکه سهم آنان را همراه با سهم رسول اکرم از غنیمت و «فیء» با سهم خویش قرین گردانید. پاک و منزّه است خدا، چه عظیم است نعمت او بر اهل این خانه! اما در قضیه صدقات

هم خود را منزّه دانسته و هم رسول اکرم و اهل بیتش را خداوند میفرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ» (صدقات فقط متعلق است به این افراد: فقراء، مساکین، کسانی که در امر جمع آوری صدقه و زکات کار می کنند، آنان که با دادن پول به ایشان، به اسلام رو می آورند یا در اسلام خود پایدارتر می مانند، برای آزاد کردن بردگان، بدهکارانی که قادر به پرداخت دیون خود نیستند، در راه خدا (از جمله برای جهاد) و نیز کسانی که در راه یا سفر مانده اند و هزینه بازگشت به وطن خود را ندارند، خرج کردن زکات در این راهها، فریضه ای است از جانب خدا- توبه: ۶۰) آیا در بین این موارد، موردی هست که خود یا رسولش یا خویشان او را نام برده باشد؟ زیرا وقتی خود را از صدقه منزّه دانست و پیامبر و اهل بیتش را نیز منزّه دانست بلکه بر آنان حرام نمود، زیرا صدقه (زکات واجب) بر محمد و آل او- علیهم السلام- حرام است، زکات در واقع چرک های دست مردم است و بر آنان حلال نیست، زیرا آنان از هر کثیف و پلیدی پاک شده اند و آنگاه که خداوند عزّ و جلّ آنان را پاک نمود و برگزید، برای آنان همان را پسندید که برای خود پسندید و همان چیز را بد دانست که برای خود بد دانست. این هشتم. و اما آیه نهم، ما همان «أَهْلَ الذِّكْرِ» «هستیم که قرآن می فرماید: «فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (پس اگر نمی دانید از اهل ذکر سؤال کنید- نحل: ۶۳) ما اهل ذکر هستیم، پس اگر نمی دانید، از ما سؤال کنید. علما گفتند مقصود خدا از اهل الذکر یهود و نصاری هستند، حضرت فرمودند: سبحان الله! آیا چنین چیزی جایز است؟ در این صورت آنان ما را به دین خود دعوت خواهند کرد و خواهند گفت: آن دین، از اسلام بهتر است. (یعنی آیه اطلاق دارد، و در مورد نزول که تصدیق صحّت قول پیغمبر است اهل ذکر ممکن است اهل کتاب باشند، اما در مورد فهم دین مبین اسلام مسلماً یهود و نصاری نیستند، و اهل بیت معصومین علیهم السلام میباشند که اهل ذکرند). مأمون گفت: آیا در این باره توضیحی دارید بر خلاف گفته علماء؟ حضرت فرمودند: بله، «ذکر» رسول الله است و ما نیز اهل (و خانواده) او هستیم. این مطلب در قرآن در سوره طلاق کاملاً روشن است، آنجا که می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ» (پس بترسید از خدا، ای عاقلان، ای کسانی که ایمان آورده اید، خداوند بر شما ذکر فرستاده، یعنی رسولی که آیات روشن الهی را بر شما تلاوت می کند- طلاق: ۱۱، ۱۰) پس ذکر، رسول خدا صلی الله علیه و آله است و ما هم اهل (خاندان) او هستیم. این نهم. و اما آیه دهم، آیه ای از سوره نساء است که می فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ» (مادران، دختران و خواهران شما بر شما حرام شد- نساء: ۲۳) حال بگوئید: آیا اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله الآن در قید حیات بودند، دختر من و دختر پسر من و سایر دخترانی که از نسل من هستند برایشان حلال بودند؟ گفتند: خیر، حضرت فرمودند: حال بگوئید آیا دختران شما- بر فرض اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله در قید حیات باشند- برایشان حلالند؟ گفتند: بله، حضرت فرمودند: این خود دلیل است بر اینکه من از آل آن حضرت هستم و شما از آل او نیستید و اگر شما از آل او بودید، دخترانتان برایشان حرام بود همان طور که دختران من برایشان حرامند، چون من از آل او هستم و شما از امت او هستید، این نیز فرقی دیگر بین آل و امت، زیرا آل

از اوست و امت اگر از آل نباشد از او نیست. این دهم. و اما آیه یازدهم: آیه ای است در سوره مؤمن که خداوند از قول مردی مؤمن از آل فرعون نقل می‌فرماید: « وَ قَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ » (مردی مؤمن از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌کرد، گفت: آیا مردی را بخاطر اینکه می‌گوید رب من الله است می‌کشید؟ و حال آنکه دلائل روشنی از ناحیه پروردگارتان برایتان آورده است- مؤمن: ۲۸) تا آخر آیه. این مرد پسر خاله فرعون بود و خداوند او را به فرعون منسوب نمود و نه به دین او، ما نیز چنین هستیم، زیرا ما به خاطر اینکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شده‌ایم از آل آن حضرت هستیم، و در دین با بقیه مشترکیم، این فرق بین آل و امت است، این یازدهم. و اما آیه دوازدهم: « وَ أُمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَبْرُ عَلَيْهَا » (خاندانت را به نماز امر کن و بر آن پایداری نما- طه: ۱۳۲) این ویژگی خاص ماست که ما را همراه امت امر به اقامه نماز فرموده، سپس جدای از سایر امت این ویژگی را به ما داده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از نزول این آیه، به مدت نه ماه هر روز در وقت نماز- پنج نوبت، به در خانه علی و فاطمه علیهما السلام می‌آمدند و می‌فرمودند: نماز، لطف و رحمت خداوند بر شما باد! و خداوند هیچ يك از اولاد انبیاء را به چنین کرامتی که ما را بدان گرامی داشته، اکرام نکرده است و تنها ما را از خاندان انبیاء مخصوص نموده. در اینجا، مأمون و علمای حاضر در مجلس گفتند: خداوند به نیابت از این امت، به شما اهل بیت جزای خیر عنایت فرماید. ما در مطالبی که بر ما مشتبه می‌شود، شرح و بیان را جز نزد شما نمی‌یابیم.

مصدر: عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۲۸ / الأملی (للصدوق) ج ۱ ص ۵۲۲ / تحف العقول ج ۱ ص ۴۲۵

دیگر منابع: بشارة المصطفی (ص) ج ۱ ص ۲۲۸ / بحار الأنوار ج ۲۵ ص ۲۲۰

پیوست شماره نه: مرجعیت و جامعیت علمی مطلقه قرآن و روایات

بخش اول: آیات

۱. وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ. سوره نحل آیه ۸۹

و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم.

۲. لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. سوره یوسف آیه ۱۱۱

به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می آورند رهنمود و رحمتی است.

۳. وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. سوره یونس آیه ۳۷

و چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق [کننده] آنچه پیش از آن است می باشد و توضیحی از آن کتاب است که در آن تردیدی نیست [و] از پروردگار جهانیان است

۴. وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ. سوره انعام آیه ۳۸

و هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند مگر آنکه آنها [نیز] گروه هایی مانند شما هستند ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده ایم سپس [همه] به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید.

۵. وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. سوره انعام آیه ۵۹

و کلیدهای غیب تنها نزد اوست جز او [کسی] آن را نمی داند و آنچه در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است.

بخش دوم: روایات

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِي إِسْحَاقَ ثَعْلَبَةَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِسَلْمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عُثَيْبَةَ شَرِّقًا وَ غَرْبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

امام باقر علیه السلام: به شرق و غرب عالم بروید هیچ علم درستی را نمی یابید مگر آنکه از نزد ما اهل بیت خارج شده باشد.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۳۹۹ / بصائر الدرجات ج ۱ ص ۱۰ / رجال الکشی ج ۱ ص ۲۰۹

دیگر منابع: الوافی ج ۳ ص ۶۰۹ / وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۴۷۷ / بحار الانوار ج ۲ ص ۹۲

۲. مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَمْضُونَ الثَّمَادَ وَيَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ قِيلَ لَهُ وَ مَا النَّهْرُ الْعَظِيمُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْعِلْمُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سُنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ آدَمَ وَ هَلَمَّ جَرًّا إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قِيلَ لَهُ وَ مَا تِلْكَ السُّنَنُ قَالَ عِلْمُ النَّبِيِّينَ بِأَشْرِهِ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَيَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمَ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِسْمَعُوا مَا يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ مَسَامِعَ مَنْ يَشَاءُ إِنِّي حَدَّثْتُهُ أَنَّ اللَّهَ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عِلْمَ النَّبِيِّينَ وَ أَنَّهُ جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَسْأَلُنِي أَوْ أَعْلَمُ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ.

امام باقر علیه السلام فرمود: مردم رطوبت را می مکند و نهر بزرگ را رها می کنند، عرض شد: نهر بزرگ چیست؟ فرمود: رسول خداست و علمی که خدا به او عطا فرموده است. همانا خدای عز و جل سنتهای تمام پیغمبران را از آدم تا برسد به خود محمد صلی الله علیه و آله برای او گرد آورد، عرض شد آن سنتها چه بود؟ فرمود: همه علم پیغمبران، و رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام آن را به امیر المؤمنین علیه السلام تحویل داد. مردی عرض کرد: ای پسر پیغمبر! امیر المؤمنین أعلم است یا بعضی از پیغمبران؟ امام باقر (به اطرافیان توجه کرد و) فرمود: گوش دهید این مرد چه می گوید؟! - همانا خدا گوشهای هر که را خواهد باز می کند - من به او میگویم: خدا

علم تمام پیغمبران را برای محمد صلی الله علیه و آله جمع کرد و آن حضرت همه را به امیر المؤمنین تحویل داد، باز او از من میپرسد که علی أعلم است یا بعضی از پیغمبران (و نمی فهمد که معنی سخن من این است که آنچه همه پیغمبران می دانستند علی به تنهایی می دانست).

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۲۲۲ / بصائر الدرجات ج ۱ ص ۲۲۸

دیگر منابع: الوافی ج ۳ ص ۵۵۱ / بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۵۹ / المناقب ج ۲ ص ۳۷ / تفسیر نورالثقلین ج ۱ ص ۴۷۰

۳. عَلِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ .

و فرمود: چیزی نیست جز آنکه در باره اش آیه قرآن یا حدیثی هست.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۵۸

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۷۴ / تفسیر الصافی ج ۱ ص ۲۵۶ / الفصول المهمه ج ۱ ص ۴۸۰ / اثبات الهداه ج ۱ ص ۷۹

۴. حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ خَيْثَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ يَكُونُ شَيْءٌ لَا يَكُونُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قَالَ لَا قَالَ قُلْتُ فَإِنْ جَاءَ شَيْءٌ قَالَ لَا حَتَّى أَعَدْتُ عَلَيْهِ مَرَارًا فَقَالَ لَا يَجِيءُ ثُمَّ قَالَ بِأَصْبَعِهِ بِتَوْفِيقٍ وَتَسْهِيدٍ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ .

به امام صادق گفتم: چیزی هست که در کتاب و سنت رهنمود و توضیحی درباره ی آن نیامده باشد؟ فرمودند نه. گفتم اگر چیزی بیاید چه؟ فرمود نمی آید. چندین بار این سوال را تکرار کردم. حضرت در پاسخ فرمودند (چیزی بی راه حل پدید) نمی آید.

مصدر: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۸۸

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۲ ص ۱۷۵

۵. حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعٍ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَيِّ شَيْءٍ يُفْتِي الْإِمَامُ قَالَ بِالْكِتَابِ قُلْتُ فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قُلْتُ فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ قَالَ فَكَّرْتُ مَرَّةً أَوْ اثْنَتَيْنِ قَالَ يُسَدِّدُ وَ يُوقِّفُ فَأَمَّا مَا تَطُنُّ فَلَا .

به نقل از سوره ابن کلیب، با امام صادق گفتیم امام به کمک چه چیزی فتوا می دهد؟ فرمودند با کتاب خدا. گفتیم اگر چیزی در کتاب خدا نباشد چه؟ فرمودند با سنت. گفتیم اگر چیزی نه در کتاب خدا باشد و نه در سنت چه؟ فرمودند هیچ چیز نیست مگر اینکه در کتاب و سنت درباره آن وجود دارد.

مصدر: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۸۷

دیگر منابع: الفصول المهمة ج ۱ ص ۵۰۸ / بحار الانوار ج ۲ ص ۱۷۵

۶. وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ مَنْ عِنْدَنَا مِمَّنْ يَتَفَقَّهُ يَقُولُونَ يَرِدُ عَلَيْنَا مَا لَا نَعْرِفُهُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ فَتَقُولُ فِيهِ بَرَأَيْنَا فَقَالَ كَذَبُوا لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ جَاءَ فِي الْكِتَابِ وَجَاءَتْ فِيهِ السُّنَّةُ .

به نقل از سعید ابن عبدالله اعرج: به امام صادق گفتیم: فقهای ناحیه ما می گویند با مسائلی از روبرو می شویم که حکم آنرا در کتاب خدا و سنت پیامبر نمی یابیم از این رو بر اساس رأی خودمان نظر می دهیم. حضرت فرمودند: دروغ می گویند. هیچ چیز نیست مگر اینکه در کتاب آمده و در سنت توضیح دارد.

مصدر: بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۰۱ / الاختصاص ج ۱ ص ۲۸۱

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۲ ص ۳۰۴ / مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۲۵۸

۷. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي خُطْبَتِهِ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ وَآمَرْتُكُمْ بِهِ .

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم! به خدا چیزی نبود که شما را به دوزخ نزدیک و از دوزخ دور کند، جز آنکه بدان دستورتان دادم، و چیزی نبود که شما را به بهشت نزدیک و از بهشت دور کند، جز آنکه از آن نهیتان کردم.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۷۴ / المحاسن ج ۱ ص ۴۳۳

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۵۲ / بحار الانوار ج ۶۷ ص ۹۶ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۷

۸. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى وَ اللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ .

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی در قرآن بیان هر چیز را فرو فرستاده تا آنجا که بخدا سوگند چیزی را از احتیاجات بندگان فروگذار نفرموده: و تا آنجا که هیچ بنده‌ئی نتواند بگوید ای کاش این در قرآن آمده بود جز آنکه خدا آن را در قرآن فرو فرستاده است.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۶۷ / الکافی ج ۱ ص ۵۹ / تفسیر قمی ج ۲ ص ۴۵۱

دیگر منابع: الوافی ج ۱ ص ۲۶۵ / الفصول المهمه ج ۱ ص ۴۸۱ / بحار الانوار ج ۶۵ ص ۲۳۷

پیوست شماره ده: فقه البیان

مطلب اول:

قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ / تعبد مبتنی بر تفکر خواسته قطعی شارع است!

قواعد اصولی فقه البیان زمینه ساز برای استنباط جنبه های تحریک کننده فکر شارع است. بخشی از جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع، جنبه های توصیفی شارع و جنبه های علل الشرائعی شارع است. همچنین شکل بیان شارع مهمترین جنبه تحریک کننده فکر در بیان شارع محسوب می شود. قواعد اصولی فقه البیان به سه دسته قاعده کلی تقسیم می شود:

بخش اول قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد بیان مبتنی بر ظرفیت و گروه قواعد بیان مبتنی بر تأمل) به تشریح مفهوم سؤال و تأمل در بیان شارع می پردازد. شارع محترم، سوال حسن و نیکو را نصف علم و مفتاح علم و آغاز کننده تفکر می داند. فقاقت از فهم پرسش های شارع شروع می شود.

بخش دوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی مکث) به تحلیل مسئله پاسخ و راه حل از منظر شارع می پردازد. تبیین مفهوم تنزیل در کنار مفهوم تأویل، تشریح مفهوم ظاهر در کنار مفهوم باطن بخشی از مباحث بیان مبتنی بر مکث است. همچنین تحلیل ابعاد تنزیل، تأویل و تحلیل ابعاد باطن و ظاهر بخش دیگری از مباحث این بخش است. مهمترین بخش بیان مبتنی بر مکث، تحلیل ابعاد ظاهر و نص از منظر شارع است. بیان شارع در بخش ظاهر، حداقل دارای سه بُعد ثبت (تصویر)، تحلیل (تعریف) و پردازش (تصمیم) است.

بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر مقایسه، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر رفق، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر منزلت، گروه قواعد اصولی مبتنی بر انفتاح، گروه قواعد اصولی مبتنی بر سیاق و گروه قواعد اصولی مبتنی بر کمیت) به تعمیق ۶ بعدی بیان شارع حکیم می پردازد. بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان به سفرهای فکری شارع معروف است و در واقع ۶ جنبه تحریک کننده فکر، در بیان شارع را توصیف می کند.

رساله های عملیه و علمیه را در موضوعات مختلف، مبتنی بر این ساختار، استنباط و بیان می کنیم و معتقد هستیم؛ اینگونه از بیان، تحریک فکر و درایه بیشتری را برای مردم عزیز تأمین می کند. اساساً ارتقای امثال مکلف، وابسته به میزان تدبر و میزان درایه مکلف در بیان و تقدیر شارع است. در استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد از قواعد فقه البیان بهره برده ایم.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین روش استنباط از آیات و روایات مرتبط

با مسجد - سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب دوم:

تعریف ساده از فقه البیان

فقه البیان شامل: ۹ دسته قاعده اصولی است؛ که روش و اسلوب استنباط و استنتاج از وحی را توضیح می دهد. به عبارت بهتر: استنتاج از وحی باید ۱- مبتنی بر قدر مخاطب و ظرفیت، ۲- مبتنی بر تأمل، ۳- مبتنی بر مقایسه، ۴- مبتنی بر مُکث، ۵- مبتنی بر رفق، ۶- مبتنی بر منزلت، ۷- مبتنی بر انفتاح، ۸- مبتنی بر سیاق و کشف پیشفرض و ۹- مبتنی بر کمیت و عدد، تعریف شود.

مهمترین باب از ابواب فقه البیان، مباحث باب پیشرفته بیان مبتنی بر تأمل است؛ زیرا آغاز و مفتاح علم، شرح صحیح پرسش و ایجاد "سؤال خوب" در ذهن مخاطب است. تبیین روش موضوع شناسی از مباحث این باب است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب سوم:

درباره منابع فقه البیان

بعد از تتبع جدی در آیات و روایات، ۱۳ دسته آیه و روایت با موضوع روش مطالعه و تدبر و تفقه در ادبیات وحی را جمع آوری کرده ایم. این مجموعه را با نام آیات و روایات روشی نام گذاری کرده ایم و آن را منبع کشف روش و قواعد اصولی تفقه قرار داده ایم!

وجود این ۱۳ دسته از آیات و روایات نشان می دهد؛ که زبان شارع تأسیسی است و نباید تصور نمود که قواعد زبانی شارع عرفی، عقلی و عقلایی تحلیل می شوند. البته تأکید داریم: قواعد تأسیسی شارع در حوزه بیان و زبان، بیان شارع را برای همه عرف ها و همه سطوح عقل قابل درک کرده است.

ویژگی اصلی زبان شارع، "تحریک فکر مخاطب" است و در پنج سطح ۱- مدیریت تاملات، ۲- مدیریت تعقل، ۳- مدیریت تدبر، ۴- مدیریت تجرب و ۴- مدیریت تفقه، به تحریک فکر افراد می پردازد. شارع محترم با تحریک فکری پنج بعدی (استنباط مدرسه هدایت) به ایجاد پدیده مترقی نظم اختیاری در جامعه کمک می کند! بیان فقه، حقوقی و دستوری محض نیست و خصلت بارزش تفکرآفرینی آن است.

چهار محور از آیات و روایات روشی به تبیین ویژگی های بیان شارع از جمله ویژگی "جوامع الکلام" و ویژگی عدم تناقض در کلمات شارع و روش آماده سازی قلوب برای فهم این کلمات می پردازد! محورهای دیگر این آیات و روایات روشی به تبیین ویژگی های بیان شارع در ۹ بخش ۱- ابتناء بیان شارع بر ظرفیت، ۲- ابتناء بیان شارع بر تأمل، ۳- ابتناء بیان شارع بر مُکث، ۴- ابتناء بیان شارع بر مقایسه، ۵- ابتناء بیان شارع بر رفق، ۶- ابتناء بیان شارع بر منزلت، ۷- ابتناء بیان شارع بر انفتاح، ۸- ابتناء بیان شارع بر سیاق و پیش فرض و ۹- ابتناء بیان شارع بر کمیت و عدد می پردازد.

حجه الاسلام علی کشوری، گفتگو با جمعی از طلاب مدرسه هدایت درباره منابع استنباطی فقه البیان - سه شنبه ۹ اسفند

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5098>

مطلب چهارم:

قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟

وقتی در حال استنباط احکام و فرائض هستیم و یا وقتی در حال استنباط و "کشف جمع دلالتی شارع" درباره هر موضوع دیگری هستیم؛ باید جنبه های تحریک کننده فکر و مستدل شارع درباره آن موضوع را هم استنباط نماییم. به عبارت دیگر: بیان مولای شارع با بیان مولای عرفی از زمین تا آسمان تفاوت دارد و یکی از تفاوت های آن تبیین جنبه های فکری و استدلالی در زبان مولای شارع است. با بررسی دقیق آیات و روایات به این نتیجه می رسیم: که خروجی استنباط فقیه نباید بیانی صرفاً حقوقی داشته باشد!

علم اصول فقه باید قواعدی را در اختیار فقیه قرار بدهد؛ که استنباط مبتنی بر تحریک فکر را تمهید نماید و به صورت تفصیلی ویژگی های تحریک کننده زبان شارع در استدلال و تحریک فکر را تشریح کند. اساس زبان شارع را زبان تحریک فکر می دانیم و معتقدیم مهره اول علم اصول باید تتوریزه کردن مسئله تفکر در آیات و روایات را متکفل شود. (پنج نوع تفکر را از روایات و آیات استنباط کرده ایم)

فهم تفصیلی مسئله تفکر و خطاهای متصور در حوزه فکر (مانند خطای بزرگ عدم مُکث در بیان) بر وقوع خارجی قطع، ظن و شک تاثیر گذار است و در واقع تعریف جدیدی از مناسک و روش های پیدایش حالات ثلاثه برای مکلف فقیه و مکلف غیر فقیه تصویر می شود!

در بسته اصولی فقه البیان: علاوه بر تئوریزه کردن ابتدای اصول فقه بر مسئله تحریک فکر، به تبیین هسته اصلی تفکر از منظر وحی و اثر آن بر قطع و ظن و تبیین ساختار توسعه فکر (سفرهای فکری فقیه) پرداخته ایم! (توسعه فقه و قواعد ممهده آن شیعه را از همه دستگاه های عقلانی بی نیاز می کند!)

حجت الاسلام علی کشوری- قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ - یکشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5009>

پیوست شماره یازده: صلوات ضراب اصفهانی

دُعَاءِ آخَرِ مَرْوِيِّ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الضَّرَابِ الْأَصْفَهَانِيِّ بِمَكَّةَ بِإِسْنَادٍ لَمْ نَدْكُرْهُ
 اِخْتِصَارًا نُسَخْتُهُ: - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبِ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ
 الْمُتَرَجَّى لِلشَّفَاعَةِ الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينَ اللَّهِ اللَّهُمَّ شَرِّفْ بِنَبَاتِهِ وَ عَظِّمْ بِزُهَانِهِ وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ وَ اِرْفَعْ دَرَجَتَهُ وَ أَضِيْ نُورَهُ
 وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ أَعْطِهِ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ الْوَسِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَ اِئْتَهُ مَقَامًا مُحَمَّدًا يُعْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَ
 الْآخِرُونَ وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ قَائِدِ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
 إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ
 الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ
 إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
 وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ
 عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ
 الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ - الْأَيْمَةِ الْهَادِيْنَ الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ
 الْمُتَّقِينَ دَعَائِمِ دِينِكَ وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَ تَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ وَ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ
 لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَ اِزْتَصَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَ خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَ جَلَلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ
 وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَ غَذَيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَ أَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَ حَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَ شَرَفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةَ زَاكِيَّةٍ نَامِيَّةٍ كَثِيرَةٍ دَائِمَةٍ طَيِّبَةٍ لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَ لَا
 يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَ لَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ - الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ
 الدَّلِيلِ عَلَيْكَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ اللَّهُمَّ اعِزَّنَا نَصْرَهُ وَ مَدِّ فِي عُمْرِهِ وَ
 زَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيِ الْحَاسِدِينَ وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ وَ أَرْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ وَ خَلِّصْهُ
 مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِعْتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا
 مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ بَلَّغْهُ أَفْضَلَ مَا أَمَلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ - إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا
 امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ أَحْيِ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا
 جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لَا شَكَّ فِيهِ وَ لَا شُبُهَةَ مَعَهُ وَ لَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَ لَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ تَوَرَّ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَ هُدِّ
 بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ وَ اِهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ وَ اِقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَ أَحْمِدْ بِسَيِّفِهِ كُلَّ نَارٍ وَ أَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَوْرٍ وَ أَجْرِ

حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ أَدَّلَ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ اَللّٰهُمَّ اَذِلْ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَ اَهْلِكَ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَ اُمَكْرِ بِمَنْ كَادَاهُ وَ اِسْتَاْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ وَ اِسْتَهَانَ بِاَمْرِهِ وَ سَعَى فِيْ اِطْفَاءِ نُوْرِهِ وَ اَزَادِ اِحْمَادَ ذِكْرِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلِيٍّ الْمُزْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنَ الرَّضَا وَ الْحُسَيْنَ الْمُصَفَّى وَ جَمِيْعَ الْاَوْصِيَاءِ مَصَابِيْحِ الدُّجَى وَ اَعْلَامِ الْهُدَى وَ مَنَارِ التَّقَى وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلِ الْمَتِيْنِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيْمِ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ وُلَاةِ عَهْدِكَ وَ الْاَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مَدِّ فِيْ اَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِيْ اَجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ اَقْصَى اَمَالِهِمْ دِيْنًا وَ دُنْيَاً وَ اٰخِرَةً - اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ .

به نام خدا که بخشایشگر مهربان، خدایا بر محمد درود فرست، آن سرور فرستادگان و پایان‌بخش پیامبران و برهان پروردگار جهانیان، آن برگزیده خدا در پیمان الست، انتخاب‌شده در ملکوت، پاکیزه از هر آفت، بری از هر عیب، همان که از او آرزوی نجات برند، و امید شفاعت از او دارند، آنکه به او واگذارگشته دین خدا . بار خدایا بنیادش را شرف بخش، و برهانش را بزرگ گردان، و حجت او را پیروز کن، و پایه‌اش را برافراز، و نورش را برافروز و رویش را سپید کن و عطا کن به او فضل و فضیلت و جایگاه و دستاویز بلند، و او را در جایگاه ستوده‌ای که گذشتگان و آیندگان به آن رشک برند برانگیز، و درود فرست بر علی، امیرمؤمنان و وارث رسولان و پیشوای نیکان با چهره‌های درخشان، و سرور اوصیا و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر حسین بن علی پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر علی بن حسین، آقای عبادت‌کنندگان، پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر محمد بن علی بن محمد پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان، و درود فرست بر یادگار [پیامبران و امامان] و هدایت‌گر هدایت‌یافته، پیشوای هدایت، و پیشوای مؤمنان و وارث رسولان، و برهان پروردگار جهانیان. بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، آن پیشوایان رهنما، عالمان راستگو، نیکان پرهیزگار، ستون‌های دینت و پایه‌های توحیدت و ترجمان وحیت و حجت‌های تو بر آفریده‌هایت، و جانشینان تو در زمینت، هم آنان که اختیار کردی برای خود و بر بندگانت برگزیدی، و پسندیدی برای دینت، و به شناخت خویش اختصاص دادی، و به کرامت خود به آنان بزرگی بخشیدی، و به رحمتت فرو گرفتی، و به نعمتت پروراندی، و به ایشان غذا دادی به حکمتت و لباس نور بر اندامشان پوشاندی و مقامشان را در ملکوت بلند

گردانیدی، و در پوشش و حمایت فرشتگان درآوردی، و به پیامبرت شرافتشان بخشیدی که درود تو بر او و خاندانش باد. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی فراوان و پیوسته و خوشایند، که جز تو به آن احاطه نیابد، آن را فرا نگیرد جز دانش تو، و کسی جز تو شمارش را نداند. خدایا، درود فرست بر ولایت که حیات بخش راه و روش و به پادارنده فرمانت و دعوت کننده به سویت و رهنمای به تو، و حجت بر آفریدگانت و جانشینت در زمین تو، و گواه تو بر بندگانت است. بار خدایا، یاری اش را اقتدار بخش و عمرش را طولانی ساز، و زمین را به طول بقائش بیارای. بار خدایا، کفایت کن او را از ستم حسودان، و از گزند مکاران پناهده، و بازدار از او اراده بیدادگران را، و از دست گردن کشانش رهایی اش بخش. بار خدایا، به او عطا کن برای خودش و فرزندان، و پیروانش و رعیتش و خاصانش و همه آنان که فرمانش برند، و دشمنانش و همه اهل دنیا آنچه که دیدگانش را به آن روشن کنی و دلش را به آن شاد نمایی، و او را در دنیا و آخرت به برترین آرزوهایش برسان، به یقین تو بر هر چیز توانایی. بار خدایا، به دست او تازه گردان آنچه فراموش شده از دینت، و آنچه از معانی کتابت تغییر یافته را زنده کن، و آشکار ساز آنچه از احکامت دگرگون شده، تا دینت به وسیله او و به دست او شاداب، نوین، ناب و بی آلایش گردد؛ آنچنان که شکی در آن نبوده و شبهه ای با آن نباشد، و باطل و بدعتی همراه آن نماند. بار خدایا، با نورش روشنی بخش هر ظلمتی را، با استواری اش هر بدعتی را ویران کن، و با چهره نورانی اش بر طرف کن هر گمراهی را، و به دست او پشت هر گردن کشی را بشکن، و با شمشیر او خاموش کن آتش هر آشوبی را و ستم هر ستمگری را با عدل او نابود ساز، و فرمانش را چیره گردان بر هر فرمانی و هر سلطنتی را به سلطنتش خوار کن. بار خدایا، به ذلت نشان هر که را که آهنگ او کند و هر که را با او دشمنی ورزد هلاک ساز، و مکر کن با هر که با او نیرنگ باز، و از بن برکن هر که حقش را انکار کند و فرمانش را سبک شمارد، و در خاموش کردن نورش بکوشد، و فرو نشاندن یادش را اراده نماید خدایا، درود فرست بر محمد مصطفی و علی مرتضی، و فاطمه زهرا، و حسن خشنود از قضا، و حسین پاک گشته، و همه اوصیایی که چراغهای تاریکی، و نشانههای هدایت، و مشعلهای فروزان تقوا، و دستاویز و رشته استوار و راه راست اند، و درود فرست بر ولایت و زمامداران پای بند به عهدت و امامان از فرزندان، و بیفزا بر عمرشان و به طول حیاتشان فزونی بخش، و برسان به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخرویشان؛ که به یقین تو بر هر چیز توانایی.

مصدر: الغیبة (للطوسی) ج ۱ ص ۲۷۳ / مصباح المتهجد ج ۱ ص ۴۰۶

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۷ / دلائل الإمامة ج ۱ ص ۵۴۵ / المصباح (للكفعمی) ج ۱ ص ۵۴۶ / عوالم العلوم ج ۱۵

ص ۲۹۹ / جمال الأسبوع ج ۱ ص ۴۹۴ / المزار الكبير ج ۱ ص ۶۶۶ / البلد الأمين ج ۱ ص ۷۹

پیوست شماره دوازده: اولویت های تمدنی دوازده گانه

مطلب اول:

درباره اولویت های تمدنی ۱۲ گانه

اولویت های تمدنی ۱۲ گانه توسط دوازده نظریه فقهی تشریح می شود. به عنوان مثال: نظریه فقهی مدیریت شهری محله محور؛ متکفل تشریح بحث محله محوری است. مقررات فقهی ساختمان، نحوه ساخت دار و اسعه را تئوریزه می کند، نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری به تبیین چگونگی تحقق پیشگیری از بیماری می پردازد. الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی، اسلوب روایت گذشته را متذکر می شود و...

اولویت های تمدنی ۱۲ گانه علاوه بر ارائه راه حل فقهی برای دوازده دسته از مشکلات مردم، تفسیری روشن از آرمان بهجت آفرین تمدن اسلامی را ارائه کرده است و در فضای مقایسه با آرمانهای ۱۷ گانه سند ضاله توسعه پایدار ۲۰۳۰ چالش کلی گویی و پرداختن انتزاعی به مسئله تمدن سازی را تا حدود بسیاری مرتفع ساخته است.

بسته اولویت های تمدنی ۱۲ گانه، تفصیلی ترین نقشه فقهی برای حل مشکلات کشور در شرایط فعلی محسوب می شود و مطالعه و بررسی آن حدود ۶ ماه فرصت نیاز دارد. بازدید از نمایشگاه تخصصی مرتبط با این بسته فقهی کاربردی در قم، بخشی از فرآیند آشنایی با این نگاه کارشناسی تفصیلی محسوب می شود.

حجت الاسلام علی کشوری - نشست تبیین اولویت های تمدنی در جمع برخی از کارشناسان سازمان صدا و سیما -

چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ - تهران

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5722>

مطلب دوم:

برنامه اولویت های تمدنی در قم

تبیین بسته فقهی اولویت های تمدنی ۱۲ گانه برای نخبگان کشور در حال انجام است. اولویت های تمدنی ۱۲ گانه حاوی ۴۰۰ تصمیم کاربردی برای حل مسائل کشور است و در مقایسه با ۱۶۹ هدف فرعی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تدوین شده است. در شهر تمدن ساز و تاریخ ساز قم دو برنامه مشخص را با این موضوع پیگیری می کنیم:

برنامه اول: گفتگو با حدود ۵۰ تن از اساتید حوزه علمیه با موضوع چگونگی مواجهه با تصمیم سازی سازمان ملل و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در ایران (در حال انجام)

برنامه دوم: راه اندازی ۱۲ کارگروه برای راه اندازی چرخه تحریک فکر بر محور اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه و تشکیل جامعه مدرسین تمدن اسلامی با هدف ورود دائمی اساتید حوزه علمیه در حوزه تصمیم سازی کشور (در حال برنامه ریزی)

علی کشوری - سه شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5813>

مطلب سوم:

پنج خاصیت قطعی اولویت های تمدنی ۱۲ گانه (شامل ۴۰۰ اقدام)

۱- زمینه ساز ارتباط عمیق با مردم و افزایش توجه و مشارکت مردم

(ارائه یک تفسیر روشن از مفهوم مردمی سازی اداره جامعه)

۲- جایگزین سند ۲۰۳۰ و تحقق نفی سبیل و سلطه در نظام تصمیم سازی

(اجرای ۲۰۳۰ یعنی پذیرش سلطه و سبیل دشمن در سطح برنامه)

۳- کاهش هزینه های اداره جامعه در همه بخش ها

(خصوصاً کاهش هزینه در بخش سلامت و آموزش)

۴- اثبات مسئله محور جامعیت اسلام

(مواجهه نرم با جریان متحجر و حداقلی در حوزه)

۵- ارائه یک تفسیر روشن از مفهوم عدالت و کاهش فاصله طبقاتی

(پایه گذاری عدالت از بخش تولید و توزیع عادلانه امکانات پایه زندگی)

علی کشوری - ۲۱ شهریور ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5590>

مطلب چهارم:

سه ویژگی برنامه تمدنی مدرسه هدایت

در طراحی اولویت های تمدنی و نظریات پشتیبان آنها سه ملاحظه بسیار مهم را در نظر گرفته ایم. این ملاحظات مهم ناشی از استنباط مبتنی بر قواعد اصولی فقه البیان است.

ملاحظه اول اینکه: اولویت های تمدنی ۱۲ گانه قابلیت تفاهم گسترده با مردم و مسئولین را دارند. تبویب نظریات پشتیبان برای اولویت های تمدنی در قالب الگوی ساخت (تعریف، تصویر و تصمیم) ابزار اصلی تفاهم و ایجاد مشارکت و امید افزایی در مردم است.

ملاحظه دوم آنکه: اولویت های تمدنی ۱۲ گانه و نظریات پشتیبان آنها، در ذات خود جلوی نفوذ سند ضاله توسعه پایدار ۲۰۳۰ را می گیرد و نفی سبیل و تسلط سازمان ملل بر نظام برنامه ریزی کشور را نتیجه می دهد. طراحی پرسش های اصلی این نظریات بر اساس قاعده اصولی نظام مقایسه صورت پذیرفته است!

ملاحظه سوم اینکه: اولویت های تمدنی ۱۲ گانه بر اساس امکانات فعلی جامعه اسلامی قابلیت تحقق دارند و نوعی آرمانگرایی واقع بینانه محسوب می شود. در تبویب این اولویت ها و نظریات پشتیبان آنها قاعده اصولی بیان مبتنی بر ظرفیت، رعایت گردیده است.

حجت الاسلام علی کشوری - بیان ویژگی های بسته فقهی اولویت های تمدنی ۱۲ گانه - بامداد پنجشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4799>

پیوست شماره سیزده: مدرسه هدایت

مطلب اول:

تربیت طلبه ذوالفنون هدف اصلی مدرسه هدایت است!

در مدرسه فقهی هدایت به دنبال تربیت طلبه ذوالفنون هستیم؛ زیرا طلبه باید به همه تخصص های مرتبط با سبک زندگی مسلط باشد. به عبارت دیگر: اصلاح سبک زندگی امری تک بعدی نیست و به اصلاح اموری مانند تغذیه، معماری، آموزش، سلامت، سیاست خارجی، تجارت، نظم اجتماعی، عبرت و میراث فرهنگی، تولید خبر و... نیازمند است.

تجربه ۴۵ سال گذشته به همه ما نشان داده است که سبک زندگی مردم ایران از تفویض امور فوق الذکر به بناهای عقلایی و متخصصین پوزیتویستی ضربه خورده است. چالش های فعلی تربیتی و غیر تربیتی را ناشی از الگوی غلط معماری، استانداردهای غلط غذا (استانداردهای سازمان غذا و دارو)، آموزش های غیر مفید سیستم آموزشی و... می دانیم و نباید اصلاح سبک زندگی را با تکیه محض بر موعظه دنبال نماییم. (آسیب شناسی حرکت جمهوری اسلامی و آسیب شناسی امضاها و غلط حوزه بر دانش های ناقص پوزیتویستی)

در مدرسه تمدنی هدایت ۹ دسته تخصص فقهی مرتبط با سبک زندگی (مجموعاً ۴۰۰ نظریه فقهی) را آماده کرده ایم و مشغول انتقال این مفاهیم در قالب راه اندازی چرخه چهار بخشی تحریک فکر به نخبگان و اقویای شیعه هستیم. اصلاح سبک زندگی نیازمند تفقه بیشتر در ۱- امامت، ۲- علم، ۳- تزکیه، ۴- مکاسب، ۵- بیان، ۶- نظم، ۷- فرقان، ۸- عبرت و ۹- نفی سبیل است. (طبقه بندی جدید دانش)

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین هدف مدرسه تمدنی هدایت در روز میلاد حضرت مدینه العلم (روحی فداه) ۱۷ ربیع الاول ۱۴۴۵ - قم

<https://eitaa.com/olgou4/5656>

مطلب دوم:

در مدرسه فقهی هدایت دو نوع طبقه بندی از دانش های فقهی وجود دارد / شارع پنج دسته دانش جامع دارد! طبقه بندی اول: به محوریت ۴۰۰ نظریه و در قالب ۹ دسته علم و با غرض مواجهه ظرفیت بنیان با طبقه بندی بیکنی از علوم و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تدوین شده است و به صورت مسئله محور بینش ها و دانش های مدرنیته را به چالش می کشد! (به فضل الهی)

طبقه بندی دوم: با محوریت اصطلاحات فرائض کبار و حدود کبار به یک طبقه بندی توقیفی دست یافته ایم و در این طبقه بندی، دانش های مورد نیاز برای زندگی به پنج آبر دانش: ۱- دانش جامع صلوات، ۲- دانش جامع زکات، ۳- دانش جامع حج، ۴- دانش جامع صوم و ۵- دانش جامع ولایت تقسیم می شود.

هر کدام از این دانش های خسته، دارای سرفصل های درونی متعددی هستند. (شرح فقهی اصطلاح حدود کبار) به عنوان مثال: دانش جامع صلوات دارای سرفصل های ۱- دانش جامع طهارت، ۲- دانش جامع وقت، ۳- دانش جامع قبله، ۴- دانش جامع تکبیرة الافتتاح، ۵- دانش جامع رکوع، ۶- دانش جامع سجود و ۷- دانش جامع دعا می باشد. (در جلسات آینده سرفصل های دانش های دیگر شارع را شرح می دهیم).

بررسی های عمیق مدرسه هدایت، با موضوع کشف کارکردهای اجتماعی دانش جامع طهارت و دیگر دانش های شارع، کارکردهایی همچون: ۱- کارکرد سیاسی تبلیغاتی، ۲- کارکرد پیشگیری از بیماری، ۳- کارکرد اقتصادی و کاهش هزینه، ۴- کارکردی امنیتی و پدافند غیر عامل، ۵- کارکرد پیشگیری از جرم و... را برای دانش جامع طهارت و سایر دانش ها به اثبات رسانده است. (به اذن الهی)

مهمترین نشست تاریخ شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و مدرسه فقهی هدایت را با عنوان: تبیین طبقه بندی دانش های جامع شارع برگزار خواهیم نمود. (به فضل الهی)

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - دیدار و گفتگو با جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم با موضوع: تبیین طبقه بندی دانش های شارع - سه شنبه ۶ تیر ۱۴۰۲ - قم

<https://eitaa.com/olgou4/5411>

مطلب سوم:

علوم پایه مدرسه هدایت را به فرزندان خود بیاموزید!

علوم پایه مدرسه هدایت را به فرزندان خود بیاموزید. علوم پایه شامل چهار جدول بسیار مهم است.

جدول اول علوم پایه به تشریح چگونگی تنظیم روابط انسانی ۱۳ گانه می پردازد. اساس زندگی تنظیم روابط انسان در ۱۳ حوزه ۱- رابطه انسان با امام، ۲- رابطه انسان با معلم، ۳- رابطه انسان با همسایه، ۴- رابطه انسان با خانواده، ۵- رابطه انسان با دوست، ۶- رابطه انسان با دشمن، ۷- رابطه انسان با طرف معامله، ۸- رابطه انسان با شریک شغلی، ۹- رابطه انسان با فقیر، ۱۰- رابطه انسان با یتیم، ۱۱- رابطه انسان با ابن سبیل، ۱۲- رابطه انسان با مهمان و ۱۳- رابطه انسان با همسفر است.

مطالعه بیشتر درباره جدول روابط انسانی:

<https://nro-di.blog.ir/1399/01/11>

جدول دوم علوم پایه به تشریح خاصیت های اشیاء می پردازد. یکی دیگر از ارکان زندگی اسلامی علم به خاصیت های اشیاء است. دانستن خاصیت های اشیاء به زندگی ارزاتر و کم ضرر ختم می شود. ویرایش اول جدول تسخیر در قالب ۱۹ گروه ۱- گروه اشیاء پایه (آب، خاک، آتش و هوا)، ۲- گروه اشیاء ظرف مکان، ۳- گروه اشیاء ظرف زمان، ۴- گروه اشیاء مرتبط با آب، ۵- گروه اشیاء مرتبط با هوا، ۶- گروه اشیاء مرتبط با خاک، ۷- گروه اشیاء مرتبط با آتش، ۸- گروه حیوانات، ۹- گروه پرندگان، ۱۰- گروه درختان، ۱۱- گروه گیاهان، ۱۲- گروه گل ها، ۱۳- گروه صیفی جات و شتوی جات، ۱۴- حشرات، ۱۵- گروه حبوبات و غلات، ۱۶- اعضای بدن، ۱۷- گروه ملانکه، ۱۸- گروه جن و ۱۹- گروه اشیاء تعدیل کننده منایا (صوم، صلاه، حج، زکات، نکاح، صدقات و...) خاصیت های اشیاء را به فرزندان شما می آموزد.

مطالعه بیشتر درباره جدول تسخیر:

<https://eitaa.com/olgou4/4488>

جدول سوم علوم پایه، به معرفی اسباب غریب و مخفی عالم می پردازد. جدول اسباب غریب به فرزند شما می آموزد که اسباب امور به دو دسته اسباب غریب و مخفی و اسباب ظاهر تقسیم می شود. ویرایش اول جدول غریب به معرفی اسباب غریبی مانند ۱- شناخت ملانکه و کارکردهای آنها، ۲- شناخت جن و کارکردهای آنها، ۳- شناخت سرزمین اموات و چگونگی حرف زدن با عالم اموات (آشنایی فنی با مفهوم زیارت)، ۴- آشنایی با عالم اعداد و ارتباط اعداد با حروف (اوافق مقدماتی) و ۵- آشنایی با علم مهم جعفر می پردازد.

جدول چهارم علوم پایه به معرفی نیمه تفصیلی اسماء الهی به فرزند شما می پردازد. جدول اسماء الهی در واقع، معرفی خدمات خداوند به انسان و مخلوقات دیگر است و زمینه محبت شدید انسان به خداوند را فراهم می آورد. جدول اسماء الهی به شرح فقهی ۹۹ اسم ۱- الاله، ۲- الواحد، ۳- الاحد، ۴- الصمد، ۵- الاول، ۶- الآخر، ۷- السميع، ۸- القدير، ۹- القاهر، ۱۰- العلی، ۱۱- الاعلی، ۱۲- الباقي، ۱۳- البديع، ۱۴- الباری، ۱۵- الاكرم، ۱۶- الظاهر، ۱۷- الباطن، ۱۸- الحی، ۱۹- الحکیم، ۲۰- العليم، ۲۱- الحليم، ۲۲- الحفيظ، ۲۳- الحق، ۲۴- الحسيب، ۲۵- الحميد، ۲۶- الحفی، ۲۷- الرب، ۲۸- الرحمان، ۲۹- الرحيم، ۳۰- الذاری، ۳۱- الرزاق، ۳۲- الرقيب، ۳۳- الرؤف، ۳۴- الرائي، ۳۵- السلام، ۳۶- المؤمن، ۳۷- المهيمن، ۳۸- العزيز، ۳۹- الجبار، ۴۰- المتكبر، ۴۱- السيد، ۴۲- السبوح، ۴۳- الشهيد، ۴۴- الصادق، ۴۵- الصانع، ۴۶- الطاهر، ۴۷- العدل، ۴۸- العفو، ۴۹- الغفور، ۵۰- الغنی، ۵۱- الغياث، ۵۲- الفاطر، ۵۳- الفرد، ۵۴- الفتاح، ۵۵- الفالق، ۵۶- القديم، ۵۷- الملك، ۵۸- القدوس، ۵۹- القوی، ۶۰- الغریب، ۶۱- القيوم، ۶۲- القابض، ۶۳-

الباسط، ۶۴- قاضی الحاجات، ۶۵- المجید، ۶۶- المولی، ۶۷- المنان، ۶۸- المحيط، ۶۹- المبین، ۷۰- المقیت، ۷۱- المصور، ۷۲- الکریم، ۷۳- الکریم، ۷۴- الکاکی، ۷۵- کاشف الضر، ۷۶- الوتر، ۷۷- النور، ۷۸- الوهاب، ۷۹- الناصر، ۸۰- الواسع، ۸۱- الودود، ۸۲- الهادی، ۸۳- الوقی، ۸۴- الوکیل، ۸۵- الوارث، ۸۶- البر، ۸۷- الباعث، ۸۸- التواب، ۸۹- الجلیل، ۹۰- الجواد، ۹۱- الخبیر، ۹۲- الخالق، ۹۳- خیر الناصرین، ۹۴- الدیان، ۹۵- الشکور، ۹۶- العظیم، ۹۷- اللطیف، ۹۸- الشافی، ۹۹- الله می پردازد.

آموزش جداول پایه مدرسه هدایت نگاه فرزند شما را به نگاه پیشرفته پیامبران نزدیک می کند و افراد را از باتلاق سکولاریسم و مدرنیسم نجات می دهد!

حجت الاسلام علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت و دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین محتوای جداول چهارگانه علوم پایه مدرسه هدایت - دوشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۱ - قم

<https://eitaa.com/olgou4/4919>

مطلب چهارم:

طرح تمدنی مدرسه هدایت چه می گوید؟

از نظر مدرسه فقهی هدایت، تمدن ضاله و معیوب مدرنیته، چهار انحراف بزرگ را بر زندگی بشر تحمیل کرده است و بالتبع برای ساخت تمدن اسلامی مواجهه روشمند با این چهار انحراف یک ضرورت است.

انحراف اول تمدن مدرنیته، ایجاد اختلال در روابط انسانی و گسترش فردگرایی و تنهایی در جوامع مختلف است. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تنظیم روابط انسانی، فقه نظام در ۹ محور ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه التزکیه، ۴- فقه المکاسب، ۵- فقه العبرة، ۶- فقه النظم، ۷- فقه الفرقان، ۸- فقه البیان و ۹- فقه نفی سبیل، پایه گذاری شده است.)

انحراف دوم تمدن مدرنیته، ارائه یک الگوی غلط و همراه با تالی فاسد فراوان - در حوزه های سلامت، محیط زیست و اخلاق - برای تصرف در طبیعت است. مبنای اصلی این الگوی غلط، ارائه توصیف ناقص و غلط از عناصر تشکیل دهنده عالم است. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تسخیر طبیعت، فقه الخلق در ۱۰ محور ۱- جدول فقهی خصلت، ۲- جدول فقهی بنیاد، ۳- جدول فقهی زمان، ۴- جدول فقهی عماد، ۵- جدول فقهی زینت، ۶- جدول فقهی سببیت (جدول تسخیر)، ۷- جدول فقهی تغییر، ۸- جدول فقهی طبقه بندی اشیاء، ۹- جدول فقهی حیا و ۱۰- و جدول فقهی نفی تشبیه، پایه گذاری شده است.)

انحراف سوم تمدن مدرنیته، ارائه یک تصویر مبهم و همراه با انکار از اسباب باطنی عالم است. انسانهای مدرن گزارشی دقیق از اسباب باطنی عالم در اختیار ندارند و بالتبع از این اسباب موثر در زندگی خود استفاده نمی

کنند. (برای تبیین معادلات وحی در مسئله اسباب باطنی عالم، فقه علوم غریبه در محورهای مانند: ۱- معرفی جن و اقسام آن و تبیین مناسک مرتبط با عدم اختلاط در زندگی انسان و جن، ۲- معرفی ملائکه و مدبرات اربعه و تبیین چگونگی تاثیرگذاری ملائکه بر زندگی انسان، ۳- تبیین چگونگی ارتباط با عالم اموات و ارواح بر اساس بازخوانی عمیق مفهوم زیارت، ۴- تبیین اجمالی مفهوم تنزل امر در آسمانهای هفت گانه و تبیین اتفاقات امری در هر آسمان، ۵- تبیین مفهوم حجاب و سراق، ۶- تبیین مکانیزم مدیریت بت خانه ها در اقوام اولین (بررسی تجربه های اقوام اولین در ارتباط میان انسان و جن)، ۷- بررسی تأثیرات آسمان رفیع بر زمین (بررسی تاثیر کواکب، نجوم، مصایح و قمر و شمس بر زندگی)، ۸- معرفی اجمالی علوم مانند علم اعداد و جداول اوفاق، علم حروف و اسماء، علم جعفر و... تبیین شده است.)

انحراف چهارم مدرنیته، معرفی ناقص خداوند متعال و نادیده گرفتن نقش تام مقام ربوبی در اداره عالم است. مدرنیته عملاً خداوند را به عنوان یک مهندس بازنشسته معرفی می کند و بشر را از تکیه دادن به حضرت غنی حمید محروم کرده است. (برای معرفی مقام ربوبیت، فقه التسییح در محورهای مانند ۱- تبیین تفصیلی معنای سبحان الله، ۲- تبیین تفصیلی معنای الحمدلله، ۳- تبیین تفصیلی معنای لا اله الا الله و ۴- تبیین تفصیلی معنای الله اکبر، تبیین تفصیلی معنای صلوات، ۵- تبیین تفصیلی ۹۹ اسم الهی با تأکید بر شرح تفصیلی اسم حسیب (به دلیل مواجهه با مفهوم تنزل یافته سود در تمدن مدرنیته)، شرح تفصیلی اسم ذو انتقام (به دلیل مواجهه با تسامح حداکثری انسان مدرن در مسئله حق الناس) و اسم مُسبب (به دلیل مواجهه با مفهوم ناقص علیت در منطق صوری و مفهوم ناقص متغیر در منطق سیستمی) پایه گذاری شده است.

حجت الاسلام علی کشوری - گفتگو با برخی از نخبگان کرج - پنجم محرم الحرام ۱۴۴۴ (۱۲ مرداد ۱۴۰۱) - کرج

<https://eitaa.com/olgou4/4515>

پیوست شماره چهارده: نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری

مطلب اول:

معرفی برخی از کتب طبی کتابخانه الگوی پیشرفت

برخی از کتاب های کتابخانه الگوی پیشرفت اسلامی با موضوع تبیین نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری را در ادامه دریافت نمایید. این کتاب ها محصول تدوین ۲۵ جلسه تخصصی در قالب حدود ۱۵۴۲ صفحه بحث است:

۱- معایب و چالش های بخش سوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ (بخش سلامت) / ۷۲ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/81

۲- پیشگیری ساختاری از بیماری (۱ مرداد ۱۳۹۸) / ۵۱ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/82

۳- تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری - ۳۶ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/83

۴- الگوی فقهی ارزیابی غذا (خبرگزاری حوزه) / ۴۸ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/84

۵- الگوی فقهی ارزیابی غذا (موسسه کیفیت رضوی) / ۷۴ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/85

۶- الگوی فقهی تحلیل بیماری (در مقایسه با پاتولوژی پوزیتیویستی) / ۵۷ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/86

۷- واکسن و طرح جایگزین (نظریه فقهی ایمنی) / ۷۷ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/87

۸- تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری / ۲۷ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/88

۹- پروتکل های فقهی مدیریت کرونا (ویرایش دوم) / ۸۵ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/89

۱۰- روش تحقیق فقهی در حوزه پزشکی / ۵۰ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/90

۱۱- طبیب مشاور نیروهای مسلح / ۹۷ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/91

۱۲- برنامه فقهی سلامت قلب و عروق / ۲۱۵ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/92

۱۳- پروتکل های فقهی مدیریت انواع آبله / ۱۰۴ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/93

۱۴- الگوی فقهی تحلیل و تجویز دواء / ۳۹۷ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/94

۱۵- بازخوانی اشکالات پنج گانه مسئله تراریخته / ۲۸ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/112

۱۶- بررسی ابعاد سیاسی، امنیتی، پزشکی و نظری تراریخته (جلسه اصفهان) - ۱۶ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/111

۱۷- بررسی اشکالات پنج گانه تراریخته ها (جلسه کاشان) - ۶۰ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/110

۱۸- بررسی ابعاد سیاسی، امنیتی، پزشکی و نظری تراریخته (جلسه قم) - ۴۸ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/109

۱۹- پاتولوژی فقهی (جلسه اصفهان - منزل حکیم صالحی):

https://eitaa.com/sound_olgou/144

۲۰- مفهوم شناسی جامع طب اسلامی:

https://eitaa.com/sound_olgou/143

۲۱- نقد مبانی پزشکی:

https://eitaa.com/sound_olgou/142

۲۲- نقد واکسن G2 (دانشگاه علوم پزشکی اصفهان):

https://eitaa.com/sound_olgou/139

۲۳- الگوی ساخت در طب اسلامی:

https://eitaa.com/sound_olgou/138

۲۴- طبیب مشاور مغز و اعصاب و حافظه:

https://eitaa.com/sound_olgou/137

۲۵- طبیب مشاور عروق:

<https://eitaa.com/olgou4/5774>

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5748>

مطلب دوم:

نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری چه می گوید؟

برای ارتقای دانش پیشگیری از بیماری در کشور، نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری را بر اساس روش تحقیق فقهی تدوین کرده ایم. در این نظریه تفصیلی حوزه سلامت - که مفاهیم آن با مفاهیم بخش سوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ مقایسه می شود- مسئله پیشگیری در سه بخش تئوریزه شده است:

بخش اول پیشگیری (پیشگیری پایه): منظور از پیشگیری پایه، روش جلوگیری از پیدایش بیماری های مادرزادی و پایه گذاری توان پیشگیری از بیماری در بدن انسان است. این نوع از پیشگیری، از رعایت اصول انعقاد نطفه و مراقبت های ویژه دوران بارداری حاصل می شود. توضیح بیشتر اینکه: در آیات و روایات، ۵ دسته توصیه با موضوع: ۱- انتخاب زمان صحیح برای انعقاد نطفه، ۲- انتخاب مکان مناسب برای انعقاد نطفه، ۳- انتخاب تغذیه طیب قبل از انعقاد نطفه، ۴- پاکسازی حالات روحی نامناسب با انعقاد نطفه و ۵- تقویت حالات روحی خیر، برای جلوگیری از بیماری های مادرزادی و امراض و آسیب های پایه توصیه گردیده است. همچنین در بخش پیشگیری پایه، توصیه های مهمی برای مراقبت های دوران بارداری به تفکیک ماه وجود دارد.

بخش دوم پیشگیری: (پیوست های بهداشتی و سلامت آفرین برای مرحله تولید و ساخت): منظور از پیوست های سلامت آفرین؛ تعریف اصول سلامت آفرین برای همه ابعاد مرتبط با حیات و زندگی انسان در مرحله ساخت و تولید است. برای دستیابی به مسئله مهم پیشگیری از بیماری، باید برای بخش تولید غذا، ساخت ساختمان، ایجاد فضای سبز شهری، مشاغل مختلف و... پیوست های سلامت آفرین قوی تعریف و اجرا کرد.

بخش سوم پیشگیری: (پیشگیری روزانه) منظور از پیشگیری روزانه، تعریف توصیه های مرتبط با مصرف و استفاده در حوزه های مختلف زندگی است. مهمترین توصیه های مرحله مصرف و استفاده، توصیه های پیشگیرانه مرتبط با مصرف غذا، استفاده از لباس، آداب سفر، رعایت اصول مرتبط با روابط انسانی صحیح و... می باشد. در بخش توصیه های مرتبط با مصرف غذا، رعایت سه اصل تجوع، حمیه و انتخاب غذای متناسب با مزاج، مهمترین توصیه ها محسوب می شوند.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در جمع دانشجویان علوم پزشکی ارومیه - سه شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۲ - دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5690>

مطلب سوم:

سه نکته در باره روش تشخیص بیماری

همانطور که در جلسات گذشته بحث کرده ایم: مفاهیم طب اسلامی (نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری) در پنج بخش با مفاهیم طب سلولی و سایر مکاتب طبی تفاوت دارد. بازخوانی مقایسه ای مفاهیم طب اسلامی با مفاهیم سایر مکاتب طبی در پنج حوزه: ۱- روش تحقیق و تبویب در حوزه طب، ۲- پاتولوژی و تحلیل بیماری ها، ۳- فارماکولوژی و شناخت دارو، ۴- ابزارهای تشخیص بیماری و ۵- ایمونولوژی و تعریف واکسن، از مقدمات اولیه طب اسلامی و پیش نیازهای طبابت است. یکی از مغفول ترین بخش های روایات

طبی - حتی در حوزه علمیه قم - بی توجهی به روش تشخیص بیماری ها در روایات طبی است. در باره روش تشخیص بیماری در طب اسلامی چند نکته را تبیین می کنم:

نکته اول: از حیث بررسی روایات، همه روایات و آیات مرتبط با عملکردهای دوائی، علاوه بر تبیین مفهوم عملکرد دوائی، کارکرد دیگری در حوزه تشخیص بیماری هم دارند و در واقع هر مفهومی که به تبیین یک عملکرد دوائی می پردازد؛ در مرحله قبل به تبیین یک آسیب در بدن هم پرداخته است. به عنوان مثال در عبارت: الجزر یسخن الکلیتین، علاوه بر معرفی یک عملکرد دوائی برای جزر، سردی و کاهش عملکرد، به عنوان یکی از آسیب های کلیه معرفی شده است و اصطلاح تسخین در این روایت از دو حیث عملکرد دوائی و تشخیص بررسی می گردد. مبتنی بر تتبع فقهی در روایات مرتبط با عملکردهای دوائی، آسیب های اصلی بدن در ۱۰۰ مورد معرفی شده اند؛ که طبیب طب اسلامی با معاینه بدن به دنبال کشف یکی از این آسیب ها و رفع و توصیف آن است.

نکته دوم: با توجه به وضوح آسیب های مطرح شده در روایات مرتبط با عملکردهای دوائی، ابزارهای تشخیصی در طب اسلامی در سه حوزه مشاهده و استماع، گفتگو با بیمار و لمس طبقه بندی می گردد. به عبارت بهتر از طریق ابزارهای سه گانه فوق به دنبال کشف یک یا چند مورد از آسیب های ۱۰۰ گانه فوق الذکر در بدن بیمار می باشیم. همچنین از حیث طبقه بندی معاینه، در مرحله اول: به دنبال شناسایی آسیب های مرتبط با قلب (۶ گروه آسیب بر اساس فهرست کتاب قلب و عروق) و آسیب های مرتبط با مغز و اعصاب (۶ گروه آسیب بر اساس فهرست کتاب مغز و اعصاب)، در مرحله دوم به دنبال شناسایی آسیب های مرتبط با طبایع اربعة (آسیب های دم، آسیب های مره، آسیب های ریج و آسیب های بلغم) و در مرحله سوم به دنبال شناسایی آسیب های مرتبط با یک عضو هستیم.

نکته سوم: شیوع روش های تشخیصی مکاتب طبی دیگر در میان اطباء محترم طب اسلامی مانند: عنبیه شناسی، مشاهده کف دست و علائم پوستی آن و ... فاقد حجیت و ناقص محسوب می گردد. حیث نقصان در روش های تشخیصی پزشکی سلول پایه، عنبیه شناسی، تشخیص از کف دست و ... ارائه توصیف ناقص از بیماری بدن است. (ابزارهای آزمایشگاهی موجود علاوه بر تشخیص ناقص بیماری، هزینه درمان را افزایش داده است.)

به فضل الهی: نشست تخصصی: مفاهیم پایه تشخیص، مراحل تشخیص و ابزارهای تشخیص در طب اسلامی را در حوزه علمیه قم برگزار خواهیم کرد.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین مفاهیم پایه تشخیص بیماری در طب اسلامی - بامداد یکشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5675>

مطلب چهارم:

پرسش های اصلی نشست تخصصی قلب و عروق / معرفی داروهای جدید قلب و عروق

نشست تخصصی قلب و عروق به زودی در حوزه علمیه قم برگزار می گردد. به دلیل گسترش بیماری های قلبی و عروقی در جامعه (حدود ۳۰ درصد از فوت ها به علت بیماری های قلبی و عروقی است) و ناتوانی متخصصین فعلی قلب و عروق در کاهش و مهار این بیماری ها؛ این نشست تخصصی را با غرض بازتعریف و تکامل مفاهیم و تدابیر حوزه "قلب و عروق" برگزار می کنیم.

در این نشست مطالب گسترده ی فراموش شده ای - بر اساس علوم وحیانی - درباره قلب بازخوانی خواهد گردید. محتوای این نشست در مقایسه و نقد مطالب "کتاب بیماری های قلب و عروق برانوالد" (Braunwald's Heart Disease) خصوصاً مفاهیم ناقص بخش ششم این کتاب (کاردیولوژی پیشگیرانه) مانند بررسی نقش فشار خون بالا، کلسترول بالا، دیابت، سابقه استعمال سیگار، سابقه داشتن بیماری قلبی پیش از موعد، نتیجه تست کلسیم و... در پیدایش بیماری های قلبی تدوین شده است.

محتوای این نشست تخصصی در ۶ محور ۱- تعریف قلب و تبیین جایگاه آن در بدن، ۲- تبیین بخش های مختلف قلب خصوصاً بخش عَقد، ۳- بررسی ارتباط قلب و روابط انسانی (معرفی اخلاقیات و رفتارهای احیاء کننده قلب)، ۴- بررسی ارتباط قلب و تغذیه (معرفی غذاهای تقویت کننده قلب)، ۵- بررسی ارتباط قلب و سایر اعضای بدن و ۶- معرفی داروهای جدید قلب و عروق به متخصصان قلب و عروق (+ معرفی دستورالعمل جدید پیشگیری اولیه از CVD) تبیین خواهد شد. (به فضل الهی)

بحث های "نظریه فقهی قلب و عروق" بر اساس "روش تحقیق فقهی" مطالعه و تدوین گشته است و از لحاظ جانمایی یکی از نظریات ۵۰ گانه نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری محسوب می شود. تاکنون از مباحث مرتبط با "پیشگیری ساختاری از بیماری" نظریاتی مانند: ۱- الگوی فقهی تحلیل بیماری، ۲- الگوی فقهی ارزیابی غذا، ۳- روش تحقیق فقهی در حوزه پزشکی، ۴- نظریه فقهی ایمنی (تعریف جدید واکسن)، ۵- پروتکل های فقهی مدیریت کرونا و ۶- نظریه مترقی طبیب مشاور به صورت اجمالی تبیین شده است.

حجت الاسلام علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت) - تبیین پرسش های نشست تخصصی قلب و عروق - سه شنبه ۱۳ رجب ۱۴۴۳ (میلاد باب علم نبی خاتم صلی الله علیه و آله وسلم) مصادف با ۲۶ بهمن ۱۴۰۰ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3907>

مطلب پنجم:

نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری چه می گوید؟

گاه ما به روایات و آیات حوزه سلامت، نگاهی فقهی و غیر اخباری است و در ابتدای امر برای تبویب و درایه در آیات و روایات این حوزه، قواعد اصولی خود را برای مخاطب تشریح می کنیم. یکی از مهمترین قواعدی که در تبویب "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" از آن بهره برده ایم؛ قاعده اصولی "بیان در فضای نظام مقایسه" است.

مطابق قاعده "بیان در فضای نظام مقایسه" در ابتدای امر، برای حفظ موازنه با طب سلول پایه و سازمان Who ، ساختاری سه بخشی را برای تبویب روایات و آیات حوزه سلامت تأسیس کرده ایم. به عبارت دیگر معتقدیم اگر در سه حوزه ۱- سیاست گذاری و مدیریت، ۲- پیشگیری و درمان و ۳- مبانی نظری، آیات و روایت را تبویب کنیم؛ قدرت موازنه طب اسلامی در مقایسه با پزشکی موجود ارتقاء می یابد.

بخش اول "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" به تبویب و درایه در آیات و روایات حوزه سیاست گذاری و مدیریت بخش سلامت اختصاص دارد. تبیین مفهوم "نسخه موازنه" و "نسخه مشاوره"، تبیین "کراهت ارتزاق از پزشکی" و بحث از حمام، از مصادیق مباحث این بخش است. حمام به شرحی که خواهد آمد؛ جزئی از بسته فقهی مدیریت و سیاست گذاری سلامت در محله ها محسوب می شود.

بخش دوم "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" به تبیین مفاهیم و تدابیر حوزه پیشگیری و درمان اختصاص دارد. احیای نقش قلب و نقش تنظیم روابط انسانی در تحلیل های مرتبط با سلامت، در کنار تبیین نقش طبایع اربعه و تغذیه، از مباحث مهم این بخش محسوب می شود.

بخش سوم "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" به شرح مبانی نظری حوزه سلامت، اختصاص دارد. تبیین "روش تحقیق فقهی در حوزه سلامت"، تبیین خاصیت های اشیاء در حوزه سلامت، بخش مهمی از بحث های بخش مبانی نظری را تشکیل می دهد.

معتقد هستیم، ساختار "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری"، قدرت موازنه با مفاهیم و سیاست های سازمان بهداشت جهانی را دارد و به تدریج معماری "نظام سلامت آینده" را تبیین می کند.

حجت الاسلام علی کشوری - سومین نشست تخصصی نقد مبانی نظری پزشکی - ۱۱ دی ماه ۱۴۰۰ - مدرسه مشکات قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3783>

مطلب ششم:

انواع نسخه در طب اسلامی

در بخش سوم نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری تعریفی جدید و کارآمد از نسخه - متناسب با نظام سازی در حوزه سلامت - ارائه کرده ایم. نسخه از نگاه ما سه معنا دارد.

نوع اول نسخه ها، "نسخه موازنه" است. این نوع از نسخه نویسی به غرض تغییر موازنه به نفع طب اسلامی در مواجهه با طب سلول پایه نوشته می شود. به عبارت بهتر طبق اعلام بخش سوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ شش دسته بیماری صعب العلاج وجود دارد و اثبات کارآمدی نسخه های طب اسلامی درباره این بیماری ها، به معنای تغییر موازنه اجتماعی به نفع طب اسلامی است. این نوع از نسخه ها را در ۲۸ بخش می نویسیم.

نوع دوم نسخه ها، "نسخه پیشگیری" است. نسخه پیشگیری به غرض اصلاح تدریجی ساختارهای بیماری زا از سوی گروه های پزشکی طب اسلامی برای مدیران اجرایی و تقنینی کشور نوشته می شود. طرح عطر در واقع از نوع نسخه های پیشگیری است و به غرض اصلاح الگوی فضای سبز شهری نوشته شده است. تغییر الگوی فضای سبز بر اساس طرح عطر به افزایش سلامت روحی و جسمی افراد منجر می شود.

نوع سوم از نسخه های طب اسلامی، "نسخه درمان" است. این نوع از نسخه ها به غرض درمان ارزان قیمت و سریع یک بیمار بعد از تحلیل بیماری او نوشته می شود.

در فرهنگستان طب اسلامی به دنبال برگزاری جلسات تخصصی برای تبیین نسخه های ثلاث طب اسلامی هستیم.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری - پردیسان قم - ۱۸ آذر ۱۳۹۹

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/2797>

پیوست شماره پانزده: توصیفات شارع از خانه

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنَ السَّعَادَةِ سَعَةٌ الْمَنْزِلِ .

هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خانه وسیع مایه سعادت زندگی است.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۲۵ / المحاسن ج ۲ ص ۶۱۱ / مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۲۵

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۷۸۹ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۹۹ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۵۹

۲. عَنْهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنْ فَضْلِ عَيْشِ الدُّنْيَا قَالَ سَعَةٌ الْمَنْزِلِ وَ كَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ .

از امام کاظم علیه السلام درباره خوبی زندگی دنیایی سؤال شد. فرمود: وسیع بودن منزل و زیاد بودن دوستداران است.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۲۶

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۷۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۵۹۰

۳. عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبِ بْنِ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ جَنَاحٍ عَنْ نَصْرِ الْكُوسَجِ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ فِي سَعَةِ الْمَنْزِلِ .

برای مومن در وسیع بودن خانه مایه راحتی است.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۱۱ / مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۲۵

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۵ ص ۳۰۲ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۵۲

۴. عَنْهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ تَسْتُرُ حَالَهُ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتُ أَخْرَجَهَا مِنْ مَنْزِلِهِ إِمَّا بِمَوْتٍ أَوْ بِتَزْوِيجٍ .

مطر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

سه چیز مایه راحتی مؤمن است: خانه بزرگ و وسیعی که عیب او را بیوشاند و تنگدستی اش را از دید مردم پنهان دارد؛ زن شایسته ای که او را در امور دنیا و آخرتش یاری دهد و دختری که او را - یا با مرگش، و یا با شوهر دادنش - از خانه بیرون کند.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۱۰ / الكافي ج ۵ ص ۳۲۷ / الخصال ج ۱ ص ۱۵۹

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۷۸۹ / وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۱ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۴۸

۵. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ ضَيْقُ الْمَنْزِلِ.

از امام باقر: از بدبختی های زندگی تنگی و کوچکی منزل است.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۱۱ / الكافي ج ۶ ص ۵۳۶

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۷۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۳۰۲

۶. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ حُسْنُ مَجْلِسِهِ وَ سَعَةُ فَنَائِهِ وَ نَظَافَةُ مُتَوَضَّأِهِ .

امام صادق علیه السلام: از نشانه های خوشبختی مرد، خوش مجلسی و بزرگی حیاط منزل و پاکیزگی دستشویی او می باشد.

منبع: مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۲۶

۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ فَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَ الْجَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِيءُ وَ الْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ الْجَارُ السَّوْءُ وَ الْمَرْأَةُ السَّوْءُ وَ الْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَ الْمَرْكَبُ السَّوْءُ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: چهار چیز از نشانه های خوشبختی و چهار چیز از نشانه های بدبختی است. اما چهار چیز که از نشانه های خوشبختی اند عبارتند از: زن (همسر) خوب و خانه بزرگ و همسایه خوب و مرکب زیبا و چهار چیزی که از نشانه های بدبختی اند عبارتند از: همسایه بد و زن (همسر) بد و خانه کوچک و مرکب بد.

منبع: مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۲۶ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۵۴

پیوست شماره شانزده: امر به معروف و نهی از منکر

بخش اول: آیات

۱. قَوْلَ مَعْرُوفٍ وَمَغْفِرَةً خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ.

گفتاری پسندیده (در برابر نیازمندان) و گذشت (از اصرار و تندی آنان) بهتر از صدقه ای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بی نیاز بردبار است. سوره بقره آیه ۲۶۳

۲. لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.

در بسیاری از رازگوییهای ایشان خیری نیست مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم فرمان دهد و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند به زودی او را پاداش بزرگی خواهیم داد. سوره نساء آیه ۱۱۴

۳. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

ای پیامبر چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نهند و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است. سوره ممتحنه آیه ۱۲

۴. الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

مردان و زنان دو چهره [همانند] یکدیگرند به کار ناپسند و امی دارند و از کار پسندیده باز می دارند و دستهای خود را [از انفاق] فرو می بندند خدا را فراموش کردند پس [خدا هم] فراموششان کرد در حقیقت این منافقانند که فاسقند. سوره توبه آیه ۶۷

۵. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند. سوره اعراف آیه ۱۵۷

۶. التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

[آن مؤمنان] همان توبه کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه داران رکوع کنندگان سجده کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده. سوره توبه آیه ۱۱۲

۷. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند. سوره آل عمران آیه ۱۱۰

۸. وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. سوره آل عمران آیه ۱۰۴

۹. لَوْلَا يُنَهَاهُمْ الرَّبَّائِيُونَ وَالْأَحْبَابُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.

چرا الهیون و دانشمندان آنان را از گفتار گناه [آلود] و حرامخوارگی شان باز نمی دارند راستی چه بد است آنچه انجام می دادند. سوره مائده آیه ۶۳

۱۰. لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.

از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز میکردند. [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند یکدیگر را باز نمی داشتند راستی چه بد بود آنچه میکردند. سوره مائده آیات ۷۸ و ۷۹

بخش دوم: روایات

۱. هَارُونَ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَ نِسَاؤُكُمْ وَفَسَقَ شَبَابُكُمْ، وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؟!» فَقِيلَ لَهُ: وَ يَكُونُ ذَلِكَ، يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: «نَعَمْ، وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ يَكُونُ ذَلِكَ؟! قَالَ: «نَعَمْ، وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمْ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟!»

مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: چه حالی خواهید داشت، وقتی که زنان تان فاسد شوند و جوان هایتان فاسق و بدکار شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟! عرض کردند: ای رسول خدا! آیا واقعا چنین اتفاقی خواهد افتاد؟ فرمود: آری، و بدتر آن نیز خواهد شد. چه حالی خواهید داشت هنگامی که دستور به کار منکر و زشت بدهید و از کار معروف و نیک بازدارید؟

به آن حضرت عرض شد: ای رسول خدا! آیا چنین اتفاقی خواهد افتاد؟ فرمود: آری، بدتر از این هم خواهد شد. چه حالی دارید آن گاه که معروف و نیک به نظر شما بد و منکر شود، و منکر به نظر شما نیک باشد؟!

مصدر: قرب الاسناد ج ۱ ص ۵۴ / الکافی ج ۵ ص ۵۹ / تحف العقول ج ۱ ص ۴۹ / تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۷۷
دیگر منابع: روضة الواعظین ج ۲ ص ۳۶۵ / مجموعة ورام ج ۲ ص ۱۲۴ / الوافی ج ۱۵ ص ۱۷۶ / وسائل الشیعة ج ۱۶ ص ۱۲۲ / بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۸۱

۲. وَ فِي كَلَامٍ آخَرَ لَهُ يَجْرِي هَذَا الْمَجْرَى: فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ فَذَلِكَ مُتَمَسِّكٌ بِخِصَلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُضَيِّعٌ خِصْلَةً وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَذَلِكَ الَّذِي ضَيَّعَ أَشْرَفَ الْخِصَلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدَةٍ وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ وَ مَا أَعْمَالُ الْبَرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كُنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ. وَ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَقْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ.

تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور. امر به معروف و نهی از منکر اجل کسی را پیش نمی اندازد و رزق و روزی کسی را کم نمی کند

مصدر: نهج البلاغة ج ۱ ص ۵۴۲
دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۱۶ ص ۱۳۴ / بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۸۹

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ بَشْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَصْمَةَ قَاضِي مَرَوْ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَتَّبِعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاءُونَ يَتَّقَرُّونَ وَيَتَنَسَّكُونَ حَدَثًا سُفْهَاءً لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أُمِنُوا الصَّرَرَ يَطْلُبُونَ لِأَنْفُسِهِمُ الرُّخْصَ وَالْمَعَاذِيرَ يَتَّبِعُونَ زَلَّاتِ الْعُلَمَاءِ وَفَسَادِ عَمَلِهِمْ يُقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَمَا لَا يَكْلِمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَلَا مَالٍ وَلَا لَوْ أَضْرَّتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَبْدَانِهِمْ لَرَفُضُوا كَمَا رَفُضُوا أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَأَشْرَفَهَا إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ هُنَالِكَ يَبِيحُ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفَجَارِ وَالصَّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمُنُ الْمَذَاهِبُ وَتَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَالْفِطْوَا بِالسِّنْتِكُمْ وَصُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَلَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً فَإِنِ انْتَعَطُوا وَإِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلُمُونَ النَّاسَ وَيَتَّبِعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أَوْلِيكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَأَبْغُضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَلَا بَاغِينَ مَالًا وَلَا مُرِيدِينَ بِظُلْمٍ ظَفْرًا حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَيَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ قَالَ وَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شَرَارِهِمْ وَسِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ هُوَ لَاءِ الْأَشْرَارِ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ دَاهُنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يُغْضَبُوا لِعُصْبِي .

در آخر الزمان گروهی به وجود می‌آیند که در بین خود از فرقه‌ای پیروی می‌کنند که ریاکار، قاری قرآن، اهل انجام عبادات، دارای حالتی زهدگونه، تازه به دوران رسیده و سفيه و نادان‌اند. امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی‌دانند مگر در صورتی که از ضرری در امان باشند، برای خودشان رخصت و بهانه می‌جویند، و از لغزش‌های علما و بد عملی آن‌ها پیروی می‌کنند. به نماز و روزه و چیزهایی که به جاه و مال‌شان لطمه‌ای نزنند روی می‌آورند، و اگر نماز و دیگر کارهایی را که انجام می‌دهند نیز به مال و جان‌شان ضرری برساند، آن را هم همانند فریضه‌ها و واجبات بزرگ دیگری که ترك کردند، رها می‌کنند.

در واقع امر به معروف و نهی از منکر فریضه و واجب عظیم و بزرگی است که فرایض و واجبات، تنها با آنها برپا می‌شود.

این جاست که غضب الهی بر این افراد تمام و کامل می‌شود و همه را به کیفر خود گرفتار می‌کند و نیکان را نیز در سرزمین بدکاران، و کوچک‌ها را در سرزمین بزرگان هلاک و نابود می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت راه انبیا، روش روشن صالحان، و فریضه‌ای است بزرگ که فرایض با آن زنده و پابرجا می‌شود و مسلك‌های دین با آن‌ها (از بدعت‌ها) در امان می‌ماند، تجارت‌ها حلال می‌شود، آنچه به ستم گرفته شده باز می‌گردد و زمین آباد می‌شود و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و امور (دین و دنیا) به راه راست کشیده می‌شود. پس، با دل‌هایتان منکر و کار بد را انکار کنید و زشت بدانید، و با زبان‌های خود این مطلب را بگویید، و به شدت بر روی آن‌ها بنزید، و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای مترسید. پس اگر پند گرفتند و به حق بازگشتند

دیگر اجازه آزار آنها را ندارید (و راهی نیست) بلکه: «اجازه تنها در مورد کسانی است که به مردم ستم می‌کنند، و در زمین به ناحق طلب و درخواست می‌کنند؛ عذابی دردناک برای اینان خواهد بود. در چنین موردی با بدنهایتان به جهاد با آنها بپردازید، و با دل‌هایتان بر آنان خشم بگیرید، بدون این که در پی حکومت‌یابی باشید، و یا مالی را به ستم بگیرید یا بخواهید با ستمگری (و بدون عدالت) بر آنان پیروز شوید؛ این کار را بکنید تا به دستور الهی بازگردند و مشغول اطاعت و فرمانبرداری از او شوند. خدای عزّ و جلّ به شعیب پیامبر علیه السّلام وحی کرد: «من یکصد هزار نفر از قوم تو را عذاب می‌کنم، چهل هزار نفر از بد‌هایشان و شصت هزار نفر از بهترین‌هایشان را.

شعیب علیه السّلام عرض کرد: ای پروردگار من! اینان اشرارند، ولی نیکان به چه سبب؟ خداوند عزّ و جلّ به او وحی فرمود: با معصیت کاران کنار آمدند و به خاطر خشم و غضب من، خشمگین نشدند. مصدر: الکافی ج ۵ ص ۵۵ / تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۱۸۰
دیگر منابع: مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۲۵ / الوافی ج ۱۵ ص ۱۶۹ / تفسیر الصافی ج ۱ ص ۳۶۷

پیوست شماره هفده: سنن حنیفیه

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمْ يَزَلْ بَنُو إِسْمَاعِيلَ وُلاةَ الْبَيْتِ وَ يَقِيمُونَ لِلنَّاسِ حَجَّهُمْ وَ أَمَرَ دِينَهُمْ يَتَوَارَثُونَهُ كَابِرٌ عَنْ كَابِرٍ حَتَّى كَانَ زَمَنُ عَدْنَانَ بْنِ أَدَدَ «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَفَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ» وَ أَفْسَدُوا وَ أَحَدَثُوا فِي دِينِهِمْ وَ أَخْرَجَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فَمِنْهُمْ مَنْ خَرَجَ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ وَ مِنْهُمْ مَنْ خَرَجَ كَرَاهِيَةَ الْقِتَالِ وَ فِي أَيْدِيهِمْ أَشْيَاءُ كَثِيرَةٌ مِنَ الْحَنِيفِيَّةِ مِنْ تَحْرِيمِ الْأُمَّهَاتِ وَ الْبَنَاتِ وَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي النِّكَاحِ إِلَّا أَنَّهُمْ كَانُوا يَسْتَحِلُّونَ امْرَأَةَ الْأَبِ وَ ابْنَةَ الْأُخْتِ وَ الْجَمْعَ بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ وَ كَانَ فِي أَيْدِيهِمُ الْحَجُّ وَ التَّلْبِيَةُ وَ الْغُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ إِلَّا مَا أَحَدَثُوا فِي تَلْبِيَّتِهِمْ وَ فِي حَجِّهِمْ مِنَ الشَّرِكِ وَ كَانَ فِيمَا بَيْنَ إِسْمَاعِيلَ وَ عَدْنَانَ بْنِ أَدَدَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ .

ابو بصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

همواره فرزندان اسماعیل والیان خانه کعبه بودند، آنان برنامه حج مردم و اموری دینی آنها را اقامه می کردند و این کار را بزرگی از بزرگ دیگر به ارث می برد تا این که زمان عدنان بن ادد شد و مدتی طولانی زندگی آنان در رفاه بود. دل های ایشان سخت شد و فساد کردند و در دین بدعت ها گذاردند و بعضی از آنها بعضی دیگر را از حرم بیرون نمودند، عده ای از آنها برای طلب معاش و روزی و بعضی نیز به جهت خوش نداشتن جنگ و خونریزی از مکه خارج شدند، و درحالی که امور بسیاری را از دین ابراهیم در اختیار داشتند که از جمله آنها حرمت ازدواج با مادران و دختران بود و آن چه را که خداوند در ازدواج حرام فرموده بود،

ولی آنان زن پدر، دختر خواهر و جمع میان دو خواهر را حلال می شمردند، درحالی که از دستورات حج، تلبیه و غسل جنابت آگاهی داشتند؛ ولی آنها در تلبیه و حج خویش بدعت گذارده و شرك قرار دادند. در فاصله بین دوران اسماعیل و عدنان بن ادد دوران پیامبری موسی علیه السلام بود (که او را نیز تصدیق نکردند).

مصدر: الکافی ج ۴ ص ۲۱۰

دیگر منابع: الوافی ج ۱۲ ص ۱۵۵

۲. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَبْقَتِ الْحَنِيفِيَّةُ شَيْئاً حَتَّى إِنَّ مِنْهَا قَصَّ الشَّارِبِ وَ قَلَمَ الْأَنْظَفَارِ وَ الْخِتَانَ .

تفسیر عیاشی: تا امام باقر (علیه السلام) که فرمود: حنیفیه چیز بجا نگذاشته تا اینکه چیدن سبیل و گرفتن ناخن و ختنه هم از آن بشمار است.

مصدر: تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۶۱

دیگر منابع: تفسیر الصافی ج ۱ ص ۱۹۲ / تفسیر البرهان ج ۱ ص ۳۳۶ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۶۸

۳. عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ بَيْنَ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ كَانَتْ شَرِيعَةُ إِبْرَاهِيمَ بِالتَّوْحِيدِ وَ الإِخْلَاصِ وَ حَلْعِ الأَنْدَادِ وَ هِيَ الأَفْطَرَةُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا وَ هِيَ الحَنِيفِيَّةُ وَ أَخَذَ عَلَيْهِ مِيثَاقَهُ وَ أَنْ لَا يُعْبَدَ إِلاَّ اللهُ وَ لَا يُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً قَالَ وَ أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الأَمْرِ وَ النَّهْيِ وَ لَمْ يَحْكَمْ عَلَيْهِ أَحْكَامَ فَرَضِ المَوَارِيثِ وَ زَادَهُ فِي الحَنِيفِيَّةِ الحِتَانِ وَ فَصَّ الشَّارِبِ وَ تَتَفَّ الإِبْطِ وَ تَقْلِيمِ الأَطْفَارِ وَ حَلْقِ العَانَةِ وَ أَمَرَهُ بِبِنَاءِ البَيْتِ وَ الحَجِّ وَ المَنَاسِكِ فَهَذِهِ كُلُّهَا شَرِيعَتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

از حضرت صادق (علیه السلام): بین نوح و ابراهیم هزار سال فاصله بود و شریعت ابراهیم بر پایه توحید و اخلاص و از بین بردن انداختن شرک بود، و این همان فطرت انسانی است که بر آن خلق شده، و خداوند بر این مطلب پیمان گرفته است، که جز خدا را نپرستد، و چیزی را شریک او قرار ندهد. و نیز ابراهیم را فرمود که نماز گذارد و امر به معروف و نهی از منکر کند، و احکام ارث را بر او نفرستاد، و به دین حنیف (حق) او ختنه، و زدن شارب و ستردن مویهای زیر بغل و گرفتن ناخن و تراشیدن مویهای عورت را اضافه کرد. و باو فرمود که خانه کعبه را بسازد و حج و مناسک بجای آرد. و اینها همه از شریعت ابراهیم علیه السلام بود.

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۶۰ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۶۸

۴. أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ القَّاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : تَقْلِيمُ الأَطْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الأَعْظَمَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گرفتن ناخنها، آدمی را از دچار شدن به درد بزرگ (شاید خوره، جذام و پیسی و...) دور می کند و روزی او را افزون می نماید.

مصدر: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۳

دیگر منابع: جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۲۲ / مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۴۱۴

۵. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمُطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَقْلِيمُ الأَطْفَارِ وَ الأَخْذُ مِنَ الشَّارِبِ وَ غَسْلُ الرِّاسِ بِالخِطْمِ يَنْفِي الفَقْرَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ .

سفیان بن سمط گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: چیدن ناخن ها، کوتاه کردن سبیل و شستن سر با گیاه ختمی فقر و ناداری را می راند و رزق را افزایش می دهد.

مصدر: الكافي ج ۶ ص ۵۰۴

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۶۴ / الوافی ج ۶ ص ۶۳۲ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۶۰ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۲۲

۶. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خِتَانِ الصَّبِيِّ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنَ السَّنَةِ هُوَ أَوْ يُؤَخَّرَ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ «السَّبْعَةُ أَيَّامٌ مِنَ السَّنَةِ وَإِنْ أُخِّرَ فَلَا بَأْسَ» .

علی بن یقظین گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: ختنه کودکان در روز هفتم ولادت، سنت واجب است یا می تواند به تأخیر بیفتد؟ و کدام یک فضیلت بیشتری دارد؟

فرمود: ختنه در روز هفتم ولادت سنت شده است، و اگر تأخیر بیفتد مانعی ندارد.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۳۶ / تهذیب الأحکام ج ۷ ص ۴۴۵

دیگر منابع: الوافی ج ۲۳ ص ۱۳۵۸ / وسائل الشیعة ج ۲۱ ص ۴۳۸

۷. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ تَخَلَّلَ بِالْقَصَبِ لَمْ تُقْضَ لَهُ حَاجَةٌ سِتَّةَ أَيَّامٍ .

راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس با نی خلال کند، تا شش روز هیچ حاجتی برایش برآورده و انجام نخواهد شد.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۵۶۴ / الکافی ج ۶ ص ۳۷۷

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۵۴۷ / وسائل الشیعة ج ۲۴ ص ۴۲۳ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۴۴۱

۸. وَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَنَّهُ نَهَى أَنْ يُتَخَلَّلَ بِالرُّمَّانِ وَ الْقَصَبِ وَ قَالَ إِنَّهُمَا يُحَرِّكَانِ عِرْقَ الْإِهْكَلَةِ .

از نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه: با چوب انار و نی خلال نکنید چرا که عرق آکله را تحریک می کند.

مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۳۲۰

۹. العیاشی عن الصادق علیه السلام قال : الحنیفیة هی الإسلام .

حنیفیت همان اسلام است.

تفسیر الصافی ج ۱ ص ۱۹۲ / تفسیر البرهان ج ۱ ص ۳۳۶ / بحار الأنوار ج ۳ ص ۲۸۱

۱۰. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْزَأُكَ غُسْلُكَ ذَلِكَ لِلْجَنَابَةِ وَالْجُمُعَةِ وَ عَرَفَةَ وَ النَّحْرَ وَ الْحَلْقَ وَ الدَّبْحَ وَ الرِّيَّازَةَ وَ إِذَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْكَ حُقُوقٌ أَجْزَأُهَا عَنْكَ غُسْلٌ وَاحِدٌ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ كَذَلِكَ الْمَرْأَةُ يُجْزئُهَا غُسْلٌ وَاحِدٌ لِجَنَابَتِهَا وَ إِحْرَامِهَا وَ جُمُعَتِهَا وَ غُسْلِهَا مِنْ حَيْضِهَا وَ عِيدِهَا .

زراره گوید: حضرتش فرمود:

هرگاه پس از طلوع فجر غسل نمایی آن غسل برای تو از غسل‌های جنابت، جمعه، عرفه، عید قربان، سر تراشیدن، ذبح نمودن و زیارت کفایت می‌نماید. و هرگاه چند حق (و غسل) بر تو لازم گردد به جا آوردن يك غسل به جای آن‌ها برای تو کافی است

سپس فرمود: زن نیز این‌گونه است و يك غسل تنها از برای جنابت، احرام، جمعه، غسل حیض و عید او کافی است.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۴۱ / تهذیب الأحکام ج ۱ ص ۱۰۷

دیگر منابع: السرائر ج ۳ ص ۵۸۸ / الوافی ج ۶ ص ۵۳۳ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۲۶۱

پیوست شماره هجده: تاریخچه سازمان برنامه و بودجه

به منظور هماهنگ نمودن فعالیت‌های عمرانی و لزوم تهیه برنامه‌هایی برای رشد اقتصادی و اجتماعی کشور در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی شورای اقتصادی تشکیل شد. در ۱۷ فروردین سال ۱۳۲۵ به موجب تصویب‌نامه هیأت وزیران هیأتی به نام هیأت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور تشکیل شد. هیأت دولت پس از دریافت گزارشات ارائه شده از سوی این هیأت در مرداد ماه سال ۱۳۲۵ تصویب کرد؛ برای رسیدگی به برنامه‌های ارائه شده از سوی وزارتخانه‌ها، هیأت جدیدی به نام هیأت عالی برنامه تشکیل شود.

هیأت عالی برنامه در سال ۱۳۲۷ لایحه قانون برنامه هفت ساله عمرانی کشور را تهیه و به مجلس وقت ارائه کرد. در این لایحه برای نخستین بار با توجه به لزوم جلوگیری از ایجاد اصطکاک بین سازمان‌هایی که عملیات مشابه انجام می‌دهند از سویی و لزوم تحول اقتصادی کشور از سویی دیگر پیشنهاد شد؛ اجرای برنامه از طریق همکاری بین دواير دولتي و سازمان‌های وابسته به دولت از يك طرف و سازمانی خاص به نام سازمان برنامه از طرف دیگر انجام گیرد. به این ترتیب در شهریور ماه ۱۳۲۷ اداره‌ای به نام اداره دفتر کل برنامه تأسیس شد که بعداً این اداره سازمان موقت برنامه نامیده شد. در نهایت طبق قانون برنامه عمرانی ایران، مصوب ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ سازمان برنامه به وجود آمد. از تکالیفی که در برنامه اول برای سازمان جدید پیش‌بینی شده بود، تهیه برنامه تفصیلی و امکان‌سنجی اجرای طرح‌ها بود.

نظام برنامه‌ریزی در برنامه سوم عمرانی تحولاتی اساسی یافت که مهم‌ترین آن به شرح زیر بود:

- دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها به طور مستقیم وارد فرآیند برنامه‌ریزی شدند. در مراحل اول، چارجوب کلی برنامه شامل هدف‌های کلان و تخصیص بخشی اعتبارات توسط معاونت اقتصادی سازمان برنامه تعیین شد و در مرحله بعدی برنامه‌های اجرایی بخش‌ها در کمیته‌های بخشی تهیه گردید. کمیته‌های مزبور متشکل از نمایندگان از معاونت اقتصادی سازمان برنامه و دستگاه‌های اجرایی ذي‌ربط بود. هدف از تشکیل این کمیته‌ها علاوه بر تسهیل فرآیند برنامه‌ریزی بخشی، گسترش و تعمیم مفاهیم برنامه‌ریزی در سطح وزارتخانه‌ها بود.
- سازمان برنامه از حالت اجرایی خارج شد و اجرای طرح‌های عمرانی به دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها محول گردید. سازمان فقط اجرای طرح‌هایی را که در برنامه دوم بر عهده داشت ادامه داد.
- هیأت نظارت و شورای عالی حذف و جای آن را هیأت عالی برنامه و هیأت حسابرسی گرفتند.
- معاونت طرح‌ها و برنامه در سازمان برنامه که مهم‌ترین وظیفه آن تهیه گزارش اقتصادی و ارزیابی طرح‌های در دست اجرا و سنجش اقتصادی آن‌ها بود، ایجاد شد.

- سازمان برنامه موظف شد در پایان شهریورماه هر سال گزارش اقتصادی سال جاری و نیز پیش‌بینی سال آینده را تهیه و به هیأت عالی برنامه ارایه کند.

با تصویب قانون برنامه و بودجه در ۱۵ اسفند ۱۳۵۱، سازمان برنامه به دلیل انتقال وظیفه تهیه و تدوین تمامی بودجه به آن («سازمان برنامه و بودجه») نامیده شد.

وظایف و اختیارات سازمان در زمینه برنامه‌ریزی، تنظیم بودجه و نظارت به قرار زیر بود:

۱- انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی به منظور برنامه‌ریزی و تنظیم بودجه و تهیه گزارش‌های اقتصادی و اجتماعی.

۲- تهیه برنامه درازمدت با تبادل نظر با دستگاه‌های اجرایی و تسلیم آن به شورای اقتصاد.

۳- تهیه برنامه عمرانی پنج‌ساله طبق فصل چهارم این قانون.

۴- پیشنهاد خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به بودجه کل کشور به شورای اقتصاد.

۵- تهیه و تنظیم بودجه کل کشور.

۶- نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها و پیشرفت سالانه آنها طبق مفاد فصل نهم این قانون.

۷- هم‌آهنگ نمودن روش‌ها و برنامه‌های آماری کشور.

۸- ارزشیابی کارایی و عملکرد در دستگاه‌های اجرایی کشوری و گزارش آن به نخست‌وزیر.

۹- بررسی گزارش‌ها و مسائلی که باید در شورای اقتصاد مطرح شود.

براساس مصوبه هشتاد و ششمین جلسه شورای اداری (در تاریخ ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۷۸) به منظور تحقق مطلوب وظایف و اختیارات رئیس محترم جمهوری موضوع اصل ۱۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تأمین یکپارچگی در مدیریت کلان و فراهم کردن زمینه تحقق مطلوب برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور با ادغام دو سازمان برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل شد و فعالیت‌های خود را از تیر ماه سال ۱۳۷۹ آغاز کرد.

در سال ۱۳۸۶ شورای عالی اداری در یکصد و سی و سومین جلسه خود، در راستای تحقق چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی نظام و برنامه چهارم توسعه و به منظور حسن اجرای اصول ۶۰، ۱۲۴ و ۱۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اجرای مفاد ماده ۱۵۴ برنامه چهارم توسعه تصویب نمود:

«معاونت نظارت و هماهنگی بر سیاست‌های اقتصادی و علمی معاون اول رئیس جمهور، معاونت هماهنگی و نظارت راهبردی نهاد ریاست جمهور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و مؤسسات وابسته آن، با تمام وظایف و اختیارات و مسئولیت‌ها و دارایی و تعهدات و اعتبارات و امکانات و نیروی انسانی، ادغام و با عنوان دو معاونت به نام‌های «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» و «معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور» فعالیت می‌کنند.

شورای عالی اداری در یکصد و شصت و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۲ به منظور ایجاد وحدت مدیریت و انسجام و یکپارچه‌سازی ساختار سازمانی لازم در اجرای اصول ۱۲۶ و ۱۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، با احیاء و تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و استانها موافقت نمود.

شورای عالی اداری در یکصد و هفتاد و ششمین جلسه مورخ ۱۳۹۵ / ۵ / ۲ با توجه به اختیارات اصل ۱۲۶ قانون اساسی، به منظور سازماندهی و انسجام بخشی به مأموریت‌ها و وظایف مربوط به حوزه‌های امور اداری و استخدامی و برنامه و بودجه تصویب نمود: وظایف رئیس جمهور در امور برنامه و بودجه، در قالب سازمان برنامه و بودجه کشور توسط «معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور» اداره گردد.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان برنامه و بودجه

<https://www.mporg.ir/history>

پیوست شماره نوزده: سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار در بیانات مقام معظم رهبری

مطلب اول:

عزیزان من! درست توجه کنید؛ مخصوصاً مسئولین عزیز و محترمی که تشریف دارند، توجه کنند. اینجا است که اهمیت سند ۲۰۳۰ معلوم میشود. لُب کلام و جان کلام در این سند ۲۰۳۰ که فصل مهمی مربوط به آموزش و پرورش دارد، این است که نظام آموزشی باید سبک زندگی را و فلسفه‌ی حیات را بر اساس مبانی غربی به کودک بیاموزد؛ این آن لُب کلام در سند ۲۰۳۰ است. یعنی چه؟ یعنی جنابعالی، انسان متدین و علاقه‌مند به کشورتان، علاقه‌مند به آینده‌تان، در کلاس درستان سرباز برای غرب درست کنید. (۲) این که روی سند ۲۰۳۰ این قدر اصرار دارند و کار میکنند، آشکار و غیر آشکار سعی میکنند این را تحکیم کنند بر مناسبات کشورها از جمله کشور ما، این معنایش این است؛ چون دستورات و توصیه‌ها و نکات اصلی موجود در این سند برای آموزش و پرورش این است که آموزش و پرورش باید جوری مناسبات فکری شاگردان را تنظیم کند که فلسفه‌ی زندگی‌شان، اساس زندگی‌شان، مفهوم حیات در نظرشان، طبق تفکر غربی باشد. همین که عرض کردم؛ شما اینجا بنشینید سرباز درست کنید برای انگلیس و فرانسه و آمریکا و بقیه‌ی این وحشی‌های کراوات‌زده‌ی ادکلن‌زده‌ی ظاهر ساز؛ همینهایی که آدم میکشند بدون اینکه خم به ابرو بیاورند، به آدمکش کمک میکنند بدون اینکه خم به ابرو بیاورند؛ میگویند آقا چرا شما به سعودی کمک میکنید؟ میگویند ما به پولش احتیاج داریم؛ میدانند که در یمن چه کار دارد میکند، در عین حال کمکش میکنند. اینها بنشینند آنجا، ما برای اینها در ایران و در کشورهای آسیا و غرب آسیا و کشورهای اسلامی و مانند اینها، سرباز و پشتیبان و رعیت تربیت کنیم؛ [سند] ۲۰۳۰ این است.

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان / ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410>

مطلب دوم:

مسئله‌ی تبیین؛ یکی از کارهای اساتید، مسئله‌ی تبیین است که حالا من تشکر میکنم از آقای پارسانیا (۷) که راجع به سند ۲۰۳۰ اینجا صحبت کردند؛ خوب این باید تبیین بشود؛ ما یک چیزی راجع به این سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش گفتیم، خوب حرفهای گوناگونی هم اطرافش زده شد. این مسئله، خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ همین طور که ایشان اشاره کرد، این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل - سند توسعه‌ی پایدار - است که یک بخش آن همین سند ۲۰۳۰ مربوط به آموزش و پرورش است. در واقع آنچه اینها در این سند توسعه‌ی پایدار - که از جمله این سند ۲۰۳۰ [در آن] هست - طرّاحی دارند میکنند و دست‌اندرکار هستند، این است که یک منظومه‌ی فکری و فرهنگی و عملی برای همه‌ی دنیا دارند جعل میکنند. این را چه کسی میکند؟ دستهایی پشت سازمان ملل وجود دارد؛ یونسکو اینجا یک وسیله است، یک ویرترین است؛ دستهایی نشسته‌اند، دارند برای

همه چیز کشورهای دنیا و همه‌ی ملت‌ها یک منظومه تولید میکنند؛ منظومه‌ای که شامل فکر است، شامل فرهنگ است، شامل عمل است و این را دارند ارائه میدهند و ملت‌ها باید همه بر طبق این، عمل کنند. یک بخش آن هم بخش آموزش و پرورش است که همین سند ۲۰۳۰ است. خب این غلط است؛ این غلط است؛ اصلاً این معیوب است؛ این حرکت، حرکت معیوبی است. چرا؟ چه کسانی هستند اینهایی که دارند سند توسعه‌ی پایدار را فراهم میکنند؟ چه حقی دارند که درباره‌ی کشورها، درباره‌ی ملت‌ها، درباره‌ی سنت‌هایشان، درباره‌ی عقایدشان، اظهار نظر کنند که باید این جوری کنید، باید آن جوری کنید؛ همه‌ی اینها هم «باید» است. اینکه میگویند الزام نیست، این سطحی‌نگری است؛ نخیر، در واقع، همه‌ی اینها الزام است، و هرکدام از اینها که تحقق پیدا نکند، بعد به عنوان یک نقطه‌ی منفی به حساب خواهد آمد که «در فلان جدول، تهِ جدول قرار میگیرید؛ فلان امتیاز از شما سلب میشود!» همه‌ی اینها این جوری است؛ در واقع همه‌ی اینها «باید» است، ولو در ظاهرش «باید» نباشد. چه لزومی دارد؟ خب ما از چند سال قبل از این آمدیم گفتیم «الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت»؛ بنده کلمه‌ی توسعه را هم عمداً به کار نبردم. آقایانی که مسئول این کار هستند و از آن وقت ما با اینها ارتباط داریم، میدانند؛ بنده عمداً گفتم کلمه‌ی توسعه را من به کار نمیبرم، چون کلمه‌ی توسعه یک کلمه‌ی غربی است؛ یک مفهوم غربی دارد؛ من کلمه‌ی پیشرفت را به کار میبرم؛ الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی. خب این الگو را بگردیم پیدا کنیم! چرا باید برای پیشرفت ما، دست‌های غربی الگو بدهند به صورت همین سند توسعه‌ی پایدار یا ۲۰۳۰ و امثال اینها؟ اینها کار کیست؟ کار شماها است، کار دانشگاه‌ها است، کار اساتید است.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها / ۳۱ خرداد ۱۳۹۶

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36930>

مطلب سوم:

یک مسئله‌ی دیگر هم من اینجا عرض بکنم: این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرف‌ها، (۸) اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه‌ی به اصطلاح بین‌المللی ای - که قطعاً تحت نفوذ قدرتهای بزرگ دنیا است - این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است. اگر چنانچه با اصل کار شما نمیتوانید مخالفت بکنید، حدّاقلّش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش ممشی دارد، خطّ و ربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما میدانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه کار کنیم؛ احتیاج به این سند وجود ندارد. اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم بی سروصدا اجرائی کردن، نخیر، این اصلاً مطلقاً مجاز نیست؛ ما اعلام هم کرده‌ایم به دستگاه‌های مسئول. بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم؛ آنها باید مراقبت میکردند، نباید اجازه میدادند این کار تا اینجا پیش بیاید که

ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیه بشویم. اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب و ویرانگر فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند. البته متأسفانه اعمال نفوذ دارند میکنند و از طرق مختلف وارد میشوند اما [اینکه] این جور به طور رسمی سند به ما بدهند که «تا پانزده سال دیگر باید شما این جوری بکنید، این جوری بکنید»، ما هم بگوییم بله، معنی ندارد این کار.

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان / ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36431>

مطلب چهارم:

مسئله «استقلال» هم که من گفتم، خیلی مهم است. حالا همین مسئله ۲۰۳۰ - این قضیه سند ۲۰۳۰ - از همین قبیل است؛ این مسئله استقلال است. حالا بعضی ها می آیند میگویند آقا، مثلاً فرض کنیم ما تحفظ داده ایم یا گفته ایم فلان چیزش را قبول نداریم؛ نه، بحث سر اینها نیست. فرض کنیم در این سند، هیچ چیز واضح بینی هم که مخالف با اسلام باشد وجود نداشته باشد - که البته وجود دارد؛ آنهایی که خیال میکنند ما گزارش درست نگرفته ایم؛ نه، گزارشهای ما گزارشهای درستی است - حرف من این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته بشود؛ حرف من این است. شما میگویند این مثلاً فرض کنید خلاف اسلام ندارد؛ داشته باشد یا نداشته باشد، اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است، اینجا یک ملت بزرگند. نظام آموزشی ما را چهار نفر در یونسکو یا سازمان ملل یا فلان جا بنشینند بنویسند؟ چرا؟ این همان مسئله استقلال است. استقلال ابعادش تا اینجاها است.

- مسئله «نفی نظام سلطه» جزو کلیدواژه های اصلی است،

- مسئله «آزادی» جزو کلیدواژه های اصلی است؛ آزادی را درست باید تبیین کنید.

- مسئله «عدالت» جزو کلیدواژه های اصلی است؛ و از این قبیل.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۷ خرداد ۱۳۹۶

مطلب پنجم:

البته در داخل متأسفانه بعضی ها غرب را بزرگ میکنند، بدی های غرب را توجیه میکنند، رتوش میکنند، نمیگذارند افکار عمومی متوجه بشود که همین دولتهای ظاهرالصلاح - مثل فرانسه، مثل انگلیس، مثل دیگران - در باطنشان چقدر شیطنت و شرارت وجود دارد؛ مطبوعاتچی ها بینشان هست، رسانه ای ها بینشان هست؛ مثل تقی زاده. در دوره ی طاغوت، آدمی مثل تقی زاده، به این مضمون گفت که ایران باید از فرق سر تا ناخن پا غربی

بشود؛ یعنی سبک زندگی در ایران باید غربی بشود. امروز هم تقی‌زاده‌های جدید از این حرفها میزنند؛ البتّه به این صراحت نمیگویند اما مضمون حرفشان این است. آنهایی که افکار غربی را، سبک زندگی غربی را، روشهای غربی را، لغات غربی را به طور پیوسته در داخل، در ادبیات ما، در افکار ما، در دانشگاه‌های ما، در مدارس ما تزیق میکنند، پمپاژ میکنند، اینها همین تقی‌زاده‌های جدیدند. آنهایی که پشت سر سند ۲۰۳۰ - سند ۲۰۳۰ یعنی برگرداندن سبک زندگی اسلامی به زندگی غربی - می‌ایستند، همان تقی‌زاده‌های امروز هستند؛ البتّه امروز به توفیق الهی جوانهای مؤمن ما و مردم انقلابی ما نخواهند گذاشت این تقی‌زاده‌ها حرفشان به کرسی بنشیند.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱ فروردین ۱۳۹۸

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42061>

پیوست شماره بیست: علوم غریبه

مطلب اول:

قانون اساسی زندگی انسان و جن چه می گوید؟!

بسته فقهی قانون اساسی زندگی انسان و جن یکی از پنج بسته فقهی علوم غریبه در مدرسه هدایت است؛ که در آن مسائل مهم مربوط به عدم اختلاط در زندگی انسان و جن تشریح می شود. برخی از سرفصل های مهم این بسته فقهی پرکاربرد به شرح زیر است:

سرفصل اول: تبیین ویژگی های جن از منظر آیات و روایات مانند: تبیین ماده ای که جن ها از آن خلق شده اند و ویژگی عدم اطلاع جن از غیب و... (تعریف تفصیلی ۱۰ ویژگی جن)

سرفصل دوم: تبیین ۱۵ عامل اختلاط میان زندگی انسان و جن؛ مانند: عامل غذا، عامل آرایش و زینت، عامل محل زندگی مشترک، عامل زمان های اختلاط، عامل مکان های اختلاط، عامل نظافت، عامل وسوسه و... (سبک زندگی مدرن در ۱۵ بخش به اختلاط زندگی انسان و جن انجامیده است!)

سرفصل سوم: تبیین تفصیلی "حرزهای اسم پایه". برای مواجهه با آسیب های احتمالی جن ها به انسان؛ خصوصاً برای مواجهه با آسیب های بانوان و کودکان از این موضوع؛ اسماء و اذکار و آیاتی مانند قرائت منظم قرآن، مواظب صبحگاه و شامگاه بر ذکر لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و... توصیه شده است. (مجموعاً ۲۰ دعا)

سرفصل چهارم: معرفی تفصیلی "حرزهای شیء پایه" برای مواجهه با آسیب های احتمالی جن ها، استفاده از اشیائی مانند: نگهداری از خروس سفید یا کبوتر، مصرف دائمی سرکه انگوری که در خانه تولید می شود، مصرف سیب در صبحگاه، سکونت در خانه های یک طبقه، عدم نگهداری از سگ در خانه و... توصیه می شود. (مجموعاً ۲۵ شیء)

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین محتوای بسته فقهی قانون اساسی زندگی جن و انسان - چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5609>

مطلب دوم:

درباره علوم غریبه منایا و بلایا

علم منایا و علم بلایا دو نوع از علوم غریبه است؛ که در اختیار معصومین علیهم السلام می باشد. در مباحث علوم غریبه به شرح آیات و روایت این حوزه می پردازیم. (الإمام علي عليه السلام: أَنَا الَّذِي عَلَّمْتُ عِلْمَ الْمَنَايَا وَالْبَلَايَا وَالْقَضَايَا وَفَصَلَ الْخِطَابِ وَالْأَنْسَابَ - مختصر بصائر الدرجات عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام)

علم منایا همان علم به مرگ و انواع آن و تبیین خواسته ها و اعمال مرگ آفرین است. تبیین مراحل بعد از مرگ را هم ملحق به علم منایا تبیین می کنیم!

علم بلایا همان علم به انواع ابتلائات بشر و کارکردهای ادب آفرین و تمحیصیه آنها است. آیات و روایات ساختار ابتلائات را معرفی کرده اند. ملحق به بحث ابتلائات بشر، ساختار "علم امان" را هم تبیین می کنیم. پیوست دوم علم بلایا معرفی ۲۰ ویژگی بهشت - به عنوان یک محیط بی ابتلاء - است.

فقه علوم غریبه یکی از ابواب فقهی مدرسه تمدنی هدایت است و مقدمه قطعی آموزش های علوم غریبه را آشنایی طلاب با مباحث فقه النظام، فقه الخلق و فقه التسبیح می دانیم. به فضل الهی در جلسه ای دیگر برخی از علوم غریبه مانند علم جعفر تبیین می شود.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی محتوای علم منایا و علم بلایا - شنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۱ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4877>

طبقه بندی جدید علوم



اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه در مقایسه با محورهای ۱۷ گانه سند ۲۰۳۰



ما اصرار فراوانی برای تبویب و نظم دادن به اذهان داریم. اهمیت موضوع به این باز می‌گردد که تنها در اینصورت می‌توانید جامعیت دین را شرح و بسط دهید. یا چون طبقه بندی اصلی را دارید، هنگام مواجهه با بعضی از پرسش‌های فرعی، می‌توانید آن سوال را در چهارچوب تبویب اصلی جای گذاری و پاسخ دهید. همین طور می‌شود همه گزاره‌های فرعی شریعت را نیز بحث کرد. این یکی از مسائل عجیب است که چنین موضوعاتی در ادبیات شارع مطرح شده است اما در ادبیات استنباط و تفقه ما یا مثلا در رساله‌های عملیه ما نیامده. الان تبویب رساله‌های ما هم نظام ساز نیست.